



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



طب فریدی

تالیف فریدالدین

مصصح عبدالقادر احمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طب فریدی

نویسنده:

فریدالدین

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات تاریخ پزشکی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲۰	طب فریدی
۲۲۰	مشخصات کتاب
۲۲۰	کتاب طب فریدی و ویژگی‌های آن
۲۲۱	مقدمه
۲۲۱	باب- اول [در علاج درد سر که از گرمی باشد]
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	گل سرخ
۲۲۲	شکوفه مهدی
۲۲۲	خشخاش
۲۲۲	آب کدو
۲۲۲	ساگ خرفه
۲۲۲	مروارید
۲۲۲	کفری
۲۲۲	پوش در بندی
۲۲۲	بیروج
۲۲۲	غبیرا
۲۲۲	اکلیل الهلک
۲۲۳	مامیثا
۲۲۳	غرب
۲۲۳	جفت بلوط
۲۲۳	ساج
۲۲۳	کموننی

- ۲۲۳ روغن بنفشه
- ۲۲۳ قشر
- ۲۲۳ انزروت
- ۲۲۳ شفتالو
- ۲۲۳ بنفشه
- ۲۲۳ کافور
- ۲۲۴ نیلوفر
- ۲۲۴ صندل سفید
- ۲۲۴ برگ انگور
- ۲۲۴ شاه چینی
- ۲۲۴ اسبغول
- ۲۲۴ کشنیز خشک
- ۲۲۴ گشنیز، سبز
- ۲۲۴ بید
- ۲۲۴ طحلب
- ۲۲۵ کتیرا
- ۲۲۵ خنثی
- ۲۲۵ تاج خروس
- ۲۲۵ زعرور
- ۲۲۵ مامیثا
- ۲۲۵ بارتنگ
- ۲۲۵ به
- ۲۲۵ لیمو
- ۲۲۵ تمر هندی

- ۲۲۵ ساگ چونجه
- ۲۲۵ سدی
- ۲۲۶ خطاف
- ۲۲۶ باقلا
- ۲۲۶ خرگوش
- ۲۲۶ خبث الحديد
- ۲۲۶ لفاح
- ۲۲۶ خمیر
- ۲۲۶ افیون
- ۲۲۶ صبر
- ۲۲۶ نشاسته گندم
- ۲۲۶ لبن الجاریه
- ۲۲۷ کاهو
- ۲۲۷ آلو بخارا
- ۲۲۷ کرم
- ۲۲۷ عناب
- ۲۲۷ بهرامج
- ۲۲۷ شمامه
- ۲۲۷ انار ترش
- ۲۲۷ روغن گل
- ۲۲۷ بیضه
- ۲۲۷ عدس
- ۲۲۸ خولان
- ۲۲۸ به

- ۲۲۸ کمون
- ۲۲۸ روغن به
- ۲۲۸ نیل
- ۲۲۸ باب- دوم در علاج درد سری که از سردی باشد
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ ایرسا
- ۲۲۸ غالیه
- ۲۲۸ زیتون
- ۲۲۹ سلیخه
- ۲۲۹ خرنوب شامی
- ۲۲۹ صبر
- ۲۲۹ ماهیران
- ۲۲۹ فرفیون
- ۲۲۹ عنبر
- ۲۲۹ اگر
- ۲۲۹ نرگس
- ۲۲۹ ناردین
- ۲۲۹ محموده
- ۲۳۰ بیخ پنجنگشت
- ۲۳۰ نمام
- ۲۳۰ نعناع
- ۲۳۰ مرزنجوش
- ۲۳۰ آزاد درخت
- ۲۳۰ نسرین

- ۲۳۰ سکینج
- ۲۳۰ سداب
- ۲۳۰ راوند چینی
- ۲۳۰ حندقوقی
- ۲۳۱ قطران
- ۲۳۱ حرف
- ۲۳۱ نوشادر
- ۲۳۱ جند بیدستر
- ۲۳۱ بابونج
- ۲۳۱ خولنجان
- ۲۳۱ مر و نام
- ۲۳۱ اشق
- ۲۳۱ فنا
- ۲۳۱ بندق
- ۲۳۲ فسوش
- ۲۳۲ قصه الحمار
- ۲۳۲ نظرون
- ۲۳۲ زهره بز
- ۲۳۲ غار
- ۲۳۲ بادام تلخ
- ۲۳۲ شعر الانسان
- ۲۳۲ حماما
- ۲۳۲ مومیائی
- ۲۳۲ بعس

- ۲۳۳ بادرنجبویه
- ۲۳۳ بقله یمانیا
- ۲۳۳ کبابه
- ۲۳۳ جوزبوا
- ۲۳۳ اکلیل الملك
- ۲۳۳ حرمل
- ۲۳۳ فلفل
- ۲۳۳ دارچینی
- ۲۳۳ مرارة الضبع
- ۲۳۳ تریاق
- ۲۳۴ هلیج کابلی
- ۲۳۴ شبت
- ۲۳۴ شیخ ارمنی
- ۲۳۴ شونیز
- ۲۳۴ جاوشیر
- ۲۳۴ لاذن
- ۲۳۴ بورق
- ۲۳۴ زنجبیل
- ۲۳۴ اذخر
- ۲۳۵ بلسان
- ۲۳۵ حنظل
- ۲۳۵ شیطرح
- ۲۳۵ قسط
- ۲۳۵ حلتیت

۲۳۵	ارنب
۲۳۵	کرنب
۲۳۵	ظیان
۲۳۵	خری السنور
۲۳۵	خطاف
۲۳۶	مرایر
۲۳۶	سوسن سفید
۲۳۶	انیسون
۲۳۶	یاسمین
۲۳۶	قرنفل
۲۳۶	نانخواه
۲۳۶	نارنج
۲۳۶	زباد
۲۳۶	کندر
۲۳۶	برنجاسف
۲۳۶	خردل
۲۳۷	سلق
۲۳۷	مسلوق
۲۳۷	حمام
۲۳۷	فاوانیه
۲۳۷	قندول
۲۳۷	زرنباد
۲۳۷	اترج
۲۳۷	قافله کبیر

۲۳۷	اللوز المر
۲۳۷	آس
۲۳۸	لبلاب
۲۳۸	نخاله گندم
۲۳۸	سمسم
۲۳۸	انجمشک
۲۳۸	زراوند مدحرج
۲۳۸	کرم بری
۲۳۸	دهن البان
۲۳۸	طلق محلول
۲۳۸	شحم الاوز
۲۳۹	عروق صفر
۲۳۹	عدس
۲۳۹	الورد اليابس
۲۳۹	غاريقون
۲۳۹	سرو
۲۳۹	سنبل الطيب
۲۳۹	شاهسفرم
۲۳۹	خيرى الصفر
۲۳۹	اشق
۲۳۹	صدف المحرق
۲۳۹	راتينج
۲۴۰	قفر اليهود
۲۴۰	رامک

۲۴۰	افتیمون
۲۴۰	علک البطم
۲۴۰	سورنجان
۲۴۰	رعی الحمام
۲۴۰	حب الکلی
۲۴۰	بذر الريحان
۲۴۰	کراث
۲۴۰	سندروس
۲۴۰	واج
۲۴۱	مصطگی
۲۴۱	مرارة الديک
۲۴۱	دهن الناردین
۲۴۱	حنا
۲۴۱	مشمش
۲۴۱	بلوط
۲۴۱	الملح و الجاوس
۲۴۱	خيارشنبر
۲۴۱	افسنتين
۲۴۱	قرومانا
۲۴۲	مرو
۲۴۲	بول الانسان
۲۴۲	قطر
۲۴۲	ثوم
۲۴۲	اسطوخودوس

- ۲۴۲ فجل
- ۲۴۲ شیر املج
- ۲۴۲ مسک
- ۲۴۲ اشنان اخضر
- ۲۴۲ سنامکی
- ۲۴۲ راسن
- ۲۴۳ شراب ریحانی
- ۲۴۳ خلد
- ۲۴۳ باب سیوم در علاج صداع که حادث شود از گرمی آفتاب
- ۲۴۳ سمس
- ۲۴۳ بقله یمانیه
- ۲۴۳ اندربار
- ۲۴۳ فلوموس
- ۲۴۳ بزرقطونا
- ۲۴۳ بقله الحمقا
- ۲۴۳ دهن الورد
- ۲۴۳ سفرجل
- ۲۴۴ مامیثا
- ۲۴۴ زهر الحنا
- ۲۴۴ اللوز الحلو
- ۲۴۴ حی العالم
- ۲۴۴ قنطوریون
- ۲۴۴ فوفل
- ۲۴۴ خشخاش

- الأدویة النافعة بالخاصیة ۲۴۴
- مرجان ۲۴۴
- یشب [۳] ۲۴۴
- حجر الحیه ۲۴۵
- فوه الصبغ ۲۴۵
- رخمه ۲۴۵
- رعاد ۲۴۵
- حجر السیج ۲۴۵
- سداب ۲۴۵
- فصل فی الادویة المصدعة ۲۴۵
- اظفار الطیب ۲۴۵
- مر ۲۴۵
- قنب ۲۴۵
- کندر ۲۴۵
- کبر ۲۴۶
- کرات الشامی و النبیطی و المصری ۲۴۶
- خردل ۲۴۶
- ترنجان ۲۴۶
- شبت ۲۴۶
- فرنجمشک ۲۴۶
- شراب العنب العتیق ۲۴۶
- کرسنه ۲۴۶
- ثوم ۲۴۶
- مر ۲۴۶

- ۲۴۶ بصل
- ۲۴۷ تمر
- ۲۴۷ زعفران
- ۲۴۷ جرجیر
- ۲۴۷ خیری
- ۲۴۷ التوت الحلو
- ۲۴۷ عوسج
- ۲۴۷ صنوبر
- ۲۴۷ کماة
- ۲۴۷ حلبه مطبوخ
- ۲۴۷ جعده جبلیه
- ۲۴۷ میفختج
- ۲۴۸ بزر الکتان
- ۲۴۸ حب القلقل
- ۲۴۸ باب- چهارم در علاج درد نیم سر یعنی شقیقه
- ۲۴۸ بیض النمل
- ۲۴۸ دهن النار دین
- ۲۴۸ باز
- ۲۴۸ مرزنجوش
- ۲۴۸ بسباسه
- ۲۴۸ وسخ الاذن من الانسان
- ۲۴۸ جوز
- ۲۴۸ مومیائی
- ۲۴۹ شونیز

۲۴۹	شیخ ارمنی
۲۴۹	غار
۲۴۹	راسن
۲۴۹	ریشه
۲۴۹	رخمه
۲۴۹	قندول
۲۴۹	کبابه
۲۴۹	خربق اسود
۲۴۹	زعفران
۲۵۰	خولنجان
۲۵۰	خرنوب نبطی
۲۵۰	خوخ
۲۵۰	اذخر
۲۵۰	مقل ازرق
۲۵۰	حنظل
۲۵۰	عنبر
۲۵۰	مسک
۲۵۰	فرقیون و جندیستر
۲۵۰	الطیب العتیق
۲۵۱	ثوم
۲۵۱	جوز السرو
۲۵۱	اشق
۲۵۱	زنجبیل
۲۵۱	زر اوند مدحرج

۲۵۱	سداب
۲۵۱	زر اوند طویل
۲۵۱	قطن
۲۵۱	خیارشنبیر
۲۵۱	راوند
۲۵۱	یاسمین
۲۵۲	جوزبوا
۲۵۲	حنا
۲۵۲	لوز مر
۲۵۲	تمر هندی
۲۵۲	اشنان
۲۵۲	شبت
۲۵۲	اکلیل الملك
۲۵۲	ظیان
۲۵۲	بوم
۲۵۲	حب البلسان
۲۵۳	رازینج
۲۵۳	حندقوقی
۲۵۳	ایرسا
۲۵۳	رامک
۲۵۳	خسک
۲۵۳	خطمی
۲۵۳	شعر الانسان
۲۵۳	حرف

- ۲۵۳ ریته
- ۲۵۳ لولو
- ۲۵۳ کزبره خضرا
- ۲۵۴ نسرين
- ۲۵۴ نیلوفر
- ۲۵۴ املج
- ۲۵۴ غاشرا
- ۲۵۴ خرنوب شامی
- ۲۵۴ شاهسفرم
- ۲۵۴ مشمش
- ۲۵۴ خردل
- ۲۵۴ مرارة المعز
- ۲۵۴ مشمش
- ۲۵۵ يتوع
- ۲۵۵ ناردين
- ۲۵۵ فستق
- ۲۵۵ شراب العتيق
- ۲۵۵ مر
- ۲۵۵ سندروس
- ۲۵۵ سلق
- ۲۵۵ محموده
- ۲۵۵ نمام
- ۲۵۵ اوز
- ۲۵۶ اهلیج کابلی

- ۲۵۶ مامیران چینی
- ۲۵۶ تریاق فاروق
- ۲۵۶ بنج
- ۲۵۶ لحم البقر
- ۲۵۶ دقیق الحنطه
- ۲۵۶ سمس
- ۲۵۶ طرفا
- ۲۵۶ نرجس
- ۲۵۶ بابونج
- ۲۵۷ خیری
- ۲۵۷ قصب
- ۲۵۷ الزریره
- ۲۵۷ اترج
- ۲۵۷ سنبل
- ۲۵۷ کرم
- ۲۵۷ زرنباد
- ۲۵۷ کبریت
- ۲۵۷ ضبع
- ۲۵۷ مداد الکتاب
- ۲۵۷ خل
- ۲۵۸ عفس
- ۲۵۸ زیت
- ۲۵۸ باب- پنجم در علاج سدر و دوار
- ۲۵۸ عنصل

- ۲۵۸ زرا و ندمد حرج
- ۲۵۸ حب البلسان
- ۲۵۸ کزبره یالبسه
- ۲۵۸ راوند
- ۲۵۸ مومیائی
- ۲۵۹ شاهسفرم
- ۲۵۹ بهمن ابیض
- ۲۵۹ انیسون
- ۲۵۹ دهن البلسان
- ۲۵۹ زبل الحمام
- ۲۵۹ فاشرا
- ۲۵۹ حرف
- ۲۵۹ قنه
- ۲۵۹ ریطه
- ۲۵۹ عود البلسان
- ۲۵۹ تمر هندی
- ۲۶۰ خولنجان
- ۲۶۰ مشمس
- ۲۶۰ لیمون
- ۲۶۰ هلیج اصفر
- ۲۶۰ هلیج کابلی
- ۲۶۰ غاریقون
- ۲۶۰ قنطوریون
- ۲۶۰ عاقرقرا

۲۶۰	جندبیدستر
۲۶۰	شونیز
۲۶۰	مشک
۲۶۱	مرزنجوش
۲۶۱	خردل
۲۶۱	حنظل
۲۶۱	بنفسج
۲۶۱	نیلوفر
۲۶۱	صبر
۲۶۱	جلنار
۲۶۱	اقاقیا
۲۶۱	صبر و عفص
۲۶۱	کندش
۲۶۱	عطسا
۲۶۲	بقلة الحمقا
۲۶۲	لفل
۲۶۲	ایارج فیکرا
۲۶۲	بابونج
۲۶۲	اکلیل الملک
۲۶۲	صعتر
۲۶۲	شیخ الجبلی
۲۶۲	قیصوم
۲۶۲	غار
۲۶۲	مامیثا

- ۲۶۳ دارفلفل
- ۲۶۳ سکبینج
- ۲۶۳ خل
- ۲۶۳ آس
- ۲۶۳ حماما
- ۲۶۳ دهن الخل
- ۲۶۳ شبت
- ۲۶۳ برنجاسف
- ۲۶۳ مصطکی
- ۲۶۳ عود البخور
- ۲۶۴ عدس
- ۲۶۴ افسنتین
- ۲۶۴ شابانک
- ۲۶۴ اسطوخودوس
- ۲۶۴ اترج
- ۲۶۴ جعهده
- ۲۶۴ جنطیانه
- ۲۶۴ خولان
- ۲۶۴ هلتیت
- ۲۶۴ باب- ششم در علاج سبات
- ۲۶۴ خل
- ۲۶۵ چندیدستر
- ۲۶۵ حاشا
- ۲۶۵ فودنج

- ۲۶۵ فلفل
- ۲۶۵ شونیز
- ۲۶۵ حمام
- ۲۶۵ نمام بیخ
- ۲۶۵ نظرون
- ۲۶۵ انجره
- ۲۶۵ ملح
- ۲۶۶ جاورس
- ۲۶۶ خردل
- ۲۶۶ ایارج
- ۲۶۶ حمص احمر
- ۲۶۶ لبن البلسان
- ۲۶۶ جاوشیر
- ۲۶۶ باب- هفتم در علاج جمود
- ۲۶۶ بابونج
- ۲۶۶ شبت
- ۲۶۶ اکلیل الملك
- ۲۶۶ زنبق
- ۲۶۷ افتمون
- ۲۶۷ غاریفون
- ۲۶۷ حمام
- ۲۶۷ اهلیج
- ۲۶۷ حنظل
- ۲۶۷ سلیخه

- ۲۶۷ حاشا
- ۲۶۷ دفلی
- ۲۶۷ سنبل
- ۲۶۷ اسطوخودوس
- ۲۶۷ مرزنجوش
- ۲۶۸ سنامکی
- ۲۶۸ زنجبیل
- ۲۶۸ برنج و اکلیل الملک
- ۲۶۸ باب- هشتم در علاج سبات سهری
- ۲۶۸ اشاره
- ۲۶۸ نمام
- ۲۶۸ قسط
- ۲۶۸ خردل
- ۲۶۸ نسرين [۴]
- ۲۶۸ فوتنج
- ۲۶۹ حاشا
- ۲۶۹ قرنفل
- ۲۶۹ تین
- ۲۶۹ شونیز
- ۲۶۹ سنا
- ۲۶۹ مویزک
- ۲۶۹ چندیدستر
- ۲۶۹ صعتر
- ۲۶۹ فوتنج

۲۶۹	نظرون
۲۷۰	عاقرقرحا
۲۷۰	عنصل
۲۷۰	ایارج لوغادیا
۲۷۰	کندش
۲۷۰	حنظل
۲۷۰	لوز حلو
۲۷۰	حاشا
۲۷۰	جاورس
۲۷۰	صبر
۲۷۰	قسط
۲۷۱	ایارج فیقرا
۲۷۱	بابونج
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	پنجنکشت
۲۷۱	لفل ابيض
۲۷۱	باب- نهم در علاج سهر خشخاش
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	نیلوفر
۲۷۱	شعیر
۲۷۱	خس
۲۷۲	کزبره خضراء
۲۷۲	لبن الماعز
۲۷۲	صبر

۲۷۲	باقلا
۲۷۲	زعفران
۲۷۲	سنه
۲۷۲	اقحوان
۲۷۲	مرماحور
۲۷۲	شبت
۲۷۳	لقاح
۲۷۳	افیون
۲۷۳	میعه
۲۷۳	تفاحه منوم
۲۷۳	میعه
۲۷۳	قرن المعز
۲۷۳	قرن العزا البیضا
۲۷۳	حماما
۲۷۳	شاهسفرم
۲۷۳	شقایق النعمان
۲۷۴	ارشا
۲۷۴	ورد
۲۷۴	اذخر
۲۷۴	ابن عرس
۲۷۴	خیار
۲۷۴	تفاح
۲۷۴	قرع
۲۷۴	لوز حلو

- ۲۷۴ کرنب
- ۲۷۵ دارچینی
- ۲۷۵ مرزنجوش
- ۲۷۵ صفر
- ۲۷۵ بیروج
- ۲۷۵ بنفسج
- ۲۷۵ دستنبویه
- ۲۷۵ تفاحه
- ۲۷۵ جوز مائل
- ۲۷۵ زهره اقحوان صمغ عربی
- ۲۷۵ سلم
- ۲۷۵ لازورد
- ۲۷۶ الخبز الحواری
- ۲۷۶ عنب الثعلب
- ۲۷۶ کاکنج
- ۲۷۶ جوزبویا
- ۲۷۶ زهر الحنا
- ۲۷۶ شراب
- ۲۷۶ تعلیق
- ۲۷۶ صبر
- ۲۷۶ دارشیشعان
- ۲۷۶ حلبه
- ۲۷۷ أرز
- ۲۷۷ زمرد

- ۲۷۷ تفاحه
- ۲۷۷ مر
- ۲۷۷ افیون
- ۲۷۷ زعفران
- ۲۷۷ مامیسا
- ۲۷۷ اصل الیبروج
- ۲۷۷ اشنه
- ۲۷۷ تودری
- ۲۷۷ تفاحه اخرى
- ۲۷۷ تفاحه اخرى
- ۲۷۷ بزر السوسن
- ۲۷۸ تفاحه اخرى
- ۲۷۸ نبات البنج
- ۲۷۸ فصل در ادویه مانع نوم ردیه
- ۲۷۸ شب یمانی
- ۲۷۸ بلور
- ۲۷۸ بقله الحمقا
- ۲۷۸ ذهب
- ۲۷۸ حمار
- ۲۷۸ ذئب
- ۲۷۸ حجر الزجاج
- ۲۷۹ عاقرقرا
- ۲۷۹ کافور
- ۲۷۹ ذئب

۲۷۹	سرطان
۲۷۹	فاخته
۲۷۹	بلبل
۲۷۹	خفاش
۲۷۹	غراب
۲۷۹	جوز
۲۷۹	فصل در دواهایی که خواب‌هایی ردیه در خواب پیدا کند
۲۷۹	کراث
۲۸۰	لوبیای مسلوق
۲۸۰	باقلا
۲۸۰	شراب
۲۸۰	قنبیط
۲۸۰	باب- دهم در علاج سرسام
۲۸۰	اشاره
۲۸۰	اکلیل الملک
۲۸۰	شعیر
۲۸۰	بابونج
۲۸۰	نیلوفر
۲۸۰	بابونج
۲۸۱	خس
۲۸۱	خشخاش
۲۸۱	اسفناخ
۲۸۱	خطمی
۲۸۱	حی العالم

۲۸۱	فاشرا
۲۸۱	خبز الحواری
۲۸۱	لبن النساء
۲۸۱	زبد
۲۸۱	افیون
۲۸۱	ورد
۲۸۲	بطیخ اصفر
۲۸۲	علیق
۲۸۲	بندق
۲۸۲	سویق الشعیر
۲۸۲	طحلب
۲۸۲	زعفران
۲۸۲	خوخ
۲۸۲	عنب الثعلب
۲۸۲	سمسم
۲۸۲	باب- یازدهم در علاج نسیان
۲۸۳	هللیج کابلی
۲۸۳	جوز السرو
۲۸۳	زعفران
۲۸۳	تین
۲۸۳	جندبیدستر
۲۸۳	اسارون
۲۸۳	ایرسا
۲۸۳	لفل اسود

۲۸۳	هدهد
۲۸۳	جعدہ کوهی
۲۸۴	قرن الماعز
۲۸۴	کرکی
۲۸۴	فرفیون
۲۸۴	زیت
۲۸۴	نطرون
۲۸۴	ضرو
۲۸۴	طیهوج
۲۸۴	شفانیز
۲۸۴	مسک
۲۸۴	جوزبوا
۲۸۴	حب البلسان
۲۸۵	جاوشیر
۲۸۵	شعر الانسان
۲۸۵	بلادر
۲۸۵	سداب
۲۸۵	راوند
۲۸۵	ضبع
۲۸۵	بقله یمانیہ
۲۸۵	بقلة الحمقا
۲۸۵	خبازی
۲۸۵	خفاش
۲۸۶	ضان

۲۸۶	وج
۲۸۶	کندر
۲۸۶	خردل
۲۸۶	عاج
۲۸۶	نسرین
۲۸۶	حجل
۲۸۶	نارجیل
۲۸۶	کندر
۲۸۶	صمغ عربی
۲۸۷	بهمن احمر
۲۸۷	نمام
۲۸۷	اوز
۲۸۷	اسطوخودوس
۲۸۷	اکلیل الملک
۲۸۷	حرف
۲۸۷	انجدان
۲۸۷	بادرنجبویه
۲۸۷	لفل ابیض
۲۸۷	زنجبیل
۲۸۷	فقاح اذخر
۲۸۸	شیراملج
۲۸۸	بندق
۲۸۸	دارچینی
۲۸۸	املج

۲۸۸	میعه
۲۸۸	زیب
۲۸۸	زیب از خسته
۲۸۸	ذئب
۲۸۸	دجاج
۲۸۸	سوسن ابیض
۲۸۸	لوز الحلو
۲۸۹	حماما
۲۸۹	هللیج هندی
۲۸۹	دهن الاجر
۲۸۹	کبش
۲۸۹	ایارج فیکرا
۲۸۹	بقر
۲۸۹	ثوم
۲۸۹	قرن المعز
۲۸۹	دهن الخردل
۲۸۹	حاشا
۲۹۰	کبریت
۲۹۰	سرو
۲۹۰	فوتنج
۲۹۰	ضب
۲۹۰	سنبل
۲۹۰	ناردین
۲۹۰	سعد

۲۹۰	سمن البقر
۲۹۰	ثعلب
۲۹۰	فجل
۲۹۰	عشبه
۲۹۱	حلبه
۲۹۱	دارفلل
۲۹۱	حمص احمر
۲۹۱	فصل
۲۹۱	برنجاسف
۲۹۱	بادروج
۲۹۱	کزبره خضرا
۲۹۱	لوبیا
۲۹۱	باقلا
۲۹۱	خمر
۲۹۲	خس
۲۹۲	خشخاش
۲۹۲	باب- دوازدهم در علاج مالیخولیا
۲۹۲	لسان الثور
۲۹۲	اصل لسان الثور المحرق
۲۹۲	ریتة
۲۹۲	لازورد
۲۹۲	بادرنجبویه
۲۹۲	افتیمون
۲۹۲	بزرقطونا

- ۲۹۲ دجاج
- ۲۹۳ بسفایج
- ۲۹۳ صعتر
- ۲۹۳ فرنجمشک
- ۲۹۳ رمان
- ۲۹۳ درونج
- ۲۹۳ دراج
- ۲۹۳ خشخاش
- ۲۹۳ سرمق
- ۲۹۳ قرع
- ۲۹۳ هلیج اسود
- ۲۹۴ حجر ارمنی
- ۲۹۴ دواء المسک الحلو
- ۲۹۴ نیلوفر
- ۲۹۴ بنفسج
- ۲۹۴ حلیب الماعز
- ۲۹۴ هندبا
- ۲۹۴ خس
- ۲۹۴ صبر
- ۲۹۴ الشراب الریحانی المقطر الحلو
- ۲۹۴ حنظل
- ۲۹۵ دم الاخوین
- ۲۹۵ سلت
- ۲۹۵ ماء الجبن

۲۹۵	مسک
۲۹۵	دخن
۲۹۵	جدی
۲۹۵	طیهوج
۲۹۵	دراج
۲۹۵	حمل
۲۹۵	تریاق فاروق
۲۹۵	سکنجبین السکری
۲۹۶	افسنین
۲۹۶	اقحوان الیابس
۲۹۶	حاشا
۲۹۶	فرنجمشک
۲۹۶	سوسن
۲۹۶	لوز
۲۹۶	بندق
۲۹۶	سمک الصیداء
۲۹۶	سرطان
۲۹۶	قطف
۲۹۶	خیازی
۲۹۷	قصب السكر
۲۹۷	بیض الدجاج
۲۹۷	حی العالم گرماگرم
۲۹۷	فراریج
۲۹۷	دهن حب القرع

۲۹۷	حب البلسان
۲۹۷	خریق اسود
۲۹۷	عود
۲۹۷	سمسم
۲۹۷	مصطکی
۲۹۸	کرم بیضاء
۲۹۸	آملج
۲۹۸	اترج
۲۹۸	باب- سیزدهم در علاج صرع
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	شراب
۲۹۸	دیک
۲۹۸	قطران
۲۹۸	کزبره
۲۹۸	سداب
۲۹۸	فاوانیا
۲۹۹	سلحفات نهری
۲۹۹	بلادر
۲۹۹	مرارة البقر
۲۹۹	حجل
۲۹۹	ریتة
۲۹۹	حمار الوحش
۲۹۹	ثعلب
۲۹۹	کلب اسود

۲۹۹	قیصوم مدقوق
۳۰۰	ابن عرس
۳۰۰	حمار اهلی
۳۰۰	اسطوخودوس
۳۰۰	ذیب
۳۰۰	جوز رومی
۳۰۰	زبد ركب فرس
۳۰۰	قنه
۳۰۰	غاریقون
۳۰۰	سکبینج
۳۰۰	فاشرا
۳۰۱	کرمه بیض
۳۰۱	گربه سودا
۳۰۱	عنصل
۳۰۱	فاوانیا
۳۰۱	قرومانا
۳۰۱	حمل
۳۰۱	غالیه
۳۰۱	لاذن
۳۰۱	مرارة الضب
۳۰۲	اسطوخودوس
۳۰۲	حندقوقی
۳۰۲	اذن الفارة
۳۰۲	تریاق فاروق

- ۳۰۲ زراوند
- ۳۰۲ زبرجد
- ۳۰۲ حلتیت
- ۳۰۲ خربق ابیض
- ۳۰۲ مشک
- ۳۰۲ اقحوان
- ۳۰۳ قافله کبری
- ۳۰۳ قافله صغری
- ۳۰۳ کبریت
- ۳۰۳ لسان الحمل
- ۳۰۳ الآس البری
- ۳۰۳ نسر
- ۳۰۳ ضبّ
- ۳۰۳ سقنقور
- ۳۰۳ قسطس
- ۳۰۳ یاسمین
- ۳۰۳ سلحفاة
- ۳۰۴ هدهد
- ۳۰۴ چندبیدستر
- ۳۰۴ کزبره خضراء
- ۳۰۴ سلوی
- ۳۰۴ حنا
- ۳۰۴ تین
- ۳۰۴ ذهب خالص

- شیطرح ۳۰۴
- خبیطیانا ۳۰۴
- غافث عراقی ۳۰۵
- بادروج ۳۰۵
- دارشیشعان ۳۰۵
- دزاج ۳۰۵
- ایرسا ۳۰۵
- زنجبیل ۳۰۵
- فلفل ۳۰۵
- فرفیون ۳۰۵
- غزال ۳۰۵
- نوشادر ۳۰۵
- قثاء الحمار ۳۰۵
- کبر ۳۰۶
- سمک المالح ۳۰۶
- سکنجبین العسلی ۳۰۶
- مرارة الطیور ۳۰۶
- میعه سایله ۳۰۶
- نیز ۳۰۶
- مشک ۳۰۶
- جزر ۳۰۶
- برنج کابلی ۳۰۶
- کماذریوس ۳۰۶
- اشق ۳۰۶

- ۳۰۷ شیخ ارمنی
- ۳۰۷ اشاره
- ۳۰۷ پنجنگشت
- ۳۰۷ سلحفات النهریه
- ۳۰۷ غالیه
- ۳۰۷ حمت
- ۳۰۷ دهنج
- ۳۰۷ بادزهر المعدنی
- ۳۰۷ عود الاراک
- ۳۰۷ لک
- ۳۰۸ راوند چینی
- ۳۰۸ خولنجان
- ۳۰۸ مارقشیشا ذهبی
- ۳۰۸ شاهسفرم
- ۳۰۸ ماعز
- ۳۰۸ یشم
- ۳۰۸ حماما
- ۳۰۸ خبث الحديد
- ۳۰۸ خربق اسود
- ۳۰۸ غار
- ۳۰۸ دهن الاذخر
- ۳۰۹ حرمل
- ۳۰۹ سمانی
- ۳۰۹ مومیائی

- ضأن ۳۰۹
- بادروج ۳۰۹
- اصابع صفر ۳۰۹
- اشنه ۳۰۹
- جاوشیر ۳۰۹
- اسد ۳۰۹
- خصیة الثعلب الكبير ۳۰۹
- وج ۳۱۰
- س؟؟؟ ۳۱۰
- عاقرقرحا ۳۱۰
- اظفار الطیب ۳۱۰
- جلد ۳۱۰
- افسنتین ۳۱۰
- هللیج کابلی ۳۱۰
- شعر الانسان ۳۱۰
- مرارة الضبع ۳۱۰
- افتیمون ۳۱۰
- لبن البلسان ۳۱۱
- عود البلسان ۳۱۱
- حب البلسان ۳۱۱
- جدی ۳۱۱
- فوه ۳۱۱
- یبروج ۳۱۱
- حجر العتیق ۳۱۱

- دهن حب الفاوانه ۳۱۱
- انفحه ۳۱۱
- برنوف ۳۱۱
- حجر الجرح ۳۱۱
- جعدده ۳۱۲
- حب الصنوبر الصغار ۳۱۲
- کاشم ۳۱۲
- قفر الیهود ۳۱۲
- زبد البحر ۳۱۲
- کبریت ۳۱۲
- سلیخه ۳۱۲
- حجر غاغاتیس ۳۱۲
- حجر الماس ۳۱۲
- یاقوت ۳۱۲
- باب- چهاردهم در علاج سکنه ۳۱۲
- کندش ۳۱۳
- خریق ابیض ۳۱۳
- مسک ۳۱۳
- فلفل ۳۱۳
- شونیز ۳۱۳
- خردل ۳۱۳
- جندیب دستر ۳۱۳
- سکینج ۳۱۳
- سنبل هندی ۳۱۳

- ۳۱۳ کرم
- ۳۱۳ اسقولوقندریون
- ۳۱۴ قرنفل
- ۳۱۴ جوزبویه
- ۳۱۴ شعر الانسان
- ۳۱۴ فنه
- ۳۱۴ فوتنج
- ۳۱۴ نانخواه
- ۳۱۴ مرارة الثور
- ۳۱۴ غسل
- ۳۱۴ فروج
- ۳۱۴ دراج
- ۳۱۵ حمام
- ۳۱۵ کبریت
- ۳۱۵ فرفیون
- ۳۱۵ حنظل
- ۳۱۵ حرشف
- ۳۱۵ انیسون
- ۳۱۵ مصطکی
- ۳۱۵ خروج
- ۳۱۵ عاقرقرحا
- ۳۱۵ حمص احمر
- ۳۱۶ شبت
- ۳۱۶ ارمنی

- ۳۱۶ مرزنجوش
- ۳۱۶ اترج
- ۳۱۶ صعتر
- ۳۱۶ برنجاسف
- ۳۱۶ فوتنج
- ۳۱۶ اکلیل الملك
- ۳۱۶ سداب
- ۳۱۶ حاشا
- ۳۱۶ سجرنیا
- ۳۱۷ قنطوریون دقیق
- ۳۱۷ غافث
- ۳۱۷ حرشف
- ۳۱۷ ایارج فیکرا [۶]
- ۳۱۷ انقردیا
- ۳۱۷ حلتیت
- ۳۱۷ میعه سایله
- ۳۱۷ مقل ازرق
- ۳۱۷ غار
- ۳۱۸ ماء البحر
- ۳۱۸ خل العنصل
- ۳۱۸ ایرسا
- ۳۱۸ مشک
- ۳۱۸ جاوشیر
- ۳۱۸ قندول

- ۳۱۸ حرمل
- ۳۱۸ اظفار الطیب
- ۳۱۸ افسنتین
- ۳۱۸ غالیه
- ۳۱۸ حمام
- ۳۱۹ خل
- ۳۱۹ سلق
- ۳۱۹ حلاب
- ۳۱۹ جنطیانا
- ۳۱۹ لبن البلسان
- ۳۱۹ دفلی
- ۳۱۹ یشم
- ۳۱۹ خرقه اصفر
- ۳۱۹ سنبل
- ۳۱۹ دهن القسط
- ۳۲۰ باب- پانزدهم در علاج فالج
- ۳۲۰ اشاره
- ۳۲۰ اذخر
- ۳۲۰ بهمن ابیض:
- ۳۲۰ مازریون
- ۳۲۰ مومیائی
- ۳۲۰ ارنب
- ۳۲۰ لبن البلسان
- ۳۲۰ عاقرقرا

- جندبیدستر ۳۲۰
- بلادر ۳۲۰
- خصیة الثعلب ۳۲۱
- حلتیت ۳۲۱
- حلتیت ۳۲۱
- شبت ۳۲۱
- نفت - ابيض ۳۲۱
- حب القطن ۳۲۱
- بطم ۳۲۱
- شیطرح ۳۲۱
- شقاقل ۳۲۱
- حنظل ۳۲۱
- حنظل ۳۲۲
- سکبینج ۳۲۲
- ناردین ۳۲۲
- عنصل ۳۲۲
- زنجبیل ۳۲۲
- زرنباد ۳۲۲
- زوفا ۳۲۲
- دارفلفل ۳۲۲
- درونج ۳۲۲
- کمون ۳۲۲
- فاشر ۳۲۲
- کلب الماء ۳۲۳

- ۳۲۳ قسط
- ۳۲۳ قثاء الحمار
- ۳۲۳ لك
- ۳۲۳ دبق
- ۳۲۳ راسن
- ۳۲۳ سنبل
- ۳۲۳ سقنقور
- ۳۲۳ قنفذ
- ۳۲۳ خربق اسود
- ۳۲۴ ثوم بریی
- ۳۲۴ ثوم
- ۳۲۴ بسباسه
- ۳۲۴ ایرسا
- ۳۲۴ فراسیون
- ۳۲۴ جوزبوا
- ۳۲۴ شیطرح
- ۳۲۴ شونیز
- ۳۲۴ خصیة الثعلب
- ۳۲۴ زراوند مدحرج
- ۳۲۴ دارچینی
- ۳۲۵ صمغ السداب
- ۳۲۵ مسک
- ۳۲۵ غاریقون
- ۳۲۵ فرفیون

۳۲۵	جاوشیر
۳۲۵	مرزنجوش
۳۲۵	اترج
۳۲۵	فوتنج
۳۲۵	غزال
۳۲۵	دوقو
۳۲۵	حرمل
۳۲۶	طالیسفر
۳۲۶	وطواط
۳۲۶	ریشه
۳۲۶	عنبر
۳۲۶	یاسمین
۳۲۶	صنوبر کبار
۳۲۶	عود القرح
۳۲۶	مویزج
۳۲۶	سرو
۳۲۶	قند
۳۲۷	لوز
۳۲۷	دهن الحنا
۳۲۷	قرومانا
۳۲۷	بندق
۳۲۷	کرم اسود
۳۲۷	حمام
۳۲۷	هلیون

۳۲۷	شحم القاوند
۳۲۷	ابهل
۳۲۷	صدف سوخته
۳۲۸	اشق
۳۲۸	دارشیشعان
۳۲۸	کرفس
۳۲۸	زقوم
۳۲۸	بان
۳۲۸	نسرین
۳۲۸	حمص اسود
۳۲۸	فلفل
۳۲۸	رماد
۳۲۸	رماد خشب التین
۳۲۸	فوه الصبغ
۳۲۹	وج
۳۲۹	شابانک
۳۲۹	خروج
۳۲۹	کندش
۳۲۹	سندروس
۳۲۹	قندول
۳۲۹	عود البخور
۳۲۹	فلنجه
۳۲۹	نرجس
۳۲۹	زیتون

- ۳۳۰ علك البطم
- ۳۳۰ کبر
- ۳۳۰ حمحم
- ۳۳۰ فاخته
- ۳۳۰ اسقولوقندريون
- ۳۳۰ فجل
- ۳۳۰ ماء البحر
- ۳۳۰ بورق
- ۳۳۰ علك البطم
- ۳۳۰ جنطيانا
- ۳۳۰ شجره النبق
- ۳۳۱ سوسن
- ۳۳۱ شحم الثور
- ۳۳۱ مرو
- ۳۳۱ نارجيل
- ۳۳۱ سکنجبین العنصلی
- ۳۳۱ بخور مریم
- ۳۳۱ وسمه
- ۳۳۱ الماء الصافی
- ۳۳۱ باب- شانزدهم در علاج لقوه
- ۳۳۱ جندبیدستر
- ۳۳۱ عود القرچ
- ۳۳۲ یاسمین
- ۳۳۲ سکیننج

۳۳۲	علک البطم
۳۳۲	دهن اللوز المر
۳۳۲	قندول
۳۳۲	کرکی
۳۳۲	جوز
۳۳۲	اذان الفار
۳۳۲	فرفیون
۳۳۳	قردمانا
۳۳۳	عاقرقرحا
۳۳۳	مرزنجوش
۳۳۳	صعتر
۳۳۳	فوتنج
۳۳۳	افسننتین
۳۳۳	زنجبیل
۳۳۳	جوزبوا
۳۳۳	وچ
۳۳۳	مویزج
۳۳۴	نشادر
۳۳۴	بورق
۳۳۴	شونیز
۳۳۴	زنبق
۳۳۴	صمغ السرو
۳۳۴	راتینج
۳۳۴	طرفا

- ۳۳۴ ماذریون
- ۳۳۴ سهمانج
- ۳۳۴ فلنجه
- ۳۳۵ فجل
- ۳۳۵ خردل
- ۳۳۵ حنظل
- ۳۳۵ مومیائی
- ۳۳۵ عنبر
- ۳۳۵ فاشرا
- ۳۳۵ ریحان سلیمان
- ۳۳۵ خروج
- ۳۳۵ بلادر
- ۳۳۵ ظیان
- ۳۳۶ غالیه
- ۳۳۶ ارنب
- ۳۳۶ ضبع
- ۳۳۶ ثعلب
- ۳۳۶ ابهل
- ۳۳۶ وعل
- ۳۳۶ عسل
- ۳۳۶ مقل
- ۳۳۶ غار
- ۳۳۶ شیخ
- ۳۳۶ قيصوم

- ۳۳۷ حرمل
- ۳۳۷ حمص اسود
- ۳۳۷ اثل
- ۳۳۷ باشق
- ۳۳۷ قثاء الحمار
- ۳۳۷ سلق
- ۳۳۷ عرطیشا
- ۳۳۷ هدهد
- ۳۳۷ سنور
- ۳۳۷ سداب
- ۳۳۷ جوز
- ۳۳۸ لبن البلسان
- ۳۳۸ سنبل
- ۳۳۸ طالیسفر
- ۳۳۸ زرنباد
- ۳۳۸ شفاقل
- ۳۳۸ نفظ ابیض
- ۳۳۸ ناردین
- ۳۳۸ فراسیون
- ۳۳۸ قنفذ
- ۳۳۹ ثعلب
- ۳۳۹ لک
- ۳۳۹ قرطم
- ۳۳۹ ثوم

- الثوم البری ۳۳۹
- کرفس ۳۳۹
- جلنجبین ۳۳۹
- مرماحوز ۳۳۹
- هليله ۳۳۹
- ایارج فیکرا ۳۳۹
- بابونج ۳۳۹
- اکلیل الملک ۳۴۰
- نمام ۳۴۰
- بطم ۳۴۰
- سلق ۳۴۰
- شبانک ۳۴۰
- دهن القسط ۳۴۰
- دهن البان ۳۴۰
- لوز ۳۴۰
- کندش ۳۴۰
- عرتنیشا ۳۴۰
- خریق ابیض ۳۴۰
- قطران ۳۴۱
- حمار الوحش ۳۴۱
- عذبه [۷] ۳۴۱
- سوسن اصفر ۳۴۱
- اقحوان ۳۴۱
- سرو ۳۴۱

- ۳۴۱ جاوشیر
- ۳۴۱ سقنقور
- ۳۴۱ فلفل ابيض
- ۳۴۲ اذخر
- ۳۴۲ املج
- ۳۴۲ افييمون
- ۳۴۲ افعى
- ۳۴۲ حلتيت
- ۳۴۲ تربد
- ۳۴۲ كمون
- ۳۴۲ بازى
- ۳۴۲ بندق
- ۳۴۲ دهن الاجر
- ۳۴۲ دارچينى
- ۳۴۳ بوم
- ۳۴۳ حاشا
- ۳۴۳ كرمدانه
- ۳۴۳ زراوند مدحرج
- ۳۴۳ سكبينج
- ۳۴۳ باب هفدهم در علاج تشنج افييمون
- ۳۴۳ ايرسا
- ۳۴۳ بزر الكتان
- ۳۴۳ دهن البان
- ۳۴۳ خطمى

- ۳۴۴ انزروت
- ۳۴۴ کماذریوس
- ۳۴۴ زوفای رطب
- ۳۴۴ فجل
- ۳۴۴ قنقد
- ۳۴۴ دلدل
- ۳۴۴ قنه
- ۳۴۴ ایل
- ۳۴۴ لوز مر
- ۳۴۴ ماعز
- ۳۴۵ سمس
- ۳۴۵ پنچنگشت
- ۳۴۵ بخور مریم
- ۳۴۵ جوز
- ۳۴۵ مرزنجوش
- ۳۴۵ جنطیانه
- ۳۴۵ انجره
- ۳۴۵ بابونج
- ۳۴۵ عود بلسان
- ۳۴۵ سفرجل
- ۳۴۶ خروج
- ۳۴۶ شعیر
- ۳۴۶ فوتنج بری
- ۳۴۶ دم السلحفات

- حلبه ۳۴۶
- ضروا ۳۴۶
- شمع احمر ۳۴۶
- برنجاسف ۳۴۶
- قنطوریون ۳۴۶
- غار ۳۴۶
- شیح ۳۴۷
- بورق ۳۴۷
- تراب القی ۳۴۷
- دهن القسط ۳۴۷
- خریق اسود ۳۴۷
- آب زراوند مدحرج ۳۴۷
- خصی الثعلب ۳۴۷
- باداورد ۳۴۷
- سوسن ابیض ۳۴۷
- کندش ۳۴۷
- جندبیدستر ۳۴۸
- حمص احمر ۳۴۸
- قنبره ۳۴۸
- حجل ۳۴۸
- عصافیر ۳۴۸
- بادروج ۳۴۸
- اذخر ۳۴۸
- زعفران ۳۴۸

- اسطوخودوس ۳۴۸
- زنجبیل ۳۴۸
- وج ۳۴۸
- راوند ۳۴۹
- نسر ۳۴۹
- سنا ۳۴۹
- زفت رطب ۳۴۹
- بان ۳۴۹
- بول ۳۴۹
- خیری اصفر ۳۴۹
- سمان ۳۴۹
- اوز ۳۴۹
- ترنجان ۳۴۹
- سلحفاة ۳۴۹
- باب هژدهم در علاج کزاز ۳۵۰
- زراوند ۳۵۰
- قنطوریون ۳۵۰
- قنه ۳۵۰
- عاقرقرا ۳۵۰
- حجر المقنطیس ۳۵۰
- شادنج ۳۵۰
- اکارع ۳۵۰
- حمص اسود ۳۵۰
- زراوند طویل ۳۵۰

۳۵۰	حلتیت مطیب
۳۵۱	مقل ازرق
۳۵۱	فورس
۳۵۱	ملح
۳۵۱	صوف قرمزی
۳۵۱	رازبانج
۳۵۱	کرفس
۳۵۱	هلیون
۳۵۱	صعتر
۳۵۱	حمص اسود
۳۵۱	دهن الخل
۳۵۲	سلحفاة النهريه
۳۵۲	زیت
۳۵۲	خصیة الحمار
۳۵۲	عسل
۳۵۲	جاوشیر
۳۵۲	محروث
۳۵۲	سداب
۳۵۲	خیری
۳۵۲	نرجس
۳۵۲	قسط
۳۵۲	حمار الوحش
۳۵۳	ابل
۳۵۳	ضبّ

- ۳۵۳ اسد
- ۳۵۳ ذیب
- ۳۵۳ چندیدستر
- ۳۵۳ سلحفات البحریه
- ۳۵۳ شونیز
- ۳۵۳ باداورد
- ۳۵۳ حجر ارمنی
- ۳۵۳ عود القرچ
- ۳۵۴ خردل
- ۳۵۴ زراوند مدحرج
- ۳۵۴ یاسمین
- ۳۵۴ خصی الثعلب
- ۳۵۴ صدف محرق
- ۳۵۴ سکبینج
- ۳۵۴ فقاح
- ۳۵۴ علك البطم
- ۳۵۴ هوفاریقون
- ۳۵۴ عنبر
- ۳۵۵ باب- نوزدهم در علاج رعشه
- ۳۵۵ خطمی
- ۳۵۵ سلق الاحمر
- ۳۵۵ قسط هندی
- ۳۵۵ جاوشیر
- ۳۵۵ فصفصه

- ۳۵۵ حندقوقی
- ۳۵۵ سداب
- ۳۵۵ اسطوخودوس
- ۳۵۵ غافت
- ۳۵۵ کرنب
- ۳۵۶ دارچینی
- ۳۵۶ ارنب
- ۳۵۶ یاسمین بری
- ۳۵۶ دیک
- ۳۵۶ کرسنه
- ۳۵۶ حمام
- ۳۵۶ شبت
- ۳۵۶ حمص اسود
- ۳۵۶ خردل
- ۳۵۶ حرمل
- ۳۵۷ فلفل اسود
- ۳۵۷ فلفل ابیض
- ۳۵۷ سلق
- ۳۵۷ صنوبر کبار
- ۳۵۷ شونیز
- ۳۵۷ دهن البلسان
- ۳۵۷ فرفیون
- ۳۵۷ حلتیت
- ۳۵۷ برنجمشک

عصافیر	۳۵۷
مطب‌خا	۳۵۷
وطواط	۳۵۸
صبر	۳۵۸
قنطوریون دقیق	۳۵۸
قردمانا	۳۵۸
کرنب	۳۵۸
خربق اسود	۳۵۸
ماء البحر	۳۵۸
افعی	۳۵۸
المحاجم	۳۵۸
صوف ابریشم	۳۵۸
عسل	۳۵۸
غافث	۳۵۹
حب المنتن	۳۵۹
جاوشیر	۳۵۹
حلتیت	۳۵۹
دهن البلسان	۳۵۹
غاریقون	۳۵۹
ظیان	۳۵۹
بلادر	۳۵۹
ریتہ	۳۵۹
درونج	۳۵۹
نارجیل	۳۶۰

۳۶۰	بطم
۳۶۰	کراث
۳۶۰	الماء الکبریت
۳۶۰	زرنیخ
۳۶۰	نطرون
۳۶۰	بندق
۳۶۰	خروع
۳۶۰	ایرسا
۳۶۰	جلنار
۳۶۱	سورنجان
۳۶۱	زیت
۳۶۱	حلتیت
۳۶۱	قال الرازی
۳۶۱	باب بیستم در علاج خدر
۳۶۱	زراوند
۳۶۱	حمص
۳۶۱	دهن القسط
۳۶۱	ارنب
۳۶۲	فرفیون
۳۶۲	لفل اسود
۳۶۲	سرطان
۳۶۲	مرارة البقر
۳۶۲	شیرج
۳۶۲	ایرسا

۳۶۲	عاققرحا
۳۶۲	سورنجان
۳۶۲	مویزج
۳۶۲	سکبیتج
۳۶۲	قثاء الحمار
۳۶۳	جندبیدستر
۳۶۳	دهن الاجر
۳۶۳	قنفذ
۳۶۳	دللد
۳۶۳	بهمن ابیض
۳۶۳	حمام
۳۶۳	عسل
۳۶۳	عنبر
۳۶۳	خردل
۳۶۳	بورق
۳۶۳	بارزد
۳۶۴	غار
۳۶۴	حمار وحش
۳۶۴	میعه
۳۶۴	شبت
۳۶۴	شمع اصفر
۳۶۴	ایارج روفس
۳۶۴	خروع
۳۶۴	حمام

- زنبق ۳۶۴
- شحم الحنظل ۳۶۴
- حاشا ۳۶۵
- کرفس ۳۶۵
- ایارج فیکرا ۳۶۵
- سنبل هندی ۳۶۵
- زنجبیل ۳۶۵
- معجون الفلاسفه ۳۶۵
- حب المحلب ۳۶۵
- دهن البان ۳۶۵
- سلیخه ۳۶۵
- بطم ۳۶۵
- کبر ۳۶۶
- سداب ۳۶۶
- جعهه جبلیه ۳۶۶
- جنطیانا ۳۶۶
- مشمش ۳۶۶
- اشق ۳۶۶
- وج ۳۶۶
- تربد ۳۶۶
- جاوشیر ۳۶۶
- مسک ۳۶۶
- مرزنجوش ۳۶۶
- کرسنه ۳۶۷

- حلتیت ۳۶۷
- خردل ۳۶۷
- خولنجان ۳۶۷
- زقوم ۳۶۷
- حمص اسود ۳۶۷
- شونیز ۳۶۷
- حمص احمر ۳۶۷
- حمام ۳۶۷
- انجره ۳۶۷
- حب المنتن ۳۶۸
- حب القوقا ۳۶۸
- سرطان نهری ۳۶۸
- درونج ۳۶۸
- اصابع الصفر ۳۶۸
- حرمل ۳۶۸
- کندر ۳۶۸
- فاشرا ۳۶۸
- باب- بیست و یکم در علاج اختلاج ۳۶۸
- اترج ۳۶۸
- آسمانجونی ۳۶۸
- غار ۳۶۹
- کرکی ۳۶۹
- کرنب ۳۶۹
- جندبیدستر ۳۶۹

- ۳۶۹ سوسن ابیض
- ۳۶۹ خردل
- ۳۶۹ عاقرقرا
- ۳۶۹ سداب
- ۳۶۹ ملح
- ۳۶۹ ماء البحر
- ۳۷۰ قسط
- ۳۷۰ اسطوخودوس
- ۳۷۰ بهار
- ۳۷۰ بوق
- ۳۷۰ ارنب
- ۳۷۰ غافت
- ۳۷۰ فسفسه
- ۳۷۰ فروج
- ۳۷۰ حمام
- ۳۷۰ حجل
- ۳۷۱ قنابر
- ۳۷۱ دراج
- ۳۷۱ عصفیر
- ۳۷۱ انجره
- ۳۷۱ راسن
- ۳۷۱ سوسن
- ۳۷۱ لب البلسان
- ۳۷۱ باب بیست و دویم- در علاج استرخا

- ۳۷۱ قرمانا
- ۳۷۱ عصارفیر
- ۳۷۲ قسط هندی
- ۳۷۲ قرح
- ۳۷۲ طرائیث
- ۳۷۲ بلادر
- ۳۷۲ عود القرح
- ۳۷۲ حرف
- ۳۷۲ خردل
- ۳۷۲ حب القلقل
- ۳۷۲ حمام
- ۳۷۲ نرجس
- ۳۷۲ طلع
- ۳۷۳ ایرسا
- ۳۷۳ غار
- ۳۷۳ سداب
- ۳۷۳ قشاء الحمار
- ۳۷۳ بان
- ۳۷۳ خطمی
- ۳۷۳ کرفس
- ۳۷۳ رازبانج
- ۳۷۳ هلیون
- ۳۷۳ خسک
- ۳۷۴ شیطرج

- ۳۷۴ ثعلب
- ۳۷۴ حنظل
- ۳۷۴ فرفیون
- ۳۷۴ جندبیدستر
- ۳۷۴ فرفیون
- ۳۷۴ میعه سایله
- ۳۷۴ زنبق
- ۳۷۴ سکینج
- ۳۷۴ جندبیدستر
- ۳۷۵ خردل
- ۳۷۵ نظرون
- ۳۷۵ قنه
- ۳۷۵ ماء البحر
- ۳۷۵ پنجنگشت
- ۳۷۵ مرزنجوش
- ۳۷۵ حلتیت
- ۳۷۵ کبر
- ۳۷۵ جاوشیر
- ۳۷۵ قنطوریون دقیق
- ۳۷۶ شبت
- ۳۷۶ خصی الثعلب
- ۳۷۶ حمص ابیض
- ۳۷۶ جرجیر
- ۳۷۶ لسان العصفور

- مسک ۳۷۶
- بذر القصیصه ۳۷۶
- بذر کرفس ۳۷۶
- مر ۳۷۶
- عفص ۳۷۶
- اذخر ۳۷۷
- سعد ۳۷۷
- دهن القسط ۳۷۷
- بلادر ۳۷۷
- ریته ۳۷۷
- دارشیشعان ۳۷۷
- دهن الحنا ۳۷۷
- حاشا ۳۷۷
- کرنب ۳۷۷
- حب صنوبر کبار ۳۷۷
- فوه الصبغ ۳۷۷
- قرط یمانی ۳۷۸
- عاقرقرحا ۳۷۸
- یاسمین ۳۷۸
- قندول ۳۷۸
- ظیان ۳۷۸
- بندق ۳۷۸
- فصل ۳۷۸
- جوز القیء ۳۷۹

۳۷۹	راوند طویل
۳۷۹	ملح
۳۷۹	اقاقیا
۳۷۹	دارصینی
۳۷۹	دوقو
۳۷۹	ماء الکبریت
۳۷۹	آس
۳۷۹	رماد حطب الکریم
۳۷۹	سندروس
۳۷۹	فلنجہ
۳۸۰	باب- بست و سیوم در علاج نزلات
۳۸۰	بندق
۳۸۰	کبریت
۳۸۰	مرزنجوش
۳۸۰	نخاله الحنطه
۳۸۰	فرنجمشک
۳۸۰	قیصوم
۳۸۰	طین ارمنی
۳۸۰	صدف محرق
۳۸۰	باقلا
۳۸۰	خل
۳۸۱	شراب ریحانی
۳۸۱	قردمانا
۳۸۱	عنبر

۳۸۱	عود القرح
۳۸۱	خردل
۳۸۱	سندروس
۳۸۱	شوکه مصریه
۳۸۱	قشیش النحاس
۳۸۱	کمون
۳۸۱	نشا
۳۸۲	جندبیدستر
۳۸۲	نیل
۳۸۲	اشق
۳۸۲	دارشیشعان
۳۸۲	عود البخور
۳۸۲	صبر
۳۸۲	حمحم
۳۸۲	بهار
۳۸۲	نارنج
۳۸۲	جوز الاکل
۳۸۳	بابونج
۳۸۳	بیض
۳۸۳	سداب
۳۸۳	ایرسا
۳۸۳	بهار
۳۸۳	ماش
۳۸۳	اقحوان

- ۳۸۳ الجمل المسن
- ۳۸۳ شونیز
- ۳۸۴ اصطرک
- ۳۸۴ مازریون
- ۳۸۴ خشخاش
- ۳۸۴ سلیخه
- ۳۸۴ مر
- ۳۸۴ نرجس
- ۳۸۴ مسک
- ۳۸۴ سنبل
- ۳۸۴ لوز مر
- ۳۸۴ لبن البلسان
- ۳۸۵ حب البلسان
- ۳۸۵ اجاص
- ۳۸۵ غاریقون
- ۳۸۵ کباس قرنفل
- ۳۸۵ تریاق فاروق
- ۳۸۵ غبار الریحی
- ۳۸۵ خروج
- ۳۸۵ جوز سرو
- ۳۸۵ اظفار الطیب
- ۳۸۵ فجل
- ۳۸۶ انیسون
- ۳۸۶ بابونج

- ۳۸۶ دارصینی
- ۳۸۶ بزر البنج
- ۳۸۶ نبط
- ۳۸۶ سندروس
- ۳۸۶ غراب
- ۳۸۶ قفر اليهود
- ۳۸۶ خیری
- ۳۸۶ عنبر
- ۳۸۶ عود البخور
- ۳۸۷ لاذن
- ۳۸۷ سلق
- ۳۸۷ فوتنج
- ۳۸۷ تربد
- ۳۸۷ ریحان کافوری
- ۳۸۷ ملح
- ۳۸۷ شهدانج
- ۳۸۷ کرنب
- ۳۸۷ بان
- ۳۸۷ خولنجان
- ۳۸۷ ترنجان
- ۳۸۸ کرم العنب
- ۳۸۸ یاسمین
- ۳۸۸ کهربا
- ۳۸۸ حدید

۳۸۸	شقایق النعمان
۳۸۸	حرف
۳۸۸	عصی الراعی
۳۸۸	باب- بست و چهارم در علاج وسواس
۳۸۸	سنا مکی
۳۸۸	ترنجان
۳۸۸	افتیمون
۳۸۹	لسان الثور
۳۸۹	تفاح الحلو
۳۸۹	حنظل
۳۸۹	سنور
۳۸۹	تدرو
۳۸۹	خطاف
۳۸۹	ضبع
۳۸۹	رووس الدجاج و ادمغتها
۳۸۹	دیک
۳۹۰	رخمه
۳۹۰	مصطکی
۳۹۰	املج
۳۹۰	فوتنج نهری
۳۹۰	بنگ
۳۹۰	اکلیل الملك
۳۹۰	بهمن احمر
۳۹۰	اصابع صفر

۳۹۰	سلت
۳۹۰	اسطوخودوس
۳۹۰	درونج
۳۹۱	دارشیشعان
۳۹۱	پچنگشت
۳۹۱	حلیب الماعز
۳۹۱	باب- بست و پنجم در علاج بیضه
۳۹۱	اشاره
۳۹۱	صبر
۳۹۱	قثاء الحمار
۳۹۱	قافله کبار
۳۹۱	خیارشنبیر
۳۹۱	قروع
۳۹۱	زعفران
۳۹۲	مسک
۳۹۲	کافور
۳۹۲	رماد
۳۹۲	سلق
۳۹۲	مومیائی
۳۹۲	حمام
۳۹۲	نعنع
۳۹۲	فلونیا رومی
۳۹۲	قرص الکوکب
۳۹۲	دواء المسک

- ۳۹۳ حنا
- ۳۹۳ باب- بست و ششم در علاج عشق
- ۳۹۳ حرمل
- ۳۹۳ نیل هند
- ۳۹۳ حجر الدجاج
- ۳۹۳ لقلق
- ۳۹۳ باب- ۲۷ فی المانیا
- ۳۹۳ شعیر
- ۳۹۳ بنفسج
- ۳۹۳ خس
- ۳۹۳ قرع
- ۳۹۴ خشخاش
- ۳۹۴ خلاف
- ۳۹۴ لبن النساء
- ۳۹۴ لبن الماعز
- ۳۹۴ سرمق
- ۳۹۴ بقله یمانیه
- ۳۹۴ خس
- ۳۹۴ بقله الحمقا
- ۳۹۴ خیار
- ۳۹۴ بیض الدجاج
- ۳۹۴ جدی
- ۳۹۵ دجاج
- ۳۹۵ فاشرا

۳۹۵	باب - ۲۸ در علاج قطرب
۳۹۵	شعیر
۳۹۵	سکر
۳۹۵	فراریج
۳۹۵	حمل
۳۹۵	کشنیز
۳۹۵	جدی
۳۹۵	سمک رضاضی
۳۹۶	لبن الماعز
۳۹۶	خبز حواری
۳۹۶	سرمق
۳۹۶	اسفناخ
۳۹۶	بقلة الحمقا
۳۹۶	قرع
۳۹۶	خيار
۳۹۶	قثاء
۳۹۶	بنفسج
۳۹۶	نیلوفر
۳۹۶	خس
۳۹۷	مشمش
۳۹۷	خوخ
۳۹۷	بطیخ
۳۹۷	بابونج
۳۹۷	باب - ۲۹ در علاج کابوس

- ۳۹۷ ترنجان
- ۳۹۷ فاوانیا
- ۳۹۷ عود صلیب
- ۳۹۷ جوز الرقع
- ۳۹۷ تین
- ۳۹۷ فستق
- ۳۹۸ خردل
- ۳۹۸ دراج
- ۳۹۸ فراریج
- ۳۹۸ عصارفیر
- ۳۹۸ ضان
- ۳۹۸ پچنگشت
- ۳۹۸ حب البلسان
- ۳۹۸ قردمانا
- ۳۹۸ سکینج
- ۳۹۸ فرفیون
- ۳۹۸ افسنتین
- ۳۹۹ زوفا
- ۳۹۹ کندش
- ۳۹۹ قنه
- ۳۹۹ سداب
- ۳۹۹ حنظل
- ۳۹۹ شونیز
- ۳۹۹ فجل

- حجل ۳۹۹
- نرجس ۳۹۹
- تدرج ۳۹۹
- سمانی ۴۰۰
- قثاء الحمار ۴۰۰
- خردل ۴۰۰
- مرزنجوش ۴۰۰
- سکنجبین بزوری ۴۰۰
- فوتنج ۴۰۰
- انیسون ۴۰۰
- فطراسالیون ۴۰۰
- دوقو ۴۰۰
- قنه بری ۴۰۰
- جندبیدستر ۴۰۱
- شبت ۴۰۱
- حرفش ۴۰۱
- خربق ۴۰۱
- ایارج فیقرا ۴۰۱
- فلفل ۴۰۱
- ایارج روفس ۴۰۱
- باب- ۳۰ در علاج سردی سر ۴۰۱
- مرزنجوش ۴۰۱
- لوف الجعد ۴۰۱
- میعه سایله ۴۰۱

- ۴۰۲ کندش
- ۴۰۲ مسک
- ۴۰۲ حلبه
- ۴۰۲ کباش قرنفل
- ۴۰۲ بسباسه
- ۴۰۲ سنبل
- ۴۰۲ قشر جو
- ۴۰۲ ورق الجوز
- ۴۰۲ زهر الجوز
- ۴۰۲ باب- ۳۱ در علاج ام الصبيان
- ۴۰۳ شهدانج
- ۴۰۳ لبن الجاریه
- ۴۰۳ لوز حلو
- ۴۰۳ دهن بنفسج
- ۴۰۳ قرع
- ۴۰۳ بزرقطونا
- ۴۰۳ سفرجل
- ۴۰۳ خطمی
- ۴۰۳ شراب نیلوفر
- ۴۰۳ ماء الشعیر
- ۴۰۴ اتان
- ۴۰۴ ماعز
- ۴۰۴ البنفسج
- ۴۰۴ سمس

- ۴۰۴ تفاح
- ۴۰۴ دهن الخل
- ۴۰۴ رمان الحلو
- ۴۰۴ شمع
- ۴۰۴ صوف
- ۴۰۴ سداب
- ۴۰۴ جاوشیر
- ۴۰۵ فتیله
- ۴۰۵ باب- ۳۲ در علاج عطاس
- ۴۰۵ اشاره
- ۴۰۵ ورد
- ۴۰۵ باب- ۳۳ در علاج قروح راس
- ۴۰۵ جوز
- ۴۰۵ خزف التنور
- ۴۰۵ ایرسا
- ۴۰۵ ملح طعام
- ۴۰۶ بخور مریم
- ۴۰۶ نظرون
- ۴۰۶ حلبه
- ۴۰۶ خروع
- ۴۰۶ تین فج
- ۴۰۶ علیق
- ۴۰۶ زنبق
- ۴۰۶ عصى الراعى

- ۴۰۶ حمص اسود
- ۴۰۶ عفص
- ۴۰۷ ترمس تر
- ۴۰۷ اکلیل الملك
- ۴۰۷ صابون
- ۴۰۷ ثوم
- ۴۰۷ سداب
- ۴۰۷ بقله الحمقاء
- ۴۰۷ لبن البلسان
- ۴۰۷ شقایق النعمان
- ۴۰۷ نخل
- ۴۰۷ عنب الثعلب
- ۴۰۷ خل
- ۴۰۸ بول الانسان
- ۴۰۸ لاذن
- ۴۰۸ جعدة القنی
- ۴۰۸ ماعز
- ۴۰۸ غری
- ۴۰۸ غری السمک
- ۴۰۸ راتینج
- ۴۰۸ عوسج
- ۴۰۸ زیت
- ۴۰۸ سنبل
- ۴۰۸ برطانیقی

قنفذ	۴۰۹
عسل	۴۰۹
زفت	۴۰۹
شحم العجل	۴۰۹
جلنار	۴۰۹
عود البلسان	۴۰۹
بابونج	۴۰۹
هللیج	۴۰۹
زنجفر	۴۰۹
قرط	۴۰۹
سمک	۴۱۰
خزف	۴۱۰
حب البلسان	۴۱۰
نطرون	۴۱۰
کمون	۴۱۰
بیاض البیض	۴۱۰
حنا	۴۱۰
لبن النساء	۴۱۰
لوز مر	۴۱۰
بنج	۴۱۰
دهن الورد	۴۱۰
ورد یابس	۴۱۱
سرو	۴۱۱
عنصل	۴۱۱

- ۴۱۱ یتوع
- ۴۱۱ نیل هندی
- ۴۱۱ سعد
- ۴۱۱ صبر
- ۴۱۱ لسان الحمل
- ۴۱۱ کرنب
- ۴۱۱ زیتون البستانی
- ۴۱۲ باب- ۳۴ در علاج سدد دماغ و نخاع
- ۴۱۲ خیری
- ۴۱۲ نرجس
- ۴۱۲ آزاد
- ۴۱۲ سنبل
- ۴۱۲ لاذن
- ۴۱۲ زنجبیل
- ۴۱۲ ترنجان
- ۴۱۲ مرماخور
- ۴۱۲ شابانک
- ۴۱۲ اسطوخودوس
- ۴۱۳ غار
- ۴۱۳ سلیخه
- ۴۱۳ شاهسفرم
- ۴۱۳ سورنجان
- ۴۱۳ مرزنجوش
- ۴۱۳ قندول

۴۱۳	فصل در دواهایی مقوی دماغ
۴۱۳	مرزنجوش
۴۱۳	عبیشران [۱۰]
۴۱۳	حب البلسان
۴۱۳	مشک
۴۱۴	عود البخور
۴۱۴	عنبر
۴۱۴	فلنجه
۴۱۴	یاسمین
۴۱۴	زفت
۴۱۴	نسرین
۴۱۴	املج
۴۱۴	زعفران
۴۱۴	دجاج
۴۱۴	دراج
۴۱۴	تفاح
۴۱۵	سنبل
۴۱۵	نرجس
۴۱۵	کافور
۴۱۵	هلیج کابلی
۴۱۵	کباش قرنفل
۴۱۵	لوز
۴۱۵	سفرجل
۴۱۵	خلاف

- ۴۱۵ کمثری
- ۴۱۵ جوزبویا
- ۴۱۶ فرنجمشک
- ۴۱۶ زهر الجوز
- ۴۱۶ شنبلیله
- ۴۱۶ بادرنجبویه
- ۴۱۶ اکلیل الملك
- ۴۱۶ عود البلسان
- ۴۱۶ بادآور
- ۴۱۶ باب- ۳۵ در علاج خمار
- ۴۱۶ اقحوان
- ۴۱۶ زعفران
- ۴۱۶ آس
- ۴۱۷ کافور
- ۴۱۷ سفرجل
- ۴۱۷ دهن الورد
- ۴۱۷ رمان
- ۴۱۷ قنبیط
- ۴۱۷ حماض السوانی
- ۴۱۷ لیمون
- ۴۱۷ اترج حماض
- ۴۱۷ افسنتین
- ۴۱۷ خس
- ۴۱۷ ورد

- ۴۱۸ حمل
- ۴۱۸ ریباس
- ۴۱۸ شاه صینی
- ۴۱۸ قنطوریون
- ۴۱۸ شیرج
- ۴۱۸ خمیره الشعیر
- ۴۱۸ خمیره الحنطه
- ۴۱۸ غنچه گشنیز
- ۴۱۸ اگر
- ۴۱۸ جدی
- ۴۱۹ تفاح
- ۴۱۹ حلام
- ۴۱۹ فقاح الشعیر
- ۴۱۹ کشکینه
- ۴۱۹ سنپوسک
- ۴۱۹ اما دواهایی سرعت سکر بسیار است
- ۴۱۹ عنبر
- ۴۱۹ مرماحوز
- ۴۱۹ هوفاریقون
- ۴۱۹ بادروج
- ۴۱۹ عود
- ۴۲۰ زعفران
- ۴۲۰ لسان الثور
- ۴۲۰ ایرسا

- ۴۲۰ بخور مریم
- ۴۲۰ حماما
- ۴۲۰ نارجیل
- ۴۲۰ غالیه
- ۴۲۰ قنب
- ۴۲۰ حب النیل
- ۴۲۰ شقایق
- ۴۲۰ بسباسه
- ۴۲۱ مرزنجوش
- ۴۲۱ فضه
- ۴۲۱ شکر
- ۴۲۱ کاکنج
- ۴۲۱ و اما دواهایی مانع سکر بسیارند
- ۴۲۱ افسنتین رومی
- ۴۲۱ خس
- ۴۲۱ لوز
- ۴۲۱ سفرجل
- ۴۲۱ لسان الحمل
- ۴۲۱ جست
- ۴۲۲ جدی
- ۴۲۲ لوز المر
- ۴۲۲ کرنب
- ۴۲۲ قنبیت
- ۴۲۲ ذهب

- ۴۲۲ کزبره
- ۴۲۲ عنب الثعلب
- ۴۲۲ اشاره
- ۴۲۲ فصل در دواهایی منقی دماغ و مفتوح سدد
- ۴۲۲ اذان الفار
- ۴۲۲ عود البخور
- ۴۲۳ بخور مریم
- ۴۲۳ قلفنت
- ۴۲۳ شقایق النعمان
- ۴۲۳ کرب
- ۴۲۳ فقاح الاذخر
- ۴۲۳ مر
- ۴۲۳ آذریون
- ۴۲۳ شحم حنظل
- ۴۲۳ مصطکی
- ۴۲۳ ریحان کافوری
- ۴۲۴ بابونج
- ۴۲۴ کندش
- ۴۲۴ سلق الایض
- ۴۲۴ زوفرا
- ۴۲۴ بصل
- ۴۲۴ قنطریون دقیق
- ۴۲۴ خیری
- ۴۲۴ خردل

۴۲۴	سنبل
۴۲۴	مسک
۴۲۴	سنجار
۴۲۵	افستین
۴۲۵	دارچینی
۴۲۵	زنجبیل
۴۲۵	نعناع
۴۲۵	راوند
۴۲۵	هلیله کابلی
۴۲۵	اشق
۴۲۵	کبر
۴۲۵	تربد
۴۲۵	کمون
۴۲۵	فوتنج جبلی
۴۲۶	عاقرقرا
۴۲۶	غار
۴۲۶	سوسن ابیض
۴۲۶	حرف
۴۲۶	بورق
۴۲۶	انجره
۴۲۶	خربق اسود
۴۲۶	ایرسا
۴۲۶	فوتنج نهری
۴۲۶	جندبیدستر

- ۴۲۷ طلع
- ۴۲۷ لوزمر
- ۴۲۷ عود البلسان
- ۴۲۷ بنفسج
- ۴۲۷ کندر
- ۴۲۷ عنبر
- ۴۲۷ صمغ العتیق
- ۴۲۷ علك البطم
- ۴۲۷ مامیران
- ۴۲۷ غاریقون
- ۴۲۷ حب البلسان
- ۴۲۸ لبلاب
- ۴۲۸ ترنجان
- ۴۲۸ فرنجمشک
- ۴۲۸ مرماحوز
- ۴۲۸ نرجس
- ۴۲۸ شیخ الجبلی
- ۴۲۸ آزاد
- ۴۲۸ سماق
- ۴۲۸ فلفل اسود
- ۴۲۸ دارفلفل
- ۴۲۹ شونیز
- ۴۲۹ کرفس
- ۴۲۹ جندبیدستر

- ۴۲۹ عدس مر
- ۴۲۹ میعه سائله
- ۴۲۹ زعفران
- ۴۲۹ صعتر
- ۴۲۹ جاوشیر
- ۴۲۹ حلتیت
- ۴۲۹ ورد
- ۴۳۰ قاقله کبار
- ۴۳۰ فلفل ابیض
- ۴۳۰ ملح اندرانی
- ۴۳۰ نشادر
- ۴۳۰ زوفا
- ۴۳۰ سلیخه
- ۴۳۰ بستان افروز
- ۴۳۰ سورنجان
- ۴۳۰ شاهسفرم
- ۴۳۰ سرو
- ۴۳۰ بنک
- ۴۳۱ درونج
- ۴۳۱ اسطوخودوس
- ۴۳۱ اما دواهایی زیاده‌کننده جوهر دماغ این است
- ۴۳۱ نبدق
- ۴۳۱ لبن الضان
- ۴۳۱ دهن اللوز

- ۴۳۱ لب اللوز
- ۴۳۱ دراج
- ۴۳۱ و اما دواهایی محلل ریاح از سر اینست
- ۴۳۱ یاسمین
- ۴۳۱ بهار
- ۴۳۱ مر
- ۴۳۲ قندول
- ۴۳۲ شایانک
- ۴۳۲ مرزنجوش
- ۴۳۲ بستان افروز
- ۴۳۲ سورنجان
- ۴۳۲ نرجس
- ۴۳۲ باب- ۳۶ در علاج تفرق اتصال که حادث شود سر را
- ۴۳۲ عنب الثعلب
- ۴۳۲ سماق
- ۴۳۲ خطمی
- ۴۳۲ افاقیا
- ۴۳۳ سوس بری
- ۴۳۳ حازون الصغیر
- ۴۳۳ دهن الورد
- ۴۳۳ شمشاد
- ۴۳۳ خراطین
- ۴۳۳ مر
- ۴۳۳ حمام

- ۴۳۳ فاخته
- ۴۳۳ دجاج
- ۴۳۳ ذراوند طویل
- ۴۳۳ عجین الحنطه
- ۴۳۴ زاج
- ۴۳۴ کندر
- ۴۳۴ دم الاخوین
- ۴۳۴ قنبیل محرق
- ۴۳۴ کافور
- ۴۳۴ توبال النحاس
- ۴۳۴ شفانیز
- ۴۳۴ صنوبر کبار
- ۴۳۴ باب - ۳۷ در علاج رمد
- ۴۳۴ آس
- ۴۳۵ ضان
- ۴۳۵ عصی الراعی
- ۴۳۵ حی العالم
- ۴۳۵ آبنوس
- ۴۳۵ یاقلا
- ۴۳۵ کزبره
- ۴۳۵ اترج
- ۴۳۵ افسنتین
- ۴۳۵ ورد
- ۴۳۵ گل سرخ خشک

- ۴۳۵ رمان شیرین
- ۴۳۶ قطران
- ۴۳۶ سفرجل
- ۴۳۶ لسان الحمل
- ۴۳۶ مستار
- ۴۳۶ خس
- ۴۳۶ لسان الحمل
- ۴۳۶ انزروت
- ۴۳۶ نمام
- ۴۳۶ شادنج
- ۴۳۷ باریس
- ۴۳۷ زبد
- ۴۳۷ حی العالم الكبير
- ۴۳۷ آذان الفار
- ۴۳۷ اكليل الملك
- ۴۳۷ حلبه
- ۴۳۷ اسفیداج الرصاص
- ۴۳۷ بیض
- ۴۳۷ بابونج
- ۴۳۸ بادروج
- ۴۳۸ بزرقطونا
- ۴۳۸ لبن النساء
- ۴۳۸ عدس
- ۴۳۸ سرو

- ۴۳۸ مامیثا
- ۴۳۸ مرزنجوش
- ۴۳۸ علیق
- ۴۳۸ صبر
- ۴۳۸ صندل
- ۴۳۹ رخمه
- ۴۳۹ بیروج
- ۴۳۹ کندر
- ۴۳۹ بنفسج
- ۴۳۹ زهر السفرجل
- ۴۳۹ حجر السم یعنی بادزهر
- ۴۳۹ مخیض
- ۴۳۹ قرع
- ۴۳۹ حمل
- ۴۳۹ طباشیر
- ۴۳۹ عروق صفر
- ۴۴۰ ساج
- ۴۴۰ خس
- ۴۴۰ نشا
- ۴۴۰ شکر نبات
- ۴۴۰ قصب الفارسی
- ۴۴۰ صمغ عربی
- ۴۴۰ دقیق الشعیر
- ۴۴۰ اترج

- ۴۴۰ کرفس
- ۴۴۰ کرم بری
- ۴۴۱ نحاس محرق
- ۴۴۱ عنب الثعلب
- ۴۴۱ شیاف ابيض
- ۴۴۱ کتيرا
- ۴۴۱ ريق الصايم
- ۴۴۱ سرطان نهري
- ۴۴۱ مامیثا
- ۴۴۱ خشخاش
- ۴۴۱ زعفران
- ۴۴۲ شیاف برای اجفان
- ۴۴۲ هندبا
- ۴۴۲ مصطکی
- ۴۴۲ حباقا
- ۴۴۲ زعفران
- ۴۴۲ قثاء الحمار
- ۴۴۲ خشک
- ۴۴۲ بزر قطونا
- ۴۴۲ طحلب
- ۴۴۲ ورق الورد
- ۴۴۳ حلزون
- ۴۴۳ صمغ ابيض
- ۴۴۳ زاج البحر

- ۴۴۳ افسنتین
- ۴۴۳ لسان الحمل
- ۴۴۳ حماما
- ۴۴۳ کمتری
- ۴۴۳ توتیائی کرمانی
- ۴۴۳ سماق
- ۴۴۳ خولان
- ۴۴۴ شراب عتیق
- ۴۴۴ فوفل
- ۴۴۴ رمان الحلو
- ۴۴۴ جین
- ۴۴۴ حلبه
- ۴۴۵ بذر البنج
- ۴۴۵ ضماد دیگر
- ۴۴۵ باب- ۳۸ در تدبیر دواهایی مانع انصباب مواد طرف چشم
- ۴۴۵ زعفران
- ۴۴۵ لبلاب
- ۴۴۵ باقلا
- ۴۴۵ بادروج
- ۴۴۵ فوفل
- ۴۴۵ تریاق فاروق
- ۴۴۵ مشک
- ۴۴۵ رصاص
- ۴۴۶ خولان

- ۴۴۶ نشا
- ۴۴۶ انزروت
- ۴۴۶ غنب الثعلب
- ۴۴۶ صندل ابيض
- ۴۴۶ حلزون
- ۴۴۶ ایل
- ۴۴۶ حنظل
- ۴۴۶ ماء الورد
- ۴۴۶ جوز
- ۴۴۷ فستق
- ۴۴۷ زرورد
- ۴۴۷ سفرجل
- ۴۴۷ زیتون بری
- ۴۴۷ عدس
- ۴۴۷ اقاچیا
- ۴۴۷ بطیخ اصفر
- ۴۴۷ وردطری
- ۴۴۷ چشم
- ۴۴۷ شعیر
- ۴۴۷ سماق
- ۴۴۸ ائمد
- ۴۴۸ براده الحديد
- ۴۴۸ کزبره خضرا
- ۴۴۸ کمثری

- ۴۴۸ دخان المیعه
- ۴۴۸ قطران
- ۴۴۸ بسد
- ۴۴۸ توتیائی رمانی
- ۴۴۸ حضض
- ۴۴۸ باب- ۳۹ در علاج ضعف بصر
- ۴۴۹ اقاچیا
- ۴۴۹ تمر
- ۴۴۹ مر
- ۴۴۹ ملح
- ۴۴۹ رازیانج
- ۴۴۹ صعتر
- ۴۴۹ ابریشم
- ۴۴۹ اقلیمیای ذهب
- ۴۴۹ مرارة الضب
- ۴۴۹ سداب
- ۴۴۹ هلیج اصفر
- ۴۵۰ لاذن
- ۴۵۰ عنصل
- ۴۵۰ کرنب
- ۴۵۰ ائمد
- ۴۵۰ لؤلؤ
- ۴۵۰ مسک
- ۴۵۰ زعفران

۴۵۰	خولان
۴۵۰	مرقشیشا
۴۵۰	آبنوس
۴۵۰	رمان بری
۴۵۱	اجاص
۴۵۱	لوز الحلو
۴۵۱	مرجان احمر
۴۵۱	جوزبوا
۴۵۱	ترمس جبلی
۴۵۱	بادروج
۴۵۱	دارچینی
۴۵۱	ذهب
۴۵۱	باب ۴۰ تاریکی چشم
۴۵۱	دارچینی
۴۵۲	عود البلسان
۴۵۲	کندر
۴۵۲	سندروس
۴۵۲	لفل اسود
۴۵۲	زنجبیل
۴۵۲	رازیانج
۴۵۲	فجل
۴۵۲	غرب
۴۵۲	دارلفل
۴۵۲	حلتیت

۴۵۲	لبان
۴۵۳	افسنترین
۴۵۳	بصل
۴۵۳	خردل
۴۵۳	حاشا
۴۵۳	جاوشیر
۴۵۳	فجل
۴۵۳	نرجس
۴۵۳	مرزنجوش
۴۵۳	دهن البلسان
۴۵۳	خولان
۴۵۳	وج
۴۵۴	سکینج
۴۵۴	شیطرج
۴۵۴	بادروج
۴۵۴	کمداریون دقیق
۴۵۴	قنطوریون
۴۵۴	سداب
۴۵۴	رازیانج
۴۵۴	کرفس
۴۵۴	جندقوقی
۴۵۴	شقایق النعمان
۴۵۵	سلحفات
۴۵۵	کبد

۴۵۵	فلفل اسود
۴۵۵	حلبه
۴۵۵	شبت
۴۵۵	اقحوان
۴۵۵	خطاف
۴۵۵	فجل
۴۵۵	ضبع
۴۵۵	دیک
۴۵۵	بوم
۴۵۶	قشار الکندر
۴۵۶	اشق
۴۵۶	دارچینی
۴۵۶	لوزمر
۴۵۶	حب البلسان
۴۵۶	لبلاب
۴۵۶	خل العنصل
۴۵۶	کمون
۴۵۶	حدات
۴۵۶	دراج
۴۵۷	عنصل
۴۵۷	کرکم
۴۵۷	فراسیون
۴۵۷	خفاش
۴۵۷	اجاص

۴۵۷	کباش القرنفل
۴۵۷	ذئب
۴۵۷	ضبع
۴۵۷	ابریشم
۴۵۷	عقیق
۴۵۷	مامیران
۴۵۸	حمام
۴۵۸	زمرد
۴۵۸	قراصیا
۴۵۸	خلاف
۴۵۸	خولان
۴۵۸	ایاعابس
۴۵۸	ادویه حافظ صحت چشم توتیا
۴۵۸	اژمد
۴۵۸	مرقشیشا کحلا
۴۵۸	شادنج
۴۵۸	سنبل
۴۵۹	سرطان بحری
۴۵۹	ساذج
۴۵۹	رازیانج
۴۵۹	باب- ۴۱ در علاج سبل
۴۵۹	جوزبوا
۴۵۹	اسارون
۴۵۹	انیسون

- ۴۵۹ اترج
- ۴۵۹ کباش
- ۴۵۹ قثاء الحمار
- ۴۶۰ شونیز
- ۴۶۰ بقله الحمقا
- ۴۶۰ انزروت
- ۴۶۰ زنجار
- ۴۶۰ ملح
- ۴۶۰ ريعه
- ۴۶۰ صنوبر کبار
- ۴۶۰ بیض
- ۴۶۰ قنطوریون دقیق
- ۴۶۰ حباقا
- ۴۶۱ حب ايارج
- ۴۶۱ حنظل
- ۴۶۱ هلیج
- ۴۶۱ مسک
- ۴۶۱ قلقطار
- ۴۶۱ زفت
- ۴۶۱ شیاف
- ۴۶۱ باب- ۴۲ در علاج ظفر
- ۴۶۱ آس
- ۴۶۱ ملح
- ۴۶۲ سوسن

- ۴۶۲ خفاش
- ۴۶۲ سرطان نهری
- ۴۶۲ اقاقیه
- ۴۶۲ ملح اندانی
- ۴۶۲ لسان البحر
- ۴۶۲ سقمونیا
- ۴۶۲ کرم بری
- ۴۶۲ زنجار
- ۴۶۲ رمان حامض
- ۴۶۳ اشق
- ۴۶۳ حجر حبشی
- ۴۶۳ ملح طعام
- ۴۶۳ نوشادر
- ۴۶۳ روشنائی
- ۴۶۳ باسلیقون
- ۴۶۳ قطن
- ۴۶۳ ماعز
- ۴۶۳ شیاف قیصر
- ۴۶۳ شب
- ۴۶۴ مرجان احمر
- ۴۶۴ زنجفر
- ۴۶۴ شیاف اقلیمیا و مسحقونیا
- ۴۶۴ سرطان نهری
- ۴۶۴ طلا

- ۴۶۴ نظرون
- ۴۶۴ میعه
- ۴۶۴ ملح
- ۴۶۴ هلیج
- ۴۶۴ بلبوس
- ۴۶۴ شیاف قلقدیس
- ۴۶۵ دخان المیعه
- ۴۶۵ لبن المرأه
- ۴۶۵ زرنیخ احمر
- ۴۶۵ صبر
- ۴۶۵ باب ۴۳ در علاج طرفه
- ۴۶۵ حجل
- ۴۶۵ نانخواه
- ۴۶۵ فجل
- ۴۶۵ زبیب احمر
- ۴۶۵ فوتنج نهری
- ۴۶۶ حمام
- ۴۶۶ اکلیل الملک
- ۴۶۶ ملح اندرانی
- ۴۶۶ زوفا
- ۴۶۶ بذر الکتان
- ۴۶۶ کندر
- ۴۶۶ کرنب
- ۴۶۶ راتینج

- ۴۶۶ شیاف
- ۴۶۶ حلبه لعاب
- ۴۶۷ رمان حامض
- ۴۶۷ افسنتین
- ۴۶۷ دهن الورد
- ۴۶۷ زرنیخ
- ۴۶۷ املج
- ۴۶۷ صبر
- ۴۶۷ فلفل
- ۴۶۷ زرنیخ احمر
- ۴۶۷ جرجیر
- ۴۶۷ ورشان
- ۴۶۸ شفانین
- ۴۶۸ طین ارمنی
- ۴۶۸ شیاف الکندر
- ۴۶۸ شیاف الزعفران
- ۴۶۸ اکلیل الملك
- ۴۶۸ دهن الورد
- ۴۶۸ شیاف
- ۴۶۸ بط
- ۴۶۸ فروج
- ۴۶۸ ماء الجبن
- ۴۶۸ دم الاخوین
- ۴۶۹ بلبوس

- ۴۶۹ صفرة البيض
- ۴۶۹ کرفس
- ۴۶۹ باب- ۴۴ در علاج دمهه
- ۴۶۹ قنطوریون دقیق
- ۴۶۹ بصل
- ۴۶۹ زفت
- ۴۶۹ صنوبر کبار
- ۴۶۹ صبر
- ۴۶۹ بسد
- ۴۷۰ انبرباریس
- ۴۷۰ ائمد
- ۴۷۰ لاجورد
- ۴۷۰ تمر
- ۴۷۰ کباش القرنفل
- ۴۷۰ جوز
- ۴۷۰ مامیثا
- ۴۷۰ سلحفات
- ۴۷۰ شادنج
- ۴۷۰ لؤلؤ
- ۴۷۰ زنجفر
- ۴۷۱ هلیج اصفر
- ۴۷۱ راتینج
- ۴۷۱ بطم
- ۴۷۱ زیتون

- ۴۷۱ عود القرح
- ۴۷۱ نشاء الحنطه
- ۴۷۱ مصطکی
- ۴۷۱ اشق
- ۴۷۱ هلیج کابلی
- ۴۷۱ نحاس
- ۴۷۲ قشر البيض
- ۴۷۲ صدف
- ۴۷۲ دیک
- ۴۷۲ آبنوس
- ۴۷۲ زعفران محلول
- ۴۷۲ مشک
- ۴۷۲ دار چینی
- ۴۷۲ رازیانج
- ۴۷۲ مریشیشای
- ۴۷۲ آس
- ۴۷۳ حجر غاغاتیس
- ۴۷۳ کحل
- ۴۷۳ کحل دیگر
- ۴۷۳ خل
- ۴۷۳ باب- ۴۵ در علاج شعیره
- ۴۷۳ ذباب
- ۴۷۳ کرم در غسل
- ۴۷۳ داخلون

- ۴۷۳ صمغ اصفر
- ۴۷۳ میعه سایله
- ۴۷۳ حمام
- ۴۷۴ قنه
- ۴۷۴ تین
- ۴۷۴ سکبینج
- ۴۷۴ بورق
- ۴۷۴ زاج
- ۴۷۴ تین
- ۴۷۴ لاذن
- ۴۷۴ مر
- ۴۷۴ مقل ازرق
- ۴۷۴ قنطوریون دقیق
- ۴۷۵ سمید
- ۴۷۵ صبر
- ۴۷۵ دقیق شعیر
- ۴۷۵ قلقند
- ۴۷۵ باب- ۴۶ در علاج برده
- ۴۷۵ اشق
- ۴۷۵ سکبینج
- ۴۷۵ کندر
- ۴۷۵ تین
- ۴۷۵ شمع
- ۴۷۵ شعیر

- ۴۷۶ قلقند
- ۴۷۶ خل
- ۴۷۶ صمغ عربی
- ۴۷۶ شمع خام
- ۴۷۶ خبز
- ۴۷۶ اقلیمیا
- ۴۷۶ مقل ازرق
- ۴۷۶ بورق
- ۴۷۶ میعه
- ۴۷۶ باب- ۴۷ در علاج جرب
- ۴۷۶ خوص النخل
- ۴۷۷ خولان
- ۴۷۷ عفص
- ۴۷۷ اقلیمیائی
- ۴۷۷ اقلیمیائی
- ۴۷۷ سرطان بحری
- ۴۷۷ صبر
- ۴۷۷ جردان
- ۴۷۷ آبنوس
- ۴۷۷ فوفل
- ۴۷۷ اترج
- ۴۷۸ شعر الانسان
- ۴۷۸ بیض
- ۴۷۸ بول الصبیان

- ۴۷۸ حجل
- ۴۷۸ مرارة المعز
- ۴۷۸ مرارة الكبش
- ۴۷۸ نحاس
- ۴۷۸ زبد البحر
- ۴۷۸ رمان حامض
- ۴۷۸ قشار الكندر
- ۴۷۹ حصرم
- ۴۷۹ سماق
- ۴۷۹ ديك
- ۴۷۹ قنطوريون دقيق
- ۴۷۹ رخمه
- ۴۷۹ قطف
- ۴۷۹ فراسيون
- ۴۷۹ عقاب
- ۴۷۹ افاقيا
- ۴۷۹ نسر
- ۴۸۰ قلقديس
- ۴۸۰ نشادر
- ۴۸۰ زرنیخ
- ۴۸۰ عفس
- ۴۸۰ اشق
- ۴۸۰ شياف
- ۴۸۰ شادنج

۴۸۰	زعفران
۴۸۰	کباش قرنفل
۴۸۰	شیاف
۴۸۱	فرنجمشک
۴۸۱	زجاج
۴۸۱	خنفساء
۴۸۱	باب- ۴۸ فی العشاء
۴۸۱	حجر الحديدی
۴۸۱	حجل
۴۸۱	کراث
۴۸۱	نعجه
۴۸۱	جمل
۴۸۲	ورشان
۴۸۲	کرکی
۴۸۲	نطرون
۴۸۲	کماشیر
۴۸۲	رمان حلو
۴۸۲	ضبع
۴۸۲	معز
۴۸۲	سندروس
۴۸۲	کزبرة الثعلب
۴۸۲	المعز الوحش الجبلی
۴۸۳	شفانیز
۴۸۳	حمام

۴۸۳	هندبا
۴۸۳	الثعلب
۴۸۳	حربا
۴۸۳	خنفساء
۴۸۳	غراب
۴۸۳	قرنفل
۴۸۳	کندش
۴۸۳	عذب
۴۸۳	بقر
۴۸۴	تیس الجیل
۴۸۴	دارفلل
۴۸۴	سداب
۴۸۴	کحل مجرب
۴۸۴	وج
۴۸۴	زوفائی یابس
۴۸۴	شب مصری
۴۸۴	تریاق الافاعی
۴۸۴	نشادر
۴۸۵	زعفران
۴۸۵	باب - ۴۹ فی الجسا
۴۸۵	زنجار
۴۸۵	زوفای رطب
۴۸۵	باقلا
۴۸۵	بقر

۴۸۵	شحم البط
۴۸۵	بیض
۴۸۵	حلبه
۴۸۵	لوز حلو
۴۸۶	عدس
۴۸۶	شیاف احمر
۴۸۶	نیلوفر
۴۸۶	شحم الدجاج
۴۸۶	کزبره خضرا
۴۸۶	عجل
۴۸۶	لحم الجدی
۴۸۶	حمل
۴۸۶	مر
۴۸۶	شب
۴۸۷	باب- ۵۰ فی الغرب
۴۸۷	کرسنه
۴۸۷	کرم
۴۸۷	کندر
۴۸۷	زاج
۴۸۷	سکبینج
۴۸۷	خریق اسود
۴۸۷	نیلوفر
۴۸۷	بابونج
۴۸۷	جوز عتیق

- ۴۸۸ صمغ عربی
- ۴۸۸ ريق الصایم
- ۴۸۸ غنب الثعلب
- ۴۸۸ جاوشیر
- ۴۸۸ لسان الحمل
- ۴۸۸ آس
- ۴۸۸ نظرون
- ۴۸۸ خبازی
- ۴۸۸ ماش
- ۴۸۸ قشر اصل الکبر
- ۴۸۸ خندروس
- ۴۸۹ باب- ۵۱ در علاج ضعف بصر
- ۴۸۹ صدف محرق
- ۴۸۹ سکبینج
- ۴۸۹ سداب
- ۴۸۹ ماء الجبن
- ۴۸۹ کرنب
- ۴۸۹ سندروس
- ۴۸۹ شیر العشر
- ۴۸۹ عسل
- ۴۸۹ کرکم
- ۴۹۰ قراصیا
- ۴۹۰ قنطوریون
- ۴۹۰ سماق

- ۴۹۰ مقویست
- ۴۹۰ سمک نهری
- ۴۹۰ صعتر
- ۴۹۰ ائمد
- ۴۹۰ فراسیون
- ۴۹۰ لبن البلسان
- ۴۹۰ رمان الحامض
- ۴۹۱ بچادق
- ۴۹۱ تمر
- ۴۹۱ مر
- ۴۹۱ ضبع
- ۴۹۱ مشک
- ۴۹۱ رازیانج
- ۴۹۱ ابریشم
- ۴۹۱ اقاقیا
- ۴۹۱ مرو
- ۴۹۱ خفاش
- ۴۹۱ مرجان
- ۴۹۲ بقره سودا
- ۴۹۲ اشنه
- ۴۹۲ صف صاف
- ۴۹۲ غزال
- ۴۹۲ فجل
- ۴۹۲ ذهب

- ۴۹۲ ریباس
- ۴۹۲ قطران
- ۴۹۲ مامیران
- ۴۹۲ ماء الحصرم
- ۴۹۲ دارچینی
- ۴۹۳ شکر طبرزد
- ۴۹۳ خولان
- ۴۹۳ کماة
- ۴۹۳ کباس القرنفل
- ۴۹۳ باب- ۵۲ در علاج بیاض
- ۴۹۳ لؤلؤ
- ۴۹۳ بزر رمان
- ۴۹۳ وج
- ۴۹۳ بیض
- ۴۹۳ بورق
- ۴۹۳ شقایق النعمان
- ۴۹۴ بسد
- ۴۹۴ آبنوس
- ۴۹۴ هرا
- ۴۹۴ بیض الدجاجه
- ۴۹۴ خراء الصبی
- ۴۹۴ جمل
- ۴۹۴ اقلیمیائی ذهب
- ۴۹۴ ملح اندرانی

- نشادر ۴۹۴
- حیات البطن ۴۹۴
- قنغذ ۴۹۵
- کرنب ۴۹۵
- کزک ۴۹۵
- حجر المثانه ۴۹۵
- مامیران ۴۹۵
- املج ۴۹۵
- سنج ۴۹۵
- حجل ۴۹۵
- زبد البحر ۴۹۵
- عقعی ۴۹۶
- عقیق ۴۹۶
- کلب الماء ۴۹۶
- حندقوقی ۴۹۶
- حجر المها ۴۹۶
- مسک ۴۹۶
- طرخشقوق ۴۹۶
- صدف المحرق ۴۹۶
- ضبع ۴۹۶
- دم ۴۹۶
- دیک ۴۹۷
- هدهد ۴۹۷
- پنیر مایه ۴۹۷

۴۹۷	بزرگ‌قوتونا
۴۹۷	بارود
۴۹۷	لبن الجاریه
۴۹۷	ریته
۴۹۷	کرکم
۴۹۷	سلحفات
۴۹۷	کیابه
۴۹۷	دع محرق
۴۹۸	ذئب
۴۹۸	فجل
۴۹۸	سفرجل
۴۹۸	قفر الیهود
۴۹۸	ملح اندرانی
۴۹۸	انزروت
۴۹۸	حمام
۴۹۸	عصافیر خانگی
۴۹۸	سرطان البحر
۴۹۸	قطران
۴۹۸	رمان حلو
۴۹۹	زراوند
۴۹۹	خبازی
۴۹۹	عجل
۴۹۹	فراسیون
۴۹۹	بهار

۴۹۹	طین مختوم
۴۹۹	تمساح
۴۹۹	مامیران
۴۹۹	زمرد
۴۹۹	اقلیمیائی
۵۰۰	بلبلج
۵۰۰	لوف
۵۰۰	سمانی
۵۰۰	توتیا
۵۰۰	ریق الصایم
۵۰۰	حنظل اخضر
۵۰۰	لک
۵۰۰	ناب الخنزیر
۵۰۰	عاج
۵۰۰	سندروس
۵۰۰	باب- ۵۳ در علاج نزول الماء
۵۰۱	خطاف
۵۰۱	حجل
۵۰۱	غاریقون
۵۰۱	رازیانج
۵۰۱	شقایق النعمان
۵۰۱	مراره غزال
۵۰۱	شیح
۵۰۱	ضبع

۵۰۱	لبن التین البستانی
۵۰۱	عنصل
۵۰۲	لبن البلسان
۵۰۲	دیک
۵۰۲	مرزنجوش
۵۰۲	صبر
۵۰۲	زوفائی یابس
۵۰۲	مرجان
۵۰۲	کرکم
۵۰۲	اقلیمیائی ذهب
۵۰۲	شجر مریم
۵۰۲	ریته
۵۰۲	ثعلب
۵۰۳	حنان
۵۰۳	صفصاف
۵۰۳	باشق
۵۰۳	هلیون
۵۰۳	حلتیت
۵۰۳	بصل
۵۰۳	زیت عتیق
۵۰۳	مرارة الذئب
۵۰۳	فرس الماء
۵۰۳	بازی
۵۰۴	سلحفاة

- عقرب ۵۰۴
- وج ۵۰۴
- فراسیون ۵۰۴
- حجر البقر ۵۰۴
- کرکی ۵۰۴
- فرفیون ۵۰۴
- قاتل الذئب ۵۰۴
- شونیز ۵۰۴
- مر ۵۰۴
- صعتر ۵۰۵
- صقر ۵۰۵
- سداب ۵۰۵
- سرطان ۵۰۵
- خبازی ۵۰۵
- کما ۵۰۵
- هلیله کابلی ۵۰۵
- حنا ۵۰۵
- دهن الاجر ۵۰۵
- الحمار الوحشی ۵۰۵
- تیس ۵۰۶
- ارنب ۵۰۶
- حنظل ۵۰۶
- کمازیون ۵۰۶
- نقط ابیض ۵۰۶

- ۵۰۶ شراب
- ۵۰۶ تین البری
- ۵۰۶ جعده
- ۵۰۶ خلد
- ۵۰۶ شبوط
- ۵۰۷ مراره وعل
- ۵۰۷ زعفران
- ۵۰۷ دلفین بحری
- ۵۰۷ کتم
- ۵۰۷ فلفل
- ۵۰۷ ضب
- ۵۰۷ بهار صغیر
- ۵۰۷ لؤلؤ
- ۵۰۷ فوتینج نهری
- ۵۰۸ وج
- ۵۰۸ توتیائی هندی
- ۵۰۸ دجاج
- ۵۰۸ اترج
- ۵۰۸ باب- ۵۴ پنجاه و چهار در غشاوه جمل
- ۵۰۸ اشاره
- ۵۰۸ دردی الخمر
- ۵۰۸ جوز فارسی
- ۵۰۸ بهار
- ۵۰۹ قرن ایل

۵۰۹	ورشان
۵۰۹	آبنوس
۵۰۹	زیتون
۵۰۹	فیروزج
۵۰۹	ارنب
۵۰۹	ودع
۵۰۹	املج
۵۰۹	نحاس
۵۰۹	ریته
۵۰۹	سمسم
۵۱۰	ثور
۵۱۰	حندقوقی
۵۱۰	سکینج
۵۱۰	فیشور
۵۱۰	جوز
۵۱۰	کباش
۵۱۰	شب
۵۱۰	خریق اسود
۵۱۰	افستین
۵۱۰	یشم
۵۱۱	عقرب بحری
۵۱۱	زعفران
۵۱۱	لؤلؤ
۵۱۱	مرجان

۵۱۱	خس
۵۱۱	حماما
۵۱۱	روی
۵۱۱	دارچینی
۵۱۱	نسر
۵۱۱	لبن البلسان
۵۱۱	طرخشقوق
۵۱۲	خل
۵۱۲	غایه الصبی
۵۱۲	ماعز جبلی
۵۱۲	صفصاف
۵۱۲	دم الخفاش
۵۱۲	ضبع
۵۱۲	کبد الماء
۵۱۲	ضبع
۵۱۲	مرقشیشائی
۵۱۲	باب- ۵۵ در علاج کمنه
۵۱۲	آبنوس
۵۱۳	اسفنج
۵۱۳	جعدة القنی
۵۱۳	صبر
۵۱۳	افستین
۵۱۳	باب ۵۶ در علاج خشونت اجفان و غلظ آن
۵۱۳	سنبل رومی

۵۱۳	نشاء
۵۱۳	صمغ العربی
۵۱۳	لبن الجوارى
۵۱۳	عكر الزيت
۵۱۴	سنبل هندی
۵۱۴	ذهب
۵۱۴	شادنج
۵۱۴	قلقطار
۵۱۴	تین
۵۱۴	دخان المر
۵۱۴	خردل
۵۱۴	باسلیقون
۵۱۴	خل
۵۱۴	حدید
۵۱۵	حصرم
۵۱۵	اشق
۵۱۵	زبد البحر
۵۱۵	زنجار
۵۱۵	ورد
۵۱۵	زفت
۵۱۵	صدف
۵۱۵	باب ۵۷ در علاج نتو
۵۱۵	علیق
۵۱۵	اقاقیا

۵۱۵	تمر
۵۱۵	حالبی
۵۱۶	فیروزج
۵۱۶	بیض
۵۱۶	حمام
۵۱۶	شفنین
۵۱۶	عصی الراعی
۵۱۶	هندبا
۵۱۶	باقلا
۵۱۶	خلاف
۵۱۶	زیتون بری
۵۱۶	عوسج
۵۱۷	دهن الورد
۵۱۷	رمان شیرین
۵۱۷	باب ۵۸ در علاج قمور از دیدن برف
۵۱۷	حنطه
۵۱۷	صعتر
۵۱۷	بذر البنج
۵۱۷	خرقه سیاه
۵۱۷	خمر عتیق
۵۱۸	شونیز
۵۱۸	عقعی
۵۱۸	مرزنجوش
۵۱۸	شبت

۵۱۸	اذخر
۵۱۸	باب- ۵۹ در علاج شعر منقلب
۵۱۸	اطلیس
۵۱۸	قراد
۵۱۸	صدف
۵۱۸	حربا
۵۱۸	آبنوس
۵۱۹	علق
۵۱۹	طالیقون
۵۱۹	ضب
۵۱۹	صدف کبار
۵۱۹	راتینج
۵۱۹	هدهد
۵۱۹	یربوع
۵۱۹	رصاص
۵۱۹	کلب
۵۱۹	ضفدع سبز
۵۲۰	شاهترج
۵۲۰	صمغ البلاط
۵۲۰	خفاش
۵۲۰	جرذان
۵۲۰	قنه
۵۲۰	حجر الیهود
۵۲۰	علق

۵۲۰	باب - ۶۰ در علاج انتشار پلک‌ها
۵۲۰	صنوبر
۵۲۰	لحای صنوبر
۵۲۱	تمر خسته
۵۲۱	قفر الیهود
۵۲۱	لازورد
۵۲۱	آبنوس
۵۲۱	سنبل هندی
۵۲۱	سنبل رومی
۵۲۱	سنبادج
۵۲۱	اژمد
۵۲۱	بندق
۵۲۱	حجر الیهود
۵۲۱	بطم
۵۲۲	کندر
۵۲۲	قطران
۵۲۲	زفت
۵۲۲	ذباب
۵۲۲	آبنوس
۵۲۲	مصطکی
۵۲۲	صمغ صنوبر
۵۲۲	مامیثا
۵۲۲	حجر ارمنی
۵۲۲	قطب الفارسی

۵۲۳	ماعز
۵۲۳	بنج
۵۲۳	اوز
۵۲۳	شحم‌الدب
۵۲۳	بیض
۵۲۳	بابونج
۵۲۳	شیح
۵۲۳	ساذج هندی
۵۲۳	سلخ الحیه
۵۲۳	دیک
۵۲۴	کحل
۵۲۴	باب- ۶۱ در علاج القمل و القمقام در پلک چشم
۵۲۴	سلق
۵۲۴	زیت
۵۲۴	ماء الکبریت
۵۲۴	ملح
۵۲۴	روشنائی
۵۲۴	بورق ارمنی
۵۲۴	خل العنصل
۵۲۴	نظرون
۵۲۵	خردل
۵۲۵	ماء القبیری
۵۲۵	کحل
۵۲۵	جندبیدستر

۵۲۵	حب القوقا
۵۲۵	ایارج فیقرا
۵۲۵	عاققرحا
۵۲۵	شب یمانی
۵۲۵	صبر
۵۲۵	نطول
۵۲۶	باب- ۶۲ در علاج سلاق
۵۲۶	اشاره
۵۲۶	ماء الرمانین
۵۲۶	خنثی
۵۲۶	زنجار الحديد
۵۲۶	سماق
۵۲۶	هللیج اصفر
۵۲۶	ماء الحصرم
۵۲۶	زنجار
۵۲۶	حب ایارج
۵۲۷	شیاف
۵۲۷	شحم الرمان
۵۲۷	میعه
۵۲۷	زفت
۵۲۷	قطران
۵۲۷	خولان
۵۲۷	شیاف احمر
۵۲۷	برود حصرم

۵۲۷	دراج
۵۲۷	ماء الورد
۵۲۷	عدس مطبوخ
۵۲۸	بقله حمقا
۵۲۸	هندبا
۵۲۸	شیاف مر
۵۲۸	دخان المر
۵۲۸	کندر
۵۲۸	اترج
۵۲۸	لبلاب
۵۲۸	صبر
۵۲۸	زنجبیل
۵۲۸	بطم
۵۲۹	شیاف توتیا
۵۲۹	مصطکی
۵۲۹	صمغ صنوبر
۵۲۹	زیت
۵۲۹	باب- ۶۳ در علاج حکه چشم و ماق
۵۲۹	خل
۵۲۹	آبنوس
۵۲۹	بطم
۵۲۹	میعه
۵۲۹	قطران
۵۳۰	زفت

۵۳۰	سماق
۵۳۰	کندر
۵۳۰	صبر
۵۳۰	لفل
۵۳۰	زنجار
۵۳۰	قلقطار
۵۳۰	زنجبیل
۵۳۰	سنبل هندی
۵۳۰	کحل نافع
۵۳۱	قشار الکندر
۵۳۱	قطن
۵۳۱	بصل
۵۳۱	باب - ۶۴ در علاج قروح
۵۳۱	کتیرا
۵۳۱	اقلیمیای فضه
۵۳۱	آبنوس
۵۳۱	قنقد
۵۳۱	بسد
۵۳۱	شقایق النعمان
۵۳۲	کندر
۵۳۲	طباشیر
۵۳۲	مر
۵۳۲	شادنج
۵۳۲	تمر هندی

۵۳۲	حلزون محرق
۵۳۲	ودع
۵۳۲	نشادر
۵۳۲	زفت
۵۳۲	توبان النحاس
۵۳۳	توتیا
۵۳۳	وج
۵۳۳	بیض
۵۳۳	زبد
۵۳۳	طین مختوم
۵۳۳	سکینج
۵۳۳	اشق
۵۳۳	اٹمد
۵۳۳	اسفیداج
۵۳۳	سنجار
۵۳۳	لوف
۵۳۴	زیتون
۵۳۴	قنطوریون دقیق
۵۳۴	کماذریوس
۵۳۴	حجل
۵۳۴	عقاب
۵۳۴	دجاج
۵۳۴	صبر
۵۳۴	راسخ

۵۳۴	مرقشیشا
۵۳۴	ابریشم
۵۳۵	ورد [۱۵]
۵۳۵	سنبل
۵۳۵	شادنج
۵۳۵	زعفران
۵۳۵	مامیثا
۵۳۵	لحیة التیس
۵۳۵	حلبه
۵۳۵	جندبیدستر
۵۳۵	شیاف الکندر
۵۳۶	باب- ۶۵ در دواهایی جالی آثار قروح را
۵۳۶	حندقوقی
۵۳۶	کندر
۵۳۶	سکینج
۵۳۶	ارنب
۵۳۶	فاخته
۵۳۶	سندروس
۵۳۶	املج
۵۳۶	مرجان
۵۳۶	بول صبی
۵۳۶	لؤلؤ
۵۳۷	قنطوریون
۵۳۷	زجاج محرق مکاس

سنجار	۵۳۷
فصل	۵۳۷
کندر	۵۳۷
میعه	۵۳۷
آبنوس	۵۳۷
انزروت	۵۳۷
ایل شاخ	۵۳۷
بطیخ	۵۳۷
دلب	۵۳۸
بنج	۵۳۸
قطران	۵۳۸
کندر	۵۳۸
باب- ۶۶ در علاج کمنه	۵۳۸
مرزنجوش	۵۳۸
فجل	۵۳۸
لفل الماء	۵۳۸
صبر	۵۳۸
ملح	۵۳۸
کمون البری	۵۳۸
نانخواه	۵۳۹
ورشان	۵۳۹
فوتنج	۵۳۹
قطران	۵۳۹
خل	۵۳۹

۵۳۹	انجدان
۵۳۹	بلیوس
۵۳۹	زوفائی بابس
۵۳۹	جین
۵۳۹	باقلا
۵۴۰	راوند چینی
۵۴۰	لعاب الصایم
۵۴۰	مردارسنگ
۵۴۰	ترمس
۵۴۰	ثافسیا و کندر و شمع
۵۴۰	ثوم
۵۴۰	سندروس
۵۴۰	افسنتین
۵۴۰	سماق
۵۴۰	قصب الزریره
۵۴۱	خردل
۵۴۱	عسل مقوم
۵۴۱	کرسنه
۵۴۱	دم الشفانیز
۵۴۱	مرقشیشا
۵۴۱	مر
۵۴۱	بط
۵۴۱	باب- ۶۷ در علاج حول
۵۴۱	ریته

۵۴۱	زیتون
۵۴۱	نطرون
۵۴۱	شفانیز
۵۴۲	فاخته
۵۴۲	باب- ۶۸ در علاج جحوظ
۵۴۲	اقاقیا
۵۴۲	آس
۵۴۲	هندبا
۵۴۲	عصا الراعی
۵۴۲	خولان
۵۴۲	حضض مکی
۵۴۲	لحیة التیس
۵۴۲	هللیج کابلی
۵۴۳	غاریقون
۵۴۳	مطبوخ الفواکه
۵۴۳	باب ۶۹ در علاج زرقه
۵۴۳	زعفران
۵۴۳	شقایق النعمان
۵۴۳	بندق
۵۴۳	حنظل
۵۴۳	حنظل و حلزون
۵۴۳	رمان
۵۴۳	عفص
۵۴۴	اتان

۵۴۴	قلقدیس
۵۴۴	جوز
۵۴۴	عنب الثعلب
۵۴۴	باب ۷۰ در علاج انتشار
۵۴۴	رازینج
۵۴۴	باشق
۵۴۴	ورد
۵۴۴	صندل
۵۴۴	فوفل
۵۴۴	نیلوفر
۵۴۵	خلاف
۵۴۵	باقلا
۵۴۵	سکنجبین السکری
۵۴۵	شیاف
۵۴۵	خلتیت
۵۴۵	فرفیون
۵۴۵	اقلیمیا
۵۴۵	لؤلؤ
۵۴۵	خطمی
۵۴۵	بیضه
۵۴۶	شیوط
۵۴۶	مرارة المعز
۵۴۶	عنب الثعلب
۵۴۶	نشا

۵۴۶	باب ۷۱ فی الضیق
۵۴۶	بابونج
۵۴۶	بان
۵۴۶	شیاف
۵۴۶	شیاف دیگر
۵۴۶	باب ۷۲ فی الاتساع
۵۴۷	باقلا
۵۴۷	رازیانج
۵۴۷	باب- ۷۳ فی الشتره
۵۴۷	اشاره
۵۴۷	علیق
۵۴۷	عوسج
۵۴۷	باب- ۷۴ فی الدبيله
۵۴۷	اشاره
۵۴۷	حلبه
۵۴۸	اکلیل الملک
۵۴۸	بزر الکتان
۵۴۸	لبن الجاریه
۵۴۸	شیاف الابار
۵۴۸	شیاف الاحمر
۵۴۸	عوسج
۵۴۸	شاهترج
۵۴۸	عدس
۵۴۸	بیضه

۵۴۸	شیاف اخضر
۵۴۸	زیتون
۵۴۹	سنبل هندی
۵۴۹	طین مختوم
۵۴۹	اسفیداج
۵۴۹	عفص
۵۴۹	باب- ۷۵ فی التوثه
۵۴۹	باب- ۷۶ فی السعفة
۵۴۹	اشاره
۵۵۰	شیاف
۵۵۰	حب الايارج
۵۵۰	حمام
۵۵۰	باب- ۷۷ فی النمله
۵۵۰	اشاره
۵۵۰	مامیثا
۵۵۰	برود حصرم
۵۵۰	شیاف احمر
۵۵۰	حضض مکی
۵۵۰	باب- ۷۸ فی السرطان
۵۵۰	اشاره
۵۵۱	سفوف
۵۵۱	سفوف مبدل
۵۵۱	شادنج
۵۵۱	شیاف مامیثا

۵۵۱	شادنج
۵۵۱	شیاف مامیثا
۵۵۱	باب- ۷۹ فی الشرناق
۵۵۱	اشاره
۵۵۱	صبر
۵۵۱	مامیثا
۵۵۲	مر
۵۵۲	بسد
۵۵۲	طلا
۵۵۲	باب- ۸۰ فی الدم
۵۵۲	اشاره
۵۵۲	طین مختوم
۵۵۲	اشق
۵۵۲	بقلة الحمقا
۵۵۲	قیروطی
۵۵۲	شیاف احمر
۵۵۲	داخلیون
۵۵۳	باب- ۸۱ فی بیاض الهدب
۵۵۳	باب- ۸۲ فی الخیال
۵۵۳	اشاره
۵۵۳	سلحفات
۵۵۳	باب- ۸۳ فی الغده
۵۵۳	باب- ۸۴ فی استرخاء الجفن
۵۵۳	اشاره

۵۵۳	صبر
۵۵۳	ضمداد
۵۵۳	اقاقیا سائیده
۵۵۳	شجر الارز
۵۵۴	شبت
۵۵۴	باب- ۸۵ فی الجهر
۵۵۴	اشاره
۵۵۴	نطول
۵۵۴	فصل
۵۵۴	کحل فلفل
۵۵۴	کرکی
۵۵۴	تیس جبلی
۵۵۴	باشق
۵۵۴	ارنب
۵۵۵	رازیانج
۵۵۵	سلحفاة
۵۵۵	کحل مجرب
۵۵۵	کماشیر
۵۵۵	باب- ۸۶ فی الشری
۵۵۵	اشاره
۵۵۵	دارفلفل
۵۵۵	باب- ۸۷ فی الخفش
۵۵۵	دهن بنفسج
۵۵۵	باب- ۸۸ فی ورم العین

۵۵۵	ورد
۵۵۶	کندر
۵۵۶	بنفسج
۵۵۶	حی العالم
۵۵۶	زعفران
۵۵۶	بیضه
۵۵۶	صفرتها
۵۵۶	سفرجل
۵۵۶	بقلة الحمقا
۵۵۶	سویق الشعیر
۵۵۶	بنج
۵۵۶	آس
۵۵۷	شادنج
۵۵۷	عنب الثعلب
۵۵۷	خل
۵۵۷	الادویته المسکنه الوجع
۵۵۷	کزبره خضرا
۵۵۷	بیض
۵۵۷	رمان حلو
۵۵۷	اسفنج
۵۵۷	حماما
۵۵۷	جلنار
۵۵۷	شیاف
۵۵۸	اکلیل الملك

- ۵۵۸ غبار الریحی
- ۵۵۸ افیون
- ۵۵۸ میفختج
- ۵۵۸ زعفران
- ۵۵۸ لبن الجوارى
- ۵۵۸ نشا
- ۵۵۸ خولان
- ۵۵۸ باب- ۸۹ فی صغر العین و ذبولها
- ۵۵۸ اشاره
- ۵۵۹ لبن النساء
- ۵۵۹ قرع
- ۵۵۹ الادویة المضرّة للعين
- ۵۵۹ بادروج
- ۵۵۹ ملح
- ۵۵۹ کرب
- ۵۵۹ لحوم
- ۵۵۹ سرکه
- ۵۵۹ جماع
- ۵۵۹ حجامت
- ۵۵۹ کراث
- ۵۵۹ جرجیر
- ۵۵۹ زیتون
- ۵۵۹ الادویة الحافظة لصحة العيون
- ۵۵۹ توتیا

۵۵۹	اتمد
۵۵۹	مرقشیشائی
۵۶۰	شادنج
۵۶۰	باب- ۹۰ فی وجع الاذن
۵۶۰	افستین
۵۶۰	اکلیل الملك
۵۶۰	افیون
۵۶۰	سنجار
۵۶۰	اذان الفار
۵۶۰	کندش
۵۶۰	خروج
۵۶۰	قنب
۵۶۱	بزر شهدانج
۵۶۱	سلق
۵۶۱	حشیشه
۵۶۱	مومیائی
۵۶۱	دهن اللوز
۵۶۱	شونیز
۵۶۱	نعناع
۵۶۱	قرع
۵۶۱	دهن الناردين
۵۶۱	دهن البان
۵۶۲	لسان الحمل
۵۶۲	معز بول

- شجر الارز ۵۶۲
- دود الجراد ۵۶۲
- بادروج ۵۶۲
- خراطین ۵۶۲
- کبش ۵۶۲
- بنج ۵۶۲
- فجل ۵۶۲
- فراسیون ۵۶۲
- فوه الصبغ ۵۶۲
- سلخ الحیه ۵۶۳
- مصطگی ۵۶۳
- نرجس ۵۶۳
- خنفسا ۵۶۳
- قصب الزریره ۵۶۳
- ایرسا ۵۶۳
- سداب ۵۶۳
- لبن النساء ۵۶۳
- سوسن ۵۶۳
- عنب الثعلب ۵۶۳
- زوفا ۵۶۳
- خولان ۵۶۴
- دارچینی ۵۶۴
- شعر الانسان ۵۶۴
- کراث ۵۶۴

۵۶۴	نظرون
۵۶۴	حنظل
۵۶۴	شحم الحنظل
۵۶۴	قرع
۵۶۴	بادنجان
۵۶۴	خشخاش
۵۶۵	نقط ابیض
۵۶۵	سمانی
۵۶۵	سرطان نهری
۵۶۵	صرصر
۵۶۵	بصل
۵۶۵	بیروج الصنم
۵۶۵	قنطوریون دقیق
۵۶۵	فرفیون
۵۶۵	ماعز
۵۶۵	شحم الضب
۵۶۵	کرم
۵۶۶	خریق اسود
۵۶۶	حلتیت
۵۶۶	کمون
۵۶۶	کادی
۵۶۶	دارفلل
۵۶۶	باب- ۹۱ فی ورم الاذن
۵۶۶	اکلیل الملك

۵۶۶	نقطه ابیض
۵۶۶	زعفران
۵۶۶	نرجس
۵۶۶	جندیبستر
۵۶۷	افیون
۵۶۷	کرنب
۵۶۷	باب- ۹۲ فی سدد الاذن
۵۶۷	مشمش
۵۶۷	شبت
۵۶۷	الفجل
۵۶۷	لوز المر
۵۶۷	خردل
۵۶۷	قنب
۵۶۷	سداب
۵۶۷	باب- ۹۳ فی الطرش و الصمم
۵۶۸	شحم الشفانیز
۵۶۸	خل
۵۶۸	عنصل
۵۶۸	خروع
۵۶۸	حنظل
۵۶۸	بابونج
۵۶۸	خردل
۵۶۸	مرارة البقر
۵۶۸	مرارة الغنم

۵۶۸	قطران
۵۶۸	خریق اسود
۵۶۹	جندیستر
۵۶۹	کبریت
۵۶۹	ابهل
۵۶۹	دهن العقارب
۵۶۹	باب- ۹۴ فی الدوی و الطنین
۵۶۹	مرزنجوش
۵۶۹	زیتون
۵۶۹	حب الغار
۵۶۹	مازیون
۵۶۹	خل
۵۶۹	مازیون
۵۷۰	خل
۵۷۰	تین
۵۷۰	نارجیل
۵۷۰	مراریر
۵۷۰	لوز الحلو
۵۷۰	فجل
۵۷۰	سوسن
۵۷۰	کمون
۵۷۰	باب- ۹۵ فی قروح الاذن
۵۷۰	خولان
۵۷۰	لبلاب

- جاموس ۵۷۱
- لحیه التیس ۵۷۱
- زبد ۵۷۱
- صبر ۵۷۱
- خبث الحديد ۵۷۱
- حوض مکی ۵۷۱
- بول انسان ۵۷۱
- بول انسان ۵۷۱
- کندر ۵۷۱
- زرنیخ ۵۷۱
- مرهم ۵۷۱
- انزروت ۵۷۲
- زبد البحر ۵۷۲
- بورق ارمنی ۵۷۲
- کندر ۵۷۲
- مر ۵۷۲
- شیاف ۵۷۲
- مرهم ۵۷۲
- باسلیقون ۵۷۲
- ماء الفاتر ۵۷۲
- بول ابل ۵۷۲
- حوض مکی ۵۷۲
- ماء الزيتون المملوح ۵۷۲
- سمن العتیق ۵۷۲

۵۷۳	باب- ۹۶ فی الضربة و الصدمة
۵۷۳	کندر
۵۷۳	پنجنگشت
۵۷۳	انیسون
۵۷۳	اسفیداج الرصاص
۵۷۳	بورق
۵۷۳	بیضه
۵۷۳	باب- ۹۷ فی الرطوبة الجارية من الاذن
۵۷۳	شبت
۵۷۳	زفت
۵۷۳	صبر
۵۷۳	مرارة الثور
۵۷۴	باب- ۹۸ فی دود الاذن
۵۷۴	عذبه
۵۷۴	توتیائی هندی
۵۷۴	بول صبیان
۵۷۴	حنظل
۵۷۴	عفص
۵۷۴	بقر
۵۷۴	خربق ابیض
۵۷۴	نشادر
۵۷۴	باب- ۹۹ فی دخول الماء فی الاذن
۵۷۴	بصل
۵۷۵	بیض

- باب- ۱۰۰ فی الريح الباردة يصيب الاذن ۵۷۵
- زوفا ۵۷۵
- صعتر ۵۷۵
- فجل ۵۷۵
- جندبیدستر ۵۷۵
- لبن البلسان ۵۷۵
- باب- ۱۰۱ فی الورم الحادث فی خلل ۵۷۵
- اشاره ۵۷۵
- ابل ۵۷۵
- بقر ۵۷۵
- تین ۵۷۶
- باقلا ۵۷۶
- بزرقطونا ۵۷۶
- زعفران ۵۷۶
- عنب الثعلب ۵۷۶
- لحم الصدف ۵۷۶
- بعر الماعز ۵۷۶
- باب- ۱۰۲ فی دخول الحيوان و غيره فی الاذن ۵۷۶
- بصل ۵۷۶
- زیت ۵۷۶
- مر ۵۷۶
- فصل فی منقیات الاذن ۵۷۷
- عسل ۵۷۷
- لوز المر ۵۷۷

۵۷۷	زعفران
۵۷۷	باب- ۱۰۳ فی الرعاف
۵۷۷	ثور
۵۷۷	کافور
۵۷۷	آملج
۵۷۷	کهربا
۵۷۷	خرء الحمام
۵۷۷	خرء الحمام
۵۷۸	جلنار
۵۷۸	عقیق
۵۷۸	مغیلان
۵۷۸	یاقوت
۵۷۸	کزبره
۵۷۸	جنطیانا
۵۷۸	کمون کرمانی
۵۷۸	کافور
۵۷۸	افیون
۵۷۸	باب- ۱۰۴ فی ورم الانف و حكه
۵۷۸	زید
۵۷۸	صبر
۵۷۹	باب- ۱۰۵ فی الخشم
۵۷۹	نسرین
۵۷۹	مراریر
۵۷۹	شونیز

- ۵۷۹ جمل
- ۵۷۹ خل
- ۵۷۹ باب- ۱۰۶ فی اللحم الزاید فی الانف
- ۵۷۹ سرو
- ۵۷۹ طین یابس
- ۵۷۹ زنجار
- ۵۷۹ نشادر
- ۵۷۹ فصل فی ادویه المحرکة للعطاس
- ۵۸۰ خردل
- ۵۸۰ فرنجمشک
- ۵۸۰ خولنجان
- ۵۸۰ ایرسا
- ۵۸۰ باب- ۱۰۷ فی تین الانف
- ۵۸۰ لبلاب
- ۵۸۰ جمل
- ۵۸۰ ایرسا
- ۵۸۰ خربق ابيض
- ۵۸۰ نشادر
- ۵۸۰ قصب الذريره
- ۵۸۱ مسک
- ۵۸۱ باب- ۱۰۸ فی بواسير الانف
- ۵۸۱ لوف
- ۵۸۱ ایرسا
- ۵۸۱ رمان حامض

- باقلا ۵۸۱
- باب- ۱۰۹ فی نتو الشفتین و قروحهما و قروح الفم ۵۸۱
- زنجفر ۵۸۱
- حصرم ۵۸۱
- زرنیخ احمر ۵۸۱
- کزبره خضراء ۵۸۱
- ملح ۵۸۱
- عفص ۵۸۲
- لسان الثور ۵۸۲
- زجاج ۵۸۲
- سندروس ۵۸۲
- دارشیشعان ۵۸۲
- صندل احمر ۵۸۲
- اجاص ۵۸۲
- قیصور و زجاج ۵۸۲
- باب- ۱۱۰ فی اكله الفم ۵۸۲
- سلحفات نهريه ۵۸۲
- زرنیخ ۵۸۲
- قرطاس ۵۸۳
- قلقدیس ۵۸۳
- باب- ۱۱۱ فی استرخاء اللثه و تززع الاسنان و تعلقها ۵۸۳
- حیق ۵۸۳
- قرنفل مر ۵۸۳
- اندرانی ۵۸۳

۵۸۳	جلنار
۵۸۳	صنوبر کبار
۵۸۳	سعد
۵۸۳	فلنجان
۵۸۳	نسخه
۵۸۴	باب- ۱۱۲ فی وجع الاسنان
۵۸۴	مویزج
۵۸۴	جاورس
۵۸۴	افیون
۵۸۴	خردل
۵۸۴	شیطرح
۵۸۴	شب یمانی
۵۸۴	باب- ۱۱۳ فی تاکل الاسنان
۵۸۴	مشمش
۵۸۴	حلتیت
۵۸۴	مر
۵۸۵	فوتنج
۵۸۵	کرم
۵۸۵	رمان
۵۸۵	باب فی تسهیل قلع الاسنان
۵۸۵	قثاء الحمار
۵۸۵	ظیان
۵۸۵	لسان الحمل
۵۸۵	برنجاسف

۵۸۵	شبرم
۵۸۵	باب- ۱۱۴ فی ضرس
۵۸۵	الملح
۵۸۶	بقلة الحمقا
۵۸۶	جوز الاكل
۵۸۶	لوز
۵۸۶	نارجیل
۵۸۶	باب- ۱۱۵ فی الحفر
۵۸۶	سلحفاة
۵۸۶	عقیق
۵۸۶	قلی ابیض
۵۸۶	باب- ۱۱۶ فی النجر
۵۸۶	سداب
۵۸۶	مر
۵۸۶	زنبق
۵۸۷	سمسم
۵۸۷	باب- ۱۱۷ فی سیلان اللعاب من افواه الصبیان
۵۸۷	آس
۵۸۷	اقاقیا
۵۸۷	مصطکی
۵۸۷	عفص
۵۸۷	قشار الکندر
۵۸۷	شابانک
۵۸۷	باب- ۱۱۸ فی اللثة الدامیه و الوارمه

۵۸۷	دهن الاس
۵۸۷	خبث الحديد
۵۸۷	مصطكى
۵۸۸	باب- ۱۱۹ ورم اللهاة و اللوزتين
۵۸۸	اشاره
۵۸۸	نشادر
۵۸۸	شب
۵۸۸	سنبل هندی
۵۸۸	زهرة النحاس
۵۸۸	کزبره خضرا
۵۸۸	ذنب الاسد
۵۸۸	باب- ۱۲۰ فى العلق المتعلق بالعلق
۵۸۸	قلقطار مذاب
۵۸۸	زاج
۵۸۹	شونيز
۵۸۹	خردل
۵۸۹	باب- ۱۲۱ فى خنازير الحلق
۵۸۹	اشاره
۵۸۹	کزبره خضرا
۵۸۹	خردل
۵۸۹	نیل هندی
۵۸۹	زعفران
۵۸۹	کمون
۵۸۹	جاموس

- باب- ۱۲۲ فی ثقل اللسان ۵۸۹
- خردل ۵۸۹
- ایارج فیکرا ۵۹۰
- زنجبیل ۵۹۰
- عاقرقرحا ۵۹۰
- باب- ۱۲۳ فی ورم اللسان ۵۹۰
- بزر کتان ۵۹۰
- ایرسا ۵۹۰
- باب- ۱۲۴ فی القلاع ۵۹۰
- حصرم ۵۹۰
- حنا ۵۹۰
- عفص ۵۹۰
- نشاسته ۵۹۰
- عصفر ۵۹۰
- فوفل ۵۹۱
- نیل هندی ۵۹۱
- باب ۱۲۵ فی الضفدع الحاصل تحت السان ۵۹۱
- صعتر ۵۹۱
- بورق ۵۹۱
- عفص ۵۹۱
- شب ۵۹۱
- زاج ۵۹۱
- باب ۱۲۶ فی بطوء الکلام ۵۹۱
- مویزج ۵۹۱

- ۵۹۱ فلفل
- ۵۹۲ کندر
- ۵۹۲ تین
- ۵۹۲ ملح
- ۵۹۲ باب- ۱۲۷ فی خشونة اللسان
- ۵۹۲ سماق الدباغین
- ۵۹۲ نعناع
- ۵۹۲ شحم الدجاج
- ۵۹۲ باب- ۱۲۸ فی استرخاء اللسان
- ۵۹۲ ایارج
- ۵۹۲ خردل
- ۵۹۲ عاقرقرا
- ۵۹۲ باب- ۱۲۹ فی بحة الصوت
- ۵۹۳ کرنب
- ۵۹۳ بیض
- ۵۹۳ زرنیخ اصفر
- ۵۹۳ فجل
- ۵۹۳ زراوند طویل
- ۵۹۳ نشا
- ۵۹۳ باب- ۱۳۰ فی قطع الصوت
- ۵۹۳ کرنب
- ۵۹۳ فوه الصغ
- ۵۹۳ مومیائی
- ۵۹۳ زراوند مدحرج

- ۵۹۴ باقلا
- ۵۹۴ حب تمر هندی
- ۵۹۴ باب- ۱۳۱ فی الربو و ضيق النفس
- ۵۹۴ غاریقون
- ۵۹۴ شکر العشر
- ۵۹۴ نطف ابیض
- ۵۹۴ زراوند مدحرج
- ۵۹۴ سنبل هندی
- ۵۹۴ طین ارمنی
- ۵۹۴ ریة الثعلب
- ۵۹۴ مازریون
- ۵۹۵ زوفائی یابس
- ۵۹۵ حجر ارمنی
- ۵۹۵ طین ارمنی
- ۵۹۵ حنظل
- ۵۹۵ تین
- ۵۹۵ افسنتین رومی
- ۵۹۵ زنجبیل
- ۵۹۵ جندیبستر
- ۵۹۵ کراث
- ۵۹۵ فجل
- ۵۹۵ باب- ۱۳۲ فی نفث الدم
- ۵۹۵ خطمی
- ۵۹۶ خشخاش اسود

۵۹۶	راوند
۵۹۶	طین ارمنی
۵۹۶	کمون
۵۹۶	کزبره خضرا
۵۹۶	جلنار
۵۹۶	عفص محرق
۵۹۶	بیض دجاج
۵۹۶	بسباسه
۵۹۶	ماعز
۵۹۷	نشاسته
۵۹۷	خشخاش
۵۹۷	قرع
۵۹۷	شعر الانسان
۵۹۷	باب- ۱۳۳ فی السل
۵۹۷	بردی محرق
۵۹۷	طین ارمنی
۵۹۷	سرطان نهري
۵۹۷	خاکستر سرطانات
۵۹۷	بزر القرع
۵۹۷	نیل
۵۹۸	انجبار
۵۹۸	باب- ۱۳۴ فی السعال الحار
۵۹۸	خولان
۵۹۸	بقله یمانیه سبز

۵۹۸	انبر باریس
۵۹۸	بطیخ اصفر
۵۹۸	حمل
۵۹۸	عناب
۵۹۸	باب- ۱۳۵ فی السعال البارد
۵۹۸	اشاره
۵۹۸	مصطکی
۵۹۸	مر
۵۹۹	حنظل
۵۹۹	فلفل اسود
۵۹۹	بط
۵۹۹	زرنیخ احمر
۵۹۹	لوز حلو
۵۹۹	باب- ۱۳۶ فی السعال الیابس
۵۹۹	نشاء الحنطه
۵۹۹	سپستان
۵۹۹	باب- ۱۳۷ فی سعال الصبیان
۵۹۹	نیل هندی
۵۹۹	سلحفات نهریه
۵۹۹	باب- ۱۳۸ فی ضعف القلب
۶۰۰	فیروزج
۶۰۰	مرجان
۶۰۰	مشک
۶۰۰	لؤلؤ

۶۰۰	خطمی
۶۰۰	نیلوفر
۶۰۰	هندبای بری
۶۰۰	باب- ۱۳۹ فی العشی
۶۰۰	قشاء
۶۰۰	خیار
۶۰۰	قاقلا
۶۰۱	مسک
۶۰۱	ماء الورد
۶۰۱	فروج الدجاج
۶۰۱	باب- ۱۴۰ فی الخفقان
۶۰۱	ترنجان
۶۰۱	مسک
۶۰۱	لؤلؤ
۶۰۱	هندبا
۶۰۱	صندل
۶۰۱	عقیق
۶۰۱	نیل هندی
۶۰۱	تمر هندی
۶۰۲	باب- ۱۴۱ فی ورم الثدي
۶۰۲	تودری
۶۰۲	خبازی
۶۰۲	خروع
۶۰۲	طلق محلول

- ۶۰۲ یاقوت
- ۶۰۲ عدس
- ۶۰۲ باقلا
- ۶۰۲ باب- ۱۴۲ فی تعقد اللبن
- ۶۰۲ شمع
- ۶۰۲ سداب
- ۶۰۳ حلتیت
- ۶۰۳ خل
- ۶۰۳ باب- ۱۴۳ فی قلت اللبن
- ۶۰۳ رازیانج
- ۶۰۳ هلیون
- ۶۰۳ رطبه
- ۶۰۳ شونیز
- ۶۰۳ ماء الشعیر
- ۶۰۳ فجل
- ۶۰۳ جرجیر
- ۶۰۳ بزر البنج
- ۶۰۴ طلق
- ۶۰۴ حنا
- ۶۰۴ لبن البقر الحلیب
- ۶۰۴ ابریشم
- ۶۰۴ باب- ۱۴۴ فی المانعۃ من عظم الثدی
- ۶۰۴ الطین الخراسانی
- ۶۰۴ جبسین

۶۰۴	علق
۶۰۴	افیون
۶۰۴	کندر
۶۰۴	قیمولیا
۶۰۵	باب- ۱۴۵ فی ضعف المعده
۶۰۵	مرجان
۶۰۵	اترج
۶۰۵	سماق
۶۰۵	هللیج
۶۰۵	بسباسه
۶۰۵	بادرنجبویه
۶۰۵	کهربا
۶۰۵	مصطکی
۶۰۵	سنبل هندی
۶۰۵	صندل ابیض
۶۰۶	ورق الزیتون
۶۰۶	امرباریس
۶۰۶	قافله کبیره
۶۰۶	قصب الزریره
۶۰۶	کزبره خضرا
۶۰۶	قسط هندی
۶۰۶	زنجبیل
۶۰۶	لیمون
۶۰۶	فوفل

- سویق الشعیر ۶۰۶
- حصرم ۶۰۶
- باب- ۱۴۶ فی وجع المعده ۶۰۷
- غاریقون ۶۰۷
- افسنتین ۶۰۷
- عنبر ۶۰۷
- عنب الثعلب ۶۰۷
- مصطکی ۶۰۷
- سنبل هندی ۶۰۷
- حجر المرمر ۶۰۷
- لوز حلو ۶۰۷
- حنظل ۶۰۷
- حطب الزیتون ۶۰۷
- باب- ۱۴۷ فی لهب المعده ۶۰۸
- کزبره خضرا ۶۰۸
- صندل ابیض ۶۰۸
- بقلة الحمقا ۶۰۸
- بزر قطونا ۶۰۸
- نارنج ۶۰۸
- قرع ۶۰۸
- باب- ۱۴۸ فی ورم المعده ۶۰۸
- عنب الثعلب ۶۰۸
- امبر باریس ۶۰۸
- باب- ۱۴۹ فی الفواق ۶۰۸

- تمام ۶۰۹
- جندبیدستر ۶۰۹
- نعناع ۶۰۹
- مومیائی ۶۰۹
- دار چینی ۶۰۹
- کمون ۶۰۹
- فستق ۶۰۹
- نشادر ۶۰۹
- لفل اسود ۶۰۹
- شابانک ۶۰۹
- باب- ۱۵۰ فی الغثیان ۶۰۹
- نانخواه ۶۱۰
- طباشیر ۶۱۰
- کباش قرنفل ۶۱۰
- سنبل هندی ۶۱۰
- زرنباد ۶۱۰
- لیمون مالح ۶۱۰
- حصرم ۶۱۰
- فصل فیما یقطع القی و التهوع ۶۱۰
- آب انار ترش ۶۱۰
- قافله صغیره ۶۱۰
- ملح ۶۱۰
- اترج ۶۱۰
- سنبل هندی ۶۱۱

- مسک ۶۱۱
- باب- ۱۵۱ فی العطش ۶۱۱
- یاقوت احمر ۶۱۱
- قرع ۶۱۱
- تمر هندی ۶۱۱
- حصرم ۶۱۱
- طباشیر ۶۱۱
- هندبا ۶۱۱
- لبن الحلیب ۶۱۱
- باب- ۱۵۲ فی رطوبة المعده ۶۱۱
- کاشم ۶۱۲
- ورد یابس ۶۱۲
- کمون ۶۱۲
- قرنفل ۶۱۲
- اترج ۶۱۲
- زرنباد ۶۱۲
- زنجبیل ۶۱۲
- حنظل ۶۱۲
- باب ۱۵۳ فی برد المعده ۶۱۲
- حب البلسان ۶۱۲
- حرف ۶۱۲
- درونج عقربی ۶۱۳
- ننع ۶۱۳
- وج ۶۱۳

- سنبل ۶۱۳
- باب ۱۵۴ فی نفخ المعده و رباحها ۶۱۳
- سنبل رومی ۶۱۳
- درونج ۶۱۳
- عود البخور ۶۱۳
- اترج ۶۱۳
- ملح هندی ۶۱۳
- مصطکی ۶۱۳
- باب ۱۵۵ فی قیء الدم ۶۱۳
- خطمی ۶۱۴
- کهربا ۶۱۴
- بقلة الحمقا ۶۱۴
- عقیق ۶۱۴
- قشر الرمان ۶۱۴
- زمرد ۶۱۴
- سندروس ۶۱۴
- خشخاش ۶۱۴
- مومیائی ۶۱۴
- باب ۱۵۶ فی الجشاء الحامض ۶۱۴
- کزبره الخضراء ۶۱۴
- غاریقون ۶۱۵
- مصطکی ۶۱۵
- کراث ۶۱۵
- ماء الورد ۶۱۵

۶۱۵	باب ۱۵۷ فی حرقة المعدة
۶۱۵	سنبل هندی
۶۱۵	بقلة الحمقا
۶۱۵	سمسم
۶۱۵	لبن الماعز
۶۱۵	سمک طری
۶۱۵	ماء الجبن
۶۱۶	باب ۱۵۸ فی قروح المعدة
۶۱۶	خرنوب شامی
۶۱۶	لبن حلیب
۶۱۶	قرطاس
۶۱۶	باب ۱۵۹ فی ضعف الكبده
۶۱۶	بزر الكتوث
۶۱۶	زبيب احمر
۶۱۶	سنبل هندی
۶۱۶	مصطکی
۶۱۶	فستق
۶۱۶	امیر باریس
۶۱۶	قصب الزریره
۶۱۷	بسباسه
۶۱۷	وج
۶۱۷	بقلة الحمقا
۶۱۷	سماق
۶۱۷	صبر

۶۱۷	نعنع
۶۱۷	درونج
۶۱۷	کفر الیهود
۶۱۷	کزمازک
۶۱۷	باب ۱۶۰ فی وجع الکبد
۶۱۷	سنبل هندی
۶۱۸	قرع
۶۱۸	فستق
۶۱۸	ساذج هندی
۶۱۸	حجر ارمنی
۶۱۸	حضض مکی
۶۱۸	خردل
۶۱۸	دهن البندق
۶۱۸	کرفس
۶۱۸	جمل
۶۱۸	لاجورد
۶۱۸	باب ۱۶۱ فی ورم الکبد
۶۱۹	عنب الثعلب
۶۱۹	روغن بادام
۶۱۹	بقلة الحمقا
۶۱۹	نعنع
۶۱۹	مصطکی
۶۱۹	فوه الصبغ
۶۱۹	حضض

۶۱۹	سنبل هندی
۶۱۹	باب ۱۶۲ فی صلابة الكبد
۶۱۹	غافث
۶۱۹	جوزبوا
۶۱۹	افستین
۶۲۰	غار
۶۲۰	عنب الثعلب
۶۲۰	بابونج
۶۲۰	باب ۱۶۳ فی سدد الكبد
۶۲۰	فرنجمشک
۶۲۰	رازیانج
۶۲۰	جنطیانا
۶۲۰	قسط هندی
۶۲۰	نانخواه
۶۲۰	لوزمر
۶۲۰	زراوند مدحرج
۶۲۱	جرجیر
۶۲۱	عود البلسان
۶۲۱	وج کهربا
۶۲۱	شیطرج
۶۲۱	بزر هندبا بستانی
۶۲۱	بادنجان
۶۲۱	باقلا
۶۲۱	باب فی الیرقان الاصفر کشوت

- ۶۲۱ کهربا
- ۶۲۱ عنب الثعلب
- ۶۲۱ بقله یمانیه
- ۶۲۲ کبریت
- ۶۲۲ فجل
- ۶۲۲ ناردين
- ۶۲۲ قرع
- ۶۲۲ هلیج اصفر
- ۶۲۲ باب ۱۶۴ فی سو القنیه
- ۶۲۲ حندقوی
- ۶۲۲ تین
- ۶۲۲ کروبا
- ۶۲۲ حمص احمر
- ۶۲۲ باب فی استسقاء طبلی حندقوی
- ۶۲۳ حلتیت
- ۶۲۳ دار چینی
- ۶۲۳ اسارون
- ۶۲۳ خل
- ۶۲۳ زنجبیل
- ۶۲۳ باب ۱۶۵ فی الاستسقاء الزقی
- ۶۲۳ لبن اللقاح قصب الذریره بذر کرفس
- ۶۲۳ مر
- ۶۲۳ سنبل رومی
- ۶۲۳ حنظل

- غافت ۶۲۳
- صدف ۶۲۴
- بورق ۶۲۴
- فجل ۶۲۴
- توبال النحاس ۶۲۴
- ملح ۶۲۴
- باب ۱۶۶ فی استسقاءئى لحمى ۶۲۴
- قنفذ البرى ۶۲۴
- تین ۶۲۴
- کمون ۶۲۴
- حصاء البقر ۶۲۴
- سنبل هندی ۶۲۴
- اسارون ۶۲۵
- دم المعز ۶۲۵
- جلنار ۶۲۵
- باب ۱۶۷ فی خروج السره ۶۲۵
- عفص ۶۲۵
- مصطکی ۶۲۵
- باب ۱۶۸ فی الطحال ۶۲۵
- کبر ۶۲۵
- کرفس ۶۲۵
- فوه الصبغ ۶۲۵
- راوند ۶۲۵
- غاریقون ۶۲۵

- ۶۲۶ رازیانج
- ۶۲۶ اسارون
- ۶۲۶ فستق
- ۶۲۶ غارلوز
- ۶۲۶ تین
- ۶۲۶ تودری
- ۶۲۶ سکنجبین بزوری
- ۶۲۶ باب ۱۶۹ فی وجع الطحال
- ۶۲۶ سنجار
- ۶۲۶ دهن اللوز
- ۶۲۶ دلدل
- ۶۲۷ ثوم
- ۶۲۷ وج
- ۶۲۷ خبث الحديد
- ۶۲۷ باب- ۱۷۰ فی ورم الطحال
- ۶۲۷ جعده
- ۶۲۷ مر
- ۶۲۷ زراوند مدحرج
- ۶۲۷ مرجان
- ۶۲۷ کرنب
- ۶۲۷ وج
- ۶۲۷ کرم
- ۶۲۸ عنب الثعلب
- ۶۲۸ باب ۱۷۱ صلابة الطحال

- ۶۲۸ قنطوریون
- ۶۲۸ مازریون
- ۶۲۸ سندروس
- ۶۲۸ وج
- ۶۲۸ اسارون
- ۶۲۸ حلتیت
- ۶۲۸ اشنه
- ۶۲۸ باب ۱۷۲ فی وجع الجنب البارد
- ۶۲۸ سنبل هندی
- ۶۲۸ باب- ۱۷۳ فی المغص
- ۶۲۹ نانخواه
- ۶۲۹ مصطکی
- ۶۲۹ اترج
- ۶۲۹ باب- ۱۷۴ فی السحج
- ۶۲۹ کهربائی مسحوق
- ۶۲۹ عفص
- ۶۲۹ بیضه نیم برشت
- ۶۲۹ باب- ۱۷۵ فی اسهال الصفراوی
- ۶۲۹ شاهسفرم
- ۶۲۹ طین ارمنی
- ۶۲۹ سوبق الشعیر
- ۶۲۹ خشخاش
- ۶۳۰ باب- ۱۷۶ فی اسهال الکبد
- ۶۳۰ حی العالم

- ۶۳۰ خس
- ۶۳۰ انفحة الفرس
- ۶۳۰ باب- ۱۷۷ فی اسهال المزمن
- ۶۳۰ مقل مکی
- ۶۳۰ حضض مکی
- ۶۳۰ حدید
- ۶۳۰ توت شامی
- ۶۳۰ کهربا
- ۶۳۰ اقماع بادنجان
- ۶۳۰ نشا
- ۶۳۱ باب- ۱۷۸ فی قروح الامعا
- ۶۳۱ باقلا
- ۶۳۱ جلنار
- ۶۳۱ بقله الحمقا
- ۶۳۱ فیروزج
- ۶۳۱ نیلوفر [۱۹]
- ۶۳۱ مصطکی
- ۶۳۱ خبث الحدید
- ۶۳۱ خل
- ۶۳۱ باب- ۱۷۹ فی ادویة القابضه
- ۶۳۲ انبرباریس
- ۶۳۲ دارشیشعان
- ۶۳۲ شاهسفرم
- ۶۳۲ خشخاش

- باب- ۱۸۰ در قولنج ۶۳۲
- قنطوریون ۶۳۲
- ناردین ۶۳۲
- ماء شعیر ۶۳۲
- پارچه ناف ولد ۶۳۲
- هلیون ۶۳۲
- حنظل ۶۳۲
- تین ۶۳۲
- راوند طویل ۶۳۳
- خرء الدیک ۶۳۳
- ریوند ۶۳۳
- زنجبیل ۶۳۳
- باب- ۱۸۱ فی الدیدان و الحیات ۶۳۳
- مشمش ۶۳۳
- رمان ۶۳۳
- کاشم ۶۳۳
- قنبیل ۶۳۳
- فوتنج ۶۳۳
- تریاق فاروق ۶۳۳
- قسط و مر ۶۳۴
- برنج کابلی ۶۳۴
- قیسوم ۶۳۴
- نفظ ۶۳۴
- باب- ۱۸۲ فی وجع الکلی ۶۳۴

- ۶۳۴ قردمانا
- ۶۳۴ قسط
- ۶۳۴ بقله الحمقا
- ۶۳۴ غاریقون
- ۶۳۴ نشاء الحنطه
- ۶۳۴ شاهسفرم
- ۶۳۵ لاجورد
- ۶۳۵ باب- ۱۸۳ فی قروح الکلی
- ۶۳۵ خطمی
- ۶۳۵ کاکنج
- ۶۳۵ دهن الورد
- ۶۳۵ انجبار رب
- ۶۳۵ بهمنین
- ۶۳۵ باب- ۱۸۴ فی الرمل و الحصى
- ۶۳۵ غاریقون
- ۶۳۵ دهن لوز حلو
- ۶۳۵ قلت
- ۶۳۵ ثوم
- ۶۳۶ فوه الصیغ
- ۶۳۶ بیضه
- ۶۳۶ باب- ۱۸۵ فی ورم الکلی
- ۶۳۶ زوفائی رطب
- ۶۳۶ نشا
- ۶۳۶ بزر کتان

- باب - ۱۸۶ فی وجع المثانه ۶۳۶
- خبازی ۶۳۶
- دهن الورد ۶۳۶
- لوز حلو ۶۳۶
- لاجورد ۶۳۶
- شیترج ۶۳۷
- سنبل رومی ۶۳۷
- کزبره ۶۳۷
- بقلته الحمقا ۶۳۷
- باب - ۱۸۷ فی حصاة المثانه ۶۳۷
- لبن النساء ۶۳۷
- بطیخ ۶۳۷
- حمام ۶۳۷
- فجل ۶۳۷
- وج ۶۳۷
- سرطان نهري ۶۳۷
- عقرب ۶۳۸
- مقل ازرق ۶۳۸
- حجر يهود ۶۳۸
- اسقولوقندريون ۶۳۸
- شونيز ۶۳۸
- افسنتين ۶۳۸
- باب - ۱۸۸ فی حرقة البول ۶۳۸
- کزبره خضرا ۶۳۸

- ۶۳۸ خس
- ۶۳۸ هندبا
- ۶۳۸ بقله الحمقا
- ۶۳۸ بزرقطونا
- ۶۳۹ باب- ۱۸۹ فی سلسل البول و تقطیر و ادرار آن
- ۶۳۹ ناردين
- ۶۳۹ بطیخ
- ۶۳۹ قسط بهمین
- ۶۳۹ خشک
- ۶۳۹ باب- ۱۹۰ فی عسر بول خطمی
- ۶۳۹ بیخ
- ۶۳۹ شکر
- ۶۳۹ بسد
- ۶۳۹ حجر یهود
- ۶۳۹ کهربا
- ۶۴۰ لوز مر
- ۶۴۰ خردل
- ۶۴۰ بابونج
- ۶۴۰ مقل ازرق
- ۶۴۰ شقایق
- ۶۴۰ فلفل اسود
- ۶۴۰ بزر القرع
- ۶۴۰ لوز حلو
- ۶۴۰ قفر الیهود

- ۶۴۰ زرنباد
- ۶۴۰ باب- ۱۹۱ فی بول الدم و جموده فی المثانه
- ۶۴۱ انجبار
- ۶۴۱ کاکنج
- ۶۴۱ جلنار
- ۶۴۱ شب
- ۶۴۱ اظفار الطیب
- ۶۴۱ باب- ۱۹۲ فی ورم المقعد
- ۶۴۱ خیری
- ۶۴۱ رصاص
- ۶۴۱ مصطگی
- ۶۴۱ دهن الحلبه
- ۶۴۱ باب- ۱۹۳ فی قروح المقعد
- ۶۴۱ صبر
- ۶۴۲ سداب
- ۶۴۲ رمان حامض
- ۶۴۲ خولان
- ۶۴۲ باب- ۱۹۴ فی البواسیر
- ۶۴۲ شاهسفرم
- ۶۴۲ خبث الحديد
- ۶۴۲ هلیج اصفر
- ۶۴۲ نارجیل
- ۶۴۲ سم البقر
- ۶۴۲ طین ارمنی

- ۶۴۲ رصاص
- ۶۴۳ شبت
- ۶۴۳ صدف
- ۶۴۳ اترج
- ۶۴۳ صبر
- ۶۴۳ لوز مر
- ۶۴۳ شراب عتیق
- ۶۴۳ باب- ۱۹۵ فی الجماع و الشهوة
- ۶۴۳ آذریون
- ۶۴۳ بطم
- ۶۴۳ جوز الاکل
- ۶۴۳ جرجیر
- ۶۴۴ حرف
- ۶۴۴ دهن السمسم
- ۶۴۴ عاقرقرا
- ۶۴۴ جندبیدستر
- ۶۴۴ انیسون
- ۶۴۴ ناردين
- ۶۴۴ لبن البقر
- ۶۴۴ مرارة الثور
- ۶۴۴ خصی العجل
- ۶۴۴ بطیخ اصفر
- ۶۴۴ بندق
- ۶۴۴ خفاش

- عاققرحا ۶۴۵
- انزروت ۶۴۵
- انفحةُ الجمل ۶۴۵
- جوز ریته ۶۴۵
- تودری ۶۴۵
- فجل ۶۴۵
- وج ۶۴۵
- روبیان ۶۴۵
- لبن النعاج ۶۴۵
- قسط هندی ۶۴۵
- موز ۶۴۶
- سقنقور ۶۴۶
- شقایق اربما ۶۴۶
- سمک صیدا ۶۴۶
- لؤلؤ ۶۴۶
- دراج ۶۴۶
- تمساح ۶۴۶
- سلحفات ۶۴۶
- حرف ۶۴۶
- باب- ۱۹۶ فی قلت منی ۶۴۶
- کراث ۶۴۶
- سورنجان ۶۴۷
- شقاقل رومی ۶۴۷
- سمک طری ۶۴۷

- ۶۴۷ لبن البقر الحليب
- ۶۴۷ فرخ الحمام
- ۶۴۷ باب- ۱۹۷ فی الادویة المغلظة
- ۶۴۷ پیه ورل -
- ۶۴۷ انجره
- ۶۴۷ باب- ۱۹۸ فی الکسلان بعد الجماع
- ۶۴۷ ایرسا
- ۶۴۷ دواء المسک
- ۶۴۷ مفرح یاقوتی
- ۶۴۸ باب- ۱۹۹ فی قروح الانثیین
- ۶۴۸ صبر
- ۶۴۸ شب یمانی
- ۶۴۸ لبن النساء
- ۶۴۸ بول انسان
- ۶۴۸ طین ارمنی اسفیداج
- ۶۴۸ افیون
- ۶۴۸ آس
- ۶۴۸ باب- ۲۰۰ فی الفتق
- ۶۴۸ خراطین
- ۶۴۸ وج
- ۶۴۹ باقلا
- ۶۴۹ عنبر خام
- ۶۴۹ بزرقطونا
- ۶۴۹ باب- ۲۰۱ فی القیلة و الادرة

۶۴۹	بزرگطونا
۶۴۹	طحلب
۶۴۹	فیروزج
۶۴۹	باب- ۲۰۲ فی وجع الرحم
۶۴۹	حلبه
۶۴۹	لاذن
۶۴۹	دارچینی
۶۴۹	شبت
۶۵۰	اللوز الحلو
۶۵۰	باب- ۲۰۳ فی ورم الرحم
۶۵۰	اشاره
۶۵۰	سنبل هندی
۶۵۰	هوفاریقون
۶۵۰	زرنیاد
۶۵۰	لوز المر
۶۵۰	سنبل رومی
۶۵۰	زعفران
۶۵۰	شبت
۶۵۰	صبر
۶۵۱	سلیخه
۶۵۱	ایل
۶۵۱	باب- ۲۰۴ اختناق الرحم
۶۵۱	خردل
۶۵۱	قفر یهود

- ۶۵۱ سکبینج
- ۶۵۱ سنبل هندی
- ۶۵۱ کهربا
- ۶۵۱ جندییدستر
- ۶۵۱ جاوشیر
- ۶۵۱ باب- ۲۰۵ فی قروح الرحم
- ۶۵۲ اشاره
- ۶۵۲ نسرين
- ۶۵۲ صبر
- ۶۵۲ لبن حليب
- ۶۵۲ مخ ساق البقر
- ۶۵۲ سنبل رومی
- ۶۵۲ زراوند مدحرج
- ۶۵۲ قنطوریون
- ۶۵۲ لبن فرس
- ۶۵۲ فلفل ابيض
- ۶۵۲ خروج
- ۶۵۳ قصب الزریره
- ۶۵۳ تریاق فاروق
- ۶۵۳ درونج
- ۶۵۳ فجل
- ۶۵۳ زنجبیل
- ۶۵۳ مر
- ۶۵۳ ریته

- حرف ۶۵۳
- شراب کهنه ۶۵۳
- جندبیدستر ۶۵۳
- باب- ۲۰۶ فی الرطوبة السائلة من الرحم ۶۵۳
- سنبل هندی ۶۵۴
- زیتون ۶۵۴
- قرن ایل ۶۵۴
- عفص ۶۵۴
- جلنار ۶۵۴
- جندبیدستر ۶۵۴
- شبت ۶۵۴
- حنظل ۶۵۴
- باب- ۲۰۷ فی صلابة الرحم ۶۵۴
- اشاره ۶۵۴
- خبازی ۶۵۴
- قصب الزیره ۶۵۵
- باب- ۲۰۸ فی الادویة المضیقة للرحم ۶۵۵
- عفص سبز ۶۵۵
- سعد ۶۵۵
- دم الاخوین ۶۵۵
- مرارة الثور ۶۵۵
- شحم رمان الحامض ۶۵۵
- بادنجان ۶۵۵
- لبن الفرس ۶۵۵

- باب- ۲۰۹ فی الادویة المعینة علی الجبل ۶۵۵
- بلسان ۶۵۵
- لبن البلسان ۶۵۶
- زرق البازی ۶۵۶
- کلب ۶۵۶
- حجر الدم ۶۵۶
- عاج ۶۵۶
- زبل الثعلب ۶۵۶
- مر ۶۵۶
- باب- ۲۱۰ فی ادویة المانعة من الجبل ۶۵۶
- نعناع ۶۵۶
- زنجار ۶۵۶
- خبث الحديد ۶۵۶
- حلتیت ۶۵۷
- فوفل ۶۵۷
- قلب ارنب ۶۵۷
- دم الذئب ۶۵۷
- میعه سائله ۶۵۷
- بول الكبش ۶۵۷
- باب- ۲۱۱ فی الادویة المانعة من سقوط الجنین ۶۵۷
- کهربا ۶۵۷
- عقرب ۶۵۷
- مرجان ۶۵۷
- زبد البحر ۶۵۷

- باب- ۲۱۲ فی المسهله للولاده ۶۵۸
- صعتر ۶۵۸
- حجر المقنطیس ۶۵۸
- کزبره خضرا ۶۵۸
- زبد البحر ۶۵۸
- زبل البقر ۶۵۸
- زمرد ۶۵۸
- بوزیدان ۶۵۸
- صمغ عربی ۶۵۸
- شعر الانسان ۶۵۸
- تریاق فاروق ۶۵۸
- زبرجد ۶۵۹
- ساذج هندی ۶۵۹
- حنظل ۶۵۹
- بعر الغنم ۶۵۹
- دست طفل ۶۵۹
- باب- ۲۱۳ فی اخراج الجنین المیت ۶۵۹
- مشکطرامشیع ۶۵۹
- مازریون ۶۵۹
- جندبیدستر ۶۵۹
- دارچینی و مر ۶۵۹
- مرارة الثور ۶۵۹
- باب- ۲۱۴ فی اوجاع المفاصل الباردة ۶۶۰
- خروع ۶۶۰

- ۶۶۰ مقل یهود
- ۶۶۰ بوزیدان
- ۶۶۰ صبر
- ۶۶۰ اسارون
- ۶۶۰ رماد الحدادین
- ۶۶۰ بول البقر
- ۶۶۰ ملح و مر
- ۶۶۰ باب- ۲۱۵ فی النقرس الحار
- ۶۶۰ حی العالم
- ۶۶۰ شعر صبی چهل روزه
- ۶۶۱ طحلب
- ۶۶۱ عنب الثعلب و صندل سفید
- ۶۶۱ صندل ابیض
- ۶۶۱ عدس
- ۶۶۱ بزرقطونا
- ۶۶۱ هندبا
- ۶۶۱ قرع
- ۶۶۱ حجر المقنطیس
- ۶۶۱ باب- ۲۱۶ فی النقرس البارد
- ۶۶۱ شلجم
- ۶۶۱ لبن التین
- ۶۶۲ ماهودانه
- ۶۶۲ ملح الطعام
- ۶۶۲ سورنجان

- ۶۶۲ دارفلفل
- ۶۶۲ زنجبیل
- ۶۶۲ حمص منقوعه
- ۶۶۲ لحم الارنب
- ۶۶۲ وج
- ۶۶۲ خذف تنور
- ۶۶۲ زراوند طویل
- ۶۶۲ خروع
- ۶۶۳ خردل
- ۶۶۳ دجاجه
- ۶۶۳ بول انسان
- ۶۶۳ چندبیدستر
- ۶۶۳ زنجار
- ۶۶۳ باب- ۲۱۷ فی عرق النسا
- ۶۶۳ قنطوریون دقیق
- ۶۶۳ میعه سایله
- ۶۶۳ ایرسا
- ۶۶۳ بع الماعز
- ۶۶۴ فوه الصیغ
- ۶۶۴ ثوم
- ۶۶۴ رشاد
- ۶۶۴ غاریقون
- ۶۶۴ کمافیطوس
- ۶۶۴ قسط

۶۶۴	عود البلسان
۶۶۴	کبر
۶۶۴	قثاء الحمار
۶۶۴	تریاق فاروق
۶۶۴	انجدان بآرد
۶۶۴	ایرسا
۶۶۵	عاققرحا
۶۶۵	شیطرج
۶۶۵	کراث شامی
۶۶۵	حب النيل
۶۶۵	نانخواه
۶۶۵	کندش
۶۶۵	قولنجان
۶۶۵	یاسمین
۶۶۵	خفاش
۶۶۵	باب- ۲۱۸ فی وجع الورک
۶۶۵	اسفناخ
۶۶۶	سنا
۶۶۶	ثوم
۶۶۶	فوه الصبغ
۶۶۶	خل
۶۶۶	کمافیطوس
۶۶۶	زعفران
۶۶۶	اسارون

- صعتر ۶۶۶
- راسن ۶۶۶
- تین یابس ۶۶۶
- انزروت ۶۶۶
- زرنباد ۶۶۷
- شیطرح و راسن ۶۶۷
- حنظل ۶۶۷
- سنبل هندی ۶۶۷
- لسان الثور ۶۶۷
- جاوشیر ۶۶۷
- ماء الشعیر ۶۶۷
- محموده ۶۶۷
- فجل ۶۶۷
- راوند ۶۶۷
- مر ۶۶۸
- صدف ۶۶۸
- سورنجان ۶۶۸
- قفر البیهود ۶۶۸
- تشریح الفاظ طب فریدی ۶۶۸
- (الف) ۶۶۸
- آبار: ۶۶۸
- آذان الفار: ۶۶۸
- آزاد: ۶۶۸
- آس البری: ۶۶۸

- ۶۶۹ ابن عروس:
- ۶۶۹ اتان:
- ۶۶۹ اثل:
- ۶۶۹ ائمد:
- ۶۶۹ ارنب:
- ۶۶۹ اسفناخ:
- ۶۶۹ اسفیداج:
- ۶۶۹ اسفیداج الرصاص:
- ۶۶۹ اسفیدباج:
- ۶۶۹ اسقولوقندریون:
- ۶۷۰ اشنان اخضر:
- ۶۷۰ اصطمرک:
- ۶۷۰ اصطمیخون:
- ۶۷۰ اصفهانی:
- ۶۷۰ اغیر:
- ۶۷۰ الیه:
- ۶۷۰ انبرباریس:
- ۶۷۰ انجره:
- ۶۷۰ انجمشک:
- ۶۷۱ اندبار:
- ۶۷۱ انفحة الارنب:
- ۶۷۱ انقردیا:
- ۶۷۱ اوز:
- ۶۷۱ ایاعابس:

- (ب) ----- ۶۷۱
- بادروج: ----- ۶۷۱
- بتادریطوس: ----- ۶۷۱
- باسلیقون: ----- ۶۷۱
- بخورمریم: ----- ۶۷۱
- بردی: ----- ۶۷۲
- برذون: ----- ۶۷۲
- برطانیقی: ----- ۶۷۲
- برنوف: ----- ۶۷۲
- برود حصرم: ----- ۶۷۲
- بذر القصیصه: ----- ۶۷۲
- بذر القطف: ----- ۶۷۲
- بستان افروز: ----- ۶۷۲
- بسر: ----- ۶۷۲
- پشه: ----- ۶۷۲
- بقس و بقسیس: ----- ۶۷۳
- بقله یمانیه: ----- ۶۷۳
- بلبوس: ----- ۶۷۳
- بنهفش: ----- ۶۷۳
- پوش: ----- ۶۷۳
- بهار: ----- ۶۷۳
- بهار صغیر: ----- ۶۷۳
- بهرامج: ----- ۶۷۳
- (ت) ----- ۶۷۳

- ۶۷۳ تاج خروس:
- ۶۷۳ ترمس:
- ۶۷۴ ترنجان:
- ۶۷۴ تعلق:
- ۶۷۴ توبال النحاس:
- ۶۷۴ تیثا:
- ۶۷۴ تیس:
- ۶۷۴ تیل:
- ۶۷۴ تبادریطوس:
- ۶۷۴ اشاره
- ۶۷۴ (ج)
- ۶۷۴ جار النهر:
- ۶۷۴ جاری:
- ۶۷۵ جاورس:
- ۶۷۵ جیسین:
- ۶۷۵ جبن:
- ۶۷۵ جبسین:
- ۶۷۵ جردان:
- ۶۷۵ جزع:
- ۶۷۵ جعده:
- ۶۷۵ جعدة القنی:
- ۶۷۵ جلد:
- ۶۷۵ جمار النخل:
- ۶۷۵ جورا:

- جوز الرقع: ۶۷۶
- جوز رومی: ۶۷۶
- جیلی: ۶۷۶
- (ح) ۶۷۶
- حاشا: ۶۷۶
- حالبی: ۶۷۶
- حب الکلی: ۶۷۶
- حب المنتن: ۶۷۶
- حب القوقا: ۶۷۶
- حباقا: ۶۷۶
- حبق: ۶۷۷
- حجر البجازو: ۶۷۷
- حجر البقر: ۶۷۷
- حجر بجادق: ۶۷۷
- حجر الجرح: ۶۷۷
- حجر الحیه: ۶۷۷
- حجر العتیق: ۶۷۷
- حجر غاغطیس: ۶۷۷
- حجر المها: ۶۷۷
- حجر یوف: ۶۷۷
- حجر آسیوس: ۶۷۷
- حجر الحادی: ۶۷۷
- حجر الحیدی: ۶۷۸
- حجر الخمار: ۶۷۸

- ۶۷۸ حجر السنج: حجر السنج:
- ۶۷۸ مجر اللمت: مجر اللمت:
- ۶۷۸ حجر منقا: حجر منقا:
- ۶۷۸ حجر بس: حجر بس:
- ۶۷۸ حجر مریم: حجر مریم:
- ۶۷۸ حجر مشطب: حجر مشطب:
- ۶۷۸ حجر مشفق: حجر مشفق:
- ۶۷۸ حجل: حجل:
- ۶۷۸ حرف: حرف:
- ۶۷۸ حرمل: حرمل:
- ۶۷۹ حرشف: حرشف:
- ۶۷۹ حشیشه: حشیشه:
- ۶۷۹ حصاة البقر: حصاة البقر:
- ۶۷۹ حصرم: حصرم:
- ۶۷۹ حلزون الصغير: حلزون الصغير:
- ۶۷۹ حماما: حماما:
- ۶۷۹ حماحم: حماحم:
- ۶۷۹ حمحم: حمحم:
- ۶۷۹ حماض سوائی: حماض سوائی:
- ۶۸۰ حماض مائی: حماض مائی:
- ۶۸۰ حماض: حماض:
- ۶۸۰ حمار النحل: حمار النحل:
- ۶۸۰ حمت: حمت:
- ۶۸۰ حندقوی: حندقوی:

- ۶۸۰ حنیسی:
- ۶۸۰ حقوقو:
- ۶۸۰ حی العالم:
- ۶۸۰ (خ)
- ۶۸۰ خترق:
- ۶۸۰ خراء الديک:
- ۶۸۱ خراء السنور:
- ۶۸۱ خرزۀ البقر:
- ۶۸۱ خرنوب:
- ۶۸۱ خروج:
- ۶۸۱ خروف:
- ۶۸۱ خس:
- ۶۸۱ خطاف:
- ۶۸۱ خطيته:
- ۶۸۱ خلاف:
- ۶۸۱ خلد:
- ۶۸۲ خماهان:
- ۶۸۲ خندروس:
- ۶۸۲ خنفسا:
- ۶۸۲ خنثی:
- ۶۸۲ حنیس:
- ۶۸۲ خوخ:
- ۶۸۲ خوص النخل:
- ۶۸۲ خولان:

- ۶۸۲ خیری اصغر:
- ۶۸۲ (د)
- ۶۸۳ داخلیون:
- ۶۸۳ دبق:
- ۶۸۳ دخن:
- ۶۸۳ درونج:
- ۶۸۳ دفلی:
- ۶۸۳ دقاق کندر:
- ۶۸۳ دلب:
- ۶۸۳ دلفین:
- ۶۸۳ دود الجراد:
- ۶۸۳ دوقو:
- ۶۸۴ دهنج:
- ۶۸۴ دهن الاجر:
- ۶۸۴ (ر)
- ۶۸۴ رامک:
- ۶۸۴ رجل الحمامه:
- ۶۸۴ رجه:
- ۶۸۴ رخمه:
- ۶۸۴ رطبه:
- ۶۸۴ رعاد:
- ۶۸۴ رعی الحمام:
- ۶۸۴ ركب الفرس:
- ۶۸۵ روسفتج:

۶۸۵ روی:

۶۸۵ ریباس:

۶۸۵ (ز)

۶۸۵ زیاد:

۶۸۵ زعرور:

۶۸۵ زهرة الملق:

۶۸۵ زوفای خشک:

۶۸۵ زوفای رطب:

۶۸۵ زوفرا:

۶۸۶ (س)

۶۸۶ ساج:

۶۸۶ ساسالیوس:

۶۸۶ سیج:

۶۸۶ سیوط:

۶۸۶ سیویرج:

۶۸۶ سجرنیا:

۶۸۶ سدر:

۶۸۶ سرخس:

۶۸۶ سرمق:

۶۸۶ سکر العشر:

۶۸۷ سلت:

۶۸۷ سلحفات:

۶۸۷ سلق:

۶۸۷ سلم:

۶۸۷ سلمه:

۶۸۷ سلوی:

۶۸۷ سمائی:

۶۸۷ سمسیم:

۶۸۷ سمک رضاض:

۶۸۷ سمن العتیق:

۶۸۸ سمید:

۶۸۸ سنبادج:

۶۸۸ سنبوسک:

۶۸۸ سندروس:

۶۸۸ سنج:

۶۸۸ سنجار:

۶۸۸ سنگ یوف:

۶۸۸ سهجنه:

۶۸۸ سهمانج:

۶۸۸ سیسالیوس:

۶۸۹ سیسالیون:

۶۸۹ (ش)

۶۸۹ شایانک:

۶۸۹ شاهسفرم:

۶۸۹ شیوط:

۶۸۹ شجره البق:

۶۸۹ شجره النیق:

۶۸۹ شجره مریم:

- شحم الاوز: ۶۸۹
- شحم القاوند: ۶۸۹
- شفانیز: ۶۹۰
- شفانه: ۶۹۰
- شفینن: ۶۹۰
- شمام: ۶۹۰
- شمس: ۶۹۰
- شنبلید و شنبلیت: ۶۹۰
- شوکه مصریه: ۶۹۰
- شونیز: ۶۹۰
- شهدانج: ۶۹۰
- شیاف الآبار: ۶۹۰
- شیاف ویزج: ۶۹۱
- شبان: ۶۹۱
- شیح: ۶۹۱
- شیح جبلی: ۶۹۱
- شیرج: ۶۹۱
- شیلیم: ۶۹۱
- شئون: ۶۹۱
- (ص) ۶۹۱
- صداء الحديد: ۶۹۱
- صدف الفرفر: ۶۹۱
- صرصر: ۶۹۲
- صفصاف: ۶۹۲

صقر: ۶۹۲

صمغ البلاط: ۶۹۲

صمغ السداب: ۶۹۲

صمغ العتیق: ۶۹۲

صمک رضراض: ۶۹۲

صندل قاصری: ۶۹۲

(ض) ۶۹۲

ضیع: ۶۹۲

ضرو: ۶۹۲

ضیب: ۶۹۳

(ط) ۶۹۳

طالیسفر: ۶۹۳

طالیقون: ۶۹۳

طبرزد: ۶۹۳

طرائیث: ۶۹۳

طر خشقوق: ۶۹۳

طرفا: ۶۹۳

طفال: ۶۹۳

طلح: ۶۹۳

طلع: ۶۹۴

طلق: ۶۹۴

طلیس و طلینس: ۶۹۴

طیهوج: ۶۹۴

(ظ) ۶۹۴

ظیان: ۶۹۴

ظرو: ۶۹۴

(ع) ۶۹۴

عاعاطیس: ۶۹۴

عبیثران: ۶۹۴

عبیث: ۶۹۴

عبهر: ۶۹۵

عذب: ۶۹۵

عروق صفر: ۶۹۵

عرطنیشا: ۶۹۵

عزیز: ۶۹۵

عشر: ۶۹۵

عصی الراعی: ۶۹۵

عفص: ۶۹۵

عقیق: ۶۹۵

عکر الزيت: ۶۹۵

علک البطم: ۶۹۶

علیق: ۶۹۶

عنصل: ۶۹۶

عود الازاک: ۶۹۶

عود القرچ: ۶۹۶

عوسج: ۶۹۶

عین الحجل: ۶۹۶

عین الکرنب: ۶۹۶

- ۶۹۶ (غ)
- ۶۹۶ غار:
- ۶۹۷ غاغاتیس:
- ۶۹۷ غالیه:
- ۶۹۷ غبار الرحی:
- ۶۹۷ غبیره:
- ۶۹۷ غرب:
- ۶۹۷ غری:
- ۶۹۷ غری السمک:
- ۶۹۷ (ف)
- ۶۹۷ فاشرا:
- ۶۹۷ فاوانیا:
- ۶۹۷ فراسیون:
- ۶۹۸ فشاغ:
- ۶۹۸ فصفصه:
- ۶۹۸ فطر:
- ۶۹۸ فطراسالیون:
- ۶۹۸ فقاح:
- ۶۹۸ فلفل الماء:
- ۶۹۸ فلنجه:
- ۶۹۸ فلوموس:
- ۶۹۸ فلوناتن:
- ۶۹۹ فلونیا:
- ۶۹۹ فورس:

- ۶۹۹ (ق)
- ۶۹۹ قاتل الذئب:
- ۶۹۹ قثاء الحمار:
- ۶۹۹ قراصیا:
- ۶۹۹ قرح:
- ۶۹۹ قرط:
- ۶۹۹ قرع:
- ۶۹۹ قرومانا:
- ۶۹۹ قسوس:
- ۷۰۰ قشور النحاس:
- ۷۰۰ قصب الفارسی:
- ۷۰۰ قصبه:
- ۷۰۰ قطران:
- ۷۰۰ قطف:
- ۷۰۰ قعرع:
- ۷۰۰ قفر الیهود:
- ۷۰۰ قلقدیس:
- ۷۰۰ قلقطار:
- ۷۰۰ قلقنت:
- ۷۰۱ قلی:
- ۷۰۱ قنا:
- ۷۰۱ قنابر:
- ۷۰۱ قنبره:
- ۷۰۱ قنیبط:

- قنبیل: ۷۰۱
- قندول: ۷۰۱
- قنطوریون دقیق: ۷۰۱
- قنغد: ۷۰۱
- قیشور: ۷۰۱
- قیصوم: ۷۰۲
- (ک) ۷۰۲
- کاوی: ۷۰۲
- کبش: ۷۰۲
- کتم: ۷۰۲
- کثر: ۷۰۲
- کحل اغبر: ۷۰۲
- کر: ۷۰۲
- کراث: ۷۰۲
- کرانی: ۷۰۲
- کرسنه: ۷۰۲
- کرفس: ۷۰۳
- کرکر: ۷۰۳
- کرکی: ۷۰۳
- کرم: ۷۰۳
- کرمه بیضا: ۷۰۳
- کرمه سودا: ۷۰۳
- کرنب: ۷۰۳
- کزبره: ۷۰۳

کزبره الثعلب: ۷۰۳

کشکینه: ۷۰۳

کفری: ۷۰۴

کما: ۷۰۴

کماة: ۷۰۴

کماذریوس: ۷۰۴

کماشیر: ۷۰۴

(ل) ۷۰۴

اشاره ۷۰۴

لبلاب: ۷۰۴

لوف: ۷۰۴

لوف الجعد: ۷۰۴

لوف السبط: ۷۰۵

(م) ۷۰۵

ماء القبیری: ۷۰۵

ماعز: ۷۰۵

مامیثا: ۷۰۵

ماهودانه: ۷۰۵

محروث: ۷۰۵

مخیز: ۷۰۵

مرماحوز: ۷۰۵

مسحقونیا: ۷۰۶

مسطار: ۷۰۶

مشمش: ۷۰۶

مغموما: ۷۰۶

ملوخیا: ۷۰۶

مهر: ۷۰۶

(ن) ۷۰۶

ناردین: ۷۰۶

نبق: ۷۰۶

نحاس قبرسی: ۷۰۶

نحاس محرق: ۷۰۶

ندی: ۷۰۷

نرسک: ۷۰۷

نظرون: ۷۰۷

نعامه: ۷۰۷

نعجه: ۷۰۷

نفظ: ۷۰۷

نمام: ۷۰۷

نیشوق: ۷۰۷

(و) ۷۰۷

ودع: ۷۰۷

ورد الحمیر: ۷۰۸

وردشاد: ۷۰۸

ورشان: ۷۰۸

وسمه: ۷۰۸

وطواط: ۷۰۸

وعل: ۷۰۸

۷۰۸ ویزج:

۷۰۸ (ه)

۷۰۸ هوفاریقون:

۷۰۸ (ی)

۷۰۸ بیروج:

۷۰۹ یتوع:

۸۶۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

طب فریدی

مشخصات کتاب

سرشناسه: فریدالدین

عنوان و نام پدیدآور: ... طب فریدی/تالیف فریدالدین؛ مصحح عبدالقادر احمد.
مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی □ طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۳.
مشخصات ظاهری: ۱ ج. (شماره گذاری گوناگون؛ ۲۲×۲۹ سم).

موضوع: پزشکی سنتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

شناسه افزوده: احمد، عبدالقادر، مصحح

شناسه افزوده: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی □ طب اسلامی و مکمل

رده بندی کنگره: R۱۳۵/ف۴ط۴ ۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۶۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۱۰۰۵

کتاب طب فریدی و ویژگی‌های آن

بسمه تعالی کتاب طب فریدی تالیف حکیم فریدالدین که به کوشش مرحوم حکیم عبد القادر احمد از تربیت‌یافتگان دانشکده تکمیلات الطب لکهنو تصحیح شده و زیر نظر ایشان حروفچینی و بالاخره در سال ۱۹۵۰ میلادی با تدوین و افزودن فرهنگ لغات طبی بکار رفته در کتاب، در مدرس هندوستان منتشر شده است، نمونه دیگری از کار پزشکان فارسی‌نویس هندوستان است که با تاسی به اسلاف خود که سرچشمه دانش آنها تعلیمات اساتید ایرانی مهاجر از مکاتب پزشکی شیراز، همدان و گیلان بود تالیفات طبی خود را بزبان فارسی یعنی زبان علمی و دیوانی هند در زمان حکومت‌های مسلمان است می‌نوشتند.

اگرچه در مجموعه فهرست‌های کتب [۱] نشانی از این کتاب نیافتیم و طب فرید اثر عبد الله طیب (مربوط به نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری) و شیخ فریدالدین بهکری صاحب کتاب ذخیره الخوانین [۲] با کتاب حاضر و مولف آن قابل انطباق نبود اما از سیاق عبارات و نحوه نگارش بنظر می‌رسد تالیف کتاب طب فرید مربوط به اوایل قرن ۱۳ یا اواخر قرن ۱۲ هجری قمری باشد.

مصحح کتاب نیز واقعا جز نام فریدالدین به عنوان مولف کتاب نشان دیگری نیافته است.

بهر صورت این کتاب که در ۲۱۸ باب تدوین شده است نزدیک یک چهارم آن در زمینه بیماریهای چشم و درمان آنها است.

طب فریدی، مقدمه، ص: ۳

کتاب حاضر در عین اختصار و ساده‌نویسی نسبت به حجم اندک خود بسیار غنی و سرشار از داروهای مفرد و مرکب قابل استفاده در بیماریها و در حد خود راهنمای بسیار خوبی در درمان شناسی مبتنی بر طب سنتی است.

مولف برای هر بیماری با ذکر انواع داروهای مفرد و احیانا مرکب روش کارگیری دارو را با الفاظ اختصاری آورده است و طبعا در چنین مجموعه کم‌حجم و درعین حال آکنده از اسامی داروهای متنوع، انتظار نیست که به بیماری‌شناسی و نیز میزان مصرف یکایک داروها پرداخته شده باشد.

طب فریدی، مقدمه، ص: ۵

مقدمہ

اس بات پر جدید و قدیم اطبا کا اتفاق ہی کہ جب کسی مریض کو مفرد دوا کی استعمال سی افاقہ ہو رہا ہو تو مرکب دوا کا استعمال فضول بلکہ مضر ہی شیخ الرئیس کا قول ہی کہ مجرب دوا غیر مجرب سی بہتر ہوتی ہی اور کم دواؤن کا مرکب زیادہ دواؤن کی مرکب سی بہتر ہی مختصر یہ کہ مفرد ادویہ سی علاج کرنی کی اولیت و فرقیت کو مشرق و مغرب کی چیدہ و برگزیدہ طبائی متفقہ طور پر تسلیم گیاہی۔ اور حقیقت الامر بھی یہی ہی کہ اس حکیم مطلق ئی اپنی حکمت بالغہ سی جری بوتیون یعنی نباتات کی خوشنما پودون میس نیز جمادات اور حیوانات کی پراسرار خزائن میس جو جو عجیب و غریب تاثیرات اور طرح طرح کی افعال و خواص علی حدہ علی حدہ پیدا کئی میس ان کا پوری طور پر اظہار مفرد دواؤن کی استعمال ہی سی ہو سکتا ہی

کتاب ہذا میس یہی خصوصیت ہی کہ ہر مرض کا علاج مفرد ادویہ سی بتایا گیاہی اور جہان مرکبات کا ذکر آیا ہی و ہان صرف دو چار دواؤن سی کام لیا گیاہی اس میس شک نہیں کہ متفرق و منتشر طور پر بعضی طبی کتابون میس مفرد ادویہ کی استعمال کا ذکر موجود ہی لیگس اس سی فائدہ اتھانی کی لئی بہت سی ضخیم جلدون کی ورق گردانی کرنی پرتی ہی قدیم کتابون

طب فریدی، مقدمہ، ص: ۶

مین کوئی ایسا نسخہ نظر نہیں آیا جو مختصر بھی ہو اور جس میس کثیر الوقوع امراض کا علاج مفردات سی بتایا گیاہی۔ اس کتاب سی یہ خلا پر ہو جاتا ہی۔ اس کتاب کی دوسری خصوصیت یہ ہی کہ اختصار کی با وجود امراض عین کا علاج شرح و بسط کی ساتھ بیان کیا گیا ہو

اس کتاب کی مصنف کا نام فرید الدین ہی۔ اصل نسخہ میس املا اور عبارت کی اس قدر غلطیان تھیں کہ اس کی اصلاح میس بری دقت پیش آئی۔ اکثر ادویہ کی نام قدیم اور غیر مانوس تھی اور املا کی غلطیوں کی وجہ سی بعض نام غتربودین کر رہ گئی تھی ان کی تحقیق اور اصلاح میس بہت جانفشانی کرنی پری اور قدیم و جدید طبی لغات کی ورق گردانی کی بعدان کی اصلاح ہوی ناما نوس اور قدیم لفظون کی فہرست مع تشریح آخر کتاب میس ملحق کی گئی ہی تاکہ عام اطبا اس نسخہ سی استفادہ کرسکیں

یہ کتاب ۲۱۸ ابواب پر منقسم ہی

طب فریدی، متن، ص: ۱

باب۔ اول [در علاج درد سر کہ از گرمی باشد]

اشارہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم در علاج درد سر کہ از گرمی باشد۔

گل سرخ

تازہ نافع است بوئیدن ضماد کردن و خشک مطبوخ او با شراب ضماد کردن۔ و عصارہ آن شرابا و ضمادا و روغن او شرابا و ضمادا و ہم چنین گلاب۔

شکوفه مهدی

مسحوق بسر که و روغن گل ضمادا و روغن آن با سرکه تند ضمادا و شکوفه آن با سرکه بوئیدن و نیز شکوفه آن معجون بگلاب ضماد کردن دافع درد سر است-

خشخاش

شکوفه تازه آن بوئیدن نافع درد سر است و شکوفه خشک آن با سرکه خوردن و با گلاب ضماد کردن و روغن خشخاش با روغن گل ضماد کردن و روغن خشخاش بوئیدن و ضماد کردن و روغن آن نوشیدن و لیپ کردن دافع درد سر حار است

آب کدو

که بریان کرده می‌گرند نوشیدن و لیپ کردن با روغن گل بر پیشانی مالیدن خصوصا درد سری که از گرمی آفتاب باشد دافع است

ساگ خرفه

سپیده آن بسویق جولپ کردن بر هر دو شقیقه دافع درد سر گرمست

مروارید

حل کرده در بینی انداختن دافع درد سر است،

کفری

روغن او در بینی چکانیدن دافع درد سر گرمست،

پوش در بندی

با سرکه بروغن گل طلا کردن بر پیشانی دافع درد سر است

یبروج

بیخ کوبیده او با سرکه لیپ کردن دافع درد سر است

طب فریدی، متن، ص: ۲

غبیرا

لعاب او با گلاب لیپ کردن دافع درد سر است

اکلیل الهلک

با سرکه پیخه دافع درد سر گرمست

مامیثا

با سرکه ضماد کردن نیز

غرب

عصاره ورق او ضمادا و دو درهم شربانیز-

جفت بلوط

با گلاب ضمادا دافع درد سر است-

ساج

چوب او سحق کرده با گلاب یا به آب سرد ضمادا-

کمونى

عصاره او ضمادا

روغن بنفشه

قطور کردن در پنیر دافع درد سر است-

قشر

بیخ بنفشه نصف مثقال خوردن

انزروت

با صندل هموزن لیپ کردن بر پیشانی و شقیقه دافع درد سر است-

شفتالو

شگوفه او با روغن گل ضماد کردن

بنفشه

بوئیدن و نوشیدن و ضماد کردن و شراب او نوشیدن و روغن او بوئیدن و در بینی کشیدن و ضماد کردن دافع درد سر است و مطبوخ او با بابونج بر سر ریختن دافع درد سر است

کافور

و صندل با گلاب ضماد کردن و با آب کاهو بقدر دو جو سحوط کردن در بینی دافع درد سر است

نیلوفر

بوئیدن و ضماد کردن و جوشنده گل او در آب بر سر ریختن و دهن او بوئیدن و در بینی کشیدن و شکوفه او با سرکه ضماد کردن و آب مقطر او نوشیدن دافع درد سر است-

صندل سفید

و سرخ با گلاب و سرکه اندک نوشیدن و ضماد کردن و دو جز صندل با یک جز انزروت ضماد کردن بر جبه دافع درد سر است-

برگ انگور

- و ریشه‌های او و عصاره آن مفردا و یا مرکبا و شربا و ضمادا استعمال کردن دافع درد سر است-

شاه چینی

سائیده او بر مس اخضر با گلاب و سرکه مالیدن اندرون بینی و ضماد کردن بر هر دو شقیقه و پیشانی دافع درد سر است-

اسبغول

با سرکه و گلاب ضماد کردن و خوردن با شربت‌هایی مسکن و جع دافع درد سر است

کشنیز خشک

سه درم بمثل آن شکر صفوف کرده خوردن دافع درد سر است

گشنیز، سبز

عصاره آن لپ کردن بر سر دافع درد سر است-

بید

عصاره برگ‌هایی او ضماد

طب فریدی، متن، ص: ۳

کردن و نوشیدن و آب مقطر او شربا و بوئیدن و ضماد کردن دافع درد سر است

طحلب

با سرکه تند ضماد کردن بر پیشانی و هر دو شقیقه نافع درد سر است مجرب عصی الرای عصاره آن ضمادا دافع درد سر است-

کتیرا

خوردن و ضماد کردن دافع درد سر است-

خثی

با سرکه ضماد کردن دافع درد سر است-

تاج خروس

عصاره او با سرکه ضمادا و مخلوط بروغن گل دافع درد سر است-

زعرور

با گلاب ضماد کردن بر هر دو شقیقه و بر پیشانی دافع درد سر است خصوصا دانهائی مدقوق او با گلاب خمیر کرده ضمادا مجرب است-

مامیثا

با سرکه طلا کردن بر هر دو شقیقه دافع درد است-

بارتنگ

عصاره او با روغن گل طلا کردن دافع درد است

به

لعاب او با سرکه و روغن گل بر جبه ضماد کردن و شکوفه او بوئیدن و خوردن و ضماد کردن دافع درد سر است

لیمو

عصاره او و شربت او شربا دافع درد سر است-

نمر هندی

نقع آن شربا دافع درد سر است-

ساگ چونجه

عصاره آن ضماد کردن و جرم آن مسلوق- طیب با روغن بادام یا بزیت خوردن دافع درد سر است

سدی

با سرکه و کافور ضماد کردن بر سر دافع درد است-

خطاف

خون او ضماد کردن بر یافوخ دافع درد است

باقلا

شگوفه او بوئیدن دافع درد است-

خرگوش

بری خون او ضماد کردن دافع درد است-

خبت الحديد

با سرکه و گلاب طلا کردن بر یافوخ دافع درد است-

لفاح

بوئیدن شگوفه او و بیخ او ضماد کردن دافع درد است-

خمیر

خمیر کردن با سرکه و روغن گل و گلاب ضمادا دافع درد سر است-

افیون

قدر نخود با سرکه طلا کردن بر هر دو شقیقه و پیشانی دافع درد است و بقدر عدس بروغن آس با روغن گل طلائیست مجرب و

این شفا است از درد سری که مودی بموت باشد

طب فریدی، متن، ص: ۴

و خواب آور است و اگر خورده شود عمل او چنین است و قدر نخود حمول دافع درد است-

صبر

با سرکه و روغن گل ضماد کردن دافع درد سر است

نشاسته گندم

با سرکه و روغن گل ضماد کردن بالخاصیه دافع درد است

لبن الجاریه

یعنی شیر زنها در بینی چکانیدن دافع درد است و بروغن بنفشه نیز-

کاهو

عصاره او ضماد کردن بر پیشانی و یافوخ و بر هر دو شقیقه و تخم او نیز دافع درد سر است و خوردن نیز و عصاره او با کافور در بینی چکانیدن و با سرکه پخته خوردن نیز دافع درد است- سرمه و اقلیمیائی ذهب با عسل صاف کشیدن در چشم مخالف درد دافع درد است-

آلو بخارا

خوردن و نقیح او نوشیدن دافع درد سر است-

کرم

برگ او نوشیدن و ضماد کردن و با گوشت گوساله خوردن دافع درد است اگر تپ نباشد-

عنان

نقیح او با گلاب ضماد کردن دافع درد سر است-

بهرامج

بوئیدن و ضماد کردن دافع درد است-

شمامه

بو کردن و عصاره او ضماد کردن بر سر دافع درد است-

انار ترش

عصاره او با شکر دافع درد است-

روغن گل

مالیدن تمام سر دافع درد است-

بیضه

صاحب خمار را نیم برشت ناشسته بنان خوردن دافع درد است-

عدس

با روغن بادام و چقندر و ساگ کشنیز خوردن دافع درد است-

خولان

با گلاب بر جبه ضماد کردن نافع است

به

خوردن اگر درد با شرکت معده باشد خاصتا دافع است-

کمون

خوردن قبل طعام و یا بعد طعام دافع درد سر است-

روغن به

مالیدن بر معده و سر دافع درد است-

نیل

عصاره او بر پیشانی ضماد کردن دافع درد سر گرمست.

طب فریدی، متن، ص: ۵

باب- دوم در علاج درد سری که از سردی باشد

اشاره

-

ایرسا

و آن سوسن آسما جو نیست بیخ او با سرکه و روغن گل ضماد او عصاره ورق او سعوطا سه شبانروز و طبیخ اصل او شیرین کرده با شکر و بیخ او بخور کردن و ضماد کردن و با سرکه نیز خاصتا دافع درد سر سرد است-

غالبه

شما و ضماد کردن دافع دردست-

زیتون

برگ او و اطراف شاخهائی او به آب پخته مضمضه کردن دافع درد است

سلیخه

با فلفل و زنجبیل و کندس مدقوق کرده در خرقه کتان بسته بوئیدن دافع درد است-

خرنوب شامی

معجون بروغن ناردین ضماد کردن دافع درد است-

صبر

با سرکه و بروغن گل ضماد کردن و خوردن دافع درد است

مامیران

سه درهم با صبر هم وزن معجون به آب باران ضماد کردن بر پیشانی و یافوخ و هر دو شقیقه نافع درد سر مزمن است-

فرفیون

از یک سرخ تا چهار سرخ با روغن بادام سعوطا دافع درد است-

عنبر

بوئیدن و نوشیدن و ضماد کردن و خائیدن و سعوط او از یک سرخ تا چهار سرخ با روغن بادام دافع درد است-

اگر

بخور کردن و ضماد کردن و در بینی کشیدن و هر روز دو درهم با ماء العسل بیست روز شب خوردن دافع درد سر است-

نرگس

روغن او بوئیدن و سعوط کردن و بیاض او ضماد کردن و روغن او طلا کردن و بوئیدن نافع درد سر است- که پیدا شده باشد از سودائی محترقه روغن

ناردین

بوئیدن و طلا کردن در بینی دافع درد سر سرد است و نیز در بینی کشیدن با زعفران و خوردن نافع درد سر است

محموده

با سرکه و روغن گل ضماد کردن

طب فریدی، متن، ص: ۶

بروغن زیت تازه بالخاصه دافع درد سر است-

بیخ پنجنگست

تخم او ضماد کردن و عصاره ورق او دافع درد است-

نمام

عصاره او با سرکه و روغن گل ضماد کردن بوئیدن و نوشیدن و ضماد کردن بر پیشانی و هر دو شقیقه دافع درد سر سرد است-

نعناع

عصاره او لپ کردن بر پیشانی و هر دو شقیقه و یافوخ دافع درد سر است-

مرزنجوش

بوئیدن و نوشیدن و ضماد کردن و هم‌چنین روغن او از وزن یک حبه تا یک ماشه به آب فرنجمشک سعوط کردن دافع درد سر است-

آزاد درخت

شگوفه او بو کردن بالخاصیه دافع درد سر است

فسرین

شگوفه او بو کردن و ضماد کردن و روغن رگهائی او نیز دافع درد سر است

سکبینج

خوردن و ضماد کردن و با سویق ضماد کردن نیز دافع درد سر است-

سداب

عصاره او با سویق ضماد کردن و نیز عصاره او بروغن گل و سرکه و گذاشتن در گوش و ضماد کردن دافع درد سر است-

راوند چینی

خوردن و ضماد کردن و خائیدن در دهن دافع درد سر است

حندقوقی

بوئیدن و ضماد کردن دافع درد سر است و روغن تخم او بوئیدن و ضماد کردن و طلا کردن و روغن شگوفه او نیز دافع درد سر است-

قطران

ضماد کردن بر پیشانی و یافوخ و هر دو شقیقه دافع درد سر است-

حرف

بو کردن و خوردن و ضماد کردن بآرد جو و مصطکی معجوناً به آب گرم و یا به آب قرنفل دافع درد سر است مجرب-

نوشادر

ضماد کردن و بوئیدن بالخاصیه دافع درد است

جند بیدستر

خوردن و عطوس کردن و هم چنین روغن او با روغن زیت کهنه بو کردن و بخور کردن و ضماد کردن و با ماء العسل نوشیدن دافع درد سر است مجرب-

بابونج

شراب و ضمادا قویت بخش عضو است و به تجربه رسیده است- و نطولا و شما دافع درد است

طب فریدی، متن، ص: ۷

خولنجان

خوردن و ضماد کردن دافع درد سر است

مر و نماد

و

اشق

مرکبا و مفردا معجون با سرکه ضمادا و یا با روغن بادام سعوط او یا با شراب کهنه ضمادا و یا با سرکه بالخاصیه دافع درد است-

قنا

شراب و ضمادا دافع درد است-

بندق

هندی یعنی ریئها سعوط کردن از و یکک دانه با روغن بادام و ضماد کردن و خوردن دافع درد است

فسوس

عصاره او با روغن ایرسا سعوط کردن و با شهد و نظرون ضماد کردن دافع درد است-

قصه الحمار

عصاره ثمر او و یا برگ یا هر دو ضماد کردن یا عصاره او با بخور مریم و نظرون که سحق کرده باشند مثل غبار و بدمند در بینی یا بالبن جاریه لطح کردن باطن بینی و ظاهر بینی کلها دافع درد سر مزمن است و بیخ او شربا و ضمادا و عصاره بیخ او با روغن بادام در بینی کشیدن دافع درد است و با سرکه ضماد کردن نیز دافع درد است بالخاصیه

نظرون

عصاره آن ضماد کردن نافع درد سر سرد است-

زهره بز

ضمادا نافع درد است-

غار

روغن او نوشیدن و بو کردن و ضماد کردن دافع درد است و هرگاه با شهد خورده شود یا با شراب بالخاصیه رفع درد می‌کند-

بادام تلخ

با سرکه ضماد کردن و با روغن گل نوشیدن و ضماد کردن و سعوط نمودن و دهن آن در بینی کشیدن دافع درد است

شعر الانسان

دود او بو کردن و خاکستر آن با سرکه ضماد کردن و سوخته آن وزن سه درم با یک درم صبر و نصف درم کندر سحق کردن و معجون نمودن یا به آب قرنفل بر سر ضماد کردن دافع درد سر سرد است مجرب

حماما

ضماد کردن و نوشیدن و بو کردن دافع درد است

مومیائی

یک حبه آن با آب مرزنجوش یا بروغن بادام در بینی کشیدن یا بروغن زنبق دافع درد است

طب فریدی، متن، ص: ۸

بعس

نشاره آن با حنا مخلوط با ماء قرنفل و طلا کردن سر به آن و خواب کردن شب و صبح حمام اختیار نمودن دافع درد است- بخور مریم بو کردن و بخور نمودن و خوردن و در بینی کشیدن با هموزن روغن بادام دافع درد است

بادر نجبویه

خوردن و از آب مقطر آن نوشیدن دافع درد است-

بقله یمانی

مسلوقا و ضمادا بعصاره آن دافع درد است-

کبابه

لیپ کردن با گلاب بر یافوخ و پیشانی و بر هر دو شقیقه دافع درد سر است و یا با صبر و یا با شراب متفق علیه حکمائی هند است-

جوزبوا

- خوردن و سعوپ کردن با روغن بادام دافع درد است-

اکلیل الملک

با سرکه تند و روغن گل ضماد کردن و عصاره آن نیز و طبیخ آن در حمام نطول کردن و با میفختج لیپ کردن گرماء گرم دافع درد است-

حرمل

لیپ نمودن دافع درد سر است-

فلفل

ضماد کردن و یک حبه او با روغن بادام سعوپ فرمودن دافع درد سر سرد است

دارچینی

لیپ کردن و یک حبه آن با روغن بادام در بینی کشیدن نیز باریک کوبیده و در لته کتان بسته به بویند که قریب بعطسه آمد شود یا با زعفران کوبیده شما و شرابا و ضمادا دافع درد سر سرد است- زعفران شما و ضمادا و نشوقا و شرابا و سعوپا دافع درد سر است-

مرارة الضبع

با روغن بادام سعوپ کردن سه شبان روز دافع درد است

تریاق

با شراب کهنه شربا و ضمادا نافع درد سر است مجرب-

هللیج کابلی

شربا دافع درد است

شبت

اکلا نباته و شربا و شما عصارته یا طبیخ آن ضماد کردن دافع درد است:

شیخ ارمنی

طبیخ آن شربا و ضمادا شما و در حمام نطولا و خشک سحق نموده در لته کتان بسته شما دافع درد است

شونیز

ضماد

طب فریدی، متن، ص: ۹

کردن و روغن او قطور کردن در بینی و بر یافوخ طلا- کردن مجرب دافع درد است و بلبن جاریه سعوط نمودن و ضماد کردن بروغن خیری و ذرور دو سه مرتبه نیز مجرب است-

جاوشیر

شربا و ضمادا دافع درد است

لاذن

شما و ضمادا و بخورا در روغن آس دافع درد است-

بورق

ضمادا بالخاصیه دافع درد سرد است-

زنجبیل

بروغن خیری ضمادا دافع درد است بالخاصیه و مجرب و شربا و مربا با شهد خوردن و سعوط کردن وزن یک حبه با روغن بادام بالخاصیه دافع درد است خطیه شربا و ضمادا و با سرکه در حمام نطول کردن دافع درد سر سرد کهنه است بالخاصیه-

اذخر

فقاح او بوئیدن و ضماد کردن و با روغن زیت بر سر مالیدن دافع درد است-

بلسان

دانه او بوئیدن و خوردن و ضماد کردن و روغن بلسان شما و ضمادا و سعوطا و برگ بلسان رطبا او یابسا ضماد کردن و قطور کردن عصاره او در بینی سه قطره دافع درد است-

حنظل

شحم او شربا و ضمادا وزن یک حبه با روغن بادام سعوط کردن بالخاصیه دافع درد است-

شیطرج

ضماد کردن دافع درد است-

قسط

ضماد کردن و بخور کردن و یک حبه او با روغن بادام سعوط کردن دافع درد است-

حلتیت

شربا و ضماد او بر سر مالیدن و در بینی کشیدن وزن یک حبه او با روغن بادام دافع درد است-

ارنب

گوشت او بریان کرده خوردن و زهره او مطبوخ با آب سداب و آرد گندم و کندر ضماد کردن دافع درد است-

کرنب

خوردن او مسلوقا و عصاره او سعوطا دافع درد است.

ظیان

و آن یاسمین جبلی است وقتی که مداومت کنند بشم ورق او و شگوفه او خشک باشد یا تر دافع درد است بالخاصه-

خری السنور

طب فریدی، متن، ص: ۱۰

مملوح محرق خاکستر او معجون به آب قرنفل ضمادا در حمام دافع درد است-

خطاف

خاکستر او ضماد کردن بر یافوخ دافع درد است

مرایر

از هر کدام که باشد سعوط کردن به آب مرزنجوش دافع درد است متفق علیه-

سوسن سفید

بیخ او ضماد کردن با سرکه و روغن گل و شگوفه او بو کردن و ضماد کردن دافع درد است-

انیسون

بو کردن و خوردن و بخور کردن و ضماد کردن- و نشوق کردن دافع درد است مجرب حکمائی هند

یاسمین

بو کردن و ضماد کردن شگوفه با برگ او و روغن او نشوق کردن و طلا کردن و برگ کوبیده او که جوش داده باشد در سرکه ضمادا دافع درد سر است-

قرنفل

بو کردن و خوردن و ضمادا بر مقدم سر دافع درد است مجرب-

نانخواه

بو کردن و خوردن و ضماد کردن بالخاصیه دافع درد است مجرب-

نارنج

پوست بیخ او با شکر شربا و هم چنین شحم او ضماد کردن بالخاصه دافع درد است مجرب.

زیاد

شما و طلا بروغن بان دافع درد است بالخاصیه

کندر

سعوط کردن ازو یک حبه با روغن بادام دافع درد است-

برنجاسف

طلا کردن عصاره او و نطول کردن در حمام گرما گرم دافع درد است-

خردل

ضماد کردن مدقوق او به آب قرنفل در حمام دافع درد است مجرب و پنچال کبوتر ضماد کردن در حمام و نیز وزن یک حبه او با روغن بادام سعوط کردن-

سلق

یا

مسلوق

خوردن بالخاصیه دافع درد است مجرب

حمام

زرق او با آرد جو ضماد کردن و با بزر الجرجیر نیز

فاوانیه

یک حبه او بروغن بادام سعوط کردن دافع درد است

طب فریدی، متن، ص: ۱۱

بالخاصیه

قندول

شگوفه او شم کردن و ضماد کردن و روغن شگوفه او سعوط کردن دافع درد سر است

زرنباد

وزن یک حبه او با روغن بادام سعوط کردن و معجون او به آب قرنفل طلا کردن در اسفل قدم دافع درد است

اترج

دهن او شما و سعوطا و ضمادا و تخم او کوبیده ضمادا دافع درد است

قاله کبیر

شما و شربا و نفوخ کردن دافع درد است بالخاصیه-

اللوز المر

سعوط کردن و نشوق کردن و ضماد کردن بر سر و روغن آن ضماد کردن به آب قرنفل بالخاصیه دافع درد است

آس

برگ کوبیده او با مر و سداب دافع درد است که پیدا شده باشد از ضربه یا سقطه

لباب

عصاره او ضماد کردن یا خشک او به آب قرنفل دافع درد است-

نخاله گندم

با سرکه ضماد کردن در حمام دافع درد است-

سوسم

نبات او طلا کردن بر سر در حمام وقتی که پخته باشد با شراب کهنه دافع درد است-

انجمشک

- ضماد کردن و بو کردن و خوردن و تخم مسحوق او به آب کرفس ضماد کردن بر یافوخ و پیشانی و هر دو شقیقه دافع درد است

زراوند مدحرج

شربا و ضمادا نیز دافع درد سر است-

کرم بری

خاکستر برگ و شاخ او با سرکه و غسل ضماد کردن و سعوط کردن عصاره نام طری و مرزنجوش و نیز ضماد کردن دافع درد سر است

دهن البان

مالیدن دافع درد است-

طلق محلول

با آب رازیانه ضماد کردن در حمام دافع درد سر است-

شحم الاوز

ضماد کردن و خوردن بالخاصیه دافع درد سر است سکینج طلا کردن دافع درد سر

طب فریدی، متن، ص: ۱۲

است-

عروق صفر

معجون بروغن گل و زیت در حمام بعد غسل سر به آب نمک ضماد کردن دافع درد سر است-

عدس

ضماد کردن دافع درد سر است-

الورد الیابی

ضماد کردن در حمام با شراب عتیق مطبوخ دافع درد است-

غاریقون

شربا و ضمادا دافع درد است-

سرو

جوز آن ضماد کردن با عسل دافع درد است-

سنبل الطیب

شربا و ضمادا دافع درد است-

شاهسفرم

- شما و ضمادا دافع درد است-

خیری الصفر

روغن او بو کردن و ضماد کردن و نشوق کردن و بر سر مالیدن و هم چنین شگوفه او دافع درد است-

اشق

وزن یک درهم ازو با شراب کهنه شربا دافع درد سر سرد است-

صدف المحرق

با شراب کهنه ضماد کردن در حمام

راتینج

بخور کردن و ضماد کردن دافع درد است-

قفر الیهود

بو کردن و خوردن و بخور کردن دافع درد است-

رامک

بشراب کهنه ضماد کردن دافع درد است

افتیمون

درد سری که پیدا شده باشد از مره سودا خوردن و طلا کردن دافع درد است-

علک البطم

خوردن و ضماد کردن دافع درد است-

سورنجان

بو کردن و خوردن و ضماد کردن دافع درد است

رعی الحمام

با روغن زیت ضماد کردن دافع درد است-

حب الکلی

با شراب کهنه ضماد کردن و برگ او دو درهم ضماد کردن و خوردن دافع درد است-

بذر الریحان

روغن او قطور کردن در بینی و نشوق کردن و طلا کردن دافع درد است

کراث

عصاره او با سرکه و کندر سعوط کردن و ضماد کردن دافع درد است

طب فریدی، متن، ص: ۱۳

سندروس

خوردن و ضماد کردن و بخور کردن بالخاصیه دافع درد است-

واج

سوخته او هرگاه مخلوط کرده شود با سورنجان و خمیر کرده باشد به آب و نگاه دارد تحت زبان زمان طویل دافع درد است

مصطکی

بروغن زنبق ضماد کردن و خوردن و مضخا نیز دافع درد است-

مرارة الدیک

سعوط کردن با الخاصه دافع درد است-

دهن الناردین

بر سر مالیدن و نشوق کردن و خوردن دافع درد است

حنا

معجون کردن با سرکه و ضماد کردن در حمام دافع درد است

مشمش

دانه تلخ ازو ضماد کردن و روغن او نشوق کردن و قطور کردن در بینی بالخاصیه دافع درد است مجرب-

بلوط

خاکستر چوب او ضماد کردن سر را در حمام دافع درد است

الملح و الجاوس

هرگاه گرم بکنند بر آتش و در خرقة کتان به بندند و کماد کنند سر را دافع درد است

خیارشنبیر

- شرابا و ضمادا دافع درد است

افستین

مطبوخ با شراب کهنه ضمادا دافع درد است

قرومانا

مسکن درد است شرابا و ضمادا-

مرو

شاخهائی خشک و تر او ضماد کردن و هم‌چنین تخم او دافع درد است-

بول الانسان

هرگاه مخلوط شود با دوا قوی است فعل آن دوا با الخاصه-

قطر

حبه او ضماد کردن دافع درد است-

ثوم

خوردن دافع درد است-

اسطوخودوس

شربا و ضمادا دافع درد است-

فجل

تخم او شربا و ضمادا دافع درد است-

شیر املج

شربا و ضمادا دافع درد است

مسک

ضمادا با شراب کهنه بالخاصیه دافع درد است-

اشنان اخضر

ضماد کردن دافع درد است-

سنامکی

شربا و ضمادا دافع درد سر است-

راسن

شربا و ضمادا دافع درد است-

شراب ریحانی

عتیق ازو خوردن دافع درد است-

خلد

هر گاه سر او را سوخته با روغن زیت مخلوط ساخته ضماد کنند دافع درد است.

طب فریدی، متن، ص: ۱۴

باب سیوم در علاج صداع که حادث شود از گرمی آفتاب**سسم**

عصاره برگ او با روغن گل ضمادا دافع درد است

بقله یمانیه

عصاره آن با روغن گل ضمادا دافع درد است- قرع شگوفه او بو کردن و عصاره برگ او ضماد کردن دافع درد است-

اندر بار

عصاره تخم او قطور کردن و ضماد کردن دافع درد است بالخاصیه مجرب-

فلوموسی

عصاره او ضماد کردن بالخاصیه مجرب است-

بزر قطونا

ضماد کردن با گلاب و روغن گل بالخاصیه مجرب است

بقلة الحمقا

عصاره او بروغن گل ضماد کردن بالخاصیه مجرب است

دهن الورد

بو کردن و ضماد کردن خصوصا مخلوط با گلاب و سرکه بالخاصیه دافع درد است مجرب

سفرجل

لعاب او وقتی که استخراج کرده شود در گلاب نفع می‌بخشد شربا و ضمادا بالخاصیه مجرب است و هم‌چنین شگوفه او خوردن و بو کردن و ضماد کردن دافع درد است بالخاصیه

مامیثا

با گلاب و قدری سرکه ضمادا دافع درد است مجرب

زهر الحنا

با گلاب و سرکه ضمادا دافع درد است-

اللوذ الحلو

روغن او با سرکه ضماد کردن دافع درد است-

حی العالم

عصاره او با روغن گل ضماد کردن دافع درد است-

قنطوریون

عصاره مدقوق او با سرکه ضماد کردن دافع درد است-

فوفل

مخلوط به تخم کدو مدقوق ضماد کردن دافع درد است-

خشخاش

پوست مسحوق او با سرکه و روغن گل ضمادا دافع درد است-

الأدویة النافعة بالخاصیة

مرجان

تعليقا

یشب [۳]

طب فریدی ؛ متن ؛ ص ۱۴

لیقا دافع درد است-

حجر الحیه

تعليقا دافع درد است بالخاصیه-

فوه الصبغ

تعليقا دافع درد است-

رخمه

طب فریدی، متن، ص: ۱۵
استخوان بنا گوش او تعليق کردن در طرف مخالف دافع درد است

رعاد

اگر زنده بر سر مصدوع بگذارند مسکن درد است-

حجر السبج

تعليقا دافع درد است-

سداب

دافع درد است-

فصل فی الادویة المصدعة**اظفار الطيب**

بخورا بالخاصیه درد سر آور است

مر

بوئی او صداع آور است مر اصحا را بالخاصیه

قنب

خوردن او و بو کردن او صداع آور است

کندر

خوردن او بالخاصیه صداع آور است

کبر

بسیار خوردن او درد سر آور است-

کراث الشامی و النبطی و المصری

خوردن او درد سر آور است-

خردل

خوردن و نوشیدن و بو کردن صداع آور است

ترنجان

همیشه خوردن درد آور است-

شبت

بسیار خوردن درد آور است-

فرنجمشک

خوردن درد پیدا کند-

شراب العنب العتیق

شربا صداع آور است

گرسنه

خوردن صداع آور است- حمام مرق او بسیار شربا صداع آور است-

ثوم

بسیار خوردن صداع آور است-

مر

خوردن صداع آور است

بصل

بسیار خوردن صداع آور است-

تمر

بسیار خوردن خشک و تراز آن صداع آور است-

زعفران

اگر در طعام یا شراب بسیار انداخته شود مصدع است-

جر جیر

یک مثقال ازو صداع آور است-

خیری

اگر اکثار کرده شود بوئی او را مصدع است-

التوت الحلو

که بسیار خورده شود مستحیل الصفرا و مصدع است

عوسج

ثمره او خوردن مصدع است-

صنوبر

بسیار خوردن مصدع است-

کماء

اگر خورده شود پر می سازد سر را از بخار غلیظ و مصدع-

حلبه مطبوخ

مصدع است

جعه جلیبه

مصدع مهرور است

میفختج

شربا برای مهرورین مصدع است-

بزر الكتان

بارها خوردن مصدع است-

حب القفل

خوردن خصوصا با شراب نقل کردن مصدع است.

طب فریدی، متن، ص: ۱۶

باب- چهارم در علاج درد نیم سر یعنی شقیقه

بیض النمل

مدقوق مخلوط روغن کاو بر یافوخ مالیدن دافع درد شقیقه است-

دهن الناردین

ضمادا

باز

گوشت او خوردن دافع شقیقه است

مرزنجوش

بو کردن و بخور کردن و ضماد کردن به آب قرنفل و عصاره او قطور کردن در بینی دافع شقیقه است-

بسباسه

سعوط کردن با روغن بنفشه یا با روغن بادام و زرور او بر سر بالخاصیه دافع شقیقه است مجرب

وسخ الاذن من الانسان

ضمادا نیز دافع است-

جوز

بو کردن و ضماد کردن و بخور کردن دافع درد شقیقه است-

مومیائی

وزن یک حبه او به آب مرزنجوش دافع درد است

شونیز

شربا و ضمادا و طلاء نیز

شیخ ارمنی

شربا و ضمادا

غار

برگ او بو کردن و روغن او بو کردن و ضماد کردن با مصطکی و انیسون و خوردن وزن یک حبه او با شراب کهنه دافع درد شقیقه است-

راسن

ضماد کردن ورق او را و نطول کردن بیخ او را و خوردن برگ او را دافع است

ریته

سعوط کردن دافع درد شقیقه است

رخمه

خون او با روغن بنفشه قطور کردن و مراره او ضماد کردن بروغن بنفشه و سعوط کردن در جانب صحیح دافع درد شقیقه است

قندول

روغن شگوفه او نشوق کردن بالخاصیه

کبابه

با صبر ضمادا بر یافوخ بالخاصیه دافع درد شقیقه است-

خریق اسود

شربا و ضمادا

زعفران

شربا و ضمادا نیز

خولنجان

شربا و ضمادا ایضا

خرنوب نبطی

و آن خرنوب خاردار است ضماد کردن نیز

خوخ

روغن تخم آن سعوط کردن مجرب است

اذخر

فقاح او نطول کردن و ضماد کردن بر سر دافع درد شقیقه است

مقل ازرق

ضماد کردن با سرکه نیز

حنظل

شحم

طب فریدی، متن، ص: ۱۷

او شربا و ضمادا

عنبر

یک قیراط ازو بروغن بادام سعوط کردن و شربا و ضمادا دافع شقیقه است

مسک

یک قیراط ازو با روغن بادام سعوط کردن شقیقه بارد را شما و ضمادا و نشوقا و سعوطا مجرب است

فریبون و جندبیدستر

یک قیراط مخلوط با روغن بادام سعوط کردن دافع شقیقه بارد است بالخاصیه الزيت

الطیب العتیق

ده درهم که جوش داده باشند درو وزن یک درهم فریبون را پس قطور کردن در بینی دافع شقیقه است-

ثوم

کوبیده با صبر و خمیر کرده با عسل ضماد او باردمزاج را نافع است-

جوز السرو

شربا و ضمادا

اشق

شربا و ضمادا

زنجبیل

ضماد کردن با روغن خیری زرد مر مزاج بارد را دافع درد شقیقه است-

زر اوند مدحرج

شربا و ضمادا

سداب

قطور کردن او دافع شقیقه است-

زر اوند طویل

شربا و ضمادا

قطن

لب حب او مثل او صبر با عسل شربا و ضمادا

خیارشنبر

فلوس او شربا و ضمادا

راوند

شربا و ضمادا

یاسمین

شما و ضمادا و روغن او قطور کردن در بینی و برگ جوش داده او با سرکه ضمادا دافع شقیقه است-

جوزبوا

خوردن و ضماد کردن و بو کردن و نگاهداشتن در دهن نافع شقیقه بارد است مجرب

حنا

ضماد کردن با سرکه در حمام نیز

لوز مر

روغن او با آب مرزنجوش سعوط کردن در جانب درد مسکن شقیقه است-

تمر هندی

شربا نیز کماذ کرخی الصداع

اشنان

اخضر مثل او صبر ضماد کردن در حمام نافع است-

شبت

اکلا و شربا و ضمادا بالخاصیه دافع است

اکلیل الملک

مطبوخ با سرکه ضماد کردن در حمام دافع شقیقه است

ظیان

و آن یاسمین کوهیست- ضماد کردن در حمام و عصاره او با لبن جاریه قطور کردن در جانب وجع هم‌چنین روغن شکوفه او دافع

شقیقه بارد است-

طب فریدی، متن، ص: ۱۸

بوم

دماغ آن با روغن بادام سعوط کردن در جانب وجع دافع شقیقه بارد است-

حب البلسان

شربا و ضمادا بالخاصیه دافع درد است

رازیانج

خوردن بقله او و تخم و قشر بیخ او دافع شقیقه است

حندقوقی

خوردن و ضماد کردن

ایرسا

عصاره برگ او و سعوط کردن سه شبانروز دافع شقیقه حاره است

رامک

با شراب کهنه ضماد کردن نیز

خسک

سوخته یک جز او با یک جز صبر خمیر کردن با سرکه و ضماد کردن در حمام دافع شقیقه بارد است

خطمی

ضماد کردن با کندر نیز-

شعر الانسان

شش درهم کندر نصف درهم نافع است ضماد کردن برائی شقیقه بارد و هم چنین بستن در خرقه و تعلیق کردن دافع شقیقه است و ضماد مذکور را اگر خمیر کرده شود به آب قرنفل مجرب

حرف

بآرد گندم ضماد کردن نافع است برائی شقیقه بارد شرابا و ضمادا نیز-

ریته

سعوط کردن با روغن بادام نیز

لولو

سعوط کردن محلول او نیز-

کزبره خضرا

عصاره آن قطور کردن در بینی دافع درد شقیقه گرم است

نسرین

شما و ضمادا نیز

نیلوفر

شربا و ضمادا نیز

املج

شربا نیز

غاشرا

شربا و ضمادا

خرنوب شامی

مسحوق با روغن ناردین ضماد کردن بر شقیقه سرد و سعوپ کردن بالخاصیه دافع است

شاهسفرم

برائی شقیقه بارد

مشمش

شربا و ضمادا و سعوپا

خردل

شما و ضمادا

مرارة المعز

سعوپا بالخاصیه

مشمش

روغن دانه تلخ ازو سعوپ کردن و ضماد کردن بالخاصیه مجربست؟؟؟-

یتوع

شیر او طلا- کردن بر جانب مخالف و سعوپ کردن جندیدستر و زعفران و مراره المعز که حب کرده باشند مثل عدس و سعوپ کنند یکی از آن حب بروغن بادام دافع شقیقه بارد است

ناردین

ده درهم فریون یک درهم حل کرده تقطیر کردن در بینی در جانب مخالف اگر نو باشد و گرنه در جانب درد بالخاصیه دافع است

فستق

اگر سبب

طب فریدی، متن، ص: ۱۹

شقیقه برودت باشد آب او گرماگرم بر سر ریختن بقدر احتمال مریض پس سعوپ کردن روغن فستق دافع شقیقه است و اگر در بینی خشکی یافته شود بروغن بادام شیرین سعوپ کند

شراب العتیق

الصرف شقیقه بارد را شرابا و خوردن نان در خمر عتیق ناشته چند روز دافع شقیقه است مجرب

مر

مخلوط در ادویه شقیقه نفع عجیب می کند

سندروس

کما فی الصداع

سلق

بیخ مدقوق معصور او سعوپ کردن سه قطره دافع شقیقه بارد است

محموده

ضمادا نیز

نمام

ضمادا نیز

اوز

تلخه او سعوط کردن با روغن بادام دافع شقیقه سرد است

اهلیج کابلی

شربا نیز

مامبران چینی

با یک جز صبر ضماد کردن در حمام

تریاق فاروق

شربا و ضمادا و بر جانب درد دافع شقیقه بارد است مجرب

بنج

تعلیق کردن بر سر مریض دافع است

لحم البقر

خوردن نزد اطبای فرس و طبائی هند-

دقیق الحنطه

ریختن و مخلوط کردن در روغن بادام تلخ و ضماد کردن بر سر مریض باردمزاج نیز دافع شقیقه است

سسم

بارد المزاج را ضمادا

طرفا

برگ او و مروسندروس و تخم شفتالو اجزا برابر خمیر کرده شود به آب فرنجمشک ضماد کردن و با عصاره شاخهائی او بخور کردن دافع شقیقه است غذا گوشت دراج و گنجشک و بط و خرگوش مجربست

نرجس

شما دافع شقیقه مجرب-

بابونج

شما و ضمادا

خیری

شگوفه او شما و ضمادا و هم‌چنین تخم او

قصب**الزیره**

شربا و ضمادا بالخاصیه-

اترج

روغن او قطور کردن در بینی دافع شقیقه است-

سنبل

روغن او شما و ضمادا

کرم

خاکستر و

طب فریدی، متن، ص: ۲۰

ضماد کردن در حمام دافع شقیقه است

زرنباد

مسحوق ضماد کردن بر کف بالخاصیه دافع شقیقه است

کبریت

ضماد کردن و بخور کردن دافع شقیقه بارد است

ضبع

پهلوی راست او خوردن دافع شقیقه طرف راست و چپ برای چپ

مداد الکتاب

طلاء او عظیم نفع است

خل

مخلوط به آب با نان خوردن دافع شقیقه حاره است

عفص

با جز زعفران ضماد کردن به آب قرنفل دافع شقیقه است

زیت

ده درم فرفیون یک درهم محلول در آن تقطیر کردن در گوش سه قطره در جانب درد دافع شقیقه است و گاه حادث می‌شود شقیقه از افراط استفراغ چنانچه عارض می‌شود نفسا را از برآمدن خون علاج او مالیدن سارس و دهن الخل و سعوط بروغن بادام و بنفشه غذا بیضه نیم برشت و حصا او نشاشته گندم و شکر و مغز بادام و گوشت جدی و فراریج است.

باب - پنجم در علاج سدر و دوار

عنصل

سرکه او شربا و ضمادا و مشوی ازو ضمادا با شهد دافع سدر و دوار است

زرا و ندمد حرج

شما و ضمادا برائی بارد

حب البلسان

شربا با طبیخ نخود سرخ و طبیخ افسنتین دافع سدر بارد است و دو مثقال ازو با نقیع صبر یا نقیع ایارج نیز-

کزبره یالبسه

دو درهم با شکر شربا دافع دوار و سدر حار است و با سرکه یا با گلاب ضماد کردن نیز و منقوع در سرکه یک شبانه روز و خشک کردن و با شکر خوردن یک مثقال با دو مثقال هفت روز پی در پی دافع است مجرب

راوند

شربا و ضمادا برائی بارد

مومیائی

سعوط کردن با روغن بادام تلخ برائی بارد و با روغن بادام

طب فریدی، متن، ص: ۲۱

شیرین و به آب مرزنجوش دافع حار است

شاهسفرم

شما و ضمادا برائی بارد کشوث شربا و ضمادا

بهمن ایضی

شربا و ضمادا نیز

انیسون

اکلا و شما

دهن البسان

طلا کردن مر بارد را نیز

زبل الحمام

با بابونج ضمادا نیز

فاشرا

بیخ او یک درهم با شراب هر روز تا هفته دافع سدر و دوار است

حرف

به آب قرنفل شربا و ضمادا بالخاصیه مجرب است

قنه

غرعره به آب رازیانج نیز

ریطه

طبیخ او نیز یک حبه ازو در روغن خل دافع بارد است

عود البسان

طبیخ او نیز-

تمر هندی

شرب نقیع او با شکر برائی حار بالخاصیه مجرب-

خولنجان

طبیخ او شرابا

شمسی

شرب نقیع او بالخاصیه مجرب

لیمون

شرب عصاره او و شراب او نیز

هللیج اصفر

شرابا نیز

هللیج کابلی

استفراغ بلغم می کند بدن را-

غاریقون

ضمادا نیز

قنطوریون

شرابا

عاقرقرا

شرابا و غرغره و ضمادا

جندبیدستر

نشوقا و سعوطا با روغن بادام

شونیز

بریان کرده شرابا و ضمادا و روغن شونیز قطور کردن دافع سدر و دوارست

مشک

بو کردن و شربا و سعوطا نیز

مرزنجوش

شربا و شما و عصاره او سعوطا کردن و طیبخ او نطول کردن نیز دافع سدر و دوار است

خردل

بو کردن و عطس کردن و با چغندر مسلوق خوردن نیز

حنظل

شحم او خوردن نیز

بنفسج

خوردن و بو کردن نیز

نیلوفر

شربا و ضمادا نیز

صبر

به آب کاسنی تازه ضماد کردن دافع سدر و دوار است

جلنار

ضماد کردن به آب کاسنی و صبر

اقاقیا

و

صبر و عفتی

معجون به آب کاسنی ضماد کردن بر سر دافع سدر و دوار است

کندش

شما و

عطسا

در پارچه کتان بسته

بقلة الحمقا

خوردن

فلفل

غرغره و شربا

ایارج فیکرا

شربا

بابونج

بخار او و طبیخ او استنشاقا هر روز

طب فریدی، متن، ص: ۲۲

و شب و روغن او طلا کردن دافع سدر و دوار است

اکلیل الملک

طبیخ او نطولا در حمام و گرفتن بخار او در روز و شب بسیار در تب دافع است

صعتر

ضمادا و طبیخ او نطول در حمام نیز

شیخ الجبلی

نطول کردن طبیخ او را در حمام نیز ضمادا و شربا و گرفتن بخار او و نوشیدن طبیخ او با شکر دافع است

قیصوم

ضمادا و شربا و طبیخ او با شکر بالخاصیه دافع است

غار

برگ او ضماد کردن به آب قرنفل و در حمام گرفتن بخار آن نیز دافع است

مامیثا

شربا و ضمادا

دارفلل

شربا و ضمادا با شهد نیز دافع است-

سکینج

شربا و ضمادا و استعمال کردن آب او را در سدر بهتر است از استعمال شراب-

خل

با گلاب یا بروغن گل نفع می‌بخشد شما و ضمادا بالخاصیه مجرب

آسی

شما و ضمادا بالخاصیه

حماما

شربا

دهن الخل

وقتی که خورده شود نصف اوقیه او را نافع است سدر و دوار را

شبت

تخم او و تخم سرمق هر گاه در سرکه جوش داده و صاف کرده و باز در سرکه قوام داده باشد مفید است به آب گرم

برنجاسف

شربا و ضمادا و نطولا

مصطکی

و انیسون هر واحد از آن یک مثقال معجون با گلقلند عسلی دوازده درهم دافع دوار و سدر است

عود البخور

یک مثقال کندر نصف درهم مخلوط در دوازده درهم گلقلند عسلی و خوردن سه روز دافع دوار و سدر است

عدس

مر مدقوق ربع درهم مخلوط با روغن بادام و سعوط کردن نیز دافع است

افستین

شربا با صبر و بخور کردن نیز

شابانک

عصاره آن سعوطا

اسطوخودوس

شربا نیز

اترج

نطول طبیخ او در حمام نیز-

جعدہ

نطول و طبیخ و در حمام نیز

جنطیانه

برائی سدر بارد-

خولان

سعوط کردن نیز-

هلتیت

طب فریدی، متن، ص: ۲۳

بلبن جاریه سعوط کردن دافع سدر و دوار است و گاه می‌باشد دوار از قبل شریانات پس فصد کردن شرائین پس دو گوش بهتر است و گفته است جالینوس علاج صاحب سدر و دوار در ربیع فصد است اگر نباشد دلایل امتلا ظاهرا و گفته است جالینوس در کتاب فصد که فصد اولی است-

باب- ششم در علاج سبات**خل**

با روغن گل که غرق کرده شود سر را و گذاشته شود پارچه کتان را بر یافوخ در اول مرض دافع سباتست مجرب-

جندبیدستر

با شیر و روغن گل ضماد کردن یافوخ را بعد سیوم روز دافع است بیدار می شود مریض

حاشا

با سرکه و روغن گل که غرق کرده شود سر را بعد سه روز دافع سباتست و همچنین نفع می بخشد شما و بخورا بالخاصیه

فودنج

مدقوق با روغن گل و ضماد کردن بر یافوخ جبه و صدغین مریض بالخاصیه مجربست

فلفل

عطوسا بعد روز سیوم دافع سیانست

شونیز

روغن او قطور کردن در بینی سه مرتبه بیدار می سازد

حمام

نگاه داشتن کبوترها در خانه و شم کردن انفاس او نافع سبات و جمیع امراض بارده است

نمام بیخ

او با سرکه و روغن گل ضماد کردن بر یافوخ نافع سباتست

نطرون

با زیت طیب مالیدن اطراف صاحب سبات را نافع است-

انجره

تخم او مدقوق مخلوط با زیت و مالیدن بر اطراف نیز

ملح

کمد کردن سر را بعد تراشیدن دافع سباتست

جاورس

کمد کردن بعد تراشیدن سر بالخاصیه

خردل

مدقوق معجون به آب فرنجمشک ضماد کردن مجرب است

ایارج

با شراب عنصل

طب فریدی، متن، ص: ۲۴

غرغره کردن دافع است

حمص احمر

خوردن آب او با روغن جوز دافع سیاتست

لبن البلسان

فتیله کردن و حمل کردن ربع درم ازو مخلوط با روغن زنبق دافع سیاتست-

جاوشیر

شما و ضمادا و شربا و نیز سعوط کردن سه مرتبه دافع سبات است مجرب-

باب - هفتم در علاج جمود**بابونج**

ضماد کردن بر سر دافع جمود است

شبت

نطولا نیز

اکلیل الملک

نطولا نیز

زنبق

روغن او ده درم فرفیون یک درم تمریخ کردن سر را بالخاصیه

اقتیمون

شربا

غاریفون

شربا و ضمادا

حمام

نگاهداشتن کبوتر در منازل دافع جمود است

اهلیج

شربا نیز

حنظل

شربا نیز

سلیخه

شربا و شما

حاشا

شربا و شما

دقلی

برگ او عطوسا و مدقوق او که بسته باشند در خرقة کتان بو کردن نیز

سنبل

شربا و ضمادا

اسطوخودوس

شربا و ضمادا

مرزنجوش

سه جز بنفشه خشک یک جز ضماد کردن سر مریض را دافع جمود است

سنامکی

شربا نافع است

زنجبیل

اکلا و شربا با

برنج و اکلیل الملک

و مرزنجوش و شبت مدقوق مطبوخ با روغن بنفسج ضماد کردن سر را گرماگرم دافع جمود است غذا فراریج و دراریج و اطراف او و اعضائی [او] مشوی و زردی بیضه نیم برشت-
طب فریدی، متن، ص: ۲۵

باب- هشتم در علاج سبات سهری

اشاره

و آن لیسرغس

نمام

ضماد کردن عصاره او با گلاب و سرکه و مطبوخ او با سرکه و روغن گل دافع سبات سهری است

قسط

شربا و ضمادا بعد سر تراشیدن نیز دافع است

خردل

مدقوق ضماد کردن و بو کردن و غرغره کردن با آب رازیانه و ضماد کردن به آب قرنفل بالتجربه دافع است

نسرین [۴]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۲۵
بوخ با سرکه ضمادا و سعوطا

فوتنج

جندیدستر شما و ضمادا

حاشا

سعوطا بالتجربۀ

قرنفل

و عصاره برگ او مقطر مخلوط با خردل ضماد کردن بر یافوخ بعد سر تراشیدن مجربست

تین

ضماد کردن با شهد و خردل بر یافوخ نیز

شونیز

بریان مدقوق در خرقة کتان بسته بو کردن همیشه بالخاصیه دافع سبات السهری است

سنا

شربا نیز

مویزک

مدقوق کرده در خرقة کتان بسته بو کردن نافع است نیز

جندیدستر

با سرکه تند و روغن بادام طلا کردن بر پیشانی و یافوخ و ضماد کردن بر سر بعد سر تراشیدن و بو کردن دافع است نیز

صعتر

بو کردن و ضماد کردن

فوتنج

و حاشا و فریون و روغن گل و سرکه غرغره کردن و ضماد کردن و فوتنج کوهی بو کردن در روز بسیار مرتبه و غرغره کردن
طبیخ او را دافع سبات السهری نافع و ضماد کردن بر سر با سرکه و روغن گل و جندیدستر دافع است و شما و شربا با سرکه و
روغن گل نیز

نطرون

با روغن زیت طلا کردن اطراف مریض -

طب فریدی، متن، ص: ۲۶

را یا با تخم انجره نیز نافع است

عاققرحا

با روغن زیت و نظرون طلا کردن اطراف مریض را نافع است

عنصل

طلا کردن با سرکه بر سر بکرات و غرغره کردن با سکنجبین نیز دافع است

ایارج لوغادیا

استفراغ کردن بعد نضح و ضماد کردن سر را بعد تنقیه در حمام و دمیدن در بینی مریض چندبیدستر و خاکستر موئی انسان نیز دافع است -

کندش

عطسه آوردن بسیار مرتبه نیز دافع است

حنظل

عطسه بان نیز

لوز حلو

غذا کردن با شهد دافع سبات السهری

حاشا

بو کردن بکرات در روز شب دافع سبات است

جاورس

کمادا با نمک بعد سر تراشیدن نیز دافع است

صبر

شربا

قسط

شربا و شما

ایارج فیکرا

طلا کردن حنک مریض را و یافوخ او را نیز دافع است

بابونج

اشاره

ضماد کردن بر پیشانی و یافوخ مجرب است

پنجنکشت

ضماد کردن برگ و تخم او نیز دافع است

فلفل ابیض

و جندیبستر با ماء العسل خوردن دافع است سمات سهری را-

باب- نهم در علاج سهر خشخاش

اشاره

طبیخ تخم و پوست او طلا کردن بر سر مریض بالخاصیه و شگوفه او شما و ضمادا روغن تخم او قطور کردن در بینی و ضماد کردن بر سر و تخم و پوست و برگ و مطبخ او نطول کردن سر را دافع سهر است و هم چنین تخم او ضماد کردن بر پیشانی و فتیله کردن خشخاش سیاه دافع سهر است نیز

نیلوفر

شگوفه مطبوخ

طب فریدی، متن، ص: ۲۷

او طلا کردن بر سر و شراب او نوشیدن و روغن او شما و قطورا و عطوسا و شم کردن شگوفه تازه اکثر تاثیر است از بنفشه و عصاره بیخ سفید او ضماد کردن بر یافوخ دافع بی خوابیست

شعیر

نطول کردن طبیخ او در حمام و هم چنین شربا با شکر نیز دافع سهر است-

خس

نطول کردن طبیخ او و خوردن و تخم او ضماد کردن و تخم مطبوخ او به آب خشخاش سیاه ضماد کردن دافع سهر است و هرگاه بیخ برگ خس را تحت تکیه در وقت خواب مریض را نگاهداشتن که نداند مریض و سر بگزارد بر تکیه و فرش خواب می‌آرد بالخاصیه

کزبره خضراء

عصاره آن ضماد کردن و خوردن بعد طعام و بو کردن همیشه و شربت عصاره آن دو درم و طبیخ بقله او نطول کردن در حمام و تخم سفید اگر خورده شود از نصف درم تا یک درم و مالیدن پیشانی و هر دو شقیقه را بروغن او منوم است بالخاصیه

لبن الماعز

وقتی که غرق کرده شود سر را در حالت فتور می‌آرد خواب را همچین شیر تازه ضآن بالخاصیه مر که گذاخته شده در آب ضماد کردن بر سر می‌آرد خواب را و اگر تحت وساده گذاشته شود و بو کرده رایحه او را نیز

صبر

ضماد کردن و تحت وساده گذاشتن بالخاصیه منومست

باقلا

خوردن و ضماد کردن با آب کاهو و آب نقی او شرابا منومست

زعفران

شما و تحت وساده گذاختن و روغن او شما و طلاء و بیخ او نطولا منومست

سنه

تحت وساده گذاشتن و نقی او در شراب نوشیدن منومست

اقحوان

گذاشتن تحت وساده و بو کردن تازه او را و شگوفه او را و ضماد کردن نیز منومست

مرماحور

شما و شرابا

شبت

تازه او خوردن و بو کردن و ضماد کردن و نوشیدن عصاره او و روغن

طب فریدی، متن، ص: ۲۸

او شما و قطورا و سعوطا و مطبوخ تازه او با سرکه ضماد کردن بر سر یا بر سر گذاشتن اکلیلا و عصاره تازه او نطول کردن بر سر منومست

لقاح

طبیخ بیخ او پنج درهم مخلوط با شراب نوشیدن منوم است

افیون

بو کردن و نوشیدن یک دانگ ازو و از بیروج دو دانگ در روغن بنفشه طلا کردن بر پیشانی منومست و قدر فلفل طلا کردن بر پیشانی و هم چنین مقدار او خوردن و یک درهم با آب جو خواب می‌آرد خواب حسن

میعه

روغن او بر سر مالیدن و بو کردن منومست

تفاحه منوم

میعه

افیون لفاح زعفران مساوی الوزن تفاحه ساخته بو کردن منومست

قرن المعز

هرگاه گذاشته شود در دستار یا تحت وساده می‌آرد نوم را

قرن العزا البیضا

معرق بسته شده در خرقه کتان یا گذاشتن صره آن را تحت وساده هر کسی که خواب کنند بران وساده بیدار نشود تا آنکه نه برارند آن صره را

حماما

شربا و ضمادا نیز

شاهسفرم

شما و ضمادا و اگر پاشیده شود بران آب سرد را منومست-

شقایق النعمان

مضغا و ضمادا و نقی او در سرکه جوش دادن و خوردن از آن سرکه قدری منومست

ارشا

شما و ضمادا نیز

ورد

روغن او عطوس کردن و بو کردن نیز شما و شربا نیز

اذخر

بو کردن شگوفه او نیز

ابن عرس

تلخه او وقتی که طبخ کرده شود بو کردن منومست؟؟؟ زنفک چشم چپ او وقتی که در روغن زیت گزاشته در گوش قطور کنند منومست

خیار

روغن تخم او قطور کردن در پنیر و مالیدن هر دو شقیقه و نوشیدن منومست

تفاح

بو کردن همیشه خواب آورد جوز مائل بقدر یک نخود خوردن خواب آورد

قرع

روغن تخم او مخلوط با لبن جاریه قطور کردن

طب فریدی، متن، ص: ۲۹

در بینی منومست و هم‌چنین بو کردن شگوفه آن بر یافوخ و هر دو شقیقه مالیدن و آب مشوی او تا پنجاه درم با شکر نوشیدن و جرم مطبوخ او با شکر و بادام خوردن منومست

لوز حلو

خوردن بر سر مالیدن منومست

کرنب

خوردن نیز منومست

دارچینی

خوردن و نوشیدن بالخاصیه

مرزنجوش

طبیخ او نطول کردن بر سر منومست

صفر

شگوفه او بو کردن و ضماد کردن بر یافوخ نیز

یبروج

بیخ او مطبوخ در شراب تا سه حصه نوشیدن از آن دافع سهر است و از بیخ او و برگ او فتیله بعمل آوردن منومست

بنفسج

ضماد کردن با شیطرج و نطول کردن طبیخ او و ضماد کردن با قشر یبروج بر پیشانی و یافوخ هر دو شقیقه و بو کردن تازه او منومست

دستنبویه

و آن شمامه است که بو کردن خواب آور است

تفاحه

منومه

جوز مائل

افیون لفاح زعفران

زهره اقحوان صمغ عربی

آرد جو اجزا برابر خمیر کردن با آب نیلوفر و ساختن شکل سیب و بو کردن بالخاصیه مجربست

سلم

نقع او در شراب نوشیدن و روغن او بر یافوخ بر پیشانی و هر دو شقیقه مالیدن منومست

لازورد

- خوردن نیز

الخبز الحواری

که برو خشخاش پاشیده باشند خوردن گرما گرم که از تنور برآمده باشد منومست

عنب الثعلب

یک مثقال بیخ او نوشیدن با شراب منومست

کاکنج

سه دانه او یا پنج دانه با شکر بالخاصیه مجرب است

جوزبویا

خوردن نیز خواب آور است

زهر الحنا

ضماد کردن به آب نیلوفر مقطر یا عصاره او یا طیبخ او منومست

شراب

شربا

تعلیق

چشم چپ او تعلیق

طب فریدی، متن، ص: ۳۰

کردن بالخاصیه منومست

صبر

ضماد کردن بالخاصیه

دارشیشان

چوب ازو ملفوف در خرقه حریر تحت سر مریض گذاشتن - یک شب منومست بالخاصیه مجرب

حلبه

خوردن او خواب می‌آرد

أرز

خوردن او تنها بدون شی دیگر می‌آرد خواب را به تجربه حکمائی هند

زمرد

پوشیدن و قمر در میزان باشد خواب می‌آرد بسیار

تفاحه

مر

افیون

زعفران

مامیسا

اصل الیروج

اشنه

آرد جو خمیر کرده با گلاب تفاحه ساخته بو کردن بالخاصیه منومست-

تودری

تخم او خوردن با جلاب معطر بالخاصیه است

تفاحه اخری

سویق برگ یروج و بیخ او و برگ خشخاش و شگوفه آن اشنه و مر متساوی الاجزا صمغ عربی دو جز کوفته و بیخته با گلاب خمیر ساخته تفاحه بعمل آوردن بالخاصیه مجربست-

تفاحه اخری

بزر السوسن

آسماگونی ده درم صمغ عربی یک درم مشک و عنبر من کل واحد نصف درهم کوبیده و خمیر کرده با آب بید تفاحه بعمل آوردن منومست

تفاحه اخری

افیون اصل ییروج دقیقه الشعیر صمغ عربی تفاحه ساخته بسیار بو کردن منومست و گاه عارض شود از سهر اختلاط عقل و تشنج قشور خشخاش و تخم خشخاش کوفته و آرد جو و تخم کاهو و کشنیز سبز

نبات البنج

طبیخ داده نطول کردن بر سر مجربست و حمام معتدل و دلق رفیق و آب معتدل الحرارة ریختن بر سر نافع است

فصل در ادویه مانع نوم ردیه

و آوردن خواب نیک

شب یمانی

نگاه داشتن تحت وساده مانع نوم و خواب ردیه است و بو کردن او خواب نیک آورد
طب فریدی، متن، ص: ۳۱

بلور

کسی که تعلیق کند ازو نمیبند خواب بد را

بقلة الحمقا

کسی که بگذارد تحت وساده نمیبند خواب را البته

ذهب

خالص تعلیق کردن قطعه او را نیز

حمار

پارچه از پوست او تعلیق کردن ترس نمی آرد در خواب

ذئب

چشم راست او تعلیق کردن نیز

حجر الزجاج

مشابه بلور است تعلیق کردن نیز

عاقرقرا

آویختن در گلوئی صبیان نمی ترسند در نوم

کافور

شما

ذئب

موی دم او اگر قدری پس گوش بگزارد نمی گیرد نوم او را

سرطان

هر دو چشم او کسی که تعلیق کند نمی برد خواب او را

فاخته

کسی که تعلیق کند زبل او را نمی برد خواب او را بالخاصیه و تعلیق کردن چشم راست او نیز

بلبل

ران او تعلیق کردن بر پهلو نیز -

خفاش

چشم او تعلیق کردن خواب نمی آرد و بعضی گفته اند وقتی که بگزارد در موئی انسان و بعضی گفته اند دل او گذاشتن در وساده خواب نمی آرد و هم چنین گذاشتن سر او در وساده

غراب

مراره او را کسی که در چشم خود کحل کند: خواب نمی برد او را

جوز

کسی که ریشه او بر سر گذارد نمی برد خواب ما دامی که بر سر اوست متفقا علیه حکمائی خطا

فصل در دواهایی که خواب‌هایی ردیه در خواب پیدا کند**کراث**

باغی و شامی خوردن نیز

لویبای مسلوق

نیز خوردن

باقلا

خوردن مانع رویائی صادق است

شراب

نوشیدن نیز

قنبیط

خوردن نیز

طب فریدی، متن، ص: ۳۲

باب- دهم در علاج سرسام**اشاره**

بنفسج نقی او و شراب او دافع سرسام است جو و

اکلیل الملک

جوش داده نطول کردن بر سر بالخاصیه مجربست

شعیر

مقشر مرضوض با پوست خشخاش جوش داده نطولا دافع سرسام است غذا ماء الشعیر که نیلوفر داخل باشد نیز حقنه او با ماء الشعیر و روغن بنفشه قدری نمک و محموده نیز

بابونج

شگوفه بنفشه و پوست خشخاش نطولا نیز

نیلوفر

با تخم خطمی و بنفسج نطولا نیز و نوشیدن شراب نیلوفر و ماء الشعیر دافع سرسام است

بابونج

با جو مقشر و شگوفه بنفشه نیز

خس

تخم و شعیر مقشر و شگوفه بنفشه نطول کردن بآن و خوردن دافع سرسامست

خشخاش

پوست او با شگوفه بنفشه و بابونج نطولا و نوشیدن شراب نیلوفر و طبیخ او با قشر او نطولا دافع سرسامست

اسفناخ

غذا با روغن بادام نیز

خطمی

ضماد کردن بر سر با سرکه

حی العالم

ضماد کردن عصاره برگ او به آب تفاح و سرکه دافع سرسامست

فاشرا

بیخ او وزن نصف درهم خوردن هر یوم دافع سرسامست شعیر آب او غذا کردن با شراب نیلوفر یا کدو و خشخاش و روغن بادام نیز

خبز الحواری

مغسول باب تا که دور شود ازو نمک و خمیر با شکر غذاء دافع سرسامست بطیخ اخضر خوردن و آب او با شکر نوشیدن نیز

لبن النساء

بر سر دوشیدن اگر مریض نقی البدن باشد

زبد

بر سر تدهین کردن دافع سرسامست

افیون

هشتم حصه درهم خوردن در ماء الشعیر دافع سرسامست بقول جالینوس

ورد

روغن او به آب

طب فریدی، متن، ص: ۳۳

عنب الثعلب بر یافوخ سرسام صبیان را دافع است و روغن گل با پوست بطیخ اصفر مدقوق نیز

بطیخ اصفر

قشر مدقوق ضماد کردن بر یافوخ صبیان

علیق

ضماد کردن برگهائی او بر سر بعد تراشیدن نافع سرسامست

بندق

دهن او مالیدن بر سر نیز

سویق الشعیر

غذاء بعد از غسل با شکر نافع است-

طحلب

بر سر صبیان گذاشتن دافع سرسام است

زعفران

شما

خوخ

غذاء

عنب الثعلب

ضماد کردن عصاره او بر سر با روغن گل بعد حلق یا با گلاب و سرکه دافع است نیز

سسم

روغن او سعوط کردن با روغن بندق برابر نیز-

باب- یازدهم در علاج نسیان

هللیج کابلی

معجوناً بعسل خوردن دافع نسیانست

جوز السرو

نصف درهم با شیر آب شرباً نیز

زعفران

اکلا

تین

مدقوق با خردل طلا کردن بر موخر دماغ نیز

جندیبستر

شما و شرباً و ضماداً دافع نسیانست و با روغن سوسن و سرکه ضماد کردن بر سر و نصف درهم ازو با فلفل ابیض یک درهم خوردن و با عصاره تمام طلا کردن بر موخر دماغ و بخور کردن نیز دافع است

اسارون

شرباً

ایرسا

شرباً او شما و دهن او نیز

فلفل اسود

ده درهم و کندش ده درهم کوفته پیخته با عسل مخلوط نموده هر روز ناشته دو درم خوردن با ماء العسل نافع است عجیب

هدهد

دو چشم او تعلیق کردن و زبان و دل او بعد ذبح

طب فریدی، متن، ص: ۳۴

برآورده بلع نمودن دافع نسیان است

جعدہ کوهی

شربا نیز

قرن الماعز

بخور کردن نیز

کرکی

تلخه و دماغ او با روغن بادام سعوط کردن نیز

فرفیون

هرگاه دلک کرده شود موخر دماغ را تا سرخ نشود و ضماد کردن نیز

زیت

بعمل به مثله

نطرون

مخلوط با زیت ضماد کردن نیز

ضرو

بعد دلک موخر دماغ تدهین با روغن او مناسب است

طیهوج

کیاب کرده او یا پخته او غذا کردن ایام متواتر نافع است

شفانیز

مداومت خوردن او دافع نسیانست

مسک

دوام شم او بالخاصیه دافع نسیانست

جوزبوا

اکلا و شما نیز

حب البلسان

شربا نیز

جاوشیر

وزن یک درهم خوردن نیز

شعرالانسان

بخورا و سوخته او بو کردن و ضماد کردن و نوشیدن نیز

بلادر

نصف درهم از عسل او با مصلح خوردن و عسل او با سرکه و گلاب ضماد کردن بر موخر راس دافع نسیانست

سداب

اکلا و شما و ضماد کردن بر موخر سر نیز

راوند

شربا نیز

ضبع

دل او تعلیق کردن طرف راست دافع نسیانست

بقله یمانیه

غذا کردن با روغن بادام نیز

بقلة الحمقا

با بادام شیرین و به آب انار شیرین غذاء نیز دافع است و با شراب آلو بخارا نیز

خبازی

غذا کردن و آب او ضماد کردن بر یافوخ و حلیب تخم او با شراب ضماد کردن دافع است-

خفاش

خوردن او همیشه دافع نسیانست

ضان

مدام او نیز

وج

با شکر هر روز دو درهم خوردن مزید ذکا است

کندر

خوردن هر روز یک مثقال نیز

خردل

مسحوق معجون با شراب ضماد کردن بر موخر سر بعد تراشیدن سر دافع نسیانست و هم‌چنین دهن او نیز و دهن او با شراب شربا نیز

عاج

براده او هر روز دو

طب فریدی، متن، ص: ۳۵

درهم با ماء العسل خوردن دافع نسیانست و گفته‌اند تا هفت شبانه روز

نسرین

شما و شربا و طلا کردن با سرکه بر موخر دماغ بالخاصیه دافع است

حجل

تلخه او سعوط کردن اول هر ماه دافع نسیانست

نارجیل

خوردن نیز

کندر

با عسل هر یوم لعق کردن نیز و منقوع در آب یوما و لیلۀ نوشیدن ایام متوالیه دافع نسیانست

صمغ عربی

شربا نیز

بهمن احمر

شربا نیز

نمام

اکلا و ضمادا بر موخر راس در حمام و مثله مطبوخ در سرکه دافع نسیانست

اوز

خوردن بیضه او نیز

اسطوخودوس

شربا نیز

اکلیل الملک

دو درهم با پنج درهم عسل نوشیدن نیز

حرف

مطبوخ در لبن الشاء شربا نیز بالخاصیه

انجدان

خوردن نیز

بادرنجبویه

تخم او خوردن نیز

فلفل ابیض

شربا بالخاصیه نیز

زنجبیل

خوردن و هم‌چنین مربای او

فقاح اذخر

شربا

شیراملج

شربا بالخاصیه

بندق

خوردن با شکر قوت می‌دهد و زیاده می‌کند جوهر دماغ را و دافع نسیانست

دارچینی

شربا و خوردن دافع نسیانست خصوصا هرگاه زیاده کرده شد هلیلج کابلی و آمله را

املج

شربا نیز

میعه

خوردن نیز

زبیب

ناشتا خوردن نیز

زبیب از خسته

پاک کرده یک اوقیه مغز پسته نصف اوقیه ناشتا خوردن مجربست

ذئب

کباب جگر او خوردن نیز

دجاج

گوشت او خوردن و دماغ او هم چنین

سوسن ابیض

بیخ او با ماء العسل خوردن نیز

لوز الحلو

خوردن زیاده می‌کند جوهر دماغ را با شکر

حماما

شربا و شما

هلبلج هندی

شربا

دهن الاجر

ضماد کردن بر موخر سر و نصف درهم با شکر ناشتا خوردن

طب فریدی، متن، ص: ۳۶

بالخاصیه

کبش

ریه او نگاهداشتن بر سر مریض دافع نسیانست

ایارج فیکرا

شربا نیز

بقر

سر او ناشتا خوردن نیز

نوم

خوردن

قرن المعز

نگاهدداشتن تحت وساده بالخاصیه

دهن الخردل

شربا و شما و ضمادا و نشوقا

حاشا

شربا و شما

کبریت

بلغمی را بخور کردن نیز

سرو

جوز او شربا

فوتنج

جلی شربا نیز

ضب

پیه او خوردن نیز

سنبل

شربا

ناردین

شربا و شما

سعد

شربا

سمن البقر

خوردن

ثعلب

شحم او اکلا

فجل

خوردن

عشبه

خوردن با شراب صرف بعسل

حلبه

اکلا

دارفلفل

وزن یک درهم با شکر هر روز

حمص احمر

دافع نسیانست

فصل

در ذکر ادویه که حادث می‌شود از آنها نسیان

برنجاسف

اکلا

بادروج

اکلا

کزبره خضرا

اکلا

لویبا

بسیار خوردن نسیان آور است

باقلا

بسیار خوردن نیز

خمر

کثرت شراب او

خس

خوردن

خشخاش

بسیار خوردن مضر ذهن است

باب- دوازدهم در علاج مالیخولیا**لسان الثور**

نصف درهم با یک مثقال بادرنجبویه و کشنیز خشک نصف درهم و شکر مثل کل صبح و وقت خواب خوردن مجربست

اصل لسان الثور المحرق

شربا و قشر بیخ او نصف درهم با شراب ایض ریحانی با شکر دافع مالیخولیا است-

ریته

وزن یک حبه سعوط کردن با روغن بنفشه نیز

لازورد

غیر مغسول از یک درهم تا دو

طب فریدی، متن، ص: ۳۷

درهم خوردن نیز

بادرنجبویه

در آب جوش داده با شکر و تخم او مسحوق با شکر و روغن بادام خوردن در دفع مالیخولیا مجربست

افتیمون

با شیر بز و شکر نیز مجربست و تخم او ده درم در شراب حلو صد درم یک شب گذاشتن و با روغن بادام یک مثقال خوردن دافع است

بزرقطونا

لعاب آن با پانزده درهم شکر سفید شربا مجرب است

دجاج

مسمنه غذا کردن نیز

بسفایج

شش درهم اصل خیار سبز یک سکرجه و روغن بادام یک مثقال هفت روز در شب خوردن دافع مالی خولیا است

صعتر

اکلا نیز [۵]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۳۷

فرجمشک

تخم او شربا نیز

رمان

شگوفه شیرین او با شراب تفاح دافع مالیخولیاست

درونج

شربا نیز

دراج

غذا کردن با بادام شیرین بعد از استفراغ تام و تخم او خوردن نیز دافع است

خشخاش

تخم مسحوق با شراب مجفف در سایه سه مرتبه خوردن نیز

سرمق

با روغن بادام شیرین

قرع

با روغن بادام پخته اکلا و روغن تخم او سعوطا

هللیج اسود

اکلا با روغن بادام وزن پنج درهم با یک درهم حجر ارمنی و ربع درم محموده شرابا به آب کاهو مجربست

حجر ارمنی

مغسول ربع درم و هموزن محموده مجربست

دواء المسک الحلو

شرابا نیز

نیلوفر

شگوفه او شما و ماء عصاره او با شکر و شراب او با آب جو شرابا نیز

بنفسج

شگوفه او بو کردن و شراب او با ماء الشعیر نوشیدن دافع مالیخولیاست

حلیب الماعز

با شکر و نان حواری غذا کردن مجربست

هندبا

با روغن لوز خوردن نیز

خسی

با روغن بادام خوردن نیز

صبر

طب فریدی، متن، ص: ۳۸

استفراغ کردن با او نیز

الشراب الریحانی المقطر الحلو

ممزوج با آب بسیار بالخاصیه مفید است

حنظل

برگ او شرابا وقتی که اصلاح داده شود با نشاسته و کتیرا و صمغ عربی و انیسون دافع مالیخولیاست

دم الاخوین

هر روز نصف مثقال خوردن مجرب است

سلت

آرد او مطبوخ با روغن بادام ضماد کردن بر سر و خبز حار او نهادن بر سر و خوردن نافع است

ماء الجبن

با لب قرطم و افتیمون و حجر ارمنی شربا نیز

مسک

شربا و شما تجربه

دخن

غذا با شیر بز مجربست

جدی

لحم رضیع او خوردن نیز

طیهوج

خوردن نیز

دراج

خوردن نیز

حمل

افضل غذاست خصوصا اصحاب سودائی محترقه را

تریاق فاروق

در شراب ریحانی ممزوج نموده با آب لسان الثور نیز

سکنجین السگری

با تخم افتیمون نیز

افستین

مخلوط با افتیمون غایت نفع است

اقحوان الیابس

شربا با افتیمون نافع است

حاشا

فعل او مثل افتیمونست

فرنجمشک

شربا نیز

سوسن

روغن او نیز

لوز

نقل کردن با شکر نیز

بندق

با شکر نقل کردن نیز

سمک الصیداء

خوردن بریان

سرطان

نهری خوردن نیز

قطف

و آن سرمق است بقله الیمانی با روغن بادام خوردن

خبازی

مطبوخ با روغن بادام

قصب السكر

نقل کردن نیز

بیض الدجاج

نیم برشت

حی العالم گرماگرم

نطول کردن

فراریج

خوردن

دهن حب القرع

سعوط کردن در حمام

حب البلسان

شربا

خربق اسود

شربا

عود

شربا و بخورا

سسم

مقشر با شکر اکلا

مصطکی

شربا و مضغا

گرم بیضاء

خاکستر بیخ او چهل شبانه روز خوردن بقدر یک درهم

آملج

شربا

اترج

خاصه مر صفرای محترق را

طب فریدی، متن، ص: ۳۹

باب - سیزدهم در علاج صرع

اشاره

صرع دماغ را مانند فواق است معده را و قیل تشنج است خاصه دماغ را

شراب

خالص نافع است

دیک

تلخه او سعوطا نافع است

قطران

نافع است

کزبره

وقتی که مخلوط شود در غذا کسی را که صرع بمشارکت معده است نافع است او را

سداب

وقتی که از بیخ و بن برکنده با تخم او گردن مصروع را تعلیق کنند نافع است و اگر عصاره او سعوط کنند نیز و خوردن و بو کردن

نیز

فاوانیا

روغن او نیز

سلحفات نهری

بیضه او خوردن و تلخه او قطور کردن در بینی و خون او مالیدن بالخاصیه دافع صرع است

بلادر

اگر بر گردن صبی مصروع بیاویزند نافع است

مرارة البقر

سعوط کردن با آب چقندر دافع صرع است

حجل

جگر او بریان کرده با سرکه خوردن دافع صرع است البته و گوشت بریان کرده او مطیب با روغن زیت نیز و جگر گرم او وقت ذبیحه نصف درهم بلعیدن نافع صبیان است

ریتة

شربا و سعوطا یک حبه از آن با روغن بادام دافع صرع است و اگر تعلیق کنند در گردن مصروع نافع است او را

حمار الوحش

پاره از جلد او تعلیق کردن بر سر مصروع مانع صرع است بشرط تمام سال و خاکستر حافره ایسر او خوردن نیز و اگر طعم بکند مصروع از گوشت او اول شهر چند روز صرع نمی آید او را

ثعلب

نا بهائی او تعلیق کردن بر گردن صبی صرع نمی آرد او را

کلب اسود

شعر او تعلیق کردن نیز

قیصوم مدقوق

تعلیق کردن مولود در وقت ولادت

طب فریدی، متن، ص: ۴۰

نمی رسد صرع مولود را

ابن عرس

وقتی که سوخته شود جوف او را تا که بگردد خاکستر و شرب او هر یوم با شراب یک مثقال شش شبانه روز دافع صرع است و دماغ او نیز و گوشت او خوردن و خون او نوشیدن و زهره او تعلیق کردن دافع صرع است

حمام اهلی

خاتم ساختن از حافره یمین او و پوشیدن مصروع خاتم مذبور را مانع صرع است و دوالی ساختن جلد و بستن بر پیشانی مصروع مانع صرع است و هر سال تازه می‌باید و جگر او کباب کرده خوردن و حافره او یک مثقال نوشیدن نیز مانع صرع است

اسطوخودوس

خوردن و بیخ او تعلیق کردن بر مصروع دافع صرع است

ذیب

زهره او با یک حبه مشک سعوط کردن اول شهر نزد هلال مانع صرع است

جوز رومی

ثمر او شرابا نیز-

زبد ركب فرس

شرابا با حل و حافره او بخور کردن نیز

قنه

شرابا و شما و بخورا نیز

غار یقون

شرابا نیز البته با جلاب نافع و با سکنجبین عنصلی نیز

سکینج

شرابا و با لبن جاریه سعوط کردن دافع صرع است

فاشرا

از بیخ او هر روز با شراب یک مثقال خوردن نافع است و بیخ او تعلیق کردن نیز

گرمه بیض

بیخ او سی روز هر روز دو درهم با شراب دافع صرع است

گربه سودا

دل مسلوق او نافع صرع است

عنصل

پیاز او و سرکه او ناشتا خوردن و نوشیدن دافع صرع است و سکنجبین او نیز و بریان کرده معجون او با عسل با سکنجبین شرابا نیز

فاوانیا

ثمر او بخور کردن و حبوب او وزن سی مثقال در قلابه نگاهداشتن در گردن دافع صرع است و با عسل نوشیدن نیز و حبه کوفته او وزن دو درهم

طب فریدی، متن، ص: ۴۱

با معجون ورد خوردن بالخاصیه دافع صرع است و اگر تفاحه از جبهائی او ساخته مصروع بو کند نیز دافع است و در کتاب طلسمات مذکور است قلابه را قلع نکنند با آلت حدید یا نحاس تا صحیح شود فعل او

قرومانا

دو درهم با عسل لعوق کردن و نوشیدن دافع صرع است

حمل

دماغ او با سرکه اول ماه و وسط ماه نوشیدن دافع صرع است و خون خشک او خوردن و مغز ساق او با روغن گل بر صدغین و فقرهای گردن و بر سینه مالیدن نیز

غالبه

شما نیز

لاذن

پنج دانق با سکنجبین عنصلی دافع صرع است

مرارة الضب

با عسل لیسیدن و سعوط کردن دافع صرع است البته

اسطوخودوس

و نوشیدن و بمثل غبار سحق کرده در بینی دمیدن دافع صرع است

حندقوقی

تخم او عصاره او با شهد نوشیدن بقله او خوردن و تخم او با روغن بادام سعوط کردن دافع است نیز

اذن الفارۃ

شربا و عصاره نیز

تریاق فاروق

با طبیخ شعیر و نانخواه و کمون دافع نیز

زراوند

مدحرج به آب مر و نوشیدن نیز-

زبرجد

انگشتی ساختن و در گردن آویختن دافع صرع است

حلتیت

با آب مرزنجوش به آب چقندر بوزن یک درهم با سکنجبین خوردن نیز و حب ساخته با موم پوشیده بلع کردن نیز و تعلیق او دافع است نیز

خریق ابیض

خوردن نفوخ کردن دافع صرع است و یک درهم ازو و از انیسون نصف درهم و از محموده سدس درهم خوردن نافع است صرع را

مشک

شربا و شما و نفوخوا و سعوطا با روغن بادام مجربست

اقحوان

سی روز بیخ او بطبیخ فاوانیا نوشیدن خلاص می شود مریض

طب فریدی، متن، ص: ۴۲

از صرع و شربت هر یوم یک مثقال است

قافله کبری

شربا دو درهم و سعوطا نافع است

قافله صغری

با سکنجبین نیز

کبریت

وزن یک سرخ با لبن جاریه یا روغن بادام یا روغن سداب سعوط کردن نافع است نیز

لسان الحمل

مطیب با روغن زیت یا با روغن بادام خوردن نیز

الآس البری

بیخ او و شاخ او مفرد و یا مرکب با شراب طبیخ داده نوشیدن دافع صرع است

نسر

دماغ خشک کرده او مخلوط با عصاره چقندر یا طبیخ مرزنجوش سعوط کردن نیز

ضَبّ

تلخه او نشوق کردن نیز

سقنقور

هر دو چشم او تعلیق کردن نیز قنطوریون آرد او خوردن با اسطوخودوس

قسطس

برگهائی او با آب و با شراب بیست و یک روز نافع صرع را

یاسمین

روغن او سعوط کردن و شم کردن و مالیدن نیز

سلحفاة

خون او با آرد جو و عسل خمیر کرده برابر فلفل حب ساختن هفت روز صبح و شام یک‌یک حب دافع است صرع را و خون او نشوق کردن نیز

هدهد

گوشت او خوردن و دماغ او بدهن الخل سعوط کردن بالخاصیه دافع صرع است

جندبیدستر

طلا کردن بر تمام سر و خوردن و طلا کردن داخل بینی را دافع صرع است و با کندش نفوخ کردن در بینی نیز

کزبره خضراء

در اطعمه مصروع انداختن مانع ابخره است

سلوی

مراره او لعوق کردن نیز

حنا

شگوفه او یک درهم با شراب نوشیدن نیز

تین

مداومت خوردن او خشک یا تر نیز

ذهب خالص

یک جزو از نقره خالص یک جز صفحه ساخته در خمر روز و شب گذاشته خوردن این خمر و صفحه در گردن آویختن دافع صرع است و اگر این صفحه بر گردن صبی بیاویزند صرع نمی‌آید صبی را
طب فریدی، متن، ص: ۴۳
را

شیطرج

با شهد نوشیدن نیز

خبطیانا

با عسل خوردن نیز

غافث عراقی

دو درهم خوردن مجربست

بادروج

تخم او با ماء العسل خوردن نیز

دارشیشان

شربا نیز

درّاج

مشوی غذا کردن نیز

ایرسا

بیخ او خوردن نیز بندق روغن او شربا و سعوطن نیز

زنجبیل

نفوخ کردن در بینی نیز

فلفل

مثل غبار نفوخ کردن نیز

فرفیون

نفوخ کردن و غرغره ساختن با آب گرم نیز

غزال

گوشت مشوی او یا مطبوخ او با شبت بالخاصیه دافع صرع است

نوشادر

مثل غبار نفوخ کردن نیز

قناء الحمار

عصاره او خشک کرده و سائیده نفوخ کردن نیز

کبر

با سرکه و عسل خوردن نیز

سنگ المالح

خوردن نیز

سکنجبین العسلی

هر روز نوشیدن مجرب

مرارة الطيور

کله‌ها نافع است بلین جاریه

میعه سائله

نوشیدن و ضماد کردن

نیز

کهربا ربع درهم با سرکه خوردن نیز

مشک

شربا و ضمادا

جزر

تخم او خوردن

برنج کابلی

خوردن

کماذریوس

شربا نیز

اشق

شربا و ضمادا یک مثقال با عسل بالخاصیه بابونج و بزر کرفس با ماء العسل ضماد کردن دافع صرع است

شیخ ارمنی

اشاره

خوردن نیز قسط ده شبانه روز با عسل خوردن نیز

پنجنگشت

تخم او نوشیدن با آب دافع صرع است

سلحفات النهریه

تلخه او با عسل خوردن دافع صرع است

غالبه

شما نیز

حمت

حجریست بنفسجی رنگ و روئی آفتاب رنگهائی قوس قرح ظاهر می شود خاتم ساختن ازو نافع صرع است

دهنج

خاتم ساختن نیز و سعوط کردن سه حبه ازو با روغن بان و مشک البته دافع صرع است

بادزهر المعدنی

تعلیق کردن بر گردن صبی نمی آید صرع صبی را

عود الاراک

تعلیق

طب فریدی، متن، ص: ۴۴

کردن صبیان را نیز

لک

شربا نیز

راوند چینی

دو درهم هر روز تا سی روز شربا نافع است

خولنجان

دو درم همیشه خوردن نیز

مارقشیا ذهبی

نوشیدن با شهد دافع صرع است و اگر به گردن صبی تعلیق نمائید صرع نمی آرد

شاهسفرم

شربا به آب بالخاصیه

ماعز

گوشت او خوردن خصوصا لحم ضأن نیز

یشم

تعلیق کردن اگر صرع بمشارکت معده باشد دافع صرع است

حماما

شربا نیز

خبث الحديد

با روغن سوسن و یاسمین ضماد کردن بر یافوخ نیز

خریق اسود

شربا لاستفراغ الماده

غار

ورق او خوردن نیز

دهن الاذخر

شربا نیز

حرمَل

سه درهم در دو رطل شراب عتیق جوش دهند تا که ثلث بماند و هر روز ده درم نوشیدن از شراب مذکور نافع است نفع عجیب و نوشیدن با آب مرزنجوش نیز و اگر ده درهم در یک رطل آب بجوشانند تا که پنجاه درهم بماند و در چند روز متوالیه نوشیدن نافع است

سمانی

تلخه و لعوق و سعوط کردن با روغن بادام نیز

مومیائی

با آب مرزنجوش سعوطا

ضأن

تلخه او نیز نافع است لعوقا

بادروج

تخم بقله او خوردن نیز

اصابع صفر

تعلیق در منزل دو درهم خوردن نافع صرع است

اشنه

بخورا و شربا نیز

جاوشیر

صرع و ام الصبیان را نافع است

اسد

تعلیق کردن قطعه جلد او بخیطه شعر انسان نافع است صرع را و اگر هر صبی که بحد بلوغ نرسیده باشد تعلیق کنند زائل می کند
صرع را بالخاصیه

خصیة الثعلب الكبير

خوردن بالخاصیه مجربست

وج

شربا نیز

س؟؟؟

در آتش گرم کرده در آب تازه سر کنند شربا نافع است صرع را
طب فریدی، متن، ص: ۴۵

عاقرقحا

شما و تعلیقا و روغن او قطور کردن در بینی و خوردن نصف درهم هر روز تا یازده روز و غرغره کردن طیبخ او و با عسل لعوق
کردن و بر مقدم سر زاور کردن دافع صرع است

اظفار الطیب

بخورا و یک مثقال خوردن دافع است البته

جلد

تعلیق کردن او دافع است البته

افستین

شربا با عسل نیز

هلیج کابلی

و عسل خوردن دافع صرع است البته

شعر الانسان

بو کردن سوخته او نیز

مرارة الضبع

سعوطن نیز

افتیمون

شربا نیز

لبن البلسان

شربا نیز

عود البلسان

شربا نیز

حب البلسان

یک مثقال خوردن دافع صرع است البته

جدی

آب گوشت او نوشیدن نیز

فوه

با عسل و با شراب خوردن و بر صبیان تعلیق کردن نیز

بیروج

شگوفه او قبل آنکه بشکفتد با ابریشم هفت رنگ در خرقة کتان بسته تعلیق کردن بر گردن صبی دافع است صرع را البته

حجر العتیق

سحق کرده بکرات خوردن بالخاصیه دافع است

دهن حب الفاوانه

و مشک و زعفران با آب سداب سعوط کردن قدر نصف درهم بکرات بالخاصیه دافع است

انفحه

شربا نیز

برنوف

عصاره او با روغن عود صلیب سعوط کردن مجربست

حجر الجرح

تعلیق کردن نیز بالخاصیه

جده

شما و شربا

حب الصنوبر الصغار

که آن حب القریش است اکلا نیز

کاشم

شربا نیز

قفر الیهود

شربا و بخورا

زبد البحر

شربا و تعلیقا

کبریت

احمر شربا نیز مجرب

سلیخه

شربا بالخاصیه

حجر غااطیس

وقتی که دخان کنند مصروع را زایل می کند صرع را

حجر الماس

تعلیق کردن بر صبی بالخاصیه دافع است-

یاقوت

کسی که بپوشد از رجال و نساء و صبیان بالخاصیه دافع صرع است

طب فریدی، متن، ص: ۴۶

باب - چهاردهم در علاج سکنه

کندش

نفوخوا در بینی و غرغره کردن طبیخ او دافع سکتہ است

خریق ابیض

نفوخوا نیز

مسک

نفوخوا نیز مجربست

فلفل

نفوخوا نیز

شونیز

مثل غبار سائیده نفوخوا شربا و ضمادا نیز

خردل

طلا کردن بر سر با آب قرنفل یا فرنجمشک و تدهین حنک با زیت و خردل و دهن او سعوپ کردن دافع سکتہ است

جندبی دستر

طلا کردن بر سر و بخور کردن و با زیت تدهین حنک نمودن و قطور او در بینی با ماء العسل و شم کردن تنها و عطوس او با روغن بادام دافع سکتہ است

سکبینج

خوردن نیز

سنبل هندی

شربا

گرم

خاکستر شاخهائی او شربا با آب و خل دافع سکتہ است

استقو قندریون

عصاره او با روغن بادام سعوطا نیز

قرنفل

ضماد کردن بر سر نیز

جوزبویه

ضماد کردن بر سر نیز

شعرالانسان

محرق شما مجربست

قنه

شم کردن مسکوت و سعوط کردن با روغن بادام تلخ نیز

فوتنج

طبیخ او نطولا و با روغن زیت یا آب شبت یا به آب مراره الثور نطولا نیز

نانخواه

حقنه کردن طبیخ او نیز

مراره الثور

حقنه کردن بآن نیز بورق با آب چقندر و بسفایج و غاریقون حقنه کردن مجربست

عسل

با آب و غیره ادویه حقنه کردن نیز

فروج

خوردن با مصطکی و شبت و دارچینی دافع سکنه است

دراج

مثل او

حمام

پاک کرده غذا کردن نیز

کبریت

محلول در زیت مالیدن و سعوط کردن بقدر عدس نفع می‌بخشد سگته بارد را و ضمادا و بخورا
طب فریدی، متن، ص: ۴۷
نیز

فریون

سعوط کردن نیز

حنظل

غرغره و حقننه نیز

حرف

بعد شرب صمغ او قی کنانیدن بریشه ملطوخه بشیرج نیز

انیسون

شربا بطبیخ حاشا مخلوط با معجون انقودیا نیز

مصطکی

آب مطبوخ او با انقردیا نیز

خروع

بعد رابع عشره خوردن روغن خروع با ماء الاصول و جلاب نیز

عاققرحا

تدهین حنک با زیت طیب بعطسه آوردن و غرغره کردن بطبیخ او دافع سگته است

حمص احمر

شربا با زیت طیب و صعتر نیز

شبت

نطولا نیز شیخ

ارمنی

طبیخ او نطولا نیز

مرزنجوش

طبیخ او نطولا و غرغره نیز

اترج

طبیخ ورق او نطولا نیز

صعتر

طبیخ او نطولا هر یوم نیز

برنجاسف

نطول کردن نیز

فوتنج

نطولا نیز وج نطولا نیز

اکلیل الملک

نیز

سداب

در هر یوم مره نیز

حاشا

نطولا نیز

سجریا

وجورا بقدر بندقه

قنطوریون دقیق

نطولا نیز و حقنه کردن با آب طبیخ او نیز و شربا یا عسل نیز

غافث

تدهین کردن سر را با روغن گل زیتی که غافث درو طبیخ یافته باشد نیز

حرفش

بدهن نرجس و صمغ غافث قی کردن نیز

ایارج فیکرا [۶]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۴۷

اد کردن مقعد را با او و با روغن سوسن و قی فرمودن بریشه ملطوخه بروغن نرجس و ایارج فیکرا و غرغره فرمودن با آن و حقنه کردن بحقنهائی حاد دافع سکتته است مجرب

انقردیا

و جورا با سه مثقال بماء العسل و لعوق کردن عسل را همیشه نافع است

حلتیت

بقدر باقلا هر صبح و شام نافع است ملح با آب گرم و زیت پاشویه نمودن نافع است

میعه سایله

با روغن زنبق پشت را تدهین کردن نیز

مقل ازرق

و فرفیون و سکینج و جاوشیر و صبر و جندیدستر

طب فریدی، متن، ص: ۴۸

و حرمل و شحم حنظل من کل واحد دو درهم شربت مجموع یک مثقال تا دو مثقال بقدر مزاج دافع سکتته است و وجور کردن با دهن خروج و با آب سداب هر روز دو درهم بماء العسل و درجه بدرجه رسانیدن تا پنج درهم نیز

غار

شربا و طلاء نیز

ماء البحر

نافع است

خل العنصل

شربا و شما

ایرسا

بیخ او شربا نیز

مشک

سعوطا نیز مجربست

جاوشیر

شربا و سعوطا نیز و جورا قدر بندقه با آب مرزنجوش نیز

قندول

شربا و سعوطا و مروخا نیز

حرمل

شربا و بخورا نیز

اظفار الطیب

بخورا نیز

افستین

وجورا و عصاره او سعوطا

غالبه

مسکوت وقتی که شم کند بافاقه می‌رسد

حمام

نگه داشتن در خانه مانع حدوث امراض دماغیه است

خل

با زیت و روغن گل ضماد کردن بر سر نیز

سلق

عصاره او با شکر و ملح العجین و محموده حقه کردن نیز

حلاب

شربا نیز

جنطیانا

شما و شربا

بن البلسان

حمولا و مروخا و شربا با زیت عتیق نافع است سکنه را

دلی

و برگهائی کوبیده او در خرقه کتان بسته حرکت دادن نیز معطس سکنه است

یشم

و آن شجره البق است بیخ او مطبوخا نافع است سکنه را

خرء اصفر

سعوطا روغن او و شربا و طلاء و قطورا در پنیر مجربست

سنبل

ضماد کردن با مصطکی و قرنفل و موم و روغن بآن بالخاصیه دافع سکنه است

دهن القسط

تدهین کردن بر سر نیز-

طب فریدی، متن، ص: ۴۹

باب - پانزدهم در علاج فالج

اشاره

فلفل ابیض شربا نیز

اذخر

فقاحه او شربا نیز

بهمن ایض:

شربا نیز

مازریون

شربا نیز و طبیخ بیخ او و عصاره او نطولا نیز

مومیائی

وزن یک قیراط به آب مرزنجوش سعوط کردن دافع فالج است و یک حبه او بدهن الزنبق و یک دانق با روغن بادام تلخ سعوط کردن نیز دافع است

ارنب

تمام سوخته او خاکستر کرده با عسل لعوقا دافع فالج است

لبن البلسان

نصف مثقال شربا نیز

عاققرحا

شربا و بازیت مروخا با ماء العسل غرغره کردن و باریک سحقی کرده او مثل غبار بر مقدم سر ذرورا دافع فالج است

جندبیدستر

شربا و مروخا و با روغن بان طلا کردن بر سر دافع فالج است

بلادر

نصف درهم خوردن از اصل او با روغن جوز دافع فالج است که میل کردن طرف خلف دارد

خصیة الشعب

وقتی که بخورد و بنوشد خمر اسود نافع است مجرب

حلتیت

یک حبه از آن ملبوس با موم بلع کردن نیز و یک درهم مر فالج را که میل کردن طرف خلف دارد نیز و با عسل هم نافع است

حلتیت

نصف درهم سکینج نصف درهم استعمال کردن با شراب پنج مرتبه پنج یوم متوالیه دافع فالج است

شبت

شربا نیز

نفط- ابيض

ابزن کردن در حمام و بعد برآمدن از آبن تدهین کردن با آن نافع فالج است

حب القطن

شیره او خوردن مر فالج را که میل کردن بعقب داشته باشد بالخاصیه دافع است تربد شربا البته

بطم

روغن او شربا و

طب فریدی، متن، ص: ۵۰

تمریخا البته دافع فالج است و ثمره او خوردن نیز

شیطرج

شربا نیز

شقاقل

شربا نیز

حنظل

تخم او خوردن و غرغره کردن نیز

حنظل

شربا و اکلا و شما نیز و بماء العسل هر روز یک درهم تا سی روز متواتر خوردن نیز

سکینج

شربا نیز

ناردین

و آن سنبل رومی است یک درهم خوردن نیز

عنصل

مشوی معجون با عسل خوردن نیز

زنجبیل

شربا با عسل بمرات مجربست

زرنباد

با عسل نیز

زوفا

شربا نیز

دارفلل

با عسل شربا نیز

درونج

شربا با عسل

کمون

شربا و لعوقا

فاشر

ایبج او یک مثقال با شراب خوردن نیز

کلب الماء

گوشت تازه او به نمک شوئیده خوردن نیز

قسط

دو درهم خوردن و با بعضی روغن‌هایی گرم طلا کردن دافع فالج است

قثاء الحمار

عصاره او شرابا نیز

لک

شرابا نیز

دبق

شرابا نیز

راسن

بیخ او با عسل خوردن بالخاصیه نانخواه با نمک خوردن نیز

سنبل

خوردن نیز

سقنقور

گوشت او خوردن نیز

قنفذ

گوشت او خوردن نیز

خوبق اسود

شرابا نیز

ثوم بریی

خوردن و در غذاها مخلوط ساختن نیز

ثوم

با عسل خوردن در اول مرض موافق است و بساها شفا می‌یابد

بسباسه

با روغن بان طلا کردن نیز

ایرسا

بیخ او شربا نیز غار ورق او و تخم او و دهن او نیز

فراسیون

شربا با عسل تا سی روز نیز

جوزبوا

شربا و در دهن نگه داشتن همیشه نیز

شیطرج

با عسل خوردن نیز

شونیز

شربا و سعوطا و روغن او سعوطا نیز

خصیة الثعلب

که در ملک شام ز عبوب الجبل نامند خوردن و بعد او خمر سیاه نوشیدن نیز

طب فریدی، متن، ص: ۵۱

زراوند مدحرج

شربا نیز

دارچینی

شربا به آب نیز

صمغ السداب

ضماد کردن بر عضو مفلوج و سعوطا و شربا و با طبیخ او غرغره کردن نیز

مسک

نشوقا و سعوطا و شما و با بعضی روغن‌ها طلا کردن بر فقرات پشت نیز

غاریقون

شربا نیز

فرفیون

شربا و با زیت مالیدن نیز

جاوشیر

شربا و مروخا نیز

مرزنجوش

روغن او مروخا و بطیخ او غرغره کردن نیز

اترج

روغن پوست رقیق او شربا و ضمادا نیز

فوتنج

روغن او مروخا نیز

غزال

گوشت آن خوردن ایام متواتره مجربست

دوقو

آن تخم جزراست شربا نیز

حرمل

شربا و روغن او در حمام مالیدن با آب مرزنجوش نیز

طالیسفر

بماء العسل بالخاصیه

وطواط

مطبوخ آن با روغن زنبق دلک کردن بر عضو مفلوج نافع است

ریشه

طلا کردن و سعوط کردن نیز

عنبر

شما و شربا و مضغا و سعوطا و مروخا نیز

یاسمین

بو کردن و شربا و روغن آن قطور کردن در بینی و برگ جوش داده او در سرکه طلا کردن دافع فالج است

صنوبر کبار

پنج درهم تا ده درهم خوردن با شکر یا با عسل مجربست

عود القرح

روغن او مالیدن نیز

مویزج

ضمادا و شربا

سرو

برگ او شربا نیز

قند

شربا نیز

لوز

شربا و مروخا نیز

دهن الحنا

و ایرسا و شمع ضمادا نیز

قرومانا

دو درهم با شراب خوردن نیز

بندق

خوردن و دهن او نیز

کرم اسود

یک مثقال با عسل خوردن نیز

حمام

در خانها نگهداشتن نافع فالج است و کبوتریچه خوردن نیز و طریقه پختن آن آنست که سر و

طب فریدی، متن، ص: ۵۲

بازو جدا کرده تتمه پاک کرده در آب جوش دهند و باز برآورده در دیک دویم با آب تازه به پزند البته دافع فالج است

هلیون

اکلا نیز

شحم القاوند

وزن چهاردهم هر یوم در شور با لحم دجاجه نافع فالج است و سه درهم از مذاب آن تمریخ کردن هفت شبانروز نیز نافع است

ابهل

جوز او شربا نیز

صدف سوخته

خوردن نیز

اشق

یک مثقال با عسل خوردن نیز

دارشیشان

شربا نیز

گرفس

از تخم او سه درهم خوردن نیز

زقوم

روغن او هفت شبانروز نوشیدن نیز و مروخا نافع است

بان

روغن او با مشک و عنبر بر فقرات مالیدن نافع است

نسرین

سوسن ایض و روغن او شربا و تمریخا نیز

حمص اسود

پوست کنده با زیت و صعتر خوردن نیز و طبیخ او ایام متوالیه شربا نیز

فلفل

مسحوق مخلوط با زیت مروخا و نصف درهم از ان و از ایارج فیکرا یک مثقال هر روز خوردن نافع است

رماد

با آب و زیت حل کرده مالیدن مفلوج را نافع است

رماد خشب التین

و رماد حطب الکریم با زیت مروخا نیز

فوه الصبغ

ادمان خوردن او ایام متوالیه با ماء العسل نافع است

وج

ادمان شرب او نافع است و مر پیران را نیز-

شابانک

شربا و سعوطا و ضمادا نیز

خروع

ده حب از آن و نزد بعضی یک مثقال با ایارج لوغاذیا قوی است فعل آن

کندش

مدقوق در کتان بسته بو کردن و غرغره کردن نیز

سندروس

با زیت شربا و مروخا نیز

قندول

روغن شگوفه او شربا و مروخا نیز

عود البخور

شربا نیز

فلنجه

شربا نیز

نرجسی

دهن او شما و نشوقا

طب فریدی، متن، ص: ۵۳

نیز

زیتون

یک مثقال او از پوست شجره او نیز

علک البطم

و فقاخ اذخر و سکینج مرکب کرده یک حبه از ان نیز

کبر

برگ او و ثمر او و قشر بیخ او مفردا و مرکبا نیز

حمحم

و آن بستان افروز است شربا و ضمادا و سعوطا نیز

فاخته

لحم او خوردن نیز

استولوقندریون

شربا و عصاره او سعوطا با روغن بادام نیز

فجل

تخم آن و جندیستر هر واحد یک یک جز شربا نیز و روغن تخم آن شربا و مروخا نیز

ماء البحر

استحمام به آن نیز

بورق

با زیت و

علک البطم

مروخا و با روغن آن و موم ضمادا نیز

جنطیانا

رومی شربا نیز

شجره النبق

بیخ مرصوص آن جوش داده نوشیدن نیز

سوسن

بو کردن شکوفه آن دایم نافع است

شحم الثور

مروخا و شربا نیز

مرو

نبات او شم کردن نیز

نارجیل

روغن او شربا و مروخا نیز

سکنجبین العنصلی

شربا با مداومت نیز

بخور مریم

بیخ او شربا نیز

وسمه

و آن حب النيل است حقه کردن نیز

الماء الصافی

بهتر است از شراب مفلوج را پس گرد شراب نکردند و فالج که حادث شود از آب سرد خوردن حمام لازم است صاحب آن را و درین شفا است

باب- شانزدهم در علاج لقوه

جندبیدستر

وزن سه حبه با آب رطبه نوشیدن و عطوس کردن و بو کردن نافع است-

عود القرح

روغن او شربا و تخم آن در زیت جوش داده شما و مروخا نیز

یاسمین

روغن آن شما و قطورا در بینی و شربا و سعوطا و شکوفه آن شما و بخورا دافع لقوه است

سکبینج

شربا و یک

طب فریدی، متن، ص: ۵۴

حبه از ان و از

علک البطم

و فقاح اذخر نوشیدن فقاح و حقنه کردن با آن نافع است

دهن اللوز المر

سعوطا با آب مرزنجوش نیز

قندول

ثمر او خوردن و دهن شکوفه او دافع لقوه است

کرکی

مراره آن و آب سلق سعوط کردن نیز و با روغن بادام تلخ در جانب صحیح و جانب ملقو با روغن جوز هفت مرتبه در هفت روز
مالیدن دافع لقوه است

جوز

روغن آن سعوط کردن در جانب مخالف و مراره کرکی در جانب ملقو و شربا و سعوطا نیز

اذان الفار

عصاره آن سعوطا نیز

فرفیون

شربا و بقدر عدس با شیر جاریه سعوط کردن و روغن حبه الخضره محلول کرده تدهین بر وجه ملقوه و عطشه آوردن با آن دافع
لقوه است و ربع درهم ازو و از سکبینج و مقل و اشق من کل واحد درهم علیل را خورانییدن دور می کند علت را باذن الله تعالی

سریرا

قرمانا

دو درهم شربا نیز

عاققرحا

شربا و شما و مضغا و طبیخ او غرغره کردن نیز و بخور گرفتن و قطور کردن روغن او و مالیدن با روغن بطم بر وجه ملقوه نیز

مرزنجوش

طبیخ او و عصاره تازه او غرغره کردن و خوردن و ضماد کردن با ربع درهم از فرفیون نطول کردن و بو کردن و عصاره او با مراره کرکی سعوط کردن در جانب مخالف هفت روز و با روغن جوز شما و شربا دافع لقوه است

صعتر

طبیخ او غرغره کردن و عصاره تازه او سعوط کردن با یک حبه مشک و بخور گرفتن تا سرخ شود رو دافع لقوه است

فوتنج

شربا و غرغرتا و روغن او قطورا و شربا نیز-

افستین

شربا و غرغرتا نیز-

زنجبیل

شربا و غرغرتا وحده و سعوطا و مضغا مع المصطکی و مویزج دافع لقوه است-

جوزبوا

شربا و با مصطکی مضغا و امساکا فی الفم نیز

وج

طب فریدی، متن، ص: ۵۵

شربا و مضغا نیز

مویزج

مضمضه و غرغره و با کندر مضغا

نشادر

با آب مرزنجوش غرغره کردن بالخاصیه دافع لقوه است

بورق

شربا و غرغره و دلوکا دافع لقوه است

شونیز

روغن آن شربا و سعوطا و دلوکا دافع لقوه است و در سرکه یک شبانروز خیسانیده خشک کرده و سحق کرده سعوط کردن با روغن گل دافع لقوه است و بروغن حبه الخضرا مالیدن بر وجه مریض البته دافع است

زنبق

روغن او قطور کردن در بینی و مخلوط بمراره کرکی نافع است بالخاصیه

صمغ السرو

بسیار مضغ کردن نیز

راتینج

و آن صمغ صنوبر است مضغ کردن دایا نیز

طرفا

تدخینا نیز

ماذریون

شربا و تخم و عصاره آن نیز

سهمانج

بالفارسی بستان افروز شربا با شراب و سعوطا بلبن جاریه نیز

فلنجه

شربا نیز

فجل

اکلا- و سعوطا بمائه و دهن او نیز و نصف درهم از تخم آن و جندیبستر مثله شربا دافع لقوه است و روغن آن با جندیبستر بالخاصیه نیز

خردل

شربا و مروخا بروغن آن و غرغره طیخ آن و دلک بر موضع لقوه تا که سرخ شود دافع لقوه است

حنظل

شحم او مرلقوه مزمنه و حدثیه را شربا دافع لقوه است و سعوطا و شربا و حقه نیز

مومیائی

وزن یک حبه بماء مرزنجوش سعوطا نیز و بروغن بادام تلخ و بروغن زنبق نیز

عنبر

شما و شربا و بخورا و مضغا و سعوطا با روغن بادام مجربست

فاشرا

بیخ آن خوردن و پوست آن تعلیق نمودن بر ملقوه بالخاصیه-

ریحان سلیمان

و آن شاهسفرم است و شما و شربا نیز

خروع

ده حبه تا بیست حبه خوردن نیز و روغن آن سعوطا و شربا و مروخا نیز بالخاصیه
طب فریدی، متن، ص: ۵۶

بلادر

اصل آن مصلح با روغن جوز تا نصف درهم خوردن دافع لقوه است مجرب

ظیان

و آن یاسمن جبلیست روغن آن مروخا و سعوطا و طیخ آن شربا نیز

غالبه

شما و شربا و مروخا بر عضو بعد التنقیه بالخاصیه و مالیدن رو را در روز چند مرتبه

ارنب

گوشت و مهرا پخته بر سر ملقوه ضماد کردن دافع لقوه است و گوشت محرق آن مخلوط بعسل لعق کردن نیز

ضبع

گوشت مهرای او ضماد کردن بر رأس نیز

ثعلب

مثله

ابهل

مثل او

وعل

كذالك

عسل

ماء العسل بجائی آب نوشیدن نیز و خوردن آن بسیار همیشه دافع لقوه است خل خردل مدقوق دران جوش داده شستن رو با آن دافع لقوه است

مقل

و صعتر و فوتنج و حاشا مسح کردن سر و صدغین بآنها و بو کردن خل خمر تند در شبانروز مرات دافع است نیز

غار

بخار گرفتن در شبانروز مرات نیز

شیخ

ایضا

قیصوم

کذالک**جرمل**

مثله و روغن آن با آب مرزنجوش یا با آب برنوف مروخا نیز

حمص اسود

غذا کردن با زیت معطر و کذالک ماؤه

اثل

بخار گرفتن ملقوه به طیبخ آن و آب آن نوشیدن بیست یوم ثلثین درهم نافع است

باشق

مراره آن سعوطا با لبن نساء نیز

قثاء الحمار

عصاره آن سعوطا با لبن النساء نیز و شرابا و عطوسا نیز

سلق

عصاره آن سعوطا نیز

عرطینشا

عصاره آن سعوطا و بیخ و تخم آن کل نافع است

هدهد

مراره آن با روغن بادام سعوطا نیز

سنور

مراره آن سعوطا با روغن بادام نیز

سداب

سعوطا و اکلا و انکبابا به طیبخ آن تا سرخ شود رو نیز

جوز

اکلا و روغن آن شربا و سعوطا و تمریخا در جانب ملقوه که

طب فریدی، متن، ص: ۵۷

چشم او کشاده می ماند و روغن آن بر رو و صدغه مالیدن و سعوط کردن با روغن بطم در جانب صحیح دوازده قطره و در طرف دیگر شش قطره نافع لقوه است

لبن البلسان

نصف درهم ازو با یک اوقیه عسل خوردن و نصف درهم از آن با نصف درهم روغن سداب تمریخا و سعوطا دافع لقوه است

سنبل

شربا البته

طالیسفر

یک مثقال خوردن از ان نیز

زرنباد

شربا نیز

شقاقل

شربا نیز

نفظ ابیض

شربا نیز

ناردین

هر یوم یک درهم شربا نیز

فراسیون

با عسل شربا نیز

قنفذ

پیه او مروخا نیز

ثعلب

گوشت او خوردن نیز

لک

با عسل نیز

قرطم

روغن آن شربا و سعوطا نیز

ثوم

اکلا نیز

الثوم البری

با عسل نیز

گرفس

دو درهم

جلنجبین

عسلی ده درهم سی یوم خوردن نیز مجربست

مرماحوز

طبیخ آن با ده درم جلنجبین عسلی و شکری نافع است و بخار گرفتن نیز

هلبله

هر یوم در دهن ملقو گذاشتن و مضغ کردن تا که فانی شود و بلع کردن ما یتملل منه دافع لقوه است

ایارج فیقرا

غرغره کردن با آب مرزنجوش بالخاصیه دافع لقوه است

بابونج

انکبابا بخار او نیز

اکلیل الملک

کذالك

نمام

اکلا و انکبابا نیز

بطم

روغن آن اکلا و با جندبیدستر مالیدن بر وجه دافع لقوه است

سلق

آب آن سعوطا نیز

شابانک

سعوطا نیز

دهن القسط

بمرات لطوخوا بر وجه ملقو و بر پشت مالیدن دافع لقوه است

دهن البان

نیز

لوز

نیز

کندش

سعوطا نیز

عرطنیشا

و آن بخور مریم است عطوسا نیز

خریق ابیض

عطوسا نیز

قطران

شما نیز

حمار الوحش

گوشت مهرای آن ضماد کردن بر سر ملقو با زیت دافع است نیز گفته است هرمس و رازی که ملقو نخورد از حیوان

طب فریدی، متن، ص: ۵۸

و چیزی که برآید از حیوانات سوائی عسل تا هفت یوم به می شود مرض مزمنه

عذبه [۷]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۵۸

ان گرفتن آن نیز

سوسن اصغر

بسیار بو کردن نافع است

اقحوان

مروخا و بر سر طلا کردن نیز

سرو

طبیخ برگ او شرابا بالخاصیه دافع لقوه است

جاوشیر

شرابا نیز و یک حبه از ان با آب مرزنجوش سعوط کردن و با وج و سداب از هر دو ربع درهم با روغن بادام سعوطا نیز

سقتقور

اکلا نیز

فلفل ابیض

شرابا بالخاصیه

اذخر

فقاح او شربا نیز

املج

شربا

افتیمون

شربا نیز

افعی

گوشت مصلح او چنانچه در تریاق وصف کرده شده نافع است

حلتیت

شربا البته

تربد

شربا نیز

گمون

با عسل شربا نیز

بازی

مراره آن سعوطا نیز

بندق

شربا البته

دهن الاجر

شربا و مروخا نیز

دارچینی

شربا نیز

بوم

خون آن که وقت ذبح سیلان کند لطوخوا نیز

حاشا

شربا و ضمادا بر رو و بر صدغین و طبیخ او با ده درم جلنجبین - شکری و سرکه جوش داده طلا کردن بر وجه و صدغین دافع لقوه است

کرمدانه

با روغن بادام سعوطا یک قیراط از آن نیز

زراوند مدحرج

با روغن بادام نصف درهم سعوط کردن نیز

سکبینج

سعوط کردن با آب مرزنجوش یک قیراط از آن نیز و بسا اوقات عارض شود لقوه را شقیقه شدیدة پس با مومیائی معدنی با روغن زنبق سعوط بکند

باب هفدهم در علاج تشنج افتیمون

عشر درهم در یک رطل شراب عتیق یوما و ليله نافع است مر تشنج امتلایی را خصوصا که پیدا شده باشد از سودا

ایرسا

بیخ او با شراب ریحانی شربا و مطبوخ او با شراب و شگوفه

طب فریدی، متن، ص: ۵۹

با زفت مروخا و طبیخ او شربا نیز

بزر الکتان

مدقوق با عسل و موم طلاء و بغیر موم خوردن و ضمادا و شربا دافع تشنج است

دهن البان

مروخا نیز

خطمی

طبیخ او شرابا و ضمادا نیز

انزروت

با روغن بیدانجیر شرابا بالخاصیه دافع تشنج است

کماذریوس

طبیخ او با عسل شرابا نیز

زوفای رطب

دهن او ضمادا نیز و مخلوط با پیه بز مروخا

فجل

تخم مدقوق او شرابا نیز

قنقد

گوشت او خوردن بالخاصیه

دلدل

و آن قنقد بریست که می‌اندازد ریشه‌های خود را مانند شیر گوشت خشک او خوردن نافع است مر تشنج امتلائی را

قنه

شرابا و ضمادا نیز

ایل

شحم او شرابا و مروخا نیز

لوز مر

روغن او با عسل و بیخ سوسن نیز

ماعز

مخ او اکلا و بول او ضمادا نیز

سسم

دهن او خوردن و جرم مدقوق او با قشر ضماد کردن نیز

پنچنگشت

ضماد کردن بر گهای آن با شراب نیز

بخور مریم

بیخ او با شراب ضماد کردن نافع است تشنج رطب را

جوز

ضماد کردن تشنج رطب را و تمدد را و جوز عتیق با آب دهن صایم نرم می کند عصب متشنج را و روغن آن مروخا و شرابا و سعوطا مر تشنج یابس را بالخاصیه

مرزنجوش

جلوسا در طبیخ آن با شیخ و ضماد کردن بمدقوق او با شیرج و شمع اصفر مر تشنج و تمدد را نیز

جنطیانه

طبیخ او شرابا مر تمدد را نیز

انجره

با ملح ضماد کردن تشنج و تمدد را نافع است

بابونج

نطولا با آب آن دافع تشنج و تمدد است

عود بلسان

شرابا در هر دو را و از عود بلسان ثلث رطل و از آب دو رطل به پزند تا که یک رطل بماند صاف کرده هر روز سه اوقیه با روغن بادام تلخ

طب فریدی، متن، ص: ۶۰

خوردن دافع تشنج و تمدد است البته

سفرجل

با روغن بادام تمریخ کردن فقرات را نیز

خروج

روغن تخم او سعوط کردن و شربا و عرق کردن سر مریض را با آن دافع تشنج است

شعیر

مر تشنج یابس را غذا کردن با بادام و شکر نیز

فوتنج بری

با عسل و شکر خوردن و طبیخ او را ناشتا خوردن دافع امتلائست

دم السحفات

و جندیستر مر امتلائنی را بالخاصیه

حلبه

لعاب آن با روغن بادام بر قفای صاحب تشنج یابس مروخا نیز

ضروا

روغن آن با ماء العسل شربا مر امتلائنی را نیز

شمع احمر

در اوقیه زیت عتیق یک رطل فرفیون یک اوقیه مرهم ساخته ضماد کردن بر قفا نافع تشنج رطب است زیت عتیق و جندیستر مالیدن مر دافع تشنج رطب امتلائنی را

برنجاسف

با برگ غار و برگ ترنج نشتن در طبیخ آن نیز

قنطوریون

طبیخ دقیق آن شربا مر امتلائنی را نیز

غار

نشستن در آب او چنانچه گذشت

شیخ

جلوسا در طبیخ آن با مرزنجوش و غار نیز

بورق

با زیت مروخا نیز

تراب القی

محلول در زیت عتیق مالیدن بر قفای مریض نیز

دهن القسط

شب و روز بمرات بر قفای متشنج امتلائی نیز

خریق اسود

انفع ادویه‌ست تشنج امتلائی را

آب زراوند مدحرج

شربا نیز

خصی الثعلب

خوردن و بعده شراب اسود نوشیدن و با فلفل و شراب خوردن نیز

باداورد

تخم او مر امتلائی را و بیخ آن و برگ آن وقتی که طبخ داده شود نافع است مر رطب را

سوسن ابیض

بیخ آن با عسل و

طب فریدی، متن، ص: ۶۱

مرزنجوش و جندبیدستر شربا نیز

کندش

عطوسا نیز

جندبیدستر

سعوطا و شربا نیز

حمص احمر

با صعتر غذا کردن آب آن بالخاصیه مجربست

قنبره

مر امتلانی را نیز

حجل

مشویا نیز

عصافیر

با زیت مطیب غذا کردن نیز

بادروج

شربا نیز

اذخر

بیخ او یک مثقال خوردن نیز

زعفران

شربا نیز

اسطوخودوس

شربا نیز

زنجبیل

شربا نیز

وج

شربا و ضمادا نیز

راوند

شربا نیز

نسر

گوشت او خوردن نیز

سنا

تمدد تشنج امتلائی را نافع است برای استفراغ بدن

زفت رطب

و دهن آن بالخاصیه مراملائی را

بان

دهن آن مروخا نیز

بول

وقتی که خرقه با آن تر کرده ضماد سازند نافع است

خیری اصفر

دهن آن مروخا نیز

سمان

اکلا

اوز

شحم آن شربا و مروخا نیز

ترنجان

تخم آن و ماء مقطر آن شربا نیز

سلحفاة

خون آن با جندیدستر حقنه کردن نافع است و اگر تشنج حادث شود در حمیات مطبقه ردیست خصوصا هرگاه باشد با اختلاط عقل

باب هژدهم در علاج کزاز

زراوند

شربا دافع کزازست

قنطوریون

شربا نیز

قنه

شربا و مروخا نیز

عاقرقرحا

طبیخ او نطولا بر بدن و مطبوخا با زیت عتیق و با خل نیز-

حجر المقنطیس

تعلیقا نیز

شادنج

تعلیقا نیز

اکارع

روغن آن مخلوط بغذا هفت شبانه روز نیز

حمص اسود

آب طبیخ آن مطبیا بزیت و صعتر غذا کردن مجربست

زراوند طویل

شربا با آب نیز

حلتیت مطیب

با شراب و فلفل اسود و با عسل
طب فریدی، متن، ص: ۶۲
نیز و نصف درهم از آن با سداب البته دافع کزازست

مقل ازرق

شربا نیز

فورس

و آن قسم چهارم از هوفاریقون است شربا با فلفل نیز

ملح

با نخاله گندم تکمید کردن نیز

صوف قرمزی

مغموس در زیت عتیق گرم کرده بر آتش تکمید کردن نیز

رازیانج

طبیخ تخم او با شکر خوردن نیز

گرفس

طبیخ تخم او محلی با عسل نیز

هلیون

طبیخ شاخهائی او یا طبیخ تخم او محلی با شکر نیز

صعتر

شرب طبیخ او محلی با شکر نیز

حمص اسود

مهرآ پخته و شربائی او با شیر بادام و زیت مطیب ساخته دافع کزازست

دهن الخل

او الزیت گرم کرده بر آتش تکمیدا نیز

سلحفاة النهریه

گوشت آن خوردن نیز

زیت

آبزن که دران زیت عتیق باشد دافع کزازست و بسیار وقت نه نشیند بالخاصیه

خصیه الحمار

روغن او مروخا نیز

عسل

با آب گرم نوشیدن و با سرکه و حلتیت نیز

جاوشیر

از یک درهم تا مثقال یا اقل یا بقدر قوت خوردن دافع کزازست

محروث

و آن بیخ انجدانست شرب طبیخ آن با عسل پنج اوقیه نیز

سداب

ضماد کردن معده مریض را به آن یا تدهین کردن با روغن آن و جاوشیر نیز

خیری

روغن آن سعوطا نیز

نرجس

سعوط کردن روغن آن نیز ایرسا تمریخ دهن او و شمع اصفر نیز

قسط

مروخا بدهن آن نیز

حمار الوحش

شحم او مروخا نیز

ابل

شحم او مروخا نیز

ضبّ

شحم او مروخا نیز

اسد

شحم او مروخا نیز

ذیب

مراره او سعوطا با روغن بادام و مروخا بدهن بان نیز

جندبیدستر

ربع درهم یک دفعه یا ثمن

طب فریدی، متن، ص: ۶۳

درهم دفعات خوردن البته دافع کزازست

سلحفات البحریه

شحم آن تمریخا نیز

شونیز

روغن آن شربا و سعوطا و مروخا دافع کزازست البته

باداورد

شربا تخم آن نافع صبیانست و طیبخ بیخ آن و برگهائی آن نیز

حجر ارمنی

در دست نگاه داشتن نیز دافع کزازست

عود القرح

طلا کردن مدفوق آن با زیت عتیق بالخاصیه

خردل

روغن آن شرابا و مروخا نیز

زراوند مدحرج

شرابا نیز

یاسمین

روغن آن طلا کردن بالخاصیه

خصی الثعلب

خوردن و بعد آن شراب اسود نوشیدن دافع کزازست البته

صدف محرق

یک اوقیه قرن ایل محرق سه درهم معجون کرده با عصاره مرزنجوش تازه بقدر حبه خوردن نافع کزازست

سکبینج

و

فجاج

اذخرو

علک البطم

شرابا و روغن بان مروخا نیز

هوفاریقون

دو درهم فلفل اسود یک درهم هفت روز متوالیه خوردن دافع کزازست

عنبر

شما دایما و سعوطا با روغن بادام و مضغا نیز

باب - نوزدهم در علاج رعشه**خطمی**

طبیخ بیخ او با شراب شرابا دافع رعشه است چندیدستر شرابا و تمسحا بآن نیز و بیست روز هر روز یک درهم با روغن گل شرابا و طلاء و حمولا نیز و با فوتنج جبلی شرابا نیز

سلق الاحمر

اکلا نیز

قسط هندی

شرابا و دهن او مروخا نیز و بدهن غار ضمادا و با عسل سخنیا نیز دافع رعشه است
طب فریدی، متن، ص: ۶۴

جاوشیر

رعشه که بعد از ضعف دماغ حادث شود نافع است

فصفه

و آن رطبه است خوردن بقله آن و شرابا عصاره آن و ضمادا و روغن آن تمریخا دافع رعشه است مجرب

حندقوقی

روغن آن تمریخا نیز

سداب

روغن آن تمریخا و هشت روز هر روز دو درهم تخم او خوردن دافع است نیز

اسطوخودوس

طبیخ آن با عسل و شراب و با ماء العسل تا بیست روز دافع است البته

غافث

شرابا نیز

کرنب

خوردن نیز

دارچینی

دهن او شربا و مروخا نیز و با قرومانا البته

ارنب

سر مشوی آن خوردن دافع است البته

یاسمین بری

دهن او شربا و مروخا نیز

دیک

شوربائی آن با قرطم و بسفایج شربا نیز

کرسنه

هرگاه دجاج را یک شهر خورانیده شود خوردن آن نافع است بالخاصیه

حمام

هرگاه بچه آن را کرسنه خورانیده بی سر و بی بازو طییخ کرده شود مجربست خوردن آن رعشه را و با حب محلب پانزده یوم دانه دادن و سر و بازوئی آن دور کردن و خوردن مجربست

شبت

روغن آن شربا و مروخا نیز

حمص اسود

آب طییخ آن با صعتر و زیت شربا نیز

خردل

فقار و زانو را لطح کردن و شربا نیز

حرمل

روغن آن شربا و سعوطا و با آب مرزنجوش نیز

فلفل اسود

با زیت مروخا نیز

فلفل ابيض

شربا و ضمادا نیز و در طعام اصحه مخلوط ساختن آمن رعشه است

سلق

با خردل خوردن نیز

صنوبر کبار

با عسل و با شکر البته

شونیز

شربا و صعوطا نیز

دهن البسان

با روغن بادام تلخ مروخا و شربا نیز

فرفیون

شربا و روغن آن مروخا نیز

حلتیت

روغن آن تمریخا نیز

برنجمشک

بقله آن خوردن و آب مقطر آن شربا نیز

عصافیر**مطبخا**

طب فریدی، متن، ص: ۶۵

غذا کردن مریض نیز و مطبوخ آن با آب قرطم و آب لبلاب نیز

وطواط

سر آن در روغن زنبق در دیگ آهن یا نحاس مهرا پخته تدهین کردن نیز

صبر

و چندیدستر شربا نیز و با حب صبر استفراغ کردن مفید است البته

قنطوریون دقیق

با آب گرم هفت روز خوردن دافع راعشه است و یک مثقال از آن و نصف درهم چندیدستر عطشه آوردن به آن البته

قرمانا

شربا نیز

کرنب

مداومت خوردن آن نافع است و جلوس در طیبخ آن نیز

خریق اسود

قی کردن با آن نیز

ماء البحر

استحمام با آن نیز غار روغن آن مروخا نیز و حب آن خوردن نیز

افعی

گوشت مصلح آن چنانچه در تریاقت خوردن نیز

المحاجم

گذاشتن بر فقره اول از فقار صلب و بغیر شرط نافع است نفعا بینا

صوف ابریشم

در زیت عتیق مسخن با النار گذاشتن بر فقره اولی از فقار صلب دافع رعشه است

عسل

شراب آن با جندییدستر نوشیدن نیز

غافث

عصاره آن انفع ادویه است رعشه را شربا

حب المتن

مسهل گرفتن با آن نیز

جاوشیر

شربا نیز رعشه که از شرب خمیرست طلا کردن سر مریض را با آن و سرکه و دهن الورد و دهن آن نیز

حلتیت

بقدر نصف درهم صبح و شام خوردن دافع رعشه است

دهن البسان

هر روز نصف مثقال در شراب خوردن نیز و اگر ده روز هر روز نصف مثقال با روغن بادام شیرین خورده شود نافع است و اگر ده یوم هر یوم نصف مثقال با خبز حلویا با عسل تناول کرده شود انفع است

غاریقون

شربا نیز

ظیان

روغن آن مروخا نیز

بلادر

ثمر آن تعلیقا بالخاصیه دافع رعشه است

ریتة

تعلیقا

طب فریدی، متن، ص: ۶۶

بالخاصیه نیز

درونج

شربا البته

نارجیل

شربا و طلاء

بطم

روغن آن خوردن و مروخا نیز

کراث

اکلا نیز

الماء الکبریت

استحمام او هر روز دو مرتبه نیز لبته

زرنیخ

استحمام با آب او هر روز دو مرتبه نیز

نطرون

استحمام با آب آن

بندق

به مواظبت اکلا نیز

خروع

روغن آن شربا و طلاء نیز

ایرسا

بیخ آن مر رعشه را شربا نیز

جلنار

تا ده روز هر روز دو درهم جلاب نافع است

سورنجان

شرب آن مرارا بالخاصیه

زیت

سداب بستانی سه اوقیه در نه اوقیه آب بجوشانند تا نصف بماند صاف کرده مثل آن زیت طیب داخل کرده جوش دهند تا زیت بماند و پنج درهم مریض را در حمام خورائیدن دافع رعشه است مجرب

حلتیت

و جندیستر و شحم الحنظل و قنطوریون دقیق هر واحد نصف درهم و خوراک نیز نصف درهم بری می‌شود مریض برءا تاما و سزاوارست که پرهیز کند مریض از خمر و جماع و از استفراغ زیرا که حدوث رعشه از اینها است و نیز از آب سرد و از آب برف و اکل شکر تری که مورث رعشه‌اند و

قال الرازی

علاج بکن رعشه را با شیطرج ضمادا هر گاه رعشه حادث شود از برد و عوارض نفسانی و گفته است جالینوس که جمیع اطبا هر گاه علاج کردند رعشه را و اختلاج را قصد کردند علاج موخر دماغ را و گفته‌اند که هر گاه رعشه حادث شود اریبس اعضا یقینا نیست شفا مر آن رعشه را متفق است بقراط نیز

باب بیستم در علاج خدر

زراوند

شربا البته

حمص

ضمادا بالخاصیه

دهن القسط

طلاء او شربا بماء العسل در حمام نیز و با روغن بان مروخا نیز

ارنب

گوشت مشوی

طب فریدی، متن، ص: ۶۷

آن خوردن نیز

فریون

یک درهم با زیت یک درهم شربا نیز دافع خدر است البته و ضمادا و مروخا با روغن دارچینی نیز

فلفل اسود

کوبیده در زیت جوش داده مسوحا و خاکستر فلفل با زیت اضمادا دافع خدر است

سرطان

محرق با زیت ضمادا نیز

مراره البقر

مثل آن

شیرج

شربا نیز صحیح و مجرب است

ایرسا

شراب آن دافع خدر است و برگ آن و بیخ آن و شگوفه آن کلها نافع است

عاقرقرا

شربا و تمریخا نیز و قیروطی مرکب از آن از موم زرد و زیت عتیق نافع است یقینا و با خل شربا نیز

سورنجان

شربا نیز

مویزج

مدقوق با دهن قثاء الحمار ضمادا نیز

سکبینج

شربا و با فقاح اذخر و علك ضمادا نیز و با روغن قثاء الحمار ضمادا البته

قثاء الحمار

بیخ او یک اوقیه حلتیت ربع اوقیه و غبار الرحی دو اوقیه مجموعه خمیر کرده ضماد کردن دافع خدر است و روغن آن مروخا در

حمام نیز

جندبیدستر

شربا و با روغن بان ضمادا و طلاء ایضا

دهن الاجر

شربا و مروخا ایضا

قنفذ

گوشت تازه آن خوردن نیز

دلدل

گوشت تازه آن و مملح آن مرارا خوردن بالخاصیه مجربست

بهمن ایضی

شربا بالخاصیه

حمام

نگاهداشتن در مساکن خود و شم کردن انفاس آن نافع خدر است

عسل

شرب ماء العسل بدل آب نیز

عنبر

محلول در روغن بان و شم آن و شرب آن و مضغ آن و بخور آن کلها نافع است

خردل

با روغن قثاء الحمار ضمادا نیز و روغن آن شربا و مروخا نیز

بورق

با روغن قثاء الحمار ضمادا نیز

بارزد

و آن میعه سایله است شربا و ضمادا نیز

غار

روغن حب الغار شربا و مروخا نیز

طب فریدی، متن، ص: ۶۸

حمام وحشی

شحم و لحم اکلا و مروخا نیز

میعه

شربا و مروخا نیز

شبت

بقله آن اکلا و عصاره آن شربا

شمع اصفر

با زیت عتیق ضمادا

ایارج روفس

بعد نضح تام استفراغا نیز

خروع

روغن آن مروخا نیز

حمام

کثرت دخول حمام نیز

زنبق

روغن آن با موم و جندبیدستر یا با قسط و عاقرقرحا ضمادا در حمام دافع خدر است

شحم الحنظل

شربا و با زیت مروخا بالخاصیه نیز

حاشا

شربا و نطولا نیز

کرفس

طبیخ او شربا و نطولا بالخاصیه

ایارج فیکرا

با طبیخ کرفس شربا نافع است [۸]

طب فریدی ؛ متن ؛ ص ۶۸

سنبل هندی

شربا و مروخا نیز

زنجبیل

شربا و مروخا و با عسل و شکر اکلا بالخاصیه صحیح مجربست

معجون الفلاسفه

اکلا مجربست

حب المحلب

دجاج را خورانیده اکلا بالخاصیه مجربست

دهن البان

شربا و مروخا نیز

سلیخه

شربا و ضمادا

بطم

روغن آن شربا و مروخا

کبر

قشر بیخ او شربا نیز

سداب

دهن آن شربا و مروخا

جعدہ جبلیه

شربا و ضمادا

جنطیانا

با عسل شربا

مشمش

روغن تخم او مروخا مجربست

اشق

دو درهم شربا نیز

وج

شربا

ترید

شربا

جاوشیر

شربا با عسل و با روغن سوسن و عاقرقرحا و جاوشیر قیروطی گرفتن و ضماد کردن دافع خدر است

مسک

شما و شربا و طلاء بر فقرات پشت و گردن با روغن بان دافع خدر است

مرزنجوش

مدقوق با روغن قثا ضمادا

کرسنه

پانزده روز هرگاه دجاج را خورانده شود خوردن آن دجاج نیز

حلتیت

نصف درهم شربا با نصف درهم سکینج نیز و اگر نصف درهم با شراب عتیق تا پنج روز بنوشند خلاصی از خدر است

خردل

شربا طلاء و روغن آن با آب مرزنجوش تمریخا در حمام دافع خدر است

طب فریدی، متن، ص: ۶۹

و تدهین با روغن آن بر فقار گردن نافع است

خولنجان

شربا

زقوم

شربا از پنج درهم تا هفت یوم

حمص اسود

اکلا نیز

شونیز

روغن آن شربا و مروخا و بو کردن جرم آن و سعوط کردن روغن آن و ضماد کردن بر فقار ظهر دافع خدر است

حمص احمر

منقوع در سرکه یک شب خوردن بالخاصیه-

حمام

اگر دانه خورانده شود بچه آن را کرسنه دو روز و حب محلب پانزده روز و خوردن آن کبوتریچه دافع خدر است صحیح مجربست

انجره

خوردن حشیش آن با روغن بادام و تخم مدقوق آن با عسل لعق کردن نافع است مجرب

حب المنتن

بعد نضح استفراغ کردن با آن نیز

حب القوقا

بعد نضح استفراغ کردن با آن نیز

سرطان نهری

ده شبانروز خوردن مجربست

درونج

شربا نیز

اصابع الصفر

شربا نیز

حرمه

شربا و ضمادا نیز

کندر

شربا نیز

فاشرا

بیخ او شربا نیز وضع محاجم بلا شرط نافع است نیز-

باب- بیست و یکم در علاج اختلاج

اترج

روغن قشر اصفر آن شربا و مروخا دافع اختلاج است سوسن

آسمانجونی

روغن آن شرابا مسوحا و طیخ بیخ آن شرابا نیز

غار

روغن آن مروخا و طیخ ورق آن با تخم آن نطولا بالخاصیه ایضا

گرگی

زهره آن سعوطا با روغن بادام نیز

گرنب

مداومت اکل آن

جندیستر

با روغن زنبق یا با روغن بان مروخا نیز

سوسن ابیض

روغن آن شرابا و مروخا نیز

خردل

روغن

طب فریدی، متن، ص: ۷۰

تخم آن مروخا نیز نارنج روغن شگوفه آن مروخا نیز

عاققرحا

نصف درهم با جلاب شرابا نیز

سداب

روغن آن مروخا و جرم آن اکلا بالخاصیه دافع اختلاج است

ملح

تکمید بآن نیز

ماء البحر

استحمام با آن نیز

قسط

روغن آن مروخا در حمام

اسطوخودوس

هر روز یک درهم بماء العسل تا سی روز نافع است منفعت عجیبه و اگر هر روز دو درهم بماء العسل خورده شود نافع است نیز

بهار

روغن شگوفه آن شربا و مروخا و طبیخ آن شربا نیز

بورق

ضماد آن نیز

ارنب

دماغ آن بماء العسل شربا نیز

غافث

عصاره آن شربا نیز

فسفسه

و آن رطبه است و فسه نیز خوانند مسلوق مطیب با زیت تا پانزده روز خوردن دافع اختلاج است

فروج

مطبخا با زیت و زیره با جو عسل و مغز بادام شیرین مقشر مدقوق خوردن دافع اختلاج است

حمام

غذا کردن کبوتریچه مسلوق مطبخا و با عسل و سرکه و دارچینی و سنبل هندی به شرطی که سر و بازوی او جدا کرده تطبیخ نمایند البته دافع اختلاج است

حجل

مثل این

قنابر

مثل این

دراج

مشویا

عصافیر

مسلوق مطبخا بالخاصیه دافع اختلاج است

انجره

خوردن او با روغن بادام بالخاصیه مجربست

راسن

بیخ او معجوناً بعسل اختلاجی که حادث شود از رطوبت نافع است

سوسن

طبیخ بیخ او شرباً نیز

لب البلسان

شرباً و مروخاً و شربت از آن نصف درهم است نیز گفته اند اختلاج گاه می‌باشد از فرح شدید و گاه حادث می‌شود از فزع عظیم و گاه عارض می‌شود از ریح که متحرکست تحت مواضع مختلفه را و دلیل برین آنست که در زمان بارد و بلد بارده

طب فریدی، متن، ص: ۷۱

عارض می‌شود و خلاصی می‌یابند از ادویه که دران عاقرقرحا و فلفل و جنیدیستر است و تکمید با نمک و نحوها نیز و این قول جالینوس و رازی است و گفته‌اند کسی را که اختلاج کند تمام بدن ساکت می‌شود آن شخص البته و علاج آن علاج رعشه است و اختلاج در دو عضو حادث نمی‌شود یکی دماغ از نهایت لیت و دوم استخوان و غضروف از نهایت صلابت

باب بیست و دویم- در علاج استرخا**قردمانا**

شرباً با آب البته

عصافیر

خوردن نیز

قسط هندی

مسحوقا مانند غبار مخلوط با زیت مالیدن و شربا و ضمادا نیز و با روغن بان مروخا نیز

قرح

دهن قشر آن شربا و مروخا و همچنانست دهن حبه آن نیز

طرائیث

با قردمانا شربا نیز

بلادر

روغن آن دو قطره با روغن بادام نصف درهم شربا نافع استرخا است

عود القرح

روغن آن مروخا نیز بالخاصیه

حرف

شربا نیز

خردل

روغن آن خوردن نیز و با آب قرنفل ضمادا نیز

حب القلقل

اکلا نیز

حمام

استحمام نافع است نیز

نرجس

دهن او مروخا نیز

طلع

روغن آن مروخا و جرم آن با آب گرم شربا نیز

ایرسا

بیخ او و شگوفه او شربا با آب نیز و ادمان تعرق و تمریخ با آن نافع است

غار

روغن آن مروخا و حبه آن شربا و طبیخ آن شربا و ضمادا و نطولا نیز

سداب

صمغ آن ضمادا برای استرخاء قضیب و روغن آن حقنه کردن نافع استرخای قضیب است

قناء الحمار

روغن او حقنه کردن برای استرخائی ذکر

بان

روغن آن با جندییدستر حقنه

طب فریدی، متن، ص: ۷۲

کردن مر استرخائی ذکر را بالخاصیه نافع است

خطمی

تخم آن و نان خواه هرگاه طبخ داده و صاف کرده با عسل استرخائی ذکر را حقنه کردن نیز و بیخ مطبوخ آن با شراب نوشیدن نیز

کرفس

تخم آن و نخود احمر و لوبیائی احمر طبیخ جید داده صاف کرده حقنه کردن استرخائی ذکر را نیز

رازیانج

تخم او و حله کوبیده طبخ داده صاف کرده حقنه کردن استرخاء آن را نیز

هلیون

و تخم کراث و لوبیاء احمر طبخ داده صاف کرده حقنه کردن مر استرخائی ذکر را نیز-

خسک

و تخم خطمی و لب صنوبر کوبیده و طبع داده صاف کرده حقه کرده کردن مر استرخائی ذکر را نیز

شیطرج

ضماد کردن با آب قرنفل نیز

ثعلب

مهره طبخ داده در زیت و آب کرم و تخم رازیانه و تخم کرفس و نان خواه تا که فانی شود آب و باقی ماند زیت تمریخ کردن با آن نیز

حنظل

در دهن زیت طبخ داده ضماد کردن نیز

فرفیون

یک درهم زیت ده درهم تمریخ کردن به آن نیز

جندبیدستر

و فرفیون و دهن القسط تمریخ کردن با آن نیز

فرفیون

یک درهم و اشق و مقل هر واحد نصف درهم شربا نافع است

میعه سایله

در زیت طبخ داده مروخا و شربا نافع است

زنبق

دهن او مروخا نیز

سکینج

شربا دو درهم با آب گرم اگر آلت بلع سست گردد لطح کردن حلق را با روغن بان و سکینج نیز

جندبیدستر

دهن سوسن و موم مالیدن آلت بلع را که استرخا یافته است و مالیدن جندبیدستر بروغن بان نیز

خردل

از روغن بادام تلخ و خردل مدقوق قیروطی ساخته ضماد کردن استرخا است و اگر عارض شود استرخا در زبان غرغره کردن با آب کرم و فصد کردن
طب فریدی، متن، ص: ۷۳
پرگی که تحت زبانست نافع است

نطرون

مخلوط کردن بزیت کهنه و مالیدن با آن نافع است

قنه

مخلوط بازیت لطح کردن با آن نافع استرخا است

ماء البحر

نطولا نیز

پنجنگشت

طبیخ ورق او و تخم او نطولا نیز

مرزنجوش

نطولا با آب آن نیز و اگر باشد استرخا در آلت بلع غرغره کردن با طبیخ آن نافع است و روغن آن مروخا نیز

حلتیت

اگر عارض شود استرخاء مر مئانه را تا که قادر نشود مسک بول را پس حقنه کردن با آن و مرزنجوش و برگ آس نیز و بقدر باقلا خوردن صبح و شام و بعد ازین جلاب خوردن نافع استرخا است

کبر

طبیخ بیخ او غرغره کردن

جاوشیر

استرخا گرده و آلت بول را حقنه کردن با آن و با مرزنجوش و شحم حنظل نیز-

قنطوریون دقیق

و شحم حنظل حقه کرده با هر دو و عصاره قنطاریون با عسل شربا نیز

شبت

با آب حدید نافع است مر کسی را که بول بی‌اراده کرده باشد

خصی الثعلب

بیخ آن با شیر نعاج شربا نیز

حمص ابیض

با شیر نعاج پختن مثل شیربرنج و دارچینی و شکر برو پاشیده خوردن نافع استرخائی ذکر را مجرب

جرجیر

نصف درهم با بیضه نیم برشت که همون روز مرغ داده باشد نافع استرخائی ذکر را خوراک هر روز دو بیضه مجرب است

لسان العصفور

تخم او با عسل خوردن نافع است استرخائی ذکر را

مسک

یک حبه قرنفل یک درهم لبن نعاج صد درهم و پانزده درهم از شکر نوشیدن نافع استرخائی ذکر است مجرب

بذر القصبه

مدقوق یک درهم با بیض یاسمن بقر خوردن نافع استرخائی ذکر است

بذر کرفس

مدقوق مخلوط با شکر و روغن بقر خوردن

طب فریدی، متن، ص: ۷۴

نافع استرخائی ذکر است نیز

مر

و طیبخ آن و زرورد استرخائی روده مستقیم را حقه کرده نیز

عفص

و قسط و جلنار حقنه کردن با آن و وقت حقنه کردن نیم درهم مصطکی انداختن نافع استرخائی روده مستقیم است

اذخر

و رازیانج حقنه کردن با آن نافع استرخائی روده است

سعد

و تخم هلیون و جوز سرو حقنه کردن مر استرخائی روده را نیز

دهن القسط

تدهین کردن بر دبر و هر دو سرین نافع استرخائی ذکر است و مالیدن بر اعضاء مسترخیه نیز

بلادر

عسل او با روغن بان مالیدن و خوردن عسل آن نصف درهم با مصلحات نافع است

ریته

خوردن با آب شیر گرم نیز و قشر آن ضمادا و شربا نیز

دارشیشان

طبیخ آن شربا نیز

دهن الحنا

مروخا نیز

حاشا

طبیخ او شربا نیز

کرنب

خوردن با زیت نیز

حب صنوبر کبار

اکلا نیز

فوه الصبغ

طبیخ آن نطولا و ضمادا و تکمیدا و با عسل شربا نیز

قرط یمانی

شربا

عاقر قرحا

با سرکه خوردن و مروخا نیز

یاسمین

روغن آن شربا و مروخا نیز

قندول

روغن شگوفه آن مروخا و شربا آن خوردن بالخاصیه

ظیان

روغن آن مروخا نیز

بندق

دهن آن شربا مروخا نیز بالخاصیه

فصل

تجربه کردیم ما به آن وقتی که مسترخی شد عضو پس بگذاریم دواها را بر مبدأ عصب و شفا داده است الله تعالی قومی را که استرخا یافته است پاهائی ایشان گذاشتیم دواها را بر قطن غیر از این که بگذاریم دواها را بر هر دو پا البته و این قول جالینوس و رازی

طب فریدی، متن، ص: ۷۵

است و گفته‌اند هر دو هرگاه حادث شود آفت در اول نشاء نخاع منع می‌کند قوی را که بوده است تحت آن عضو پس عارض شود استرخائی بدن سوای وجه و اگر عارض شود استرخائی زبان فصد کن رگ را که تحت زبان است و مهجمه بگير ذقن را و غرغره بکن با خردل و اگر عارض شود آلاست صوت را پس قصد کن علاج صدر را و علاج بکن آله نفس را و صوت را و اگر عارض شود استرخا ذکر را تدبیر کن به تدبیر مثانه درین موضع و اعیان آن موضع را مثل قطن و دبر و استعمال کن ادویه باه را و پرهیز کن از شیر و پنیر و بقول بارده کلها و اگر عارض شود استرخا اطراف را سزاوارست بعد علاج کلیتین این که کثرت کند بست و گشاد و قبض و تحریک و دلک را پس تحقیق دلک انجح العلاج است و گفته است بقراط استمساک صوت با استرخا ردیست و نافع است استرخا را طبیق ورق مصطکی غسولا

جوز القیء

شربا نیز

راوند طویل

یک مثقال خوردن نیز

ملح

با سویق و عسل در کوزه سوختن و ضماد کردن خاکستر او نافع استرخا است

اقاقیا

شربا و ضمادا نیز

دارصینی

نافع است شربا

دوقو

آن تخم جزر بری است شربا نیز

ماء الکبریت

نشستن در آن و نطول کردن نیز

آسی

روغن آن مروخا و شربا

رماد حطب الکرم

با سرکه و زیت ضمادا نیز

سندروس

شربا و بخورا

فلنجه

شربا و ضمادا بالخاصیه
طب فریدی، متن، ص: ۷۶

باب - بست و سیوم در علاج نزلات

بندق

بریان کرده خوردن با فلفل نضج می‌دهد نزلات ردیه را و طبیخ او شربا مر بارد را نافع است

کبریت

بخور کردن و نگاه داشتن بر مقدم سر نضج می‌دهد نزلات بارد را و نفع می‌بخشد شما و بخورا و شربا نیز

مرزنجوش

شما و نطولا و شربا نیز

نخاله الحنطه

با شکر و لوز نضج می‌دهد نزله بارده را

فرجمشک

شما و شربا نیز

قیصوم

شربا و نطولا نیز و نگاهداشتن شگوفه قیصوم در زیت پیش آفتاب تا چهل روز و مالیدن مقدم سر را نافع نزله است بالخاصیه

طین ارمنی

شربا و شما نیز و مانع است اگر استعمال کرده شود پیش از حدوث نزله-

صدف محرق

سحق کرده و با سرکه تند خمیر کرده طلا کردن بر صدغین و سر بالخاصیه دافع نزله است

باقلا

در سرکه یوما و لیلۀ تر کرده و ضماد کردن سر را مانع نزلاتست

خل

هرگاه گرم کرده شود حجر رخام را و پاشیدن سرکه برو و بخار گرفتن مانع نزله است مجرب

شراب ربحانی

پاشیدن بر حجر رخام و بخار گرفتن نیز

قرمانا

با عسل شربا صبح و شام مانع است نزله را مجرب

عنبر

بخورا و شربا و مضغا با مصطکی مانع نزله است

عود القرح

باریک کوفته در مقدمه سر گذاشتن مانع نزله است و کذالك بذره

خردل

دهن آن مروخا در مقدمه سر نیز و معجون با عسل طلا کردن بر مقدم سر

سندروس

همیشه بو کردن و بخور کردن نیز

شوکه مصریه

طلا کردن نیز

قشیش النحاس

وزن

طب فریدی، متن، ص: ۷۷

نه قیراط در علك البطم حب ساخته خوردن نزلات بارده و مشایخ را نافع است

کمون

معجون با سرکه شما نیز

نشا

با شکر و بادام حسو ساخته خوردن نافع نزله است

جندبیدستر

بخورا و شما و شربا و ضمادا نیز

نیل

شربا نیز

اشق

دو درهم است فراغ می‌آرد دافع نزله است و نیز اشق یک درهم و خمر عتیق نصف رطل و آب گرم مثله بعد بلع اشق نوشیدن دافع نزله است

دارشیشان

بخورا و شما و ضمادا بر مقدمه دماغ دافع نزله است

عود البخور

شربا و بخورا و زرورا نیز

صبر

با شراب حل کرده داخل بینی نمودن بریشه بالخاصیه و اگر مخلوط کرده شود با ملح و نظرون و ضماد کردن بر مقدمه سر وقت برآمدن از حمام با محافظت از هوایی بارد دافع نزله است

حمحم

شما و بخورا نیز

بهار

شما و طیبخ او شربا و شگوفه او شما و بخورا نافع است نزله مزمن را-

نارنج

شگوفه آن با دهن بان مالیدن و بو کردن مجربست و زرورا بر مقدمه سر مجرب است

جوز الاکل

شگوفه آن بعد خشک کردن باریک سحقی کرده بر مقدمه سر ذرور کردن مجربست و برگ آن در اوایل ربیع که از شجر اول برآید خشک کرده سحقی نموده ذرور کردن مجربست و پوست سبز خشک کرده آن ذرورا مجربست و مخلوط با سدر بری و حنا نطول کردن در حمام دافع نزله است و مجرب

بابونج

شگوفه خشک آن ذرورا و دهن او مروخا نافع نزله است واجب است که بسازد روغن آن را در روز نزول شمس در برج حمل و شگوفه تازه آن بو کردن و سحقی کرده ذرور کردن دافع نزله است

بیض

سفیدی بیضه که درو کندر مسحوق

طب فریدی، متن، ص: ۷۸

خمر کرده باشند بر خرقة کتان مالیده بر صدغین گذاشتن دافع نزله است و نیم برشت خوردن نیز

سداب

روغن آن مالیدن نیز

ایرسا

بیخ او ذرورا نیز

بهار

شگوفه آن ذرورا نیز

ماش

خوردن نیز

اقحوان

شما و شگوفه آن سحقی کرده ذرور کردن در مقدمه راس و روغن شگوفه آن مالیدن خصوصا که در زیت ساخته باشند در روز نزول شمس در برج حمل و گذاشته باشند پیش آفتاب چهل روز دافع نزله است-

الجمال المسن

وقتی که خشک کرده شود دماغ او را ذرور کنی در یافوخ مانع نزله است

شونیز

بریان کرده مدقوق ذرور ساختن نیز و هم‌چنین روغن او مالیدن نیز

اصطبرک

و آن میعه سایله و یابسه است ضماد کردن مانع نوازلست و بخورا نیز

مازریون

سحق کرده ذرورا نیز

خشخاش

اکلا و ضمادا و شربت او خوردن مانع نزله است

سلیخه

مانند غبار سائیده ذرور کردن در مقدمه راس نیز

مر

مالیدن بر منخرین در نوازل مزمنه و داخل نمودن در بینی خصوصا با آب قرنفل و عصاره مرزنجوش دافع نزله است

نرجسی

شما نیز

مسک

شما و ذرورا و طلاء با روغن نیز

سنبل

ذرورا و شما و شربا و سعوطا نیز

لوز مر

دهن او مالیدن بالخاصیه مجربست

لبن البلسان

مروخا در مقدمه سر و شما و شربا مجربست

حب البلسان

شربا و ذرورا نیز

اجاص

برگ درخت او مضمضه کردن به طیبخ آن یا عصاره آن مانع نزله است سوای حلق و لهات

غاریقون

مانع نوازل صعبه است و حقنه کردن باب آن نیز

کباس قرنفل

ذرور کردن بر مقدمه سر مجربست

تریاق فاروق

وقتی که در خمر عتیق حل کرده باشد بر جبه و صدغان ضماد کردن دافع نزله است

غبار الرحی

ضماد کردن بر جبه نیز

خروع

برگ

طب فریدی، متن، ص: ۷۹

خشک کرده او مسحوق ذرورا نیز

جوز سرو

ذرورا بالخاصیه

اظفار الطیب

بخورا نیز

فجل

روغن تخم آن طلا کردن بر یافوخ نیز

انیسون

بخور کردن و شما بعد بریان کرده و در لته کتان بسته و خوردن با شکر و با عسل نیز

بابونج

طبیخ او بخار گرفتن خصوصا در آخر روز تا سه روز و نوشیدن بشراب اییض نافع است

دارصینی

شربا و ذرورا در مقدمه سر نیز دافع نزله است

بزر البنج

اییض و مراره‌الزیت سعوطا با آن

نفظ

دود او شما دافع نوازل قویه است

سندروس

شما متواترا بالخاصیه

غراب

زهره او با روغن بادام تلخ سعوطا نیز

قفر الیهود

دود آن استنشاقا نیز

خیری

روغن او سعوطا و بخورا نیز

عنبر

بخورا و شربا مجربست شما و ضمادا و مضغا نیز

عود البخور

بخورا نیز مجربست

لاذن

محلول با روغن گل بر یافوخ صبیان مالیدن نافع نزله است

سلق

اکلا و عصاره آن شربا نیز

فوتنج

بری طیخ او شربا و مدقوق او ذرورا در مقدم راس نیز

تربد

استفراغ می‌کند ماده نزله را

ریحان کافوری

شما و مدقوق او ذرورا نیز

ملح

و صبر و نظرون مخلوط ساخته ذرور کردن بر مقدم راس نیز

شهدانج

برگ مجفف مسحوق او مثل غبار ذرورا نیز

کرنب

جوف آن مطبوخ با مرغ خوردن دافع نزله است

بان

روغن آن قطورا نیز

خولنجان

بخورا نیز

ترنجان

شما و ضمادا

گرم الغنب

عصاره ورق آن با سویق ضمادا

یاسمین

شگوفه آن شما و ضمادا دافع نزله است مجرب

کهربا

ذرو را بر مقدمه سر

حدید

تعلیقا دایما مانع نزله است بالخاصیه

شقایق النعمان

عصیر آن سعوطا نیز

حرف

و ذرق الحمام ضمادا نیز

عصی الراعی

ضمادا نیز

طب فریدی، متن، ص: ۸۰

باب- بست و چهارم در علاج وسواس

سنا مکی

شربا دافع وسواس است

ترنجان

خوردن و تخم آن با شکر خوردن نیز و مسلوق آن با روغن بادام شیرین خوردن دافع وسواس است مجرب

افتیمون

بسیار از خلق نجات یافتند از وسواس با این ترکیب هفت درهم از او هفت درهم از تخم آن با هفت درهم حلیب کزبره از لبن ماعز خوردن و تخم آن خصوصا مر و سواس صفرای را

لسان الثور

نصف درهم از قشر بیخ او شرابا با شکر نافع است مجرب

تفاح الحلو

خوردن و شما نیز

حنظل

شحم او شرابا نیز

سنور

دماغ مجفف مسحوق او سعوطا سه روز متوالیه دافع نزله است

تدرو

تلخه او سعوطا سه روز دافع وسواس است [۹]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۸۰

خطاف

سنگ صغاری که در جوف آن یافته شود سحق کرده با آب شکر خوردن نیز دافع وسواس است بالخاصیه

ضبع

خون آن خوردن نیز

رووس الدجاج و ادمغتها

خوردن نافع جنون و وسواس است مجرب و گاه یافت می‌شود در بعضی حوصلهای دجاج سنگی هر گاه تعلیق کند صاحب جنون در گردن خود نافع است

دیک

خوردن نیز

رخمه

جگر آن مجفف مسحوق خوردن نیز

مصطکی

شربا و مروخا نیز

املج

شربا نیز

فوتنج نهری

اکلا

بنگ

شربا

اکلیل الملک

یک مثقال او با عسل منزوع الرغوه نیز و طیبخ او فاتر نطولا بر سر در سه یوم یک مرتبه دافع وسواس است

بهمن احمر

شرب آن مرات متواتر دور می کند نفس فاسد را بالخاصیه و وزن یک حبه از آن با روغن بادام سعوطا نیز

اصابع صفر

شربا نیز

سلت

ساختن حساء او از دقیق او و سه روز خوردن دافع وسواس است

اسطوخودوس

شربا نیز

درونج

شربا نیز

دارشیشان

نفع می‌کند نفع بین

پچنگشت

و آن ریحان قرنفلست شربا نیز

حلیب الماعز

شربا با شکر و ساذج نیز

طب فریدی، متن، ص: ۸۱

باب - بست و پنجم در علاج بیضه

اشاره

ملح الطعام در آب حل کرده گذاشتن بر سر بالخاصیه دافع بیضه است

صبر

طلا کردن بر سر با صمغ عربی بعد تنقیه بالخاصیه دافع است

قناء الحمار

عصاره او سعوطا بالخاصیه

قافله کبار

ربع درهم سعوطد با روغن بادام شیرین نیز

خیارشنبر

استفراغ باید کرد با آن اگر باشد حرارت سبب آن

قروع

استفراغ باید کرد

زعفران

طلا کردن سر را با آن و با مر اگر باشد سبب قوی بعد تنقیه تام و با ربع درهم افیون و ربع درهم زعفران و ربع صبر اگر باشد سبب حار

مسک

شما اگر باشد سبب بارد

کافور

و گلاب شما اگر باشد حار و با ماء خلاف نیز

رماد

معجون بخل ضماد کردن نیز

سلق

سعوطا عصاره آن نیز

مومیائی

سعوطا بقدر حبه با روغن بادام نیز

حمام

زرق آن با حرف ضمادا نیز

نعنع

ضمادا با دهن خیری و دهن الور نیز

فلونیاء رومی

ربع درهم با شیر نساء سعوطا نیز

قرص الکوکب

سعوطا بمرتبها اگر باشد سبب بارد

دواء المسک

با روغن بادام تلخ اگر باشد سبب بارد سعوطا کردن نیز

حنا

معجون کردن با آب در و نصف رطل ملح باشد ضماد کردن سر را و گذاشتن تمام شب در حمام نیز

باب - بست و ششم در علاج عشق**حرمل**

طبیخ او شرابا زایل می کند عشق را و لیلی را

نیل هند

نوشیدن وزن چهار حبه با آب زایل می کند عشق را قبل تمکن آن بالخاصیه

حجر الدجاج

و آن موجود است در حوصله دجاج مشابه

طب فریدی، متن، ص: ۸۲

بلور است هرگاه عاشق بخورد زایل می شود عشق و اگر در آب انداخته آب را بخورد نیز زائل می شود مجرب

لقلق

تعلیق استخوان آن زایل می کند عشق عاشق را و حزن صاحب حزن را نیز

باب - ۲۷ فی المانیا**شعیر**

نوشیدن آب جو با شراب نیلوفر دافع مانیا است و نطول کردن سر را با ماء الشعیر در حمام نیز

بنفسج

نطول کردن شگوفه او را و طبیخ برگ اخضر او را نیز و سعوط کردن دهن بنفسج بالبن جواری نیز

خس

نطولا طبیخ او و ضمادا تخم او در حمام با عصاره او دافع مانیا است

قرع

ضماد کردن بزر مدقوق او و سعوط کردن روغن او دافع مانیا است و خوردن مطبوخ با روغن بادام بالخاصیه و مجرب -

خشخاش

ضماد کردن قشر او و بزر او و نوشیدن شراب او نیز

خلاف

سعوطا با روغن آن و لبن جاریه نیز

لبن النساء

مالیدن سر را و موخر دماغ را دافع مانیاست مجرب

لبن الماعز

شربا و دوشیدن بر سر مریض نیز مجربست

سرمق

مسلوق با روغن بادام شیرین نیز؟

بقله یمانیه

مسلوقا با روغن بادام شیرین اکلا بالخاصیه مجربست-؟

خس

با حلیب بادام شیرین خوردن نیز

بقله الحمقا

مسلوق با روغن بادام خوردن نیز

خیار

با قشر خوردن نیز مجرب است قثاء مثل خیار

بیض الدجاج

نیم برشت غذاء نیز

جدی

گوشت او مسلوفا مطبخا نیز-

دجاج

سمین مطبوخ با کدو و اشنه

طب فریدی، متن، ص: ۸۳

بالخاصیه دافع مانیا است

فاشرا

خوردن دو روز هر روز سه مثقال دافع مانیا است زنی که مانیا داشت و اختلاط عقل بهم رسیده بود خوردن فاشرا بمرات دفع کرد

باب - ۲۸ در علاج قطرب

شعیر

آب او خوردن با شراب نیلوفر و روغن بادام دافع قطرب است

سکر

با آب لسان الثور و گلاب و آب خلاف با دو درهم تخم بادرنجبویه بالخاصیه مجربست

فراریج

مطبخوا با روغن بادام و با کشنیز غذاء نیز

حمل

اطراف او با

کشنیز

مطبخوا نیز

جدی

مثله نیز

سمک رضاضی

تازه بریان با روغن بادام و با شیرج بالخاصیه دافع قطرب است مجرب

لبن الماعز

حلیب با شکر

خبز حواری

بالخاصیه مجربست

سرمق

با روغن بادام اکلا نیز

اسفناخ

با روغن بادام و شیرج یا با گوشت حمل مقلو با روغن نیز

بقله الحمقا

با روغن بادام نیز

قرع

با روغن بادام و کشنیز سبز خوردن نیز

خیار

خوردن با قشر بالخاصیه نیز

قناء

خوردن با قشر تازه مجربست

بنفسج

طبیخ او نطولا در حمام و روغن او تمریخا بالخاصیه

نیلوفر

مثل بنفسج

خس

بقله او مسلوفا با شیرج یا با روغن بادام نیز

شمش

شیرین کثیر الماء خوردن نیز

خوخ

اکلا نیز

بطیخ

شیرین خوردن بالخاصیه نیز

بابونج

ضمادا با تخم حس و تخم خشخاش مدقوق دافع قطرب است نیز-

طب فریدی، متن، ص: ۸۴

باب - ۲۹ در علاج کابوس**ترنجان**

خوردن آن با شیرج و سه درهم از تخم مدقوق آن با شکر دافع کابوس است معجب

فاوانیا

شربا و مقدار شربت او پانزده حبه با آب قراطن نیز

عود صلیب

یعنی فاوانیا شربا و تعلیقا نیز

جوز الرقع

شربا شربت از آن ربع درهم نیز

تین

اکلا تر و خشک نیز

فستق

بسیار خوردن از آن نافع

خردل

خوردن آن مضر است

دراج

غذائی آن نافع است

فراریج

غذائی آن صالح است با مصطکی و دارچینی

عصافیر

خوردن آن نافع است

ضان

حولی غذائی آن نیز

پجنگشت

تخم او شربا نیز

حب البلسان

دو درهم از آن شربا نیز

قردمانا

دو درهم شربا نیز

سکبینج

نصف درهم شربا نیز

فرفیون

ربع درهم شربا نیز سمید دران شراب نقیح کرده باشند خوردن آن دافع کابوس است عنصل شکنجین عنصلی شربا نیز

افستین

طبیخ او شربا نیز

زوفا

طبیخ او شربا عطوسا و غرغره نیز

کندش

سعوطا بسیار مرتبه و غرغره طبیخ او را

قنه

بخور کردن روز و شب مرآت نیز

سداب

عصاره آن با روغن بادام سعوطا بمرآت نیز

حنظل

غرغره و سعوطا با روغن بادام تلخ نیز

شونیز

سعوطا و غرغره طبیخ او نیز

فجل

طبیخ او با سکنجین عسلی قی کردن دافع کابوس است و تخم او نیز

حجل

بریان کرده غذا کردن نیز

نرجس

قی کردن با بصل او و معجون نرجس با آب گرم نیز

تدرج

غذا کردن با او بالخاصیه

سمانی

با زیر باج خوردن نیز

قثاء الحمار

با عصاره او عطسه آوردن نیز

خردل

سعوطا با روغن

طب فریدی، متن، ص: ۸۵

بادام تلخ نیز

مرزنجوش

و شحم حنظل غرغره کردن طبیخ هر دو را نیز و روغن آن مالیدن بر موخر سر نیز

سکنجبین بزوری

شربا نیز

فوتنج

پانزده روز از شگوفه آن و ثمر آن با عسل نافع است

انیسون

و دو قو طبخ دادن هر دو با عسل و خوردن نیز

فطراسالیون

و رازیانج و اصل السوس محکوک هر روز طبخ داده صاف نموده با شکر خوردن نیز

دوقو

استعمال او مثل اوست

قنه بری

غذا کردن نیز

جندبیدستر

با روغن بادام مالیدن بر سر نیز

شبت

با بصل نرجس با طبیخ او قی آوردن نیز

حرشف

صمغ او محلول و در آب گرم و نمک قی آوردن بالخاصیه دافع کابوس است

خربق

نیم درهم و از محموده ربع درهم استفراغ کردن با آن دافع کابوس است

ایارج فیکرا

استفراغ با آن بالخاصیه گفته است ارسطو کابوس وقتی که متمکن می‌شود صرع است و گفته است ابن ماسویه که کابوس مقدمه صراع است که پیدا می‌شود از اخلاط ردیه و گاه می‌باشد از غلبه خون و علاج آن فصد و حجامت ساقین است و گفته است رازی که کابوس عارض می‌شود قومی را که فساد هضم دارند و صاحب سکراند و احساس می‌کند شی ثقیل را که طاقت برداشتن ندارند

فلفل

باریک کوبیده با عسل غرغره کردن دافع کابوس است

ایارج روفس

استفراغ کردن با آن دافع کابوس است باذن الله تعالی-

باب- ۳۰ در علاج سردی سر**مرزنجوش**

شربا و ذرورا نیز

لوف الجعد

و شبت ضمادا نیز

میعه سائله

شربا و ضمادا نیز

کندش

در خرقة کتان بسته همیشه
طب فریدی، متن، ص: ۸۶
شم کردن دافع سردی سراسر است

مسک

شما و سعوطا و شربا و ذرورا نیز

حلبه

خوردن و زرورا نیز

کباش قرنفل

و آن نوعی از قرنفل است زرورا نیز

بسباسه

بر مقدم سرزورا نیز

سنبل

شربا و زورا نیز

قشر جو

زرورا و ضمادا کردن بر سر با سدر و حنا بالخاصیه

ورق الجوز

مجفف بر مقدم سر زورا بالخاصیه مجرب

زهر الجوز

که بیفتد بر زمین خشک ساخته سحق کرده زرورا مجرب است

باب - ۳۱ در علاج ام الصبیان

شهدانج

نگه داشتن تحت سر صبیان بالخاصیه دافع ام الصبیان است

لبن الجاریه

دوشیدن بر سر صبیان دائما نیز و مالیدن دهن بنفشه نیز و سعوط کردن با لبن و روغن کدو نیز

لوز حلو

روغن آن سعوط کردن بمرات نیز

دهن بنفسج

سعوطا و مالیدن سر را بلبن جاریه نیز یا خطمی و روغن کتان مالیدن گردن را نیز و شراب او نافع است

قرع

دهن او سعوطا با لبن جاریه و نطولا طبیخ شکوفه او با تخم خطمی و نیلوفر نیز

بزر قطونا

شربا با شکر نیز

سفرجل

لعاب حب او با شکر شربا نیز

خطمی

لعاب او با لعاب بذر قطونا با شکر خوردن نیز و با بنفسج مدقوق مطبوخ با آب و دهن لخل ضمادا نیز و با جو مقشر و اکلیل الملک و بابونج و شیطرج ضمادا بر سر و گردن نیز

شراب نیلوفر

وجورا

ماء الشعیر

با روغن بادام و و شکر نیز و ماء الشعیر مطبوخ با قطعهای کدو نافع ام الصبیان است

طب فریدی، متن، ص: ۸۷

اتان

طلا کردن بر گردن و سر را بشیر او نیز

ماعرز

نطول کردن بر سر و فقرات کردن و پشت بشیر آن را نیز ورق

البنفسج

الخضراء و نیلوفر و پارچه کدو همه جوش دادن و نطول کردن بر سر دافع ام الصبیان است

سسم

برگ او با کدو مطبوخ نطول کردن آب آن را نیز

تفاح

شگوفه آن مخلوط با کنجد نگه دارند ایاما تا که برآید دهن او مالیدن او بر سر نافع است بالخاصیه

دهن الخل

با آیزن نشستن در آن نیز

رمان الحلو

با لعاب بذر قطونا و روغن بنفشه قليلا قليلا هر ساعتی شربا نیز

شمع

با شیرج و لعاب بذر قطونا مالیدن بر سر نیز

صوف

نگهداشتن بر سر صوف منقوع با روغن بنفسج و لبن جاریه نیز

سداب

عصاره آن مالیدن بر بینی هائی صبیان نیز

جاوشیر

نافع است بر گاه بسبب بارد باشد نیز

فتیله

مسهلا اگر طبیعت یابس باشد و پرهیز باید کردن از دواهایی مسهله همینست قول رازی حکماء گفته‌اند مالیدن بر سر صبیان لبن نساء و ماعز و اتان اگر باشد ام صبیان از پیش و تشنج باشد و سعوط کردن روغن بادام و لبن جاریه انفع است گفته است رازی سکونت مرضعه در مکان بارد لازمست درین مرض و غذائی صالح نیز مثل فراریج فربه و پارچه‌هایی حملان و گفته است اگر حادث شود ام الصبیان از رطوبت پس بخوران تریاق را و عطشه‌آور با کندش و چیزی که مشابه است و بوکنان انسیون راوشو نیز را و بنشان در طیخ برگ غار و بمال روغن قسط را و تکمید کن بر مبادی حرمل را و سعوط کن مرارات را و بخور کن میعه و سندروس را و حل کن جندیدستر را با ادهان و بمال منخر صبی صغیر را که نافع است

طب فریدی، متن، ص: ۸۸

باب - ۳۲ در علاج عطاس**اشاره**

بادروج عصاره او قطور کردن در بینی مسکن عطسه است و باریک کوفته بو کردن نیز

ورد

تخم او باریک کوفته و زور کردن در انف مسکن عطسه است و اما دواهایی محرک عطسه پس بسیاراند مثل کرفش و بیخ مسحوق آن در خرقة کتان بسته نیز و بو کردن شلجم خشک مسحوق و ایرسا و بیخ مدقوق آن سعوطا و خردل مدقوق خرقة کتان بسته و و خربق ایض و کندش و مصطکی و فلفل مدقوق و فجاج اذخر و حب الغار مدقوق در خرقة کتان بسته و جندیدستر بسته و قسط و شونیز مدقوق و غیره-

باب - ۳۳ در علاج قروح راس**جوز**

قشر جوز عتیق سوخته پاشیدن بر قروح راس دافع قروح است و روغن او قروح رطبه را نیز

خزف التنور

زوروا بر آن

ایرسا

روغن آن مالیدن و بیخ آن زوروا نیز

ملح طعام

و شحم حنظل زرورا بالخاصیه دافع قروح سر است

بخور مریم

ضمادا باریک کوفته و طبخ داده نیز و با سرکه و عسل نیز و طبیخ او نطولا نیز

نطرون

با صفرت بیض بر قروح رطبه ضمادا نیز

حلبه

زرورا و غسلا بطبیخ او و زرورا مدقوق او و تمریخا بدهن او نیز

خروع

روغن آن علاج قروح رطبه است

تین فج

طبیخ او با نطرون ضمادا نافع است و برگ مدقوق آن زرورا نیز و با سرکه و نمک ضماد کردن نیز

علیق

طب فریدی، متن، ص: ۸۹

عصاره ورق او و اطراف او ضمادا نیز مجرب

زنبق

مقتول ضمادا نیز

عصی الراعی

طلاء نیز

حمص اسود

مدقوق مطبوخ با شهد ضمادا نیز

عفص

سوخته و سحق کرده با زیت طلا کردن دافع قروح سر است

ترمس تر

طبیخ او نطولا و غسلا و ضمادا نیز و خشک او ضمادا نیز

اکلیل الملک

با گل ارمنی و عفص با شراب ضماد کردن نیز

صابون

با روغن گل ضمادا نیز

ثوم

با غسل ضمادا نیز

سداب

مدقوق با ثمن نیز و عصاره او جوش داده با پوست انار ضماد کردن نیز و عصاره او با سرکه و روغن گل و اسفیداج طلاء نیز

بقله الحمقاء

عصاره آن با شراب عتیق طلاء نیز

لبن البلسان

و بیخ ایرسا طلاء نیز

شقایق النعمان

ذرورا نیز

نخل

شگوفه خشک آن ذرورا نیز و هم‌چنین روغن آن نیز

عنب الثعلب

عصاره آن با روغن گل نیز

خل

بر قروح رطبه نیز

بول الانسان

ضمادا نیز

لاذن

و جعده و آب خاکستر طلاء بالخاصیه

جعدۃ القنی

بماء الرماد طلاء نیز

ماعز

تلف محرق آن ذرورا

غری

ضمادا قروح رطبه را نیز و

غری السمک

در ادویه قروح قویست فعل آن

راتینج

با حلبه ضمادا دافع قروح سر است

عوسج

ورق آن مر قروح رطبه را طلاء و عصاره آن طلاء نیز

زیت

زیتون بری طلاء مر قروح رطبه را نیز

سنبل

ذرورا با روغن گل

برطانیقی

طلاء نیز

قنفذ

جلد محرق آن با زیت طلاء نیز

عسل

با ملح نیز

زفت

دور می‌کند قروح عتیق را

شحم العجل

و ملح طلاء نیز

جلنار

و راتینج طلاء نیز

عود البلسان

ذرورا نیز

بابونج

مدقوق مطبوخ طلاء نیز

هللیج

با زیت و با روغن گل نیز

زنجفر

طلاء نیز

قرط

طب فریدی، متن، ص: ۹۰

ضمادا نیز -

سنگ

سر ماهی صغار نمکین نیز

خزف

مدقوق با زیت نافع است قروح عسر البرء را یقینا

حب البلسان

و ایرسا ضمادا نیز

نطرون

مخلوط به بصل نیز

کمون

با سمن و مر طلاء مر صاحب قروح رطبه و یابسه را نیز

بیاض البیض

و مر طلاء نیز

حنا

معجون با زفت و روغن گل شفا است قروح صبیان را

لبن النساء

شفا است قروح قریب العهد را

لوز مر

روغن او با شراب عتیق طلاء نیز

بنج

روغن تخم او مالیدن مر قروح رطبه را بالخاصیه

دهن الورد

طلاء مر رطبه را نیز

ورد یابس

ذرو را مر رطبه را

سرو

و جلنار صمغ آن طلاء نیز

عنصل

جوش داده در زیت تا که بسوزد دواست قروح یابس را

یتوع

خاکستر سوخته او با موم و روغن بادام تلخ طلاء قروح رطبه و یابس را نیز

نیل هندی

با سرکه لطوخا نیز

سعد

با زیت ضمادا نیز

صبر

محلول با سرکه طلا کردن قروح رطبه را نیز

لسان الحمل

عصاره آن طلا کردن با صبر شفا است قروح رطبه صبیان را

کرنب

عصاره آن مخلوط در ادویه قروح قویست فعل آن

زیتون البستانی

صمغ او شفا است قروح را

باب - ۳۴ در علاج سدد دماغ و نخاع

خیری

شگوفه او شما و هم‌چنین تخم آن شما و شربا نیز

نرجس

شما

آزاد

درخت است شگوفه آن شما نیز

سنبل

و جوزبوا و انیون و بسباسه شربا و شما نیز

لاذن

شما نیز فرنجمشک شما و شربا و ضمادا و هم‌چنین تخم او نیز و بقله او خوردن و آب مقطر او نوشیدن شفا است سدد دماغ را

زنجبیل

طب فریدی، متن، ص: ۹۱

شما و شربا نیز

ترنجان

شربا و شما نیز

مرماخور

شما و شربا بالتجربه

شابانک

شما

اسطوخودوس

شربا

غار

برگ مدقوق او در خرقة كتان بسته شما نیز

سلیخه

شربا نیز

شاهسفرم

شما بالخاصیه

سورنجان

شگوفه آن شما بالخاصیه

مرزنجوش

شما و بخورا و سعوطا نیز

قندول

روغن خسته او سعوطا نیز

فصل در دواهای مقوی دماغ**مرزنجوش**

با قرنفل شربا نیز

عبشران [۱۰]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۹۱

ادماغ بارد را بالخاصیه

حب البلسان

شربا دماغ بارد را بالخاصیه

مشک

شما و شربا

عود البخور

شما و شربا و ضمادا نیز

عنبر

شما و شربا و ضمادا و مضغا

فلنجه

شربا نیز

یاسمین

مربا دماغ بارد را خوردن نیز

زفت

مخلوط بالاذن شما نیز

نسرین

سعوطا و شما نیز

املج

شربا نیز بابونج شما و ضمادا نیز

زعفران

شما و در طعامها مخلوط کردن نیز

دجاج

مقوی دماغ است

دراج

گوشت او خوردن زیاده می کند عقل را

تفاح

شگوفه او خوردن و شما نیز بالخاصیه

سنبل

شربا و ذرورا نیز

نرجسی

شما و خوردن او زیاده می کند عقل را

کافور

مر دماغ حار را شربا و فعل او در باطن انسان فعل ریح شمال است در ظاهر او بقول جالینوس و ابن سینا

هللیج کابلی

شربا نیز

کباش قرنفل

مقوی است دماغ بارد را و مانع است ارتفاع ابخره و مواد را البته مجرب

لوز

شگوفه او مر دماغ حار را شما و اکلا بالخاصیه

سفرجل

شگوفه آن شما و اکلا بالخاصیه

خلاف

شگوفه آن دماغ حار را شما نیز

کمتری

شما و اکلا مانع بخار است

جوزبویا

شربا و بخورا نیز

فرنجمشک

شربا و شما و ذرورا بالخاصیه مجرب

زهر الجوز

حافظ صحت دماغ است و ذرورا در مقدم سر بالخاصیه مجرب و قشر اخضر او
طب فریدی، متن، ص: ۹۲
در حالتی که شمس در ثور باشد استعمال کردن مجرب و صحیح است

شنبلید

و آن شگوفه سورنجان است شما نیز

بادر نجبویه

شما و شربا نیز

اکلیل الملک

ذرورا و نطولا طبیخ او نیز

عود البلسان

شربا با عسل

بادآور

شربا نیز

باب - ۳۵ در علاج خمار**اقحوان**

طبیخ نبات او شربا دافع خمار است

زعفران

با میفختج شربا و مخلوط در طعام و شراب نیز

آسی

شراب او نوشیدن محلل خمار است و تنقل مانع خمار است بالخاصیه

کافور

بو کردن یا در طعام و شراب انداختن مانع خمار است

سفرجل

مضغاً بر شراب مانع خمار است

دهن الورد

شما نیز

رمان

شراب ترش او شرباً دور می‌کند گرمی شراب را

قنبيط

خوردن با زيت طيب محلل خمار است

حماض السوانی

با روغن بادام شیرین پخته خوردن نیز

ليمون

با شکر و گلاب خوردن بالخاصیه

اترج حماض

نیز

افستین

قبل از شراب خوردن مانع خمار است

خس

اکلا نیز

ورد

شما و شرابا نیز و جرع کردن بماء الورد محلل است خمار را سریعا

حمل

بول او شرابا افاقه می آرد سکران را در ساعت

ریباس

با آب سرد خوردن نیز و هم چنین تنقل او نیز

شاه صینی

شرابا با آب نیز

قنطوریون

عصاره او مر خمار و صداع حادث از شراب را نیز و قوی مزاج را ضمادا نیز

شیرج

سه جرعه نوشیدن سوزشی که عقب شراب می شود دور می کند و بوئی خمر نیز

خمیره الشعیر

ترش در آب

طب فریدی، متن، ص: ۹۳

دوغ مالیده نوشیدن نیز

خمیره الحنطه

در آب صاف کرده که بیست درهم باشد و طباشیر دانک و قیراط از زعفران و سه درهم از شکر دافع خمار است

غنچه گشنیز

خوردن نیز

اگر

محلل با شکر شیرین کرده خوردن نیز

جدی

گوشت او با سرکه و شکر و زعفران خوردن نیز

تفاح

آب ترش او و مغز بادام مقشر و زعفران نیز

حلام

طبیخ او با سرکه و زعفران و عناب و افایه نیز

فجاج الشعیر

شربا بالخاصیه

کشکینه

وقتی که مخمور با شوربه آن را بخورد راحت می‌یابد

سنبوسک

ترش کرده با آب لیمون و سماق و سرکه و مغز بادام و کشنیز خشک و دارچینی خوردن دافع خمار است و

اما دواهایی سرعت سکر بسیار است

عنبر

مخلوط کردن در شراب سکرآور است سرعت

مرماحوز

نقوع او در شراب مسکر قویست و هم‌چنین بو کردن او نیز بالخاصیه

هوفاریقون

منقوع در شراب نیز

بادروج

بقله او خوردن نیز

عود

منقوعا نیز

زعفران

و کشت را منقوع کردن در شراب نیز

لسان الثور

بیخ او منقوع در شراب مسکر قویست و مضاعف مسرت و فرح است مجرب

ایرسا

بیخ او منقوع در شراب نیز

بخور مریم

منقوع در شراب بقدر نصف درهم خوردن نیز

حماما

نقوعا نیز

نارجیل

تنقولا نیز

غالبه

محلول در شراب نیز

قنب

منقوعا نیز

حب النیل

نقوع کردن در شراب نیز

شقایق

نقوع کردن در شراب بالخاصیه

بسباسه

منقوعا در شراب نیز

مرزنجوش

شما وقت شرب نیز

فضه

در ظرف او شربا نیز

شکر

محلولا در شراب نیز

کاکنج

از یک حبه تا پنج حبه خوردن بالخاصیه

طب فریدی، متن، ص: ۹۴

و اما دواهایی مانع سکر بسیارند

افستین رومی

قبل شرب شراب شگوفه او بو کردن و خوردن مانع سکر است

خسی

ناشته خوردن سکر نمی آرد دران روز و نقل کردن نیز

لوز

نقل کردن نیز

سفرجل

نقل کردن نیز

لسان الحمل

مجفف مسحوق دو درهم قبل از شراب خوردن نیز هم چنین تخم او

جست

شراب خوردن در ظرف او سکر نمی‌آرد و اگر قطعه او در قدح شراب بیندازند و بنوشند سکر نمی‌آرد شراب را

جدی

خوردن شش آن قبل طعام سکر نمی‌آرد تمام روز

لوز المر

ا ... درهم خوردن دافع سکر است

کرنب

بستانی خوردن قبل شراب نیز

قنیت

همچنین

ذهب

نوش کردن شراب در ظرف طلا مانع سکر است

کزبره

یابسه بریان کرده قبل شراب خوردن نیز

عنب التعلب

اشاره

عصیره او قبل سکر نیز

فصل در دواهایی منقی دماغ و مفتوح سدد

اذان الفار

غرغره کردن و عصاره آن یک درهم و مثل او عسل قطور کردن در بینی منقی دماغ و مفتوح سددست

عود البخور

شربا نیز

بخور مریم

عصاره آن با عسل شربا نیز

قلنت

در آب حل کرده در بینی قطور کردن نیز

شقایق النعمان

عصاره شگوفه آن و بیخ آن مضغا مره بعد مره نیز

کرنب

عصاره آن سعوطا نیز

فقاح الاذخر

طبیخ او شربا نیز

مر

سعوطا وزن دانک نیز

آذریون

عصاره او سعوطا نیز

شحم حنظل

شما بعد کوفتن در خرقة کتان نیز

مصطکی

مضغا و غرغره و مطبوخ در شراب ریحانی یا با سکنجبین عنصلی نیز شابانک عصاره برگ او سعوط

طب فریدی، متن، ص: ۹۵

نیز

ریحان کافوری

شما همیشه نیز

بابونج

بخار گرفتن او بالخاصیه

کندش

مدقوق در خرقه کتان بسته شما و استنشاقا نیز بلا خرقه

سلق الایبض

عصاره او با عسل غرغره کردن و سعوطا نیز و سعوط او بر آورد رطوبات غلیظه از دماغ

زوفرا

شما و غرغره

بصل

عصاره او شما و سعوطا نیز

قنطربون دقیق

شما و بخور آن منقیست دماغ را تنقیه بالغ

خیری

طبیخ او شربا منقی دماغ است از اخلاط ردیه و عصاره شگوفه آن سعوطا نیز

خردل

غرغره کردن و خائیدن بالغ و بو کردن بعد کوفتن در خرقه کتان بسته نیز

سنبل

شما و شربا

مسک

شما و شربا و غرغره کردن نیز و مدقوق در خرقه بسته استنشاق کردن منقی دماغ است نیز

سنجار

و آن کاهوی بری است عصاره آن منقی دماغ است سعوطا

افستین

طبیخ او شرابا و غرغره

دارچینی

شرابا و ضمادا و ذرورا نیز

زنجبیل

با مصطکی مضغا نیز

نعناع

عصاره آن در بینی قطور کردن و غرغره کردن نیز

راوند

با هلیج کابلی خوردن نیز

هلبله کابلی

مدقوق با عسل شرابا مانع ارتفاع فضول است طرف دماغ

اشق

محلول در آب غرغره کردن نیز

کبر

غرغره کردن نیز و طبیخ اجزائی او کلها مفردا او مرکبا و پوست بیخ او مضغا نیز

تربد

شرابا نیز

کمون

سعوطا و طبیخ او نیز

فوتنج جبلی

سعوطا نیز

عاقرقحا

غرغره و شما نیز

غار

روغن آن در بینی کشیدن نیز

سوسن ابیض

شما و سعوطا نیز و عصاره بیخ تازه آن و عصاره شگوفه آن و روغن آن هم چنین

حرف

غرغره و سعوطا

طب فریدی، متن، ص: ۹۶

نیز

بورق

غرغره و بو کردن در خرقه بسته مقوی دماغ است

انجره

حشیش آن با روغن بادام و زیت پخته خوردن مقوی دماغ است و تخم مدقوق آن با عسل لعوقا و عصاره آن سعوطا و غرغره نیز

خربق اسود

غرغره کردن بطبیخ او منقی دماغ است

ایرسا

شگوفه آن شما و طبیح بیخ آن غرغره و هم چنین کوفته در خرقه کتان بسته شم کردن مقوی دماغ است

فوتنج نهری

عصاره آن غرغره و سعوطا و شربا نیز

جندیبستر

همیشه بو کردن مفرح دماغ است

طلع

شما و غرغره به طبیخ آن منقی دماغ است

لوزمر

روغن او شربا منقی دماغ است و سعوطا و شما نیز بالخاصیه

عود البلسان

یک درهم از آن خوردن منقی دماغ است

بنفسج

با شکر شربا منقی دماغ است بمرات

کندر

مضغا همیشه نیز بالخاصیه

عنبر

مضغا نیز

صمغ العتیق

مضغا و

علک البطم

هم چنین

مامیران

طبیخ بیخ او سعوطا نیز

غاریقون

شربا نیز

حب البلسان

شربا و شما و سعوطا و طیبخ او غرغره مقوی دماغ و منقی اخلاط است

بلاب

عصاره او سعوطا نیز

ترنجان

حشیش آن با مغز بادام شیرین پخته خوردن نیز و آب مقطر او نیز

فرنجمشک

شما و ذرورا مفتوح است

مرماحوز

شما و شربا و ذرورا نیز

نرجس

شما نیز

شیخ الجبلی

شما و ذرورا نیز

آزاد

درخت است عصاره او با شیر جاریه مالیدن داخل بینی نیز

سماق

عصاره او سعوطا نیز

فلفل اسود

در خرقة کتان بسته شما نیز

دارفلفل

شما در خرقة کتان بسته نیز

شونیز

کوفته در خرقة بسته نیز و روغن او سعوط کردن با لبن جاریه نیز

گرفس

عصاره

طب فریدی، متن، ص: ۹۷

او سعوطا نیز-

جندیستر

با روغن بادام سعوطا نیز

عدس مر

با روغن بادام سعوطا نیز

میعه سائله

سعوطا منقی بالغ است

زعفران

سعوطا نیز

صعتر

عصاره آن سعوطا با لبن نسا نیز

جاوشیر

با روغن بادام تلخ سعوطا نیز

حلتیت

با روغن بادام سعوطا نیز

ورد

عصاره آن سعوطا نیز

قاقله کبار

طبیخ آن غرغره نیز

فلفل ابيض

بماء العسل غرغره نیز

ملح اندرانی

غرغره کردن نیز

نشادر

با آب سرد غرغره کردن

زوفا

عصاره آن غرغره کردن نیز

سلیخه

شربا نیز

بستان افروز

شگوفه آن شما نیز

سورنجان

شگوفه آن شما نیز

شاهسفرم

مفتح است شما نیز

سرو

صمغ آن با روغن بادام سعوطا نیز

بنگ

منقی است شما و شربا

درونج

منقی سود است

اسطوخودوس

با غسل دو درهم منقی است دماغ را

اما دواهایی زیاده‌کننده جوهر دماغ این است

بندق

با شکر بسیار خوردن و مداومت کردن زیاده‌کننده است جوهر دماغ را

بن الضان

شربا نیز

دهن اللوز

و دهن الورد نظولا نیز

لب اللوز

با شکر نافع است مشایخ را

دراج

گوشت آن و دماغهائی آن خوردن نافع است یقینا

و اما دواهایی محلل ریاح از سر اینست

یاسمین

بری شگوفه آن شربا و شما محلل ریاح است از دماغ

بهار

شما نیز

مر

سعوطا بقدر شعیره با روغن بادام بالخاصیه

قندول

روغن تخم او سعوطا محلل ریاح مستکنه است

شابانگ

عصاره او سعوطا نیز

مرزنجوش

روغن آن قطورا در بینی نیز

بستان افروز

شما نیز

سورنجان

شگوفه آن شما نیز

نرجس

بو کردن آن دور می کند ریاح بارد را از سر

طب فریدی، متن، ص: ۹۸

باب - ۳۶ در علاج تفرق اتصال که حادث شود سر را**عنب الثعلب**

ضماد کردن دماغ صبیان را مخلوط با روغن گل دافع تفرق اتصال است

سماق

برگ خشک کرده آن مدقوق با آب محلل ورم است که حادث است در قحف سر

خطمی

مطبوخ با شراب محکم می کند استخوان سر را ضمادا

اقاقیا

مخلوط با صبر مفتح شون صبیانست

سوس بری

ضماد کردن جراحات و استخوان سر شکسته را نافع است

حازون الصغیر

کوبیده ضماد کردن بر شئون متفرقه سخت می‌کند و رد می‌کند آن شئون را

دهن الورد

زخم سر را و پارچه شدن استخوان را نافع است تقطیرا

شمشاد

فشاره او ضمادا جامع شئون متفرقه است بالخاصیه

خراطین

با روغن گل ضمادا شئون لحم را نافع است بالخاصیه

مر

پاشیدن بر تشنج لحم نافع است

حمام

خون آن قطورا محکم کننده استخوان و گوشت سر است

فاخته

خون آن ریختن ملتئم گوشت و استخوان سر است بالخاصیه

دجاج

دماغ آن نافع شقاق سر و محکم کننده گوشت و استخوان سر است

ذراوند طویل

باریک کوفته با عسل و شراب طبخ داده گرماگرم در خرقة کتان گذاشته نهادن بر شجاج سر و جراحات سر را نافع است و هم‌چنین
ذرور کردن بران نیز

عجین الحنطه

خشک مسح کرده ذرورا نیز

زاج

ذرورا نیز

کندر

ذرورا نیز

دم الاخوین

ذرورا نیز

قنبیل محرق

درشت می کند استخوان شکسته سر را

کافور

ذرورا نیز

توبال النحاس

ذرورا

طب فریدی، متن، ص: ۹۹

استخوان سر را

شفانیز

خون او قطورا نیز

صنوبر کبار

پوست درخت آن و پوست دانه آن باریک ساخته مفرد یا مرکب درست می کند کسر استخوان سر را بالخاصیه

باب - ۳۷ در علاج رمد

آسی

دانه مدقوق آن با شوکران ضمادا مر ورم حار

ضان

مغز او طلا کردن بر خارج چشم مسکن است درد چشم را مجرب و صحیح

عصی الراعی

عصاره آن نافع است رمد حار را ضمادا

حی العالم

کحل کردن با آن دور می کند رمد را سریعا و عصاره آن نافع است در اواخر رمد نیز

آبنوس

محرق کحلا رمد یابس را نیز

باقلا

آرد آن مخلوط با سفیدی بیضه ضمادا دافع رمد است

کزبره

تر عصاره آن و بمثل آن شیر نساء تقطیر کردن نافع است رمد حار را

اترج

اکتحال کردن حماض آن را دافع رمد سوداوی است

افستین

ضماد کردن تحت عین نیز و مطبوخ آن با میفختج ضماد کردن پلک را ساکن می کند ضربان رمد را

ورد

عصاره تازه آن نافع است رمد را

گل سرخ خشک

طبیخ کرده با شراب ضماد کردن ساکن وجع است

رمان شیرین

مشوی کرده عصاره او ضماد کردن چشم را مسکن رمد و محلل ورم است

قطران

نافع است نیز

سفرجل

ضمادا نافع است رمد حار را و سفرجل مشوی با خبز کوییده تا که مرهم گردد ضماد کردن مسکن وجع است در ابتدا بالخاصیه و سفرجل مشوی شیرین ضماد کردن نافع است رمد را در ابتدا و رادع ماده است و لعاب آن مسکن درد چشم و حرقت چشم و خشونت چشم است و لعاب او با شکر نافع است کحلا نیز

لسان الحمل

با سماق عصاره

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۰

آن تقطیر کردن در چشم مسکن الم است

مستار

عصیره انگور که مامور بشراب است در وقت جوش کردن نظر کردن صاحب رمد در ظرف او دور می کند رمد را بالخاصیه و نزد من صحیح و مجرب است

خس

شیره او ضماد کردن رمد حار را نیز

لسان الحمل

عصاره او شیافا دافع رمد است

انزروت

با شکر و نشاسته کحلا نیز خصوصا که انزروت با شیر آمله یا شیر نساء تربیت یافته باشد

نمام

انزروت و برگ نمام و سمسوم جوش داده با گلاب جوش جید برآورده خشک کرده و نصف او شکر نبات و بوزن ربع آن زعفران و بوزن ربع آن مامیثا و سحق کردن مثل غبار دافع رمد است کحلا و برگ نمام تنها نیز

شادنج

مغسول مخلوط با شیر نساء کحلا دافع رمد حارست و مسکن لذع آن و حرقت آن نیز

باریس

پوست بیخ او منقوع در آب قطور کردن در چشم نافع رمد است

زبد

پنج مرتبه شسته با آب پس سه مرتبه از گلاب شسته بر رمد گذاشتن محلل ورم و مسکن درد است

حی العالم الکبیر

رطوبتی که در برگ او هست نافع است کحلا مر رمد حار را

آذان الفار

عصاره برگ آن با سویق ضمادا نیز [۱۱]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۰۰

اکلیل الملک

ضمادا نیز و مخلوط با زردی بیضه یا غبار الرحی یا خشخاش یا کاسنی بالخاصیه دافع رمد است

حلبه

و خشخاش سحق باریک کرده با گلاب بر رمد حار ضمادا نیز و طیبخ خشخاش با حلبه نطول کردن نیز و لعاب حلبه مسکن درد است ضمادا

اسفیداج الرصاص

با سرکه و روغن گل طلاء نیز

بیض

بیاض آن در ابتدائی رمد تقطیر کردن در چشم مزیل حرارت و حرقت و خشونت و درد است

بابونج

مطبوخ با آب و سرکه دور می کند رمد را علی الخصوص

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۱

آخر رمد را و تحلیل می‌دهد بقایای رمد را و مسکن درد است

بادروج

ضمادا با شراب نیز

بزرقونا

غیر مدقوق در عصاره کشنیز سبز ضماد کردن نافع رمد است در ابتدا

لبن النساء

دوشیدن در چشم یا قطره قطره انداختن در چشم شیر گرم مسکن حرارت اخلاط است و مذهب درد است و شستن چشم با آن مسکن حدت اخلاط است

عدس

ضمادا با سفرجل مشوی و روغن گل نیز

سرو

برگ او با سویق ضمادا نیز

مامیثا

شیاف آن رمد قدیم و جدید را کحلا نیز

مرزنجوش

با سرکه ضمادا نیز

علیق

شگوفه آن با عسل طلاء نیز

صبر

ضمادا نیز

صندل

با گلاب و کافور شما نیز

رخمه

زهره آن تعلیقا بالخاصیه

بیروج

عصاره برگ آن با سویق جو یا آرد جو ضمادا نیز

کندر

دخان آن کحلا نیز-

بنفسج

عصاره برگ آن با سویق ضمادا نیز و هم چنین شگوفه آن نیز

زهر السفرجل

خشک و تر ضمادا نیز

حجر السم یعنی بادزهر

وقتی که گذاشته شود پیش آفتاب رطوبت سیال او شربا مسکن رمد و الم است

مخیز

با روغن گل و زعفران و لبن النسا ضمادا دافع رمد است مجرب صحیح

قرع

شگوفه آن کحلا و ضمادا نیز

حمل

قطعه از شش آن ضمادا نیز

طباشیر

مسحوق با گلاب ضمادا بر جبهه نیز

عروق صفر

محکوک بر مسن با گلاب و گذاشتن در چشم بمرات مسکن الم و مزیل الم است سریعا

ساج

چوب محرق مطفی آن در آب و مثل آن عصاره مامیثا و سحق ساخته مثل غبار کحل کردن دافع رمد است

خس

عصاره آن با آرد جو ضمادا نیز

نشا

محلول در بیاض بیض و لبن نساء ضمادا نیز

شکر نبات

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۲

مخلوط با کحل قوی است فعل آن در تسکین لزج رمد

قصب الفارسی

شبنمی که واقع است برو جمع کرده قبل طلوع قطورا نیز

صمغ عربی

محلول در گلاب قطورا نافع خشونت رمد است

دقیق الشعیر

عصاره او معجون بعصاره عصی الراعی ضمادا نیز و مشوی و مدقوق ضمادا بر رمد که از حدت اخلاط است محلل و مسکن رمد است

اترج

عصاره برگ او کحلا نیز

کرفس

عصاره او با آرد جو ضمادا نیز

کرم بری

عصاره برگ او و اطراف شاخهائی او با دقیق شعیر ضمادا دافع رمد است ابتداء بالخاصیه

نحاس محرق

زیاده برده مرتبه احتراق یافته تا که هبا شود و با آب و گلاب بسیار مرتبه شسته اکتحالا نافع است نفع عجیب

عنب الثعلب

عصاره او با آرد جو ضمادا نافع است رمد را که پیدا شده است از دخان و غبار و گرمی آفتاب و تقلیل غذا و جلوس در مواضعه تاریک

شیاف ابيض

با عصاره عنب الثعلب کحل کردن و قطور کردن دافع رمد است سرعاً

کتیرا

با گلاب خشونت و حرقت پلک را نافع است ضمادا

ریق الصایم

کحلا دافع رمد است مجرب صحیح از فوائد شیخ محی الدین عربی

سرطان نهري

چشم راست او تعلیق مر رمد چشم راست و چشم چپ او تعلیق مر رمد چشم چپ و هم چنین پائھائی او نافع است بالخاصیه

مامیثا

فرو بردن دانه مامیثا آمن رمد است دران سال

خشخاش

تخم او و مثل او حلبه کوفته با گلاب معجون کردن نافع است رمد را ضمادا و تخم خشخاش و پوست خشخاش طبخ داده شربا نافع رمد حار است

زعفران

اکلیل الملک عصاره کزبره و زردی بیضه معجون با آب که طبخ یافته است درو خشخاش یا ماش

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۳

دافع رمد است

شیاف برای اجفان

مامیثا عصاره آن و خولان و زعفران و صمغ عربی و مامیران اجزا برابر شیاف ساخته با آب که درو خشخاش را جوش داده باشد سائیده مالیدن بر اجفان نافع است

هندبا

ضماد کردن پیشانی را با آب او و عصاره بقله الحمقا و آب سفرجل و آرد جو اگر باشد درد شدید

مصطکی

نصف جز غبار الریحی قند نشاشته اجزا برابر با سفیدی بیضه ضماد کردن بر پیشانی مانی انصباب مواد است

حباقا

استفراغ کردن با آن و کحلا نیز

زعفران

و مر و توتیا محلول در لبن جاریه دافع رمد است

قثاء الحمار

سعوط کردن با شونیز نافع است رمد صعب رطب را و عصاره قثاء الحمار با روغن بادام بدین طور که روغن بادام در بینی نفخ کنند و عصاره آن بعد ازین دافع رمد است

خسک

عصاره او با آرد جو ضمادا مسکن است عجیب

بزر قطونا

و آب عنب الثعلب و روغن گل ضمادا مسکن است عظیم

طحلب

با برگ خشخاش و عصاره حی العالم ضمادا عجیب است در تسکن رمد

ورق الورد

باریک کوفته با رب عنب و زردی بیضه مرهم ساخته ضمادا مسکن الم است در ساعت

حلزون

صغیر مثل غبار سحق کرده با گلاب بر خرقه کتان گذاشته بر پیشانی و صدغ جبیره بستن مانع انصباب است

صمغ ایض

یک درهم روغن گل شش درهم مخلوط کردن با آتش تند و ضماد کردن نزد سختی الم رمد نافع است

زاج البحر

کوفه و پیخته مخلوط با زبد مغسول و مطبوخ بر آتش تا که منعقد شود طلا کردن بر اجفان دافع رمد حار و درد شدید است و یک حبه آن مدقوق با سویق ضماد کردن دافع رمد است

افستین

مدقوق با میفختج طلاء نیز

لسان الحمل

عصاره آن با آب سماق تقطیر

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۴

کردن در چشم نیز و سائیدن شیاف با آب آن و کحل کردن قوی است فعل آن

حماما

با زردی بیضه و روغن گل و زعفران مرهم ساختن در هاون و ضماد کردن نیز

کمثری

و سفرجل بعد طعام نافع رمد است

توتیائی کرمانی

با آب عوسج بری در آفتاب هفت روز گذاشته کحل کردن نیز

سماق

با گلاب قطورا در چشم در اوائل رمد مجرب است

خولان

محلول در آب طلا کردن محاجم را و محکوک با لبن جاریه تقطیر کردن در چشم خلاصی رمد بسرعت است

شراب عتیق

و سویق جو ضمادا نیز

فوفل

و زردی بیضه و مرو زعفران بالسویه مسحوق مخلوط با روغن گل ضماد کردن بر چشم با صوف یا قطن دافع رمد است

رمان الحلو

عصاره او با سویق شعیر ضمادا نافع رمد حار است

جبن

تازه درو نمک نباشد مخلوط با میفختج ضمادا دافع رمد حار است

حلبه

طبیخ او مسکن وجع است طلاء و اگر باشد رمد صفراوی فصد کردن و استفراغ کردن به مطبوخ فواکه و استعمال کردن ذرورات اصفر را مذاب با زنبق ابیض و نگاه داشتن دو ساعت پس شستن با گلاب نافع است و گفته است رازی صاحب رمد بگذارد شراب و جماع و شستن روئی با آب سرد و بو کردن شئی حاره و نخورد مالح و حامض را و نگاه دارد چشم را از غبار و دخان و شمس و چراغ و وقت خواب صوف مغموسه در شراب قابض بر چشم گذارد و فصد کند اولاً و حجامت کند بر هر دو ساق پا و قصر کند غذا را بر ماء شعیر و صبر کند بر عطش و حقنه بگیرد چند مرتبه و بگذارد بر چشم طبیخ اکلیل الملک برب عنب و ضماد کند تخم خشخاش و قشر آن را که هر دو طبخ یافته

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۵

باشند و حلق سر بکند و شعر کثیر مضر است و گفته است رازی نیز که فضله رقیق نابینا می کند صاحب رمد را در اکثر و گفته است نیز حمام گرم مورث رمد است پس هر کسی که مستعد رمد باشد داخل نشود حمام شدید الحرارة را و رمد عارض می شود بسیار صبیان را و دیده می شود چشمهائی ایشان را و جفون ایشان را منشق می شوند جفون اینها متورم شوند پس علاج کن بذرور اصفر و پرهیز کن از حمام و از آب زن تا آنکه خلاصی یابد از رمد و نیز گفته است وقتی که محکم شد ماده در طبقات چشم و مزمن شد وجع درین وقت حجامت کن و ارسال علق کن بر صدغین و بر اماکن قریبه چشم پس وقتی که نضج یافت رمد نافع است حمام و گفته است نیز کسی را که بر چشم او ریش نزله است منع کن از تحریک رأس و لازم بگیر حمام را و غوطه مده سر را در آب گرم و سرد و منع کن تدهین را و گفته است نیز رمض رطب سلیم است بطی البرء و رمض خشک سریع البرء است مگر اینکه حادث شود باو قروح و گفته است جالینوس که رمد چهار نوع است یا از خون خالص است زائدا لکمیت یا از دم بلغمی یا از دم صفروای یا از دم سوداوی گفته است نیز که خلق کثیر خلاصی یافته اند باستفراغ از فقره قفا بمحاجم و استعمال محاجم درین جا و گفته است نیز که انفع از آن رمد آسمان جو نیست پس ادکن زیرا که هر دو رنگ جامع بصرانند به انف و گفته است ارسطو سر تراشی بمقراض در رمد واجب است و نافع است و کثرت شعر مضر است

بذر البنج

و خشخاش اجزا برابر کوفته با آرد جو که سیوم حصه اجزا باشد با آب کشنیز سبز یا خس یا مامیثا یا هر دو ضماد طب فریدی، متن، ص: ۱۰۶ باید ساخت

ضماد دیگر

استعمال کن در اثنائی رمد صعب آرد جو اکلیل الملک روغن بابونج و کشنیز سبز را و این ضماد نافع است در وقت الم

باب- ۳۸ در تدبیر دواهایی مانع انصباب مواد طرف چشم**زعفران**

مالیدن بر اجفان و با لبن جاریه محلول کحل کردن مانع است انصباب مواد را بسوئی عین خصوصا در مرض مزمنه نیز

لبلاب

عصاره آن ضمادا با سویق

باقلا

مقشر ممضوغ ضماد کردن بر جبهه نیز و آرد آن با سفیدی بیضه مخلوط با ادویه مانع انصباب قویست فعل آن

بادروج

عصاره آن ضمادا نیز

فوفل

و صندل و زرورد و اقاچیا و جلنار اجزاء برابر مدقوق معجون با عصاره لسان الحمل ضماد کردن بر جبهه و صدغان نیز

تریاق فاروق

محلول با آب فرنجمشک و ضماد کردن بر جبهه و خوردن بمعتاد غایت النفع است

مشک

ضماد کردن بر جبهه نیز

رصاص

محرق مغسول کحلا بالخاصیه

خولان

لطوخا نشف می کند تری چشم را کحلا نیز

نشا

با گلاب ضماد کردن بر جبه مخلوط با آرد باقلا و بیاض البیض نیز

انزروت

مانع قوی است سیلان رطوبات را بسوی چشم

عنب الثعلب

با عصاره آن محکوک کردن شیافات مانع انصباب مواد است

سندل ابیض

محکوک بر سنگ یک جزو از انزروت نصف جز معجون به بیاض البیض ضماد کردن بر جبه و صدغین نیز

حلزون

مغز آن و صبر و مر و کندر مرکب نگاهداشتن بر جبه نیز

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۷

ایل

شاخ محرق و مغسول آن مانع رطوبات سایله چشم است

حنظل

شحم آن شرابا نافع است نفع بلیغ

ماء الورد

شستن چشم با آن نیز

جوز

پوست اخضر آن مجفف مسحوق ذرور کردن بر مقدم سر و هم چنین شگوفه آن بالخاصیه مجرب

فستق

پوست بیرون پسته مدقوق معجون به بیاض البیض ضماد کردن پیشانی را نافع است

زرورد

باقمهای آن کوفتن و عجین کردن به بیاض البیض و ضماد کردن بر چشم مانع انصباب مواد است بالخاصیه مجرب

سفرجل

آب آن مخلوط با سویق و جلنار یا بیض البیض ضمادا بر جبهه نیز

زیتون بری

عصاره برگ آن و اطراف شاخ آن ضمادا بر جبهه نیز

عدس

مسحوق مثل غبار معجون کردن به بیاض البیض و تحریک دادن تا نرم شود بر خرقه کتان مالیده ضماد کردن بر جبهه و صدغین نیز

اقاقیا

عجین کردن بمثل او آرد باقلا با آب نیل و ضماد کردن بر جبهه نیز

بطیخ اصفر

پوست او مانع فضولست ضماد کردن بر جبهه نیز

وردطری

مدقوق ضمادا بر

چشم

حنا معجون با آب کشنیز سبز ضماد کردن بر جبهه و صدغین نیز

شعیر

آرد او با عصاره حشیش بنج یا با آب که درو تخم بنج طیخ داده باشند ضماد کردن صدغان و جبهه را نیز

سماق

برگ مدقوق آن معجون به بیاض البیض ضمادا بر جبه و صدغان نیز

اُمد

با آب سائیده کحلا نیز

براده الحدید

وقتی که مخلوط شود در ادویه قوی است فعل آن

کزبره خضرا

عصاره آن ضمادا بر جبه و صدغین نیز

کمشری

قابض است و ضمادا بر جبه و صدغین نیز

دخان المیعہ

کحلا نیز

قطران

دخان او کحلا نیز

بسد

کحلا نیز

توتیائی رمانی

مغسول کحلا بعد تنقیه بدن بفصد و اسهال و معجون برطوبت صدف

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۸

ضمادا بر جبه و صدغین نیز

حضض

ضمادا بر جبه مانع انصباب مواد ردیه است بسوئی چشم

باب - ۳۹ در علاج ضعف بصر

اقاقیا

ضماد کردن چشم را با آن یا مخلوط کردن در کحل مقوی بصر است

تمبر

خسته آن سوخته کحلا نیز

مر

مثل او فلفل و ربع آن صمغ عربی شیافا نیز

ملح

سه درهم شکر مثل او روغن بادام شیرین نصف درهم شربا نیز

رازیانج

صمغ او کحلا و بزر او اکلا و کحلا نیز

صعتر

خوردن مقوی و مجلی بصر است

ابریشم

کحلا بعد سوختن نیز

اقلیمیای ذهب

کحلا نیز

مرارة الضب

و غسل که آتش ندیده باشد کحلا نیز

سداب

صمغ او کحلا نیز

هللیج اصفر

شربا و اکلا نیز

لاذن

منقوع در شراب یوما و لیله کحلا نیز

عنصل

سرکه او مخلوط در طعام نیز

گرنب

اکلا بالخاصیه

انمد

کحلا حافظ و مقوی بصر است

لؤلؤ

مقوی عصب عین و حافظ صحت است

مسک

ناشف رطوبت چشم و مقوی و حافظ صحت چشم است

زعفران

کحلا و شرابا و مخلوط در طعام و محلول بلبن نساء قطورا مقوی چشم است

خولان

هر هفته یک مرتبه کحل کردن حافظ صحت چشم است

مرقشیشا

و لؤلؤ و صدف محرق کحلا مقوی بصر و حافظ صحت چشم است

آبنوس

براده آن بعد سحق بسیار در شراب ریحانی یک شبان روز پس خشک کرده و سحق کرده و از حریر گذراینده و صمغ عربی اضافه کرده با گلاب یک شیاف کرده کحلا نافع و مقوی بصر است

رمان بری

عصاره آن کحلا نیز

اجاص

صمغ او کحلا نیز بالخاصیه

لوز الحلو

طب فریدی، متن، ص: ۱۰۹
اکلا نیز

مرجان احمر

کحلا بالخاصیه

جوزبوا

اکلا بالخاصیه

ترمس جبلی

هر روز یک کف خوردن نیز

بادروج

عصاره آن کحلا نیز

دارچینی

اکلا و کحلا بالخاصیه

ذهب

میل ساخته کحل کردن با آن بالتجربه-

باب ۴۰ تاریکی چشم

دارچینی

اکلا و کحلا نیز

عود البلسان

شربا دور می‌سازد ظلمت بصر را و تیز می‌کند بصر را

کندر

شربا و اکلا و کحلا نیز

سندروس

مثل او کحلا نیز

فلفل اسود

کحلا و اکلا نیز

زنجبیل

اکلا نیز

رازیانج

آب او و تخم او خوردن دافع ظلمت بصر است و تیز می‌کند بصارت را

فجل

مثله اکلا

غرب

مثله

دارفلل

شربا و در طعام مخلوط ساختن دافع ظلمت بصر است و تیزکننده بصر است

حلتیت

مثله شربا و کحلا بالخاصیه

لبان

بو کردن آن و دخان آن کحلا نیز

افستین

شربا نیز

بصل

آب آن کحلا وحده یا با عسل نیز

خردل

تازه خوردن نیز

حاشا

مخلوط در طعام نیز

جاوشیر

مثله

فجل

روغن تخم آن منقی اخلاط ردیه است از چشم و تیز می‌کند بصر را شربا نیز

نرجسی

روغن آن عمل می‌کند مثل روغن فجل شربا

مرزنجوش

دهن او شربا نیز

دهن البسان

کحلا بالخاصیه

خولان

کحلا منقی و مجلی بصر است

وج

منقی رطوبات است کحلا

سکینج

کحلا نیز

شیطرج

کحلا نیز

بادروج

اکلا و کحلا نیز و تخم آن و عصاره آن نیز

کمداریون دقیق

عصاره آن کحلا نیز

قنطوریون

دقیق کحلا و عصاره آن نیز

سداب

عصاره آن کحلا نیز و قدری بقله آن خوردن نیز

رازیانج

عصاره آن

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۰

کحلا و مجفف پیش آفتاب کحلا نیز

گرفس

آب او کحلا نیز

جندقوقی

عصاره آن کحلا نیز

شقایق النعمان

آب او و بیخ او کحلا نیز

سلحفات

خون او کحلا نیز و مراره آن با غسل کحلا نیز

کبد

وقت بریان کردن دارفلفل دران غرس کنند و آب مقطر او را کحل کنند منقی رطوبات است و مجلی بصر

فلفل اسود

کحلا نیز

حلبه

دهن او شربا نیز

شبت

روغن آن شربا نیز

اقحوان

دهن او شربا نیز

خطاف

دماغ او کحلا

فجل

آب او کحلا نیز

ضبع

مراره او کحلا

دیک

مراره او کحلا نیز

بوم

دماغ او کحلا

قشار الکندر

کحلا بالخاصیه

اشق

کحلا

دارچینی

شربا و کحلا بالخاصیه

لوزمر

تدهین کردن شربا بالخاصیه

حب البلسان

کحلا بالخاصیه

لبلاب

عصاره آن کحلا

خل العنصل

عصاره آن اکلا و کحلا

کمون

عصاره آن کحلا

حدات

خون او کحلا

دراج

همیشه خوردن

عنصل

مشوی یک مثقال خوردن

کرکم

کحلا

فراسیون

عصاره او کحلا و با عسل شربا نیز

خفاش

زرق او کحلا

اجاص

صمغ او کحلا

کباش القرنفل

اکلا و کحلا

ذئب

مراه او با عسل کحلا

ضبع

مراه او کحلا

ابریشم

محرق کحلا

عقیق

در حمام دو مرتبه کحل کردن شب کحلا

مامیران

کحلا بالخاصیه

حمام

سر او چنانچه هست با خون و پرها سوخته کحل کردن خاکستر آن نیز

زمرد

همیشه پیش نظر گذاشتن

قراصیا

صمغ او شرابا نیز

خلاف

وقت خروج برگهائی آن هرگه شرط زند صمغ که پیدا شود کحل کردن با آن نیز و عصاره شاخهائی او و هم‌چنین لبن او مجلی بصر است

خولان

کحلا نیز

ایاعابسی

عصاره آن با عسل کحلا نیز

ادویه حافظ صحت چشم توتیا

کحلا

اژمد

کحلا

مرقشیشا کحلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۱

شادنج

مغسول کحلا نیز

سنبل

کحلا و مخلوطا بادویه زیاده است فعل آن

سرطان بحری

محرق خاکستر آن کحلا

ساذج

کحلا

رازبانج

در آب باران هفت روز گذاشته تقطیر کردن آن آب را در چشم حافظ صحت چشم است و گفته است جالینوس کسی را که عارض شود در نقاهت ضعف بصر کحل نکند بلکه استعمال کند آب گرم را و مشی کند در جاهائی سبز و بساط سبز فرش کند

باب - ۴۱ در علاج سبل

جوزبوا

کحلا و اکلا نیز

اسارون

شربا نیز

انیسون

اکلا و شربا و کحلا دافع سبل مزمن است

اترج

حموضت آن مخلوط در ادویه سبل قوی است فعل ادویه

کباش

قرنفل کحلا و اکلا نیز

قناء الحمار

سعوطا با لبن جاریه نیز

شونیز

سعوطا شگوفه آن و روغن بادام تلخ

بقلة الحمقا

و عصاره قثاء الحمار هر دو خشک کرده مثل غبار سائیده کحلا دافع سبل است البته

انزروت

و شکر طبرزد و زعفران کحلا بالخاصیه و با شیر ماده خر هفت روز ترتیب داده سحق نموده کحلا بالخاصیه دافع سبل است

زنجار

مخلوط در ادویه سبل عجیب است فعل آن

ملح

مخلوط در ادویه سبل عمل عظیم می کند

ریعه

با آب مرزنجوش سعوطا نیز

صنوبر کبار

محرق با خولان مخلوط کحلا اثر عجیب دارد

بیض

قشر آن در سرکه تند چند جوش داده و آتش تنها داده در سرکه ده روز گذاشته پس برآورده خشک کرده و سحق نموده کحل کردن دور می کند سبل را بسرعت

قنطوریون دقیق

عصاره آن

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۲

با آب مرزنجوش کحلا نیز

جباقا

بعد نضح طعام استفراغ کردن با آن نیز

حب ایارج

استفراغ کردن بعد نضح با آن نیز

حنظل

سعوط کردن شحم او را با آب مرزنجوش مرات بالخاصیه

هللیج

خسته آن با عسل کحلا نیز

مسک

مخلوط با ادویه سبل قوی است فعل آن

قلقطار

کحلا بالخاصیه

زفت

اندکی کحلا

شیاف

مغرب شب اندرانی حامض غیر اسود و جلنار و عصاره لحيه التيس و ملح اندرانی و ماء الحصرم مجفف شیاف کرده معجون بماء السماق نافع است عجیب گفته است جالینوس و رازی کسی که در چشم او رگهائی کبار است و ممتلی است خون و در بدن او امتلا نیست پس بنوشان شراب صرف را و امر کن خواب طویل را پس خلاصی یابد از سبل گفته است ابن قمری صاحب سبل فصد کند هر ماه یک مرتبه و گفته است جالینوس سبل پیدا می شود در شهرهائی رطب و گفته است که صاحب سبل سعوط و تدهین و نطول نکند

باب - ۴۲ در علاج ظفر**آس**

آب او کحلا و خاکستر او کحلا نیز

ملح

با خواص مذکوره در باب بیاض کحل کردن نافع است [۱۲]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۱۲

سوسن

و عصاره بیخ آن کحلا نیز

خفاش

زرق او کحلا نیز

سرطان نهری

خاکستر آن کحلا با ملح نیز

اقاقیه

کحلا نیز

ملح اندانی

کحلا نیز

لسان البحر

و مثل او ملح کحلا نیز

سقمونیا

کحلا نیز

گرم بری

شگوفه سوخته آن در خرقه کتان بسته بر آتش نگاشته و باریک سحق کرده با عسل مخلوط کرده کحلا دور می‌سازد ظفر را

زنجار

مخلوطا با ادویه نیز

رمان حامض

آب او تنها کحلا نیز و قشر مدقوق

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۳

او و شحم او عصاره گرفته مطبوخ با عسل تا مثل مرهم شود کحل کردن بمرات دور می‌سازد ظفره را

اشق

دو درهم مثل غبار سائیده کحلا صبح و شام دور می‌سازد ظفره را

حجر حبشی

دور می‌سازد ظفره را کحلا نیز

ملح طعام

سوخته کحلا نیز

نوشادر

کحلا نیز

روشنائی

کحلا نیز

باسلیقون

کحلا نیز

قطن

روغن حب آن و پاره ظرف چینی مقشر مخلوط با دهن مذکور نگاه داشتن بر ظفره دور می‌سازد ظفره را

ماعز

تلخه آن کحلا نیز

شیاف قیصر

کحلا نیز

شب

دور می‌کند ظفره را کحلا

مرجان احمر

کحلا نیز

زنجفر

نافع است کحلا

شیاف اقلیمیا و مسحقونیا

و زرنیخ احمر و شکر اجزا برابر معجون بصرغ عربی محلول شیاف ساخه کحلا دور می کند ظفره را-

سرطان نهری

خاکستر آن و مثل آن ملح محرق نافع است کحلا

طلا

نوشادر و قلقدیس و ایرسا و نحاس محرق مثل غبار همه را سائیده در روز و شب طلا کردن بر ظفره دور می سازد ظفره را البته

نطرون

مثل او کندر مسحوق که بر آب گرم ریخته باشند و گذاشتن یک قطره ازین آب بر ظفره نافع جید

میعه

دخان او کحلا نیز

ملح

کحلا نیز

هللیج

آب خسته او کحلا نیز

بلبوس

و زردی بیضه کحلا نیز

شیاف قلقدیس

جز ملح زرانی جز صمغ عربی نصف جز با شق محلول کحل کردن مجرب است دور می کند ظفره را

دخان المبعه

و دخان کندر و دخان قطران و دخان المر اجزاء برابر کحل کردن نیز

لبن المرأه

و کندر قطورا در چشم نیز

زرنیخ احمر

محلول با آب قطورا شب و روز بمرات نیز

صبر

محلول در آب بر ظفره قطورا شب و روز نیز گفته است رازی اجود علاج در ظفره

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۴

اینست که سرنگون شود مریض بر آب گرم تا که سرخ شود چهره او و داخل شود در حمام بعد ازین استعمال دوا کند-

باب ۴۳ در علاج طرفه

گفته است جالینوس که طرفه عارض می شود از قیء عنیف و صوت بلند و از سرفه قوی

حجل

زهره او و مروارید غیر مثقوب و مشک ازین ها کحل ساخته اکتحالا دافع طرفه است

نانخواه

و زوفای یابس بشیر گاو کحلا نیز

فجل

قشر مدقوق آن طبخ کرده ضماد کردن دور می کند طرفه را

زیب احمر

منقی باریک کوفته طبخ داده تا که مهرا شود ضماد کردن دافع طرفه است

فوتنج نهری

کوفته طبخ داده تا که مهرا شود ضماد کردن نیز

حمام

خون کبوتر در چشم قطور کردن نیز

اکلیل الملک

طبیخ او یا عصاره او قطور کردن در چشم نیز لبن الجواری قطور کردن در ابتدای طرفه

ملح اندرانی

محلول در آب ترب و تقطیر کردن در چشم نافع است

زوفا

طبخ داده در شراب و ضماد کردن طرفه مزمن را و تکمید کردن طبیخ آن را دافع طرفه است

بذر الکتان

لعاب او با لبن جواری قطور کردن در چشم نیز-

کندر

مسحوقا با لبن جواری قطورا نیز

کرنب

برگ مدقوق او طبخ کرده ضمادا نیز

راتینج

اگر باقی ماند در چشم اثر طرفه پس نقوع کن راتینج را در آب تا منحل شود و بگیر جزئی که صافست و تقطیر کن در چشم

شیاف

زائل می کند اثر طرفه را زرنیخ اصفرو و انزروت هر واحد یک جز مدقوق معجون بلعاب حلبه شیاف ساخته کحلا دافع طرفه است

حلبه لعاب

او قطور کردن در چشم

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۵

شیر گرم نیز

رمان حامض

عصاره شحم او گرم کرده با قلیل عسل تا که غلیظ شود تقطیر کردن در چشم نیز

افستین

در خرقه کتان بسته در آب گرم فرو برده تکمید کردن چشم را و ضماد کردن طبیخ آن را مرات در شب و روز بالخاصیه

دهن الورد

و زردی بیضه ضمادا نیز

زرنیخ

اصفر محکوک بر مسن با آب کشنیز سبز تقطیرا نیز

املج

مدقوق جوش داده در شراب عتیق ضمادا نیز

صبر

با آب گرم قطورا نیز

فلفل

دو درهم دارچینی و کرکم یک یک درهم نانخواه دانک کحلا- نیز و اگر بنوشد مریض هر روز کرکم دو درهم نافع است نفع عظیم

زرنیخ احمر

محکوک بلبن نساء تقطیر کردن در چشم نیز

جرجیر

عصاره او قطورا بالخاصیه

ورشان

خون گرم او قطورا نیز

شفانین

خون او قطورا نیز

طین ارمنی

و خون ورشان قطورا نیز

شیاف الکندر

تقطیر کردن بمرات خلاصی یابد از طرفه

شیاف الزعفران

کحلا نیز

اکلیل الملک

طبیخ او قطورا نیز

دهن الورد

مخلوط با سفیدی بیضه تقطیر کردن نیز و صوف تر کرده بر چشم گذاشتن نیز

شیاف

مجرب زرنیخ احمر دو مثقال اندروت مثقال مامیران و شادنج و صبر و اقلیمیا هر واحد نصف درهم شکر دو درهم صمغ عربی
نصف درهم شیاف ساخته قطورا مجرب است

بط

خون او قطورا گرما گرم نیز

فروج

خون او قطورا بلبن النساء و طین ارمنی مجرب

ماء الجبن

قطورا نیز

دم الاخوین

قطورا نیز

لبوس

ضمادا نیز

صفره البیض

مسحوق با اکیلل الملک ضمادا نیز

گرفس

عصاره او قطورا

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۶

نیز و گفته است رازی اگر باشد طرفه قلیل العهد سرخ یا سبز پس واجب است تکمید با آب نمک و استعمال کن آرد باقلا- و افسستین ضمادا

باب- ۴۴ در علاج دمه

قنطوریون دقیق

ضمادا بر جبه

بصل

آب پیاز کحلا

زفت

دخان او اگر واقع شود در کحل دمه قویست فعل آن

صنوبر کبار

دخان او قوی است کحلا

صبر

وحده کحلا و مخلوط با ادویه خشک کننده دمه لطوخوا نیز

بسد

کحلا مجفف است بغایت

انبرباریس

پوست بیخ او منقوع در گلاب تقطیر در چشم نافع است

انمد

کحلا نیز

لاجورد

غیر مغسول کحلا بالخاصیه

نمر

خسته سوخته او شسته کحلا نیز

کباش القرنفل

مسحوق نصف درهم بر مقدم سر ذرورا نیز

جوز

پوست خارج او ذرورا بر مقدم سر و هم چنین برگ ربیعی او بالخاصیه

مامیثا

کحلا نیز

سلحفات

تلخه او کحلا نیز

شادنج

محلول در گلاب قطورا نیز

لؤلؤ

کحلا نیز

زنجفر

قوت او مشابه قوت شادنج است کحلا بالخاصیه

هللیج اصفر

مسحوق منقوع در گلاب پیش آفتاب خشک کرده مرتبه ثانی سحق کرده کحلا نیز

راتینج

دخان او کحلا

بطم

دخان صمغ او کحلا نیز

زیتون

عصاره برگ بری آن ضمادا بر جبه و کحلا نیز

عود القرح

دو درهم کباش قرنفل درهم ذرورا بر مقدم سر دافع دمعه است

نشاء الحنطه

کحلا نیز

مصطکی

مخلوط در ادویه مقویست فعل آن

اشق

کحلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۷

و طلاء نیز

هللیج کابلی

در خمیر پوشیده در تنور گذاشته تا بسوزد خمیر پس برآورده خشک کرده باریک سحق کرده کحلا نیز

نحاس

محرق کحلا مفردا و با ادویه مرکبا نیز

قشر البیض

محرق کحلا نیز

صدف

سوخته کحلا هم‌چنین دخان او نیز

دیک

زهره خشک کرده او کحلا و هم‌چنین زهره دجاج نیز

آبنوس

بر مس سائیده کحلا نیز

زعفران محلول

با شیر زن لطوخوا بر اجفان نیز

مشک

مخلوط با ادویه قوی است فعل آن

دارچینی

کحلا و اکلا

رازیانج

تخم او کحلا نیز

مرقشیشای

فضی یا ذهبی یا نحاسی هر واحد ازینها کحلا نیز

آسی

عصاره او مخلوط با ادویه قوی است فعل آن

حجر غااطیس

بر مس با لبن جاریه سائیده کحلا نیز

کحل

دافع دمعہ است دارفلفل دو درهم فلفل درهم زبدا البحر نصف درهم ملح ہندی درهم اٹمد سیزده درهم و نصف مسحوق علی حدہ جمع کردہ مرتبہ ثانی سحق کنند و بکار برند

کحل دیگر

خسته ہلیج کابلی محرق و عقص و املج اجزا مساوی باریک کوفتہ کحل کردن نیز

خل

ممزوج با آب قطورا نیز

باب- ۴۵ در علاج شعیرہ

ذباب

مقطوع السر دلک کردن دافع شعیرہ است

کرم در عسل

معجون کردن و بر شعیرہ گذاشتن و شستن با آب کرم بمرات نیز

داخلیون

پارہ از داخلیون ضمادا دافع شعیرہ است

صمغ اصفر

سحق کردہ بر شعیرہ گذاشتن نیز

میعہ سایلہ

لطوخ کردن شب و روز بمرات بآن نیز

حمام

داخل شدن در حمام و ریختن آب گرم

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۸

نیز

قنه

ضمادا محلل شعیره است

تین

شیر انجیر طبیخ با عسل و مخلوط کرده با نان سمید و قنه ضمادا نیز

سکینج

محلول با سرکه و لطوخ کردن محلل شعیره است

بورق

نصف درهم میعه دو درهم و نصف ضماد کردن نیز

زاج

با شمع و میعه ضمادا نیز

تین

مطبوخ با شراب و عسل تا که مهرا شود پس سحق کرده در هاون میعه اضافه نموده ضمادا نیز

لاذن

نصف جز بورق و مر هر واحد جز شیاف ساخته تحریک دادن شعیره را بمیل و ضماد کردن با آن نیز

مر

و زعفران با گلاب حل نموده طلا کردن نیز

مقل ازرق

با لعاب روزه دار طلاء نیز

قنطوریون دقیق

محلوک بر مس طلاء نیز

سمید

و تین مطبوخ با ماء العسل قنه اضافه نموده ضمادا نیز

صبر

ضمادا نیز

دقیق شعیر

مطبوخ با شراب و بعسل و میعه ضمادا نیز

قلقند

نوشادر صمغ عربی مساوی ضمادا بعد حکک شعیره بمیل نیز

باب- ۴۶ در علاج برده**اشق**

محلول با سرکه طلا کردن دافع برده است

سکینج

مسحوق با سرکه طلاء نیز

کندر

جز مر جز شمع جز لاذن نصف جز بورق ارمنی نصف جز سحق کرده و معجون نموده با روغن سوسن طلا کردن نافع برده است

تین

با عسل و شراب و سمید مطبوخ ضماد کردن نیز

شمع

ضمادا نیز

شعیر

آرد آن با شراب ضمادا نیز

قلقند

جز نوشادر جز صمغ ربع جز شیاف ساخته بعد حک کرده با میل شیاف باید گذاشت

خل

محلول در و قنه و اشق طلا کردن نیز

صمغ عربی

مداف با خل طلاء نیز

شمع خام

کمادا مرارا

خبز

لباب آن

طب فریدی، متن، ص: ۱۱۹

معجون با عسل ضمادا نیز

اقلیمیا

ضمادا نیز

مقل ازرق

با لعاب صایم ضمادا نیز

بورق

سه درهم میعه پنج درهم ضمادا نیز

میعه

و اشق ضمادا نیز و میعه سایله لطوخا نیز

باب- ۴۷ در علاج جرب**خوص النخل**

نمک آن که مذکور است در باب بیاض کحلا دافع جرب است

خولان

کحلا نیز

عفس

مانند غبار سائیده و اجفان را منقلب ساخته ذرور کردن دافع جرب است و باید که تا سه ساعت پلک چشم را منقلب نگاه باید داشت

اقلیمیائی

فضه و توتیای کرمانی و شکر کحلا نیز

اقلیمیائی

نحاس کحلا نیز

سرطان بحری

محرق محلول کحلا نیز و حک کردن با آن جرب را بشیاف معمول از محرق آن

صبر

کحلا و مشوی از آن نیز کحلا

جردان

زبل آن کحلا

آبنوس

محرق مغسول کحلا

فوفل

کحلا محکوک

اترج

عصاره قشر زرد او کحلا

شعر الانسان

محرق مسحوق که مردار سنک برو زیاده کرده شده است طلاء

بیض

قشر مکلس او کحلا

بول الصبیان

در ظرف نحاس سحق کرده کحلا دافع جرب چشم است و عکر بول ایشان نیز کحلا

حجل

خون مجفف آن کحلا نیز

مرارة المعز

مجفف کحلا

مرارة الكبش

ایضا

نحاس

هرگاه سحق کرده شود ادویه جرب را به هاون دسته نحاس احمر قوی است فعل آن

زبد البحر

کحلا بالخاصیه

رمان حامض

رب آن سلایه کرده و جفن را منقلب کرده گذاشته شود برو دو ساعت و پی در پی سه روز قلع می کند جرب را که کور شده اند کحالین از علاج او

قشار الکندر

کحلا بعد

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۰

سحق بالخاصیه

حصرم

عصاره آن جوش داده تا نصف ماند پس روئی آفتاب گذاشته تا منعقد گردد حك کرده بر مس و لطوخ کردن بر اجفان دافع جرب است

سماق

طبخ دادن با خرقة کهنه دران و کماد کردن با آن خرقة چشم را دافع جرب است

دیک

مراره آن کحلا بالخاصیه

قنطوریون دقیق

عصاره آن محلول در آب انار ترش قلع می کند جرب را و طلا- کردن بر اجفان مقلوبه تا دو ساعت مقلوب باید گذاشت مجرب است

رخمه

زهره آن کحلا نیز

قطف

تخم آن با شکر مسحوق سه روز کحل کردن دافع جرب است و تخم او و هموزن کحل اسود کحلا نیز

فراسیون

عصاره او برائی جرب قدیم کحلا مجرب است و بعد لطح عصاره آن تا دو ساعت جفن را مقلوب باید گذاشت

عقاب

زهره مجفف آن کحلا

اقاقیا

با صمغ عربی و بلوط سحق کرده حك کردن جفن را نافع

نسر

زهره آن کحلا بالخاصیه

قلقدیس

محرق کحلا نیز

نشادر

حک کردن بر اجفان نافع جرب است و هم‌چنین اجفان را منقلب ساخته لطوخا نیز هرگاه مخلوط کرده شود نشادر را با ادویه قویست فعل ادویه

زرنیخ

لطوخ کردن اجفان را نیز

عفص

باریک کوبیده بر اجفان منقلبه ذرور کردن و صبر کردن دو ساعت در حالتی که اجفان منقلب‌اند دافع جرب است

اشق

کحلا نیز و محلول در آب کحل کردن اجفان را نافع است

شیاف

زنجار درهم اسفیداج نصف درهم اشق درهم اشق را محلول در عصاره سداب و معجون کردن باقی ادویه را و شیاف ساخته کحل کردن دافع جرب است صحیح مجرب

شادنج

کهل کردن صاحب جرب را نافع است و با غسل نیز بالخاصیه

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۱

زعفران

کحلا نیز

کباش قرنفل

مسحوق مثل غبار اجفان را منقلب ساخته ذرور کردن بر آن پس درد می‌کند درد شدید و صبر کردن در دو ساعت دور می‌شود جرب مجرب

شیاف

شادنج و مروزاج اجزا مساوی مثل غبار سحق کرده معجون با شراب ریحانی شیاف ساخته کحلا نیز

فرجمشک

مسحوق باریک ذرور کردن بر جفن مقلوب و صبر کردن دو ساعت دور می کند جرب را

زجاج

محرق کحلا نیز

خنفساء

دو حصه قطع کرده و درو میل را فرو برده کحل کردن با آن چشم را دور می کند جرب قدیم و حادث را گفته است جالینوس و رازی که جرب پیدا می شود از گرمی آفتاب و غبار و علاج او شستن است و تکمید با آب نیم گرم و پرهیز کردن از نمکین و تند و تیز و ترشی و گفته است نیز حدت اخلاط بقدر قوت و قلت است و استعمال نباید کرد فصد و استفراغ و نقائی بدن خصوصا وقت هیجان صفر او گفته است نیز علاج جرب حمام است یا حک کردن و استعمال نباید کرد روغن را بر سر و زیاده طعام نباید خورد بلکه یک وقت و گفته است رازی هرگاه جرب مزمن شود لازم است فصد از جبه پس فصد کردن ماق را و ارسال زلو بر اجفان مره بعد مره و استعمال کردن سرکه را بعد حلق و زلو بعد فصد پس تخفیف می کند جرب را

باب - ۴۸ فی العشاء

حجر الحديدی

کحل کردن نیز

حجل

زهره آن با مسک و مروارید ناسفته کحلا نیز

کراث

عصاره آن با سماق ضمادا

نعجه

بول

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۲

آن در هاون دسته نحاس سحق کرده تا سیاه شود کحل کردن دافع شب کوری است

جمل

یک مثقال از دماغ او اکلا نافع است

ورشان

خون او کحلا گرماگرم

کرکی

دماغ آن کحلا

نطرون

در آب حل کرده کحلا دافع شب کوری است

کماشیر

یک عدسه با دهن بنفسج سعوطا سه مرتبه دافع است

رمان حلو

آب راوق آن پیش آفتاب گذاشته تا که غلیظ شود کحلا نیز

ضبع

جگر آن خشک کرده و سحق کرده کحلا بالخاصیه

معز

صدید جگر مشوی آن کحلا و جرم آن اکلا و مراره آن کحلا نیز و هرگاه در جگر او زنجبیل و دارفلفل وقت مشوی کردن انداخته کحل کنند صدید او را دافع عشا است

سندروس

سحق کرده بر جگر بز و ذرور نموده مشوی کرده کحل کردن دافع عشاء است

کزبره الثعلب

ورق مدقوق آن با جگر میش مشوی گرماگرم خوردن و کحل کردن آن را دافع عشاء است

المعز الوحش الجبلی

مراره او دافع شب کوری است

شفانیز

خون گرما گرم او کحلا نیز

حمام

خون او کحلا نیز سر کبوتر سوخته و کحل کردن خاکستر او نیز

هندبا

آب آن کحلا

التعلب

جگر او خوردن و کحلا نیز

حربا

زهره او کحلا بالخاصیه

خنفساء

دو حصه قطع کرده و میل درو فرو برده کحلا نیز و اگر میل در موخر فرو برده کحل کنند انفع است

غراب

جگر او کحلا نیز کر کم کحلا نیز

قرنفل

کحلا بالخاصیه

کندش

بقدر عدسه با روغن بنفسج سه روز پی در پی عطوسا نیز

عذب

عصاره برگ آن کحلا و آب مستخرج او از تحت لحات موسم ربیع هنگام شگوفه گرفته کحلا نیز

بقر

مراره آن کحلا نیز

تیس الجبل

مراره او کحلا نیز

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۳

دارفلل

و مشک کحلا دافع عشاء است

سداب

اکلا و طبیخ او شربا بعد فصد و استفراغ با ایارج فیکرا دافع عشاء است

کحل مجرب

فلفل دو درهم دارچینی دو درهم عروق الصبغ نصف درهم نانخواه ربع درهم کحل کردن عجیب الفعل است و دو درهم نوشیدن از آن نیز

وج

جگر بز مشوی کرده و بر و وج و شونیز پاشیده کحل کردن صدید آن را و خوردن از آن بالخاصیه

زوفائی یابی

شربت او با آب سداب ناشته خوردن دافع عشا است

شب مصری

دو درهم ملح زرانی یک درهم مثل غبار سائیده کحلا نیز

تریاق الافاعی

نرم با شهد کحل کردن دافع عشا است

نشادر

و شب هر دو برابر بعد سحق بلیغ کحل کردن نیز و شرط است استعمال آن بمرات گفته است جالینوس و رازی سبب عشاء اکثر رطوبتست و حادث شود اصحاب عیون واسع را اکثر زیرا که آن عیون رطبه‌اند و علاج آن با فصد و دوائی مسهل است و فصد کردن ماق را و زلو چسپانیدن گفته است بقراط عشا حادث می‌شود از رطوبت و گفته است چنین عشا پیدا می‌شود از غلط روح

باصره

زعفران

کحلا نیز

باب - ۴۹ فی الجسا

زنجار

مخلوط با عسل کحلا و تکمید کردن چشم را بعد کحل با بنفسج گرم کرده با آب گرم دافع جسا است

زوفای رطب

ضماد کردن با پیه بط نافع است

باقلا

آرد او یک درهم و خرزۀ بقر ربع درهم کحل ساخته بکار برند

بقر

مغز ساق او مخلوط با روغن نخل و موم ضمادا دافع جسا است

شحم البط

گداز داده با موم ضمادا بالخاصیه دافع جسا است

بیض

بیاض او

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۴

و صفره او معا مخلوط با روغن ضماد کردن به آن دافع جسا است

حلبه

لعاب آن مستخرج با شیر نساء طلاء نیز یا مستخرج با شیر ماعز نیز

لوز حلو

روغن او سعوطا با روغن بنفسج

عدس

و شحم رمان طبیخ جید داده با روغن گل ضمادا نیز هرگاه باشد در چشم سرخی

شیاف احمر

لین نافع است

نیلوفر

غرق کردن سر را با روغن آن و با روغن بنفسج نافع است [۱۳]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۲۴

شحم الدجاج

و لعاب بزر قطونا و موم و روغن خل مرهم ساخته ضمادا نیز

کزبره خضرا

عصاره آن با روغن گل و بیاض بیضه و مخ آن ضمادا بالخاصیه

عجل

مخ ساق او روغن گاو و موم ضماد کردن نیز و این بعد تکمید چشم با آب گرم است بمرات

لحم الجدی

اعضائی آن مسلوق مشوی نیز

حمل

ایضا

مر

کحلا و طلاء گفته است رازی لازم است حمام و شستن او با آب گرم همیشه و ریختن آب گرم را بر سر و نافع است جسا را ادویه حار که می کشند دموع را و جاذب رطوبات ردیه اند و جالب رطوبات جیده فاضله باطراف چشم

شب

کحلا و جمیع اصناف جسا را نافع است

باب - ۵۰ فی الغرب**گرسنه**

آرد او ضمادا و نقیع آن غسولا نافع غرب است

گرم

خاکستر او با عسل ضمادا نیز

کندر

و پشکل کبوتر تازه ضمادا نیز

زاج

و عسل نگاه داشتن بر غرب منفجر می‌سازد غرب را و الاشق کردن به آهن

سکبینج

ضماد کردن دو شبان روز با سرکه نیز

خریق اسود

در غرب داخل کردن چوب آن را و گذاشتن یک

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۵

شبان روز قلع می‌کند گوشت ردی را و دور می‌کند غرب را

نیلوفر

باریک کوفته و معجون با خل ساخته ضمادا نافع غرب است البته و اگر تنها ضماد کنند نیز

بابونج

ضماد کردن دور می‌کند غرب را

جوز عتیق

نگهداشتن بر نواصیر چشم دور می‌کند ناصور را و هم‌چنین دهن جوز نیز و هر گاه روزه‌دار بخاید جوز را و نگاه دارد بر ناصور

منفجر می‌سازد ناصور را و شفا می‌دهد ناصور را

صمغ عربی

یک درهم مر سه درهم با مراره بقر معجون ساخته بر ناصور استعمال کردن دور می کند ناصور چشم را

ریق الصایم

معجون کردن با او مر را دافع ناصور است و اگر تنها پر کرده شود ناصور را با مر نیز دافع ناصور است

عنب الثعلب

مدقوق ضمادا بر ناصور منفجر نافع است

جاوشیر

با روغن جوز ضمادا نیز

لسان الحمل

مخلوط با نمک ضمادا دافع ناصور چشم است

آسی

هر گاه پر کرده شود ناصور را دور می کند بالخاصیه

نظرون

و شبت هر واحد از آن نصف درهم مر و کندر یک یک درهم مخلوط پر کردن ناصور را دافع ناصور چشم است بالخاصیه

خبازی

هر گاه با ملح مضغ کرده گذاشتن بر ناصور شفا است و این محتاج است بتکرار و مداومت تا پاک شود ناصور بعد ازین برگ خبازی تنها گذاشتن دافع ناصور است بالکلیه

ماش

مضغ کرده بر ناصور گذاشتن شفا است

قشر اصل الکبر

دافع ناصور است و عصاره برگ آن ضمادا نیز

خندروس

آرد مطبوخ آن ضمادا نیز

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۶

باب - ۵۱ در علاج ضعف بصر

صدف محرق

مقوی بصر و حدت بصر است

سکینج

مقوی و حدت بصر است

سداب

اکلا مقویست بصر را

ماء الجبن

مقوی و مزیل ضعف که حادث است عقب مرض حاد و هم‌چنین استعمال لبن حلیب و تدهین بر سر و حمام و ترطیب با اغذیه مرطبه بالخاصیه

گرنب

مقوی است بیخ آن هرگاه همیشه خورده شود

سندروس

مذاب بشراب کحلا نیز

شیر العشر

و ملح ذرانی کحلا

عسل

مقویست بصر را اکلا و کحلا

کرکم

بعصاره کاکنج و عسل کحلا

قراضیا

صمغ او کحلا

قنطوریون

دقیق عصاره آن با عسل کحلا نیز

سماق

صمغ او

مقویست

کحلا

سمک نهری

شحم گداز کرده او پیش آفتاب با عسل کحلا

صعتر

با عسل کحلا

اُمد

و روسختج و اقلیمیا و شادنج اجزا برابر کحل ساخته استعمال کردن مقوی بصر است توتیا مسحوق بماء المرزنجوش ترتیب داده هفت روز پس خشک کرده کحلا نیز

فراسیون

کحلا با عصاره آن

بن البلسان

کحلا

رمان الحامض

آب آن جوش داده تا به نصف رسد و عسل متزوع الرغوه برو ضافه نموده باز جوش دهند تا مخلوط شود و یک روز پیش آفتاب گذاشته کحل کردن مقوی بصر است

بچادق

حجر آن کحل کردن نافع است

نمر

خسته محرق آن کحلا نیز

مر

و برابر آن فلفل و هشتم حصه آن صمغ عربی شیاق ساخته کحلا نیز

ضبع

زهره آن کحلا بالخاصیه

مشک

کحلا و شربا و شما نیز

رازیانج

صمغ آن کحلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۷

ابریشم

کحلا نیز

اقاقیا

کحلا

مرو

نظر کردن در آن

خفاش

خاکستر آن کحلا

مرجان

کحلا مقوی و جالی بصر است

بقره سودا

مراوه آن کحلا

اشنه

اکلا و کحلا بالخاصیه

صف صاف

شیر درخت آن مستخرج در ایام شگوفه کحلا

غزال

مداومت اکل گوشت آن مقوی بصر است به تجربه حکمائی روم

فجل

آب آن اکلا و کحلا و برگ او خوردن نیز

ذهب

اکتعال کردن بمیل آن نیز

ریباس

عصاره آن کحلا

قطران

دخان آن کحلا

مامیران

کحلا بالخاصیه

ماء الحصرم

اکلا و کحلا

دارچینی

کحلا

شکر طبرزد

کحلا

خولان

کحلا

کماء

آب آن با ائمه ترتیب کرده کحلا از سید البشر خاتم الرسل صلوة الله و سلامه و تحياته و برکاته عليه

کباس القرنفل

اکلا و کحلا

باب - ۵۲ در علاج بیاض

لؤلؤ

وقتی که استعمال کرده شود در کحل ها قویست فعل آن و جالی بیاض است

بزر رمان

عصاره آن کحلا نیز

وج

کحل کردن نیز

بیض

دوام استعمال آن مزیل بیاض است

بورق

کحلا نیز

شقایق النعمان

کحلا نیز و عصاره آن محلول با مر کحلا جالی بیاض است

بسد

جلا می‌کند آثار قروح را کحلا

آبنوس

یک جز و شکر یک جز کحلا جالی بیاض است

هرا

سائیده شود بر مس با آب قصب کحلا جالی است نیز و محرق مغسول کحلا نیز و با شگوفه کاسنی و شقایق النعمان اجزا معجون با تری قصب شیاف ساخته خشک نموده کحل ساختن دور می‌کند بیاض را مجرب

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۸

صحیح

بیض الدجاجه

قشر ملصق بیاض باریک سحق کرده تا مثل غبار شود نفخ کردن در چشم مزیل بیاض است و قشر مکلس آن کحلا نافع است نیز

خرء الصبی

وقت تولد خشک کرده سحق نموده کحل کردن دور می‌سازد بیاض را

جمل

خاکستر گوشت آن کحلا نیز

اقلیمیائی ذهب

کحلا متواتر

ملح اندرانی

کحلا مرارا در ایام متوالیه

نشادر

کحل کردن چشم را همیشه جالی بیاض است

حیات البطن

خشک کرده کحلا بالخاصیه

قنفذ

مراره آن کحلا

کرنب

مخلوط با زاج کحلا

کزی

حک کرده بمس کحلا نیز

حجر المئانه

کحلا نیز

مامیران

کحلا نافع است

املج

یک شبان روز در آب گرم گذاشته صاف نموده املج دیگر یک شبان روز گذارند و صاف کنند و مرتبه سیوم املج یک شبان روز در آب مذکور بیندازند پس صاف نموده تقطیر کردن در چشم دور می کند بیاض را

سنج

برگ او کوفته سائیده تقطیر کردن در چشم هفت شبان روز متوالیه زایل می کند بیاض نو را و کهنه را و آب برگ آن که مخلوط است درو می کحل کردن دافع بیاض است و هم چنین تقطیر عصاره آن با لبن نساء و بیاض البیض هفت روز صبح و شام در وسط روز نیز تحقیق دور می کند بیاض را

حجل

زهره او مثل آن با مروارید ناسفته صغار و قدری مسک سحق کرده کحلا نیز

زبد البحر

مثل غبار سائیده کحلا نیز

عقیق

بیضه او کحلا نیز

عقیق

مغسول کحل کردن در چشم پنج میل صبح و مثل آن وقت شام ده شبان روز پس تحقیق دور می‌سازد بیاض را

کلب الماء

مراهِ آن کحلا نیز

حندقوقی

کحلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۲۹

مربا عصاره شقائق کحلا

حجر المها

کحلا نیز

مسک

کحلا

طر خشقوق

و آن هندبائی بری است تازه کحلا صبح و شام نیز و لبن او و شگوفه او مذهب بیاض است نیز

صدف المحرق

خصوصا صدف لولو کحل کردن نیز

ضیح

زهره آن کحلا بالخاصیه

دم

مادر طفلی که در چشم او بیاض است از فخذان او خون گرفته کحل کردن دور می‌کند بیاض را

دیک

خون او کحلا نیز بمرات گرماگرم و زهره او در ظرف نقره گذاشته کحل کردن نیز

هدهد

خون او گرماگرم در چشم قطور کردن دافع بیاض است

پنیر مایه

معجون کرده با عسل محلول با شیر زنان کحل کردن دافع بیاض است

بزر قطونا

یک درهم سحق کرده با یک درهم شکر کحل کردن نیز

بارود

قلع می کند بیاض را کحلا

لبن الجاریه

با شکر کحلا

ریته

با گلاب یا آب سرد کحلا نیز

گرگم

کحلا

سلحفات

مراهِ آن کحلا

کبابه

نقی کرده در آب و صاف کرده مخلوط در کحلها کردن مقویست فعل آن کحلها و

دع محرق

مسحوق کحلا نیز

ذئب

پنیر مایه آن مخلوط و مسحوق با مشک کحلا دور می کند بیاض را

فجل

عصاره ورق آن کحلا نیز

سفرجل

حبه مقشر آن و لعاب حب قطن کحلا بالخاصیه مجربست صحیح

قفر الیهود

کحلا

ملح اندرانی

کحلا بالخاصیه

انزروت

با نبات اجزا برابر قالع بیاض صبیانست کحلا

حمام

ذرق او کحلا

عصافیر خانگی

ذرق او کحلا

سرطان البحری

محرق کحلا

قطران

کحلا قلع می کند بیاض را و عسر که پیداست بعداند مال قروح

رمان حلو

قشر مسحوق او در آب گرم ریخته کحل کردن نیز

زراوند

مدحرج

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۰

خراسانی و شیر زن و شکر نبات اجزا برابر کحل کردن بالخاصیه مجرب

خبازی

پوست اندرون او خشک کرده مخلوط با بورق محرق و ملح اندرانی کحل کردن قانع بیاض است

عجل

خون خشک آن مخلوط با زجاج مکلس محرق و دارفلفل کحلا نیز

فراسیون

عصاره آن کحلا تمام عصاره آن کحلا

بهار

شگوفه خشک کرده آن کحلا

طین مختوم

کحلا

تمساح

زبل او کحلا و مراره آن نیز

مامبران

رقیق می کند بیاض چشم را کحلا

زمرد

محرق با عسل کحلا نیز

اقلیمیائی

نحاس كحلا

بلیج

لب خسته آن با عسل كحلا

لوف

عصاره آن كحلا

سمانی

مراه آن كحلا

توتیا

كحلا

ریق الصایم

استعمال کردن آن بمرات قلع می کند بیاض را

حنظل اخضر

میل دران فرو برده كحل کردن جالی بیاض است

لك

كحلا نیز

ناب الخنزیر

كحلا نیز

عاج

كحلا نیز

سندروس

سحق کرده بر مس كحل کردن بمرات دافع بیاض است

باب - ۵۳ در علاج نزول الماء

خطاف

دماغ آن با عسل کحل کردن دافع نزول اکماء است ابتداء و با آب پیاز نیز

حجل

مراره آن با عسل و زيت مالیدن بر خارج چشم نافع است ابتداء

غاريقون

دافع است ابتداء نزول الماء را و تهليل می دهد شربا و کحلا

رازبانج

عصاره خشک کرده او مخلوط در ادويه نافع است نزول الماء را و هرگاه مخلوط کرده شود بوزن ربع آن عسل را و جوش داده شود در آتش تا که غلیظ شود کحل کردن در اول نزول الماء نافع است و تخم آن و پوست بیخ آن و حشیش آن کلها نافع است شربا و اکلا

شقایق النعمان

عصاره آن کحلا در ابتدا نیز

مراره غزال

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۱

تقطیر کردن در چشم گرما گرم بمرات نافع است نزول الماء را بالخاصیه

شیخ

آئنه ساخته و خوب سیقل کرده همیشه نظر کردن در آن نافع است ابتداء نزول الماء را مامیران نافع است در ابتدا کحلا

ضبع

زهره آن کحلا

لبن التین البستانی

کحلا

عنصل

خاکستر آن کحلا در ابتدا نافع است

لبن البلسان

کحلا

دیک

زهره مرغ سیاه با عسل و روغن بلسان خارج چشم را در ابتدا طلا کردن نافع است و دماغ دیک با لبن النساء در ابتداء نیز

مرزنجوش

شما در ابتدا و تدهین سر بروغن آن نیز نافع است کسی را که خوف نزول الماء داشته باشد

صبر

در ابتدا کحلا

زوفائی یابس

کوفته با آب طبخ داده تکمید کردن چشم را در ابتدا نزول الماء بالخاصیه

مرجان

در ابتدا کحلا

کرکم

سلاقه کرکم پاک می کند آب را از ثقبه چشم

اقلیمیائی ذهب

در ابتدا کحلا

شجر مریم

کحلا و عصاره آن نیز و کوفته و پیخه با عسل نیز و عصاره آن با عسل کحلا نیز

رینه

کحلا

ثعلب

مراره آن کحلا

حنان

دماغ آن کحلا در ابتدا

صفصاف

در اول ربیع صمغ ازو گرفته کحل کردن نیز

باشق

مراره آن کحلا

هلیون

همیشه خوردن او در ابتدا

حلتیت

با عسل کحلا

بصل

آب آن با عسل کحلا در اول

زیت عتیق

قائم مقام قدح است نزول الماء را هرگاه در چشم انداخته بسر میل حک کنند بسیار

مراره الذئب

کحلا

فرس الماء

زهره آن در آب سه روز گذاشته با عسل مخلوط ساخته کحل کردن دافع نزول الماء است

بازی

مراره آن کحلا در ابتدائی نزول الماء و اگر نازل شده باشد نیز شفا بخشد و ذرق او با روغن سوسن طبخ داده بر چشم طلا کردن

نافع نزول الماء است ابتداء نسر مراره آن نفع است آب نازل
طب فریدی، متن، ص: ۱۳۲
را و اکتحال با آن هفت مرتبه بالخاصیه مانع نزول الماء است

سلحفاة

مراره او کحلا در ابتدا مخلوط با عسل نیز مانع نزول الماء است

عقرب

بحری مراره آن کحلا نیز

وج

با سرکه سحق کرده شش ماه همیشه کحل کردن خشک می‌کند ماء نازل را و نافع است شربا و کحلا نیز

فراسیون

عصاره آن نافع است نزول الماء را

حجر البقر

یک حبه زان با لبن نساء و روغن بادام سعوطا دافع نزول الماء است ابتداء

گرگی

مراره آن با آب چقندر و آب مرزنجوش کحلا نافع است ابتداء نزول الماء را

فرفیون

افضل ادویه است کحلا در ابتدائی نزول الماء

قاتل الذئب

بر چشم گذاشتن نافع نزول الماء و مغنی عن القدرح

شونیز

با روغن ایرسا سعوط کردن ابتداء نزول الماء را نافع است

مر

محلول در طیبخ کرم کحلا

صعتر

با عسل لعقا نافع است نزول الماء را و خشک کرده آن وقتی که چهل شبان روز خورده شود نیز و از برگ آن و شگوفه آن با شکر تا سه مثقال نصف صبح و نصف بوقت خواب اکلا نافع است نزول الماء را و صعتر مربا با عسل نافع است نیز

صقر

مراره آن کحلا نیز

سداب

آب او مخلوط در کحل‌ها خشک می‌کند ماء نازل را و مداومت بو کردن آن مانع نزول الماء است

سرطان

سروپائی آن سوخته مخلوط در کحل‌ها نافع است ابتداء نزول الماء را و تمام سوخته خاکستر آن کحل کردن نیز نافع است

خبازی

پوست داخل او خشک کرده برابر وزن او ملح اندرانی کحل کردن دور می‌کند نزول الماء را

کما

سرمه ترتیب داده از آب او نافع است ابتدائی نزول الماء را

هلبله کابلی

با افتیمون نافع است

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۳

شربا

حنا

در ظرف نحاس گذاشته نافع است کحلا

دهن الاجر

کحلا در ابتدا

الحمار الوحشی

نظر کردن همیشه بر چشم او مانع ابتدائی نزول الماء است

تیس

مراره او با فراسیون کحلا و مراره تیس اهلی خشک کرده با آب رازیانج شیاف ساخته کحلا نیز

ارنب

مراره آن قطورا در چشم نافع است ابتدائی نزول الماء را

حنظل

شحم او با قنطوریون دقیق استفراغ ساختن و منع کردن از حمام و هر قدر که خواسته باشد آب بنوشد لطیف تدبیر است

کمازیون

کحلا نافع است

نقط ایض

کحلا نافع است

شراب

کحلا نافع است نیز شراب عتیق نافع است اندک خوردن

تین البری

عصاره ورق آن مخلوط با عسل کحلا نیز

جعه

با صبر نوشیدن نافع است نزول الماء را و اگر مخلوط کرده شود بعض تلخها پس اکتحال کردن نافع است نزول الماء را

خلد

دماغ آن کحلا

شبوط

تلخی آن کحلا در ابتدا

مراره وعل

کحلا نیز

زعفران

کحلا در ابتدا خصوصا وقتی که باشد نزول الماء عقب مرض

دلفین بحری

مراره آن کحلا

کنم

تخم آن کحلا و آن از اسرار طب خفیه است نافع نزول الماء را بالخاصیه

فلفل

اسود مخلوط با مسک کحل کردن نیز فلفل درهم بذر القطف درهم مراره باشق نصف درهم با مراره الضیع نصف درهم کحل کردن دافع نزول الماء است مجرب

ضب

پشکل او کحلا

بهار صغیر

مسمی بعین الحجل کحلا نیز

لؤلؤ

کحلا نیز

فوتینج نهری

عصاره آن با مر کحلا نیز گفته است رازی و اسکندریون وقتی که باشد خیالات از جنس واحد پس علت در چشم است و اگر باشد خیالات نوع نوع پس علت بمشارکت عضو دیگر است شیاف مراره الشبوط و مراره الجدی و مراره الحجل خشک کرده معجون کردن با آب رازیانه

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۴

مروق شیاف ساخته استعمال کردن دافع نزول الماء است گفته است رازی که صاحب نزول الماء ترک کند حجامت را و خوردن ماهی و گوشت ضان و ثوم و نبید و بقولات را و معجون مذکور نافع است ابتدائی نزول الماء را و خلاصی می‌دهد ازین مرض

وج

حلتیت زنجبیل بذر الرازیانه اجزا برابر مثل غبار ساخته معجون با عسل منزوع الرغوه هر روز خوراک یک بندقه و کحلا نیز نافع

توتیائی هندی

اقلیمیائی ذهب مشک مخلوط کرده کحل ساختن

دجاج

مراره او کحلا نیز گفته است جالینوس و رازی فرق در میان نزول الماء و خیالات این است که خیالات گاه می‌باشد و گاه نمی‌باشد و گاه کم می‌شود و گاه زیاده می‌شود و آب باقی می‌ماند بر حالت واحد تغیر نمی‌یابد پس مریض ایارج بخورد و اگر زائل شود خیال پس از معده است و اگر زائل نشد و باقی ماند بر حالت پس این نزول الماء است و ایارج خورده شود بمرات و نزول الماء که بعد ضرب پیدا شود لاعلاج است و اگر آب متحرک شد علاج پذیر است و الا فلا و نافع است ابتدائی نزول الماء را ارسال علق بر صدغین و نیز گفته است پرهیز کند در ابتدا از حمام و جماع و شراب و سعوط کند مراره دیک را بمرات

اترج

مربائی برگ او با عسل ناشته خوردن دافع نزول الماء است

باب- ۵۴ پنجاه و چهار در غشاه جمل**اشاره**

مراره او کحلا

دردی الخمر

محرق کحلا

جوز فارسی

برگ خشک او با عسل کحلا و قشر شجر او نیز

بهار

مخلوط با کحل

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۵

قویست فعل آن

قرن ایل

محرق کحلا بالخاصیه

ورشان

خون آن کحلا

آبنوس

محرق مسحوق کحلا

زیتون

صمغ او کحلا

فیروزج

کحلا

ارنب

سر آن سوخته و خاکستر آن کحل کردن نیز دافع غشاوه است

ودع

محرق کحلا

املج

شگوفه آن کحلا

نحاس

محرق کحلا

رینه

آب نقیع او کحلا

سسم

کحلا

نور

دماغ او کحلا با عسل

حندقوقی

بستانی کحلا و هم‌چنین تخم او و عصاره آن نیز

سکبینج

کحلا

قیشور

محرق کحلا

جوز

ورق مجفف او در اول ربیع با عسل کحلا و عصاره او باعث جالی غشاوه است

کباش

قرنفل با کحل‌ها مقوی فعل کحل‌ها است هم‌چنین خوردن آن [۱۴]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۳۵

شب

جمع اصناف او دور می‌کند غشاوه را کحلا

خریق اسود

مقوی فعل اکتحال است

افستین

با عسل کحلا

یشم

و آن شجره بق است عصاره ورق او با عسل کحلا نیز

عقرب بحری

تلخی او کحلا نیز خردل با عسل کحلا

زعفران

اکلا و شربا و کحلا نیز

لؤلؤ

نافع است کحلا

مرجان

کحلا نیز

خس

کسی که همیشه خورد دور می کند غشاوه را

حماما

کحلا نیز

روی

مراره او کحلا

دارچینی

اکلا و کحلا

نسر

مراره او کحلا نیز

لبن البلسان

کحلا

طر خشقوق

کحلا با لبن الجاریه

خل

بر هاون دسته مسی با شیرزن و غسل سائیده پیش آفتاب گذاشته تا سیاه شود کحل او بالخاصیه دافع غشاوه است

غایه الصبی

اول ولادت خشک کرده سحق نموده مثل غبار کحل کردن دافع غشاوه است

ماعز جبلی

مراوه او کحلا نیز

صفصاف

هنگام ربیع وقت شگوفه شجر آن را شرط زده صمغ او برآورده کحل کردن آن صمغ را دافع غشاوه است

دم الخفاش

کحلا نیز

ضبع

مراوه آن کحلا نیز

کبد الماء

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۶

مشوی ذرور کردن بران زنجبیل را و کحل کردن صدید آن را دافع غشاوه است

ضبع

مراوه او کحلا نیز

مرقشیشائی

ذهبی کحلا نیز

باب- ۵۵ در علاج کمنه

آبنوس

محرَق مغسول کحلا دافع کمنه است

اسفنج

محرَق مغسول کحلا نیز

جعدۀ القنی

مسحوق ضمادا نیز

صبر

کحلا مسکن خارش چشم است یقینا-

افستین

ضمادا با سرکه تحت چشم نیز گفته است رازی کمنه ریح غلیظ است و صاحب آن هرگاه بیدار شود از خواب وهم می‌کند که در چشم ریگست یا خاک کحل کردن بدوآهائی مذکوره خلاصی از کمنه است و گفته است نیز ضماد کردن راوند و خل را تحت چشم بمرات دافع کمنه است-

باب ۵۶ در علاج خشونت اجفان و غلظ آن

سنبل رومی

کحلا نافع خشونت است

نشاء

محلول در شیر جاریه یا در سفیدی تخم مرغ تقطیر کردن در چشم نیز

صمغ العربی

محلول در گلاب قطور کردن و مخلوط کرده با عسل کحلا نیز

لبن الجواری

قطورا متواترا نیز

عکر الزیت

ضمادا نیز مر کحلا نیز و

سنبل هندی

نیز

ذهب

کحلا نیز

شادنج

مغسول با عسل کحلا نیز

قلقطار

سوخته و سحق کرده مخلوط بسفیدی تخم مرغ نافع است کحلا

تین

به برگ انجیر حک کردن نافع است اجفان را

دخان المر

کحلا نیز

خردل

مدقوق مخلوط با آب کحلا بالخاصیه

باسلیقون

کحل کردن

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۷

و حک کردن بملعقه نافع است اجفان را

خل

ممزوج با آب کحلا نیز

حدید

زنجار آن کحلا نیز

حصرم

عصاره آن کحلا نیز

اشق

کحلا نیز

زبد البحر

کحلا نیز

زنجار

مخلوط در ادویه اجفان مقویست فعل آن ادویه

ورد

کحلا نیز

زفت

دخان او کحلا نیز

صدف

لولو مکلس کحلا نیز-

باب ۵۷ در علاج نتو**علیق**

برگ او ضمادا و هم‌چنین عصاره برگ او خشک کرده کحلا نیز و عصاره برگ تازه او ضمادا دور می‌کند نتو را

اقاقیا

ضمادا نیز

تمر

خسته محرق مصفائی او در شراب کحلا نیز

حالبی

نتو حدقه چشم را ضمادا نیز

فیروزج

ضمادا نیز بنفسج برگ زرد او مدقوق ضمادا نیز

بیض

سفیدی تخم مرغ با روغن گل ضمادا نیز

حمام

خون او قطورا نیز

شفنین

نتوی که از ضربه حاصل شود پس فصد کن مریض را و در چشم آن خون شفنین تقطیر کن

عصی الراعی

آب آن ضمادا دافع نتو است

هندبا

ضمادا نیز

باقلا

آرد او و زر ورد و کندر و بیاض البیض ضمادا نیز و آرد باقلا بقشر بیض ضمادا نیز

خلاف

برگ او شگوفه او نتوی که حادث است از ضربه ضمادا نیز

زیتون بری

ضمادا نیز

عوسج

عصاره برگ او و اطراف شاخ او ضمادا نیز

دهن الورد

و مخ البیض مخلوط پنبه تر کرده نگاه داشتن بر چشم نافع است نتوی که عارض است از ضربه و سقطه را

رمان شیرین

مدقوق با شراب طبیخ داده مهرا ساخته ضماد کردن نافع

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۸

است عظیم گفته است رازی نتوی که حادث شود از ضربه تقطیر کن در آن خون کبوتر با خون شفنین و بگذار برو پنبه که تر کرده است به سفیدی بیضه و روغن گل در روز اول و سوم روز و تکمید کن با آب نمک و تقطیر کن لبن النساء را و گفته است طبری طلا کن بر نتو ادویه قابض را و نگهدار بر آن رصاص ملفوفه را در خرقة ناعمه و بخواب آور علیل را و پرهیز کن از عطسه و سرفه و قی خشک و سبک غذا بده علیل را و گفته است رازی هرگاه بر آید تمام چشم فصد کن قیفال را و مسهل ده با ادویه قویه پس بگذار محجمه را بر هر دو حدقه چشم و بگذار بر چشم ادویه قابض را و لازم کن سخت بستن را و گفته است نتو چشم از ضربه و سقطه بر سر باشد اگر باقی است بصارت پس عضلات چشم کشیده شود و اگر نتو از غیر ضربه است پس عضل مسترخیسست و اگر بصارت رفته است آفت در عصب است و شیاف افاقیا نافع است جمله را-

باب ۵۸ در علاج قemor از دیدن برف

کحل کردن ثوم و خوردن نیز دور می کند قemor را مجربست

حنطه

جوش داده کوبیده معجون بخمر کهنه ریحانی و ضماد کردن جفن را مجربست

صعتر

کوبیده مخلوط با آرد گندم معجون بخمر صاف نان پخته با ثوم خوردن بالخاصیه مجربست

بذر البنج

بریان کرده بر تخته حدید سحق کرده معجون کردن با شراب خوش بو ضماد کردن دافع قemor است

خرقه سیاه

نظر بکند

طب فریدی، متن، ص: ۱۳۹

مریض بسوئی آن و بگذارد بر چشم دافع قemor است

خمر عتیق

گرم کرده کماذ کردن چشم را به پاره پنبه دافع قموذ است

شونیز

مرزنجوش و اذخر و شبت جوش داده بر آتش و گذاشتن چشم را به بخار آن شب و روز بمرات دافع قموذ است

عقق

تلخه او کحلا نیز

مرزنجوش

جوش جید داده کماذ کردن با سفنج دافع است نیز

شبت

جوش داده کماذ کردن نیز

اذخر

نیز گفته است ابن سینا و ایلاقی پیدا می‌شود قموذ همیشه نظر کردن طرف برف پس دیده نمی‌شود اشیا یا از نزدیک دیده شود و از بعید دیده نشود هرگاه نظر کرده شود الوان خیال کرده می‌شود-

باب- ۵۹ در علاج شعر منقلب

اطلیس

نمکین ازو سوخته و خاکستر آن با قطران مخلوط نموده بعد کندیدن شعر منقلب مالیدن بر آن باز شعر منقلب پیدا نمی‌شود

قراد

بعد کندیدن موئی منقلب خون او را مالیدن نافع است

صدف

کوچک از آن سوخته و با قطران خاکستر آن را مخلوط نموده بعد کندیدن شعر منقلب مالیدن مرتبه ثانی نمی‌روید

حربا

خون آن بر جفن مالیدن بعد کندیدن موئی منقلب دافع شعر منقلب است

آبنوس

کحل کردن بعد کندیدن موی مانع است پیدا شدن موی را

علق

سوخته مسح کرده و خاکستر آن معجون با سرکه تند و گذاشتن بر پلک چشم بعد کندیدن مو مانع است پیدا شدن موئی واژگون را

طالیقون

قبل طلوع الشمس و اوایل ماه بعد بر آوردن مو و گذاشتن موضع موئی کنده را بطلخه بز تحقیق طب فریدی، متن، ص: ۱۴۰
باز نمی‌روید موئی واژگون

ضب

خون او گذاشتن بر پلک چشم بعد موئی کندیدن مانع است نیز

صدف کبار

سوخته در کوزه سر پوشیده بگل حکمت داده تا حک شود کحل کردن بمرات بسیار نمی‌روید شعر منقلب مجربست

راتینج

برائی شعر زاید نیز مصطکی مالیدن چشم را نیز

هدهد

تلخه او بر سر موی کندیده گذاشتن نمی‌رویاند شعر زاید را

یربوع

خون او بعد بر آوردن موئی واژگون گذاشتن نیز

رصاص

کوزه از آن ساخته و زلو پر کرده بگذارد تا بمیرند همه زلو سحق کرده پاشیدن بر موضع موئی کندیده باز بر نمی‌روید

کلب

- شیر سگ بر مکان موئی کنده مالیدن پیدا نمی‌شود باز آن مو

ضفدع سبز

گذاشتن مکان موی کنده خون ضفدع را بعد نمی‌رویانند آن موی را

شاهترج

عصاره آن مخلوط با صمغ عربی ضماد کردن موضع موئی کنده را مانع است باز پیدا شدن موئی را

صمغ البلاط

گذاشتن بر اجفان نیز

خفاش

مغز خفاش مکان موئی کنده مالیدن مانع است پیدا شدن مرتبه ثانی را

جرذان

خون او تقطیر کردن بر پلک چشم بعد کندیدن موئی ساعه مانع است برآمدن موئی را

قنه

مالیدن تا مثل عسل شود و مالیدن بر پلک چشم بعد کندن مو نمی‌رویانند مو را و موی زاید را نیز

حجر الیهود

مثل این گفته است هوقوطوس و ابن هیشم شعر زاید از پلک چشم در پنجم ماه یا بیست و پنجم ماه قلع باید کرد و کحل کردن این کحل را مجربست

علق

پنج یا هفت در کوزه سوخته و خاکستر او سحق کرده کحل کردن در حالت کندیدن مو باز پیدا نمی‌کند مو را
طب فریدی، متن، ص: ۱۴۱

باب - ۶۰ در علاج انتشار پلک‌ها

صنوبر

دخان او پیدا می‌کند پلک‌ها را

لحای صنوبر

دخان او کحلا مانع تساقط پلک است راتینج دخان او کحلا نیز

تمر خسته

محرق آن سرد کرده در شراب کحلا پیدا می‌کند موی را و خسته محرق او مسحوق معجون بروغن آس طلا کردن بیخ‌هائی مو را نیز

قفر الیهود

مانع است انتشار را و پیدا می‌کند پلک‌ها را

لازورد

غیر مغسول کحل کردن پیدا می‌کند موئی را

آبنوس

پیدا می‌کند موئی چشم را کحلا

سنبل هندی

و خسته خرما محرق می‌رویانند مو را مانع تساقط مو است

سنبل رومی

نافع است مثل هندی

سنبادج

محرق کحل کردن مانع تساقط است و رویاننده مو است

اژمد

با آب کماة نافع است کحلا موافق حدیث نبی صلی الله علیه و سلم بالخاصیه

بندق

سوختن با پوست او و کحل کردن نافع است مثل اژمد

حجر الیهود

با خون خفاش مانع انتشار است کحلا و منبط شعر

بطم

دخان او نافع تناشر است و منبسط شعر

کندر

دخان آن کحلا

قطران

دخان آن کحلا نیز

زفت

دخان آن کحلا نیز

ذباب

سوخته خاکستر او کحلا نیز

آبنوس

سوخته کحلا نیز مانع تساقط است و پیداکننده مو

مصطکی

کحلا نیز

صمغ الصنوبر

دخان او عمل می کند مثل باسق شیاف

مامیثا

کحلا نیز

حجر ارمنی

کحلا نیز

قطب الفارسی

سوخته کحل کردن نیز

ماعز

پشکل سوخته او کحلا نیز قلقطار ائمد و زاج بعد حرق و سحق با غسل سرشته کحلا منبت شعرست

بنج

و جعهه جبلیه و پشکل موش

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۲

معجون با روغن سوسن طلا کردن بر کناره پلک چشم و محل روئیدن مو نیز

اوز

دلک کردن کنار پلک چشم را از شحم او پیدا می کند موئی را و مانع تساقط است

شحم الدب

دلک کردن کناره پلک چشم را پیدا می کند مو را

بیض

مخ او طلا کردن جفن را نافع است

بابونج

عصاره آن لطوخا نیز

شیح

محرق فروبردن میل را دران و کحل کردن پلک چشم را نافع است

ساذج هندی

محرق کشیدن میل بر پلک‌ها بعد فروبردن میل دران نافع است

سلخ الحیه

هرگاه در روغن زیت گذاشته و پیش آفتاب نهاده بعد چهل روز کحل کردن این زیت را نیک حدقه چشم را مانع انتشار است و منبت مو است

دیک

پشکل سوخته او کحلا منبت مو است و مانع تساقط گفته است بو علی سینا سبب آن یا قلت ماده است که عارض شده است در آخر

مرض یا فساد ماده است یا وسیع شده است مسامات شعر یا صلابت مساماتست یا غلیظت ماده و اصله که نمی‌رسد بخار آنجا و نفوذ نمی‌کند و دلالت می‌کند برین خارش مکان

کحل

خسته خرما محرق دو درهم و نصف دخان کندر دو درهم سنبل هندی درهم و نصف حب بلسان درهم و نصف حجر لازورد غیر مغسول پنج درهم کحل ساخته کشیدن میل را بر موضع شعر مانع است تساقط را و منبت شعر

باب - ۶۱ در علاج القمل و القمقام در پلک چشم

سلق

به عصاره آن شستن پلک بمرات دافع قمل و قمقام است

زیت

گو کرو دران حل کرده مالیدن اجفان را بالخاصیه دافع است

ماء الکبریت

شستن اجفان را با آن

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۳

یا آبی که درو حل کرده باشند کبریت را دافع قمل است

ملح

محلول در آب شستن اجفان را نافع است

روشنائی

کحلا متواترا مویزج مدقوق مثل غبار کحل کردن نیز

بورق ارمنی

کحلا نیز

خل العنصل

غرغره کردن بمرات نیز

نظرون

محلول در آب شستن اجفان را بالخاصیه دافع قمل است

خردل

مدقوق در سرکه تند حل کرده غرغره کردن بمرات نیز

ماء القبری

شستن پلک‌ها را نیز

کحل

شب دو درهم مویزج درهم صبر نصف درهم بورق نصف کحل ساخته در سرکه عنصل گداخته بر کناره پلک کحل کردن
مجر بست

جندبیدستر

محلول در آب شستن پلک چشم را مجربست

حب القوقا

بعد نضح تام استفراغ کردن بآن منقی ماده است

ایارج فیکرا

غرغره کردن و استفراغ کردن بآن نیز

عاققرحا

کوبیده با چقدر طیبخ جید نموده شستن رو را بآن نیز نخالته الحنطه مویزج طیبخ داده شستن رو را بآن نیز

شب یمانی

مسحوق مثل غبار و کشیدن بر کناره پلک چشم ممبت شعر نیز

صبر

دو درهم دارچینی و مصطکی من کل واحد ربع درهم استفراغ کردن با آن منقی ماده متولده قمل و قمقام است

نطول

عاققرحا و مویزج و شب یمانی جوش جید داده بخار دادن پلک چشم را و شستن پلک‌ها را به طیبخ او نیز گفته است احمد بن

ثابت همیشه ریاضت و همیشه حمام کردن و استفراغ بدن و تنقیه کردن دور می‌کند قمقام را و گفته است ابن عبدوس قمل دور می‌شود از پلک به آب نمک و به مالیدن شب یمانی اجفان را
طب فریدی، متن، ص: ۱۴۴

باب - ۶۲ در علاج سلاق

اشاره

زیتون بری عصاره او معجون بشیافات نافع سلاق است و کحل کردن با آن تنها نیز نافع است

ماء الرمانین

معصور با شحم جوش داده در ظرف مسی بی‌قلعی کحل کردن با آن نیز

خنثی

بیخ او مدقوق و گرفتن آب آن مخلوط با شرب حلو عتیق و مر و زعفران و طیخ جید داده کحل کردن با آن دوائیست نافع

زنجار الحديد

کحلا نیز

سماق

در آب خیسانیده شب و روز صاف کرده تقطیر کردن چشم را نیز

هللیج اصفر

در گلاب شب و روز خیسانیده و صاف نموده تقطیر کردن در چشم بالخاصیه مجربست

ماء الحصرم

قطورا نافع است نفع عجیب بالخاصیه مجربست

زنجار

پاره آن با ادویه سلاق مخلوط نمودن قویست فعل آن

حب ایارج

استفراغ کردن با آن نیز

شیاف

صمغ عربی و کتیرا هر واحد از آن سی درهم نوشادر دو درهم و نصف اسفیداج پنج درهم ادویه جمع کرده و سحق کرده با سفیدی تخم مرغ شیاف ساخته محکوک با گلاب کحل کردن نیز

شحم الرمان

ترش مدقوق ضمادا عجیب است فعل آن

میعه

دخان او کحلا نیز

زفت

کحلا نیز

قطران

دخان او کحلا نیز

خولان

کحلا بالخاصیه و حک کردن پلک چشم را با آب حصرم جدید و عتیق یا با گلاب بر منبت شعر

شیاف احمر

کحلا نیز

برود حصرم

جدید عتیق برائی سلاق مزمن کحلا نیز

دراج

برائی سلاق مزمن که باشد با او تناشر اشعار کحل کردن پشکل آن نیز

ماء الورد

قطورا در ابتدا نیز

عدس مطبوخ

در گلاب ضماد کردن نیز

بقله حمقا

عصاره آن ضمادا بالخاصیه نیز

هندبا

عصاره و روغن گل

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۵

و سفیدی بیضه ضمادا بالخاصیه

شیاف مر

سلاق را که حادث است بعد رمد زاج محرق و زعفران و سنبل هندی از هر کدام درهم شادنج مغسول درهم کوبیده و پارچه بیز نموده معجون به بیاض البیض ساخته خشک کرده با گلاب سائیده کحل کردن دافع سلاق است

دخان المر

کحلا نیز

کندر

دخان او کحلا نیز

اترج

ترشی او کحلا

لبلاب

عصاره او کحلا

صبر

کحلا

زنجبیل

کحلا

بطم

دخان او کحلا

شیاف توتیا

و اقلیمیا مامیران زید البحر هر واحد دو درهم خولان چهار درهم زنجبیل دو درهم صمغ عربی پنج درهم شیاف ساخته با ماء الحصرم حک کرده کحلا نیز

مصطکی

مخلوط در کحل نافع سلاق است

صمغ صنوبر

دخان او کحلا

زیت

عتیق کحلا گفۀ است ثابت بن قره که سلاق از رطوبت بورقیه مالح است و آن در ماق اکبر است یا در ماق اصغر یا در هر دو گفۀ است ابن بطلان منع است فصد در سلاق و گفۀ است تقطیر کن آب سماق را در ابتدائی سلاق پس تحقیق مسکن الم است و مقوی بصر و لازم بکن حمام را و استفراغ کن به طیبخ هلیج و غاریقون-

باب - ۶۳ در علاج حکه چشم و ماق

خل

حکه و جمیع آن چیزی که می‌گردد چشم را دور می‌کند خل ممزوج با آب و کافی است تکمید با آب سرد وحده

آبنوس

سوخته و شسه کحل کردن نافع حکه است

بطم

دخان او کحلا نیز

میعه

دخان او کحلا نیز

قطران

دخان او کحلا بالخاصیه دافع حکه است

زفت

دخان او کحلا نیز

سماق

یک اوقیه در نصف رطل آب طیبخ داده تا که باقی ثلث بماند صاف کرده پارچه باریک را دران فرو برده

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۶

ضماد کردن بر چشم دافع حکه است

کندر

کحلا و دخان او نیز کحلا

صبر

کحلا نیز قولان کحلا

فلفل

دور می کند دمع را و نافع است کحلا

زنجار

دور می کند دمع را هرگاه مخلوط کنند در کحل و استعمال کردن تنها زنگار را بسیار بدست

قلقطار

کحلا نیز

زنجبیل

کحلا

سنبل هندی

کحلا نیز

کحل نافع

توتیائی کرمانی دو درهم هلیج اصفر صبر سقوطری فلفل و دارفلفل مامیران عروق الصفر هر واحد ازینها یک درهم مسحوق مثل غبار ترتیب داده با آب حصرم پیش آفتاب هفت روز گذاشته و کحل ساخته بکار برند نافع حکه است

قشار الکندر

محرق کحلا نیز

قطن

دخان او کحلا

بصل

آب او و مثل او توتیائی کرمانی کحلا نیز گفۀ است جالینوس و رازی هر گاه استعمال کرده شود ادویه را قبل فصد و تنقیه و مسهل پیدا می‌شود در چشم درد و ضربان و سبب ریزش مواد است بسوئی چشم و گفۀ که حکه لازم است آن را دمع مالح بورقیه و سرخی پلک و بسا اوقات پیدا می‌شود قرع در پلک چشم پس استعمال کن در حکه ادویه جالیه دمع برائی تحلیل فضل ردیه و پیدا کن رطوبات صالحه را که مصلح است مزاج را با ملازمت حمام و باصلاح غذا

باب - ۶۴ در علاج قروح

کتیرا

کحلا

اقلیمیای فضا

بهم می‌آرد قروح را کحلا

آبنوس

محرق و غیر محرق کحلا نیز و مخلوط با ادویه چشم قویست فعل آن

قنفذ

تلخه او کحلا نیز

بسد

و آن مرجان احمر است تمر خسه او محرق کحلا

شقایق النعمان

کحلا نیز

کندر

یا دخان او یا هر دو کحلا نیز

طباشیر

پر می کند قروح را از روی گوشت

مر

کحلا نیز و جلا می دهد بیاض چشم را

شادنج

مغسول

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۷

پر می کند قروح چشم را کحلا گفۀ است رازی تجربه کردیم بمرات که شادنج با گلاب موثر است بسیار

تمر هندی

خسۀ محرق او کحلا نیز

حلزون محرق

کحلا نیز

ودع

محرق کحلا

نشادر

درست می کند قروح را و خشک می کند کحلا نیز

زفت

کحلا نیز

توبان النحاس

کحلا نیز

توتیا

کحلا نیز

وج

محرق کحلا نیز

بیض

قشر مدقوق مغسول کحلا نیز و مکلس نیز

زبد

دخان او کحلا پس درست می کند قروح را

طین مختوم

محلول در شیر زنان تقطیر کردن نیز

سکبینج

کحلا

اشق

مندمل قرح قرنيه است خصوصا وقتی که مخلوط کرده می شود کندر را بالخاصیه

اُمد

اصفهانى محرق پیداکننده لحم است

اسفیداج

مخلوط به ادویه بسرعت مندمل است

سِنجار

و آن خس بریست عصاره آن بشیر نساء نیز

لوف

عصاره آن کحلا نیز

زیتون

عصاره برگ او و صمغ او دور می کند و سخ قروح را

قنطوریون دقیق

عصاره او مخلوط با شیر زنان نافع است

کماذریوس

مسحوق با زیت نیز کحلا

حجل

تلخه او کحلا نیز سنور تلخه او کحلا نیز

عقاب

تلخه او کحلا نیز

دجاج

تلخه او کحلا نیز

صبر

کحلا

راسخ

کحلا

مرقشیشا

کحلا

ابریشم

محرق کحلا

ورد [۱۵]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۴۷
گگ یا تخم عصاره آن کحلا نیز

سنبل

هندی کحلا

شادنج

هندی کحلا

زعفران

درست می‌کند قروح را

مامینا

کحلا

لحیه التیس

عصاره آن کحلا

حلبه

طبیخ آن قطورا

جندبیدستر

به پیزاند قروح چشم را کحلا گفته است فرق در میان قروح و بثور آنست که در ابتدائی قروح رنگ او ابیض است و در ظهور بثور لون او احمر است گفته است علاج قروح فصد ذراع و حجامت است از ساقین و خوردن مسهل و بسا اوقات بریده می‌شود رگ پس هر دو

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۸

گوش و فصد کرده می‌شود شریان قیفال و حکک کرده نمی‌شود پلک را در علاج قروح از برائی آنکه التصاق وقتی که اضرار گرفت حکه بسرعت می‌کند

شیاف الکندر

منبت لحم است در قروح

باب - ۶۵ در دواهایی جالی آثار قروح را

حندقوقی

بستانی عصاره او با عسل کحل کردن بالخاصیه جالی قروح است

کندر

و قشر آن هر واحد ازینها جالیست نیز

سکینج

جالی و مرقق و ملطفست کحلا و جالی آثار قروح و دمعه است

ارنب

مراره او خمیر کرده با روغن و با شیر زنان لت کرده کحلا نیز

فاخته

خون او جالی آثار مزمنه است قطورا-

سندروس

بر مس حک کرده تقطیر کردن در چشم جالی عجیب است

املج

شگوفه او کحلا نیز

مرجان

کحلا نیز

بول صبی

که محتلم نشده باشد در ظرف نحاس بی‌قلعی با عسل طبیخ تام داده کحلا نیز

لؤلؤ

کحلا نیز

قنطوریون

عصاره او کحلا نیز

زجاج محرق مکاس

بعسل بمرات کحل کردن بالخاصیه

سنجار

عصاره او کحلا نیز-

فصل

در ادویه مانع انصباب مواد بسوئی چشم

کندر

دخان او قاطع مواد است از چشم و هرگاه مخلوط کرده شود کندر را بسفیدی بیضه و بر هر دو پهلوی گذاشته شود مانع ریزش مواد است بسوئی چشم

میعه

دخان او کحلا نیز

آبنوس

قاطع سیلان مواد است کحلا

انزروت

نیز

ایل شاخ

محرقت آن معجون به بیاض البیض گذاشتن بر هر دو پهلوی مانع سیلان مواد است باقلا آرد آن با سفیدی بیضه طلا کردن بر هر دو پهلوی نیز

بطیخ

قشر او ضمادا بر جبه نیز

دل‌ب

برگ

طب فریدی، متن، ص: ۱۴۹

تازه او کوبیده حل کرده ضماد کردن بر جبه نیز

بنج

تخم او مخلوط با ادویه مانع سیلان مواد است

قطران

با شیر زنان کحلا بر پلک چشم نیز

کندر

و صبر جمع کرده بر طوبت صدف ضماد کردن جبه را مانع انصباب مواد است

باب - ۶۶ در علاج کمنه**مرزنجوش**

برگ‌هائی کوبیده او مطبوخ با عسل ضماد کردن کمنه را زایل می‌کند و با سرکه تند کوبیده طلا کردن نیز

فجل

پوست بیخ او با عسل ضماد کردن دور می‌کند عارضه تحت چشم را و تخم او با عسل ضماد کردن نیز و عصیر آن با عسل طلا کردن نیز

فلل الماء

برگ او با ثمره او ضماد کردن کمنه را دافع است

صبر

ضماد کردن با عسل دافع کمنه است

ملح

با عسل ضماد کردن نیز

کمون البری

مخلوط با زیت ضماد کردن نیز و بیخ مطبوخ او با زیت مثل اوست

نانخواه

با عسل ضمادا و تکمید کردن قالع آثار خون است که عارض است تحت چشم و با شراب ضمادا نیز

ورشان

خون او ضمادا نیز

فوتنج

جمع اقسام آن زایل کننده کمنه چشم است و نهری مطبوخ با شراب ضمادا بالخاصیه

قطران

مطبوخ با شراب ضمادا نیز

خل

با عسل ضمادا نیز

انجدان

بیخ او با زیت ضمادا نیز

بلبوس

بیخ او مخلوط با زردی بیضه ضمادا دافع کمنه است

زوفائی یابس

مخلوط با زردی بیضه ضمادا و مطبوخ با مسکه ضمادا نیز

جبن

تازه بی نمک ضمادا

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۰

نیز

باقلا

آرد او و آرد حله با عسل ضمادا نیز

راوند چینی

با گلاب یا سرکه

لعاب الصایم

ضمادا نیز

مردار سنگ

ضمادا نیز

ترمس

ضمادا

ثافسیا و کندر و شمع

ضمادا نیز

ثوم

محرق خاکستر او با عسل ضمادا نیز

سندروس

ضمادا نیز

افستین

با شهد ضمادا نیز و مخلوط با سرکه

سماق

ضمادا نیز

قصب الزریره

ضمادا نیز

خردل

ضمادا نیز

عسل مقوم

مخلوط با خردل ضمادا نیز و با ملح بالخاصیه

گرسنه

ضمادا نیز

دم الشفانیز

ضمادا نیز

مرقشیشا

ضمادا نیز

مر

محلول در آب ترب ضمادا نیز

بط

پیه او با خردل ضمادا نیز-

باب - ۶۷ در علاج حول

ریتة

و آن بندق هندی است مخلوط با ائمد کحل کردن نیز بالخاصیه ریتة گرم کرده رطوبت آن با ائمد مخلوط ساخته کحل کردن

زیتون

عصاره برگ آن نیز

نطرون

با قنه میل کشیده بر چشم کشیدن دافع حول است

شفانیز

خون او تقطیر کردن در چشم نیز

فاخته

خون او تقطیر کردن در چشم نیز گفته است رازی حول خلقی نیست بلکه حادث است به سبب علت‌هائی سر چنانچه صرع و سدر و دوار و گاه پیدا می‌شود از رطوبت دماغ و گفته است جالینوس که حول میل از استقامت است و سبب او یا استرخائی عضلات چشم یا مره است یا رطوبت است یا خشکی است و بر گشتن چشم بسوئی فوق یا بسوئی اسفل می‌بیند یک را دو شی

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۱

باب - ۶۸ در علاج جحوظ

اقاقیا

ضمادا

آسی

عصاره آن ضمادا نیز

هندبا

کوفته ضمادا نیز

عصا الراعی

عصاره آن ضمادا نیز

خولان

ضمادا نیز

حضض مکی

ضمادا نیز

لحیه التیس

عصاره آن ضمادا نیز بالخاصیه

هللیج کابلی

پاک می‌کند از خلط بدن را

غار یقون

ایضا

مطبوخ الفواکه

پاک می‌کند بدن را نیز گفته است جالینوس و رازی علاج جعوظ چشم استفراغ بفصد و دوائی مسهل است بعد آن وضع محجمه است بر قفا-

باب ۶۹ در علاج زرقه

زعفران

با آب کحلا اگر پیدا است بعد مرض گرم و تند و تیز

شقایق النعمان

عصاره آن کحلا نیز

بندق

محرق پوست او مسحوق با زیت بر یافوخ صبیان مالیدن دور می‌کند زرقیت چشم را و سیاه می‌کند چشم را

حنظل

ترو تازه میل درو داخل کرده کحلا نافع است زرقه چشم را و عصاره او تقطیر کردن در چشم نیز

حنظل و حلزون

مثل غبار سحق کرده بمرات کحلا نیز

رمان

عصاره پوست آن تقطیر کردن در چشم و بعد ساعت تقطیر کردن در آن عصاره ورق که در قشر رمان مخزونست سیاه می‌کند چشم را

عفص

درهم اقاویا شش درهم مثل غبار سائیده معجون- بعصاره شقایق النعمان تقطیر کردن با خرقة پیچیده در چشم دور می‌کند زرقیت را

اتان

شیر او تقطیر کردن در چشم بمرات کثیره گرما گرم نافع است نیز

قلقدیس

دو درهم اقاویا دو درهم عفص دو درهم مثل غبار سائیده کحل کردن دور می کند زرقه را

جوز

عصاره پوست سبز آن کحلا مسود زرقه است

عنب الثعلب

عصاره او قطورا در زرقه بمرات مسود است گفته است جالینوس زرقه که عارض

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۲

است مشایخ را می باشد از بسیاری خشکی چشم و این زرقه نوعیست از آب متولد در چشم و قال صاحب الحاوی زرقه عارضه

جمود رطوبت جلیدیه است و انعقاد آن و درین حالت حادث می شود نابینائی تمام-

باب ۷۰ در علاج انتشار**رازبانج**

آب عصاره آن ده درهم عسل پنج درهم جوش داده تا غلیظ شود قوام آن کحل کردن نافع انتشار است

باشق

تلخه آن کحلا نیز

ورد

خشک یا تر ضمادا دافع انتشار است که حادث است از ضربه

سندل

دافع انتشار که حادث از ضربه است ضمادا نیز

فوفل

نیز ضمادا

نیلوفر

ضمادا نیز

خلاف

برگ آن و شگوفه آن نافع انتشار و نثو است نیز

باقلا

آرد او معجون کردن بشراب و ضماد کردن نیز

سکنجین السگری

و دقیق الباقلا ضمادا نیز

شیاف

عصیر الرازیانج تازه و عصیر ورد پیش آفتاب نهاده تا غلیظ شود شیاف ساخته کحلا نیز

خلتیت

اکلا و کحلا نیز

فرفیون

دو درم فلفل چهار درهم مثل غبار کوبیده با تلخه بز خمیر نموده شیاف ساخته کحلا نیز

اقلیمیا

هر نوع که باشد کحل کردن نیز

لؤلؤ

کحلا

خطمی

و آرد باقلا و بابونج معجون با آب سرد و شراب ضمادا نیز

بیضه

زردی و سفیدی آن مخلوط با سه درهم روغن گل دافع انتشار است

شبوط

زهره آن کحلا نیز

مرارة المعز

کحلا نیز

عنب الثعلب

عصاره آن ضمادا نیز

نشا

با زعفران ضمادا نیز گفته است رازی که دواهایی نزل مانع‌اند انتشار را-

باب ۷۱ فی الضیق**بابونج**

و اکلیل الملک و فرنجمشک نطول کردن بر سر نافع است ضیق را

بان

روغن او بسیار استعمال کردن نیز

شیاف

جاوشیر

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۳

زنجار هر واحد یک درهم زعفران چهار درهم شیاف کرده کحلا نیز

شیاف دیگر

نافع است ضیق را وقتی که باشد از رطوبت عاقرقرحا درهم نجار ربع درهم شیاف ساخته کحلا نیز گفته است حریری ضیق اگر بالطبع است محمود است و اگر بالعرض است ردیست و گفته است رازی وقتی که تنک می‌بیند مریض اشیائی بزرگ را تدبیر آن ریختن آب گرم بر سر و رو و گفته است حریری اگر عارض شد ضیق از خشکی پس علاج کن با اشیائی مرطبه و حمام و ریختن آب شیر گرم معتدل بر سر غرق کردن سر را بدهن البنفسج و بادام و روغن کدو و روغن هیل-

باب ۷۲ فی الاتساع

باقلا

آرد او معجون بشراب ضماد کردن نافع است اتساع را بالخاصیه

رازیانج

آب او قطورا در چشم نیز گفته است طبری و رازی انفع دوا در اتساع وضع محجمه است و گاه وسیع می شود حدقه چشم و می بیند شی را اصغر و بسا اوقات باطل می شود بصارت پس فصد کن و استفراغ کن بدوائی مسهل و فصد ماق کن و حجامت کن بر نقره و نطول فرما بر چشم از آب سرد و نمکین و سرکه و بگذار محجمه بر هر دو بنا گوش و اگر حادث شد اتساع از خشکی پس علاج نیست و اگر حادث شد از ورم یا ضربه علاج او فصد قیفالست و شستن چشم بشیر دختران و سرمه شادنج مغسول و تخفیف غذا و استعمال مزورات و اگر حادث شد از رطوبت کثیره پس اگر مریض صبی است استعمال کن شیاف را از عصاره آس تر و از زعفران-

باب - ۷۳ فی الشتره**اشاره**

اگر از نقصان ماده است پس علاج نیست و اگر از استرخا است استعمال کن موقویات را و اگر از تشنج است پس دوائی که سست بکند-

علیق

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۴
عصاره ورق او و اطراف او قطورا

عوسج

عصاره ورق او و اطراف ورق او قطورا نیز گفته است ابن مختر شگوفه سفید بابونج خشک کرده بکوبند یک جز ازو و ربع جز اشق مخلوط کرده استعمال نمایند و گفته است حریری شتره یا از نقصان ماده یا از تشنج یا از استرخائی عضل یا از خیاطت جفن است گفته است ثابت ابتدا کن استفراغ بمطبوخ فواکه قبل علاج و فصد کن از قیفال و گفته است پرهیز بکن از دواهایی قابضه مجففه مگر بعد فصد و گفته است عبدوس شتره اگر خلقی است لاعلاج است-

باب - ۷۴ فی الدبيله**اشاره**

گفته است حریری قرحه که بگیرد تمام سیاهی چشم را قلیل است که سالم بماند چشم از آن

حلبه

تقطیر کن در چشم طیبخ حلبه را

اکلیل الملک

طیبخ او قطورا

بزر الکتان

لعاب او نیم گرم منضج است تقطیرا

لبن الجاریه

با سفیدی بیضه قطورا

شیاف الابار

کندری بعد انفجار علاج است دبيله را

شیاف الاحمر

بعد التحام کحلا نیز

عوسج

در آخر کار کحلا مجلی است

شاهترج

عصاره آن شربا با شکر

عدس

ضمادا در ابتدا مطبوخ در آب بهی یا جرم بهی نیز

بیضه

زردی آن بعد سه روز با زعفران ضمادا نیز

شیاف اخضر

در اواخر کحلا

زیتون

عصاره برگ او ضمادا در ابتدا

سنبل هندی

مخلوط بوزن او تخم گل ضمادا نیز

طین مختوم

ضمادا نیز

اسفیداج

نیز

عفس

سه درهم اصفهانی پنج درهم مثل غبار سائیده در چشم کشند گفته است احمد بن ثابت فصد کن اولاً بعده حجامت کن و استفراغ ده بمطبوخ افیمون یا غاریقون
طب فریدی، متن، ص: ۱۵۵

یا فواکه یا هلیج و قلیل کن غذا را با مزورات پس اگر ضعف قوت باشد غذا کن بفراریج و زردی نیم برشت گفته است ثابت بن قره دیبله قرحه ردیه است حادث می شود در ملتحمه یا در قرنيه پس تدارک کن از اول حدوث آن و هرگاه بزرگ شد منفجر خواهد شد و برآید جمیع رطوبات چشم و گفته است که علاج آن تقطیر است در چشم سفیدی بیضه و روغن بنفشه و شیر دختران بمرات صبح و شام و امر کن مریض را بقلت کلام و صحبت و تعب و لازم دارد سکون و دعت و راحت را-

باب- ۷۵ فی التوثه

و آن گوشت نرم و سرخ است در باطن جفن می رود از خون و گفته است جوزی التوثه حادث می شود از ماده دموی که از عروق بر سبیل ترشح برمی آید و گفته علی بن عیسی ابتدا کن علاج آن بفصد قیفال و حجامت بر ساق و استعمال دوائی مسهله تا پاک شود بدن و نیز توثه لحم سست است سیاه رنگ و اکثر عارض می شود جفن اسفل را و گاه عارض می شود جفن اعلی را در ظاهر یا در باطن و پیدا می شود از دم محرق

باب- ۷۶ فی السعفه

اشاره

گفته است حریری سعفه قروح صغار است و حادث می شود از بلغم عفن یا از سودا و دلیل آن رنگ هر دو و گاه مرکب می شود از هر دو و گاه می باشد از صفرا و دلیل آن زردی رنگ است و علاج فصد و استفراغ است به دوا که برآرد ماده علت مذکوره را
طب فریدی، متن، ص: ۱۵۶

شیاف

احمر حاد کحلا نیز

حب الایارج

استفراغ بسه روز پی‌درپی یک مثقال نیز

حمام

دخول حمام نافع است سعه را هر روز یا بعد دو روز از حمام برآمده بروغن گل و قنبیل و اسفیداج تدهین کردن نافع است و پرهیز کن از کشک و از هر چیزی که مولد سوداست و غذا کن غذائی لطیفه و بیضه نیم برشت

باب- ۷۷ فی النمله**اشاره**

و آن قروح صغار است اکاله در پلک چشم گفته است رازی نمله قروح است در پلک چشم هلیج اصفر و تمر هندی و سنامکی و محموده مسهل ده ازینها

مامیثا

طلا کردن بر پلک چشم با صبر و خولان و زعفران و آب کاسنی

برود حصرم

کحلا و

شیاف احمر

نیز

حوضی مکی

زعفران مر نافع است و گفته است حریری نمله گاه می‌باشد از صفراء محرقه هر گاه بریزد در پلک و منتشر می‌شود مویهائی پلک و دیده می‌شود بیخهائی مو منشق و برنگ سرخ

باب- ۷۸ فی السرطان**اشاره**

ورم صلب است که عارض می‌شود در طبقه قرنیه‌ی اعلی که باعث درد سخت است با تمدد و نفس قوی خصوصا وقت حرکت و

صداع و سقوط شهوت طعام و نفع نمی‌کند علاج مگر به تسکین الم

سفوف

حجر ارمنی هلیج کابلی بسفایج و نمک هندی و غاریقون و مسهل ده باین سفوف با آب کشنیز

سفوف مبدل

تخم خیار و تخم کدو و لسان الثور و اصل سوس و صندل مقاصری و تباشیر

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۷

و گل سرخ منزوع الاقماع و کشنیز خشک سحق کن همه را و بنوش با آب پنیر هر روز پنج درهم

شادنج

و نشا صبح و شام کحل کن چند میل

شیاف مامیثا

حک کن بشیر دختران صبح و شام و هر روز کحل کن چند میل نافع و مسکن الم است

شادنج

و مامیثا و طین مختوم و لولو هر واحد درهم سحق کن و کحل کن در چشم

شیاف مامیثا

طین مختوم و لولو هر واحد درهم سحق کن مثل غبار و کحل کن مسکن الم است

باب- ۷۹ فی الشرناق

اشاره

شرناق زیادتی شحم است در پلک اعلی و گفته است حریری علاج شرناق فصد است و حجامت ساقین و استفراغ بقرص بنفسج و

ایارج فیقرا

صبر

طلاء بر جفن نیز

مامیثا

نیز

مر

طلاء نیز

بسد

طلاء نیز

طلا

مر بسد اقاچیا هر واحد یک درهم زعفران نصف درهم معجون کن با آب آس تازه و طلا بکن بر جفن

باب - ۸۰ فی الدم**اشاره**

و آن ورم صلب است حادث می شود در باطن جفن اسفل یا در ظاهر و تولد او از صفرا و خون است و عارض می شود درد

طین مختوم

ضمادا

اشق

با آب کشنیز سبز ضمادا بعد جمع شدن چرک

بقلة الحمقا

حشیش آن مدقوق بروغن بنفشه ضمادا نیز و اگر داخل است تقطیر کن بعد خروج مدء مخ البیض و دهن بنفشه و اگر خارج است بچسپان روغن را روز و شب و در صبح مرهم اسود

قیروطی

بشو چشم را روز شب با آب گرم بسیار مرتبه و قیروطی بگذار

شیاف احمر

با لبن کحل کردن-

داخلیون

بعد انقطاع خون بگذار

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۸

باب - ۸۱ فی بیاض الهدب

استفراغ با هلیله کابلی و غاریقون و ایارج فیکرا و غرغره کردن با ایارج فیکرا و مصطکی و قرنفل جاوید طلا کردن بر جفن دفع بیاض است

باب - ۸۲ فی الخیال

اشاره

سه قسمت است یا از معده و یا از غلظ رطوبت بیضیه یا از مشارکت استفراغ کن با ایارج فیکرا بعد از دو روز استعمال کن بذر کرفس و انیسون و مرماخور و کحل عزیزی استعمال کن بعد از تنقیه معده و بدن و پرهیز کن از حرکات عنیفه و جماع

سلحفات

بری تلخه او کحلا مانع نزول الماء است و سر محرق او کحلا نیز

باب - ۸۳ فی الغده

علاج آن فصد قیفال است و حجامت ساق و استفراغ بحب ایارج بعد ازین علاج با آهن و مضغ کن کمون را و نمک را و تقطیر کن در چشم بعد ازین زردی بیضه با روغن گل و به بند تا دو روز

باب - ۸۴ فی استرخاء الجفن

اشاره

استفراغ کن بحب ایارج و بعد پنج روز استعمال کن اطریفل صغیر را

صبر

طلا کن جفن را بالخاصیه

ضماد

اقاقیا و حضض و زعفران و بسد و صبر اجزا برابر معجون کن بماء مورد و ضماد کن

اقاقیا سائیده

بر پلک چشم بگذار

شجر الارز

دخان او کحلا

شبت

کحلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۵۹

باب - ۸۵ فی الجهر

اشاره

علاج کن بمقویات دماغ به ادویته بارده مثل لخلخه و سرکه و گلاب و به هر چیزی که علاج کرده شود صداع را و بریزان آب معتدل را بر سر

نطول

بنفشه زهره بابونه و بذر خطمی خوب جوش داده بخار گرفتن و نطول کردن بر سر در حمام

فصل

کسی که می بیند از دور و نمی بیند از نزدیک و بالعکس علاج کن بحب ایارج و حب فوقا و منع کن مریض را از استعمال ادهان و شم کن مرزنجوش را و غذا کن فراریج مشویه و مطبخه را و قلیه هائی لحوم طیور را و اگر مادرزاد است لاعلاج است و اگر حادث است پس دوا کن بادویه مسهله بعد فصد و غرغره و معطسات نیز

کحل فلفل

قنبیل اجزا برابر کحل کن

کرکی

زهره او کحلا

تیس جبلی

کحلا نیز

باشق

مراه او کحلا

ارنب

مثلا

رازبانج

با شهد کحلا

سلحفاة

زهره او کحلا

کحل مجرب

فلفل دارفلفل اجزا برابر

کماشیر

شخصی که نمی‌بیند کواکب و نه قمر پس سعوط کن کماشیر و دهن بنفسج مجرب

باب - ۸۶ فی الشری

اشاره

استفراغ کن به حب ایارج و فوقیا

دارفلفل

در جگر گوسفند گذاشته بریان کرده کحل کن صدید او را و دارفلفل خشک کرده مثل غبار سائیده کحل کن و غذا کن زردی نیم برشت را و کحل کن روشنائی را صبح و شام سه میل

باب - ۸۷ فی الخفش

دهن بنفسج

با شیر دختران و حمام با آب معتدل و منع کردن از غذائی حریفه مالح
طب فریدی، متن، ص: ۱۶۰

باب - ۸۸ فی ورم العین

ورد

ضمادا

کندر

دخان او کحلا

بنفسج

برگ سبز او ضمادا

حی العالم

ضمادا

زعفران

و ورق گل ضمادا

بیضه

زردی او با روغن گل ضمادا

صفرتها

گرم کرده ضمادا

سفرجل

گرم کرده ضمادا

بقلة الحمقا

عصاره او با آرد جو ضمادا

سویق الشعیر

با برگ بنفشه و با شیر ضمادا

بنج

عصاره برگ با سویق شعیر ضمادا-

آسی

مثله

شادنج

مغسول کحلا و ضمادا-

عنب الثعلب

با آرد جو ضمادا

خل

با آرد جو ضمادا

الادویته المسکنه الوجع

ورد

کزبره خضرا

عصیر آن تقطیر در چشم با شیر دختران

بیض

زردی آن با زعفران و روغن گل ضمادا و بالخاصیه سفیدی آن مسکن وجع است و نرم کند سختی پلک را

رمان حلو

مدقوق با شحم و مطبوخ با شراب حلب ضمادا نافع است

اسفنج

تکمید چشم در آب گرم نافع است

حماما

و زعفران و زردی بیضه و روغن گل ضمادا نیز

جلنار

و اکیلل الملک طبخ داده کمادا نیز

شیاف

دارچینی کحلا نیز

اکلیل الملک

و برگ کشنیز سبز و زردی بیضه و روغن گل و خبز گندم منقوع در آب عنب مخلوط ضمادا نیز

غبار الرحی

ضمادا بر پیشانی مسکن وجع است

افیون

محکوک بشیر دختران تقطیر او مسکن ضربه است

میفختج

و اکلیل الملک و زعفران و افیون قدر عدسه ضمادا نیز

زعفران

و برگ گل و زردی بیضه ضمادا نیز

لبن الجواری

نشاسته حل کرده تقطیر در چشم نیز

نشا

سفیدی بیضه حل کرده تقطیر در چشم

خولان

با آب گلاب نیز

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۱

باب - ۸۹ فی صغر العین و ذبولها

اشاره

گفته است رازی صغر عین از خشک شدن رطوبات چشم است پس غذا کن اغذیه مرطبه و چرب چنانچه شحم دجاج و لحم حملان و اجتناب کن از تعب و دخان و غبار

لبن النساء

بدوشان در چشم یا مخلوط کن به سفیدی بیضه و دهن بنفسج

قرع

تخم او مدقوق در آب و با شکر شربا نیز و سعوط کن دهن بنفسج و شیر دختران نیز

الادویة اللمضره للعین**بادروج****ملح****کرنب****لحوم****غلیظه****سرکه****جماع****حجامت****کرات****جرجیر****زیتون****الادویة الحافظه لصحة العیون****توتیا**

مسحوق با آب مرزنجوش هفت روز در آفتاب گذاشته کحلا

اٹمد**کحلا****مرقشیشائی**

ذهبی و فضی کحلا

شادنج

کحلا

باب - ۹۰ فی وجع الاذن

افستین

بخار طبیخ او نافع است

اکلیل الملک

عصاره او با میفختج مسکن است

افیون

و زعفران و مر قطورا نیز

سنجار

طبیخ بیخ آن تقطیر کردن مسکن وجع است مجرب [۱۶]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۶۱

اذان الفار

عصاره او قطورا

کندش

مسکن وجع و منقی و سغ است

خروع

روغن او با روغن گل قطورا نیز

قنب

روغن تخم او قطورا

بزر شهدانج

قطورا

سلق

عصاره طبیخ او با عسل تقطیر کردن نیز

حشیشه

عصاره او بروغن گل

مومیائی

وزن یک حبه بروغن گل تقطیرا نیز

دهن اللوز

قطورا و سعوطا و جوش داده با نسج عنکبوت سعوطا نیز

شونیز

مدقوق با زیت

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۲

تقطیرا نیز

نعناع

عصاره او با شهد قطورا

قرع

عصاره ورق تازه او قطورا

دهن الناردین

و جندیب دستر وزن حبه تقطیرا-

دهن البان

با جندیب دستر ایضا

لسان الحمل

قطورا کرنب با روغن گل و کندر تقطیرا

معز بول

او قطورا

شجر الارز

عصاره او قطورا

دود الجراد

طبیخ او و دهن البان تقطیرا

بادروج

جاوید در گوش چکانیدن مسکن وجع است

خراطین

طبیخ او با زیت تقطیرا نیز

کبش

زهره او قطورا

بنج

روغن تخم او قطورا

فجل

روغن تخم کهنه او مروخا

فراسیون

بخار طبیخ او در قمقم مسکن بارد است

فوه الصبغ

عصاره او قطورا نیز

سلخ الحیه

در شراب جوش داده تقطیرا نیز

مصطگی

با روغن یاسمین تقطیرا مسکن است

نرجسی

دهن او قطورا

خنفسا

طبیخ در زیت تقطیرا

قصب الزریره

طبیخ او نیز

ایرسا

دهن او نیز

سداب

عصاره آن جوش داده تقطیرا نیز

لبن النساء

در گوش تقطیرا

سوسن

قطورا نیز

عنب الثعلب

با روغن گل قطورا نیز

زوفا

با پیه بط قطورا نیز

خولان

چهار درهم افیون یک درهم عسل پنج درهم فتیله ساخه در گوش گذاشتن مسکن وجع است

دارچینی

خوردن نیز

شعر الانسان

محرَق با روغن گل مسکن وجع شدید است و با شراب قطورا

کراث

عصاره او با سرکه و روغن گل و کندر قطورا با شیر دختران نیز

نطرون

با خل گداخته قطورا نیز

حنظل

در زیت جوش داده تقطیرا نیز

شحم الحنظل

دو درهم ثوم سه درهم عصاره سداب ده درهم با زیت جوش داده تا که زیت بماند تقطیرا مجرب است

قرع

با روغن تلخ قطورا

بادنجان

اصفر خالی کرده روغن کدو تلخ

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۳

پر کرده بر آتش گذاشته سه ساعت تقطیرا نیز

خشخاش

روغن آن قطورا در گوش نیز

نفت ابيض

تقطیرا نیز

سمانی

خون او قطورا نیز

سرطان نهري

کوبیده جوش داده در زيت تا مهرا شود قطورا نیز

صرصر

در زيت جوش داده تقطیرا نیز

بصل

با زيت جوش داده تقطیرا نیز

بيروج الصنم

زهره او بارد را نیز

قنطوريون دقيق

عصاره او بدهن سوسن قطورا

فرفيون

یک درهم در ده درم زيت جوش داده تقطیرا نیز

ماعز

مراهه او با روغن بادام تلخ و عصاره افسنتين طبخ داده تقطیرا

شحم الضب

با دهن سوسن تقطیر کردن نیز

کرم

شگوفه او در روغن خیری حل کرده تقطیرا نیز فلفل کوبیده مخلوط بروغن گل تقطیرا نیز

خوبق اسود

جندبیدستر یک یک درهم زعفران دو درهم فتیله ساخته نیز

حلتیت

با زنجبیل و روغن خردل تقطیرا

گمون

معجون با عسل فتیله ساخته نیز

کادی

روغن او قطورا

دارفلفل

با زیت سحقی ساخته تقطیرا نیز

باب - ۹۱ فی ورم الاذن

اکلیل الملک

نافع است ضمادا

نفت ابیض

ایضا

زعفران

ایضا

فرجسی

روغن او ضمادا

جندبیدستر

افیون

می‌فختج دور می‌کند ورم بارد را ضمادا

کرنب

عصاره او با آرد باقلا و روغن سوسن مطبوخ کرده ضمادا نیز گفته است رازی علاج ورم‌ها در گوش فصد قیفال است و استفراغ بمطبوخ فواکه و غذا آب جو با شراب نیلوفر و ضماد با زبد و سفیدی بیضه و شیر دختران و در گوش شیر چکانیدن نیز طب فریدی، متن، ص: ۱۶۴

باب- ۹۲ فی سددالاذن**شمش**

روغن خسته تلخ او مفتوح است

شبت

روغن او قطورا نیز

الفجل

دهن او قطورا نیز

لوز المر

دهن او قطورا

خردل

روغن او قطورا

قنب

عصاره برگ او قطورا نیز

سداب

روغن او قطورا نیز

باب- ۹۳ فی الطرش و الصمم

شحم الشفانیز

قطورا

خل

بر سنگ گرم پاشیده بخار گرفتن نیز

عنصل

سرکه آن قطورا

خروع

روغن او قطورا

حنظل

عصاره برگ او قطورا

بابونج

و اکلیل الملک کوبیده با آرد جو و روغن خل مطبوخ ضماد کردن دافع صمم است

خردل

مدقوق با عسل فتیله ساخته نیز

مرارة البقر

قطورا

مرارة الغنم

پوست آن مدقوق با نمک تقطیرا نیز

قطران

فتیله تر کرده در گوش گذاشتن نیز

خربق اسود

چوب او در گوش گذاشتن دو روز یا سه روز نافع است

جندبیدستر

نافع است نفع عجیب

کبریت

بخار او در گوش گذاشتن نیز

ابهل

ثمره او جوش داده با دهن خل در ظرف حدید تا سیاه شود تقطیرا نیز

دهن العقارب

تقطیرا بمرات در گوش نیز

باب - ۹۴ فی الدوی و الطنین**مرزنجوش**

عصاره او با روغن بادام تلخ تقطیر کردن نافع است

زیتون

برگ او مدقوق مطبوخ تقطیر کردن نیز

حب الغار

مدقوق طبخ داده با عسل تقطیرا نیز

مازیون

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۵

روغن او قطورا نیز

خل

و بول گاو قطورا نیز و زهره گاو با آب کراث تقطیرا نیز

مازیون

مسحوق با بول معز تقطیرا نیز

خل

جوش داده بخار او بقمع نافع است دوی و طنین را

تین

با خردل مدقوق با آب فتیله ساخته در گوش گذاشتن نیز

نارجیل

قطورا با شراب کهنه و یا با عسل

مراریر

جمع مراهها قطورا نیز

لوز الحلو

همیشه خوردن او نافع است

فجل

عصاره آن قطورا

سوسن

و مشمش هر واحد یک درهم روغن سداب شش درهم خل سه درهم مخلوط مقطر ساختن نیز

کمون

مسحوق در شحم دجاج مذاب کرده هفت مرتبه تقطیرا نیز-

باب - ۹۵ فی قروح الاذن

خولان

فتیله ساخته استعمال کردن نیز

لبلاب

با روغن گل تقطیر کردن نیز

جاموس

زهرة او نافع است مده جاريه را قطورا

لحيه التيس

بيخ او نافع است

زبد

قطورا

صبر

به آب لسان الحمل تقطيرا نيز

خيث الحديد

با سرکه تند تقطيرا نيز

حوضى مكى

مخلوط با شراب كهنه تقطيرا نيز

بول انسان

با عصاره سداب تقطيرا نيز

بول انسان

قطورا

كندر

مدقوق بشراب عتيق تقطيرا نيز

زرنیخ

احمر مثل غبار سائیده با عسل تر کرده در گوش نهادن نيز

مرهم

عجیب برای قروح اذن مجرب

انزروت

زبد البحر

بورق ارمنی

کندر

مر

شیاف

مامیثا مدقوق و معجون با عسل و سرکه پس تقطیر کردن در گوش با شراب کهنه دور می‌کند قروح را

مرهم

باسلیقون

محلول با روغن گل تقطیر کردن نافع است بالخاصیه

ماء الفاتر

نطولا

بول ابل

دور می‌کند قروح را و گاه سیلان می‌کند رطوبت

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۶

از گوش صبیان و سبب آن کثرت شیر دادن است در شب علاج او ترک شیر دادن است در شب

حضض مکی

خبث حدید نافع است با خل و تقطیر او در گوش صبیان-

ماء الزیتون المملوح

تقطیر کردن مر قروح مزمنه را در گوش

سمن العتیق

مخلوط با شیر دختران تقطیر کردن نافع است مده را و قیح را-

باب - ۹۶ فی الضربه و الصدمه

کندر

مدقوق در شیر زنان حل کرده مسکن است وجع را

پنجنگشت

و حرمل و آس طبخ کرده بدهن نافع است صدمه اذن را

انیسون

کوفته با روغن گل تقطیر کردن نیز

اسفیداج الرصاص

نافع است طلاء

بورق

جوش داده در سرکه نافع است انفجار دم را

بیضه

مخلوط زردی آن با سفیدی نافع است ضربه و صدمه را ضمادا.

باب - ۹۷ فی الرطوبة الجارية من الاذن

شبت

تقطیر کردن در گوش

زفت

رطب و روغن گل قطورا نیز

صبر

حل کرده در آب لسان الحمل نیز-

مرارة الثور

با شیر دختران قطورا نیز

باب- ۹۸ فی دود الاذن

عذبه

سحق کرده با آب بادیان تقطیر کردن

توتیائی هندی

معجون با زردی بیضه در گوش نگاه داشتن دافع درد است

بول صبیان

قبل بلوغ جوش داده در پوست انار تقطیرا نیز

حنظل

عصاره تازه او یا طبیخ خشک او قطورا نیز

عفص

مسحوق مخلوط بروغن گل تقطیرا نیز

بقر

گوشت

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۷

گاو قدید جوش داده تقطیرا نیز

خریق ابیض

مسحوق مخلوط با سرکه قطورا نیز

نشادر

محلول با شیر دختران قطورا نیز-

باب- ۹۹ فی دخول الماء فی الاذن

بصل

آب پیاز قطورا

بیض

سفیدی تخم با شیر دختران قطورا گفته است رازی شخصی که داخل شد در گوش او آب باید که دگر بار آب بیندازد و بخاید همون طرف آب اول و ثانی بدر می‌رود-

باب- ۱۰۰ فی الريح الباردة یصیب الاذن

زوفا

بخار گرفتن بقمع دافع ریح گوش است

صعتر

مثله

فجل

روغن تخم او قطورا

جندبیدستر

محلول در روغن خیری تقطیرا

لبن البلسان

قطورا سه قطر

باب- ۱۰۱ فی الورم الحادث فی خلل

اشاره

الاذن

ابل

ضماد کردن مغز ساق او را منضج و محلل است

بقر

مغز ساق او ضمادا نیز

تین

ضمادا منضح است

باقلا

پوست او ضمادا

بزرقطونا

با سرکه و روغن گال ضمادا

زعفران

محلل است ضمادا ایرسا بیخ او با شراب ضمادا

عنب الثعلب

با نمک کوفته ضمادا

لحم الصدف

ضمادا محلل ست

بعر الماعز

با آرد جو و شراب یا سرکه ضمادا نیز-

باب- ۱۰۲ فی دخول الحيوان و غيره في الاذن**بصل**

آب آن تقطيرا

زیت

تقطيرا مجرب

مر

با روغن بادام تقطيرا نیز

فصل فی منقیات الاذن

عسل

قوام غلیظ آن
طب فریدی، متن، ص: ۱۶۸
فتیله ساخته در گوش نهادن منقی است

لوز المر

مخلوط با عسل فتیله ساخته در گوش نهادن نیز

زعفران

سنبل ورد احمر در گوش گذاشتن نیز

باب - ۱۰۳ فی الرعاف

ثور

براده شاخ گاو شربا

کافور

سعوط کردن دو حبه با آب کشنیز سبز قاطع رعاف است

آملج

عصاره او با کافور سعوطا

کهربا

شربا و تعلیقا و نشوقا

خرء الحمام

و ائمد قاطع رعاف دماغست نشوقا

خرء الحمام

سوخته معجون با سرکه اذن مرعوف را مالیدن دافع رعافست

جلنار

چهار درهم کندر دو درهم سائیده ذرور کردن در بینی و آب آس معجون کرده بر پیشانی ضماد کردن دافع رعافست

عقیق

مسحوق قاطع رعافست

مغیلان

از ثمر و برگ او آب گرفته قطورا

یاقوت

تعلیقا دافع رعافست

کزبره

یابسه سحق کرده مثل غبار نفخ کردن در بینی

جنطیانا

دهدرم حنا بیست درم خضاب کردن دست را سه شب دافع رعافست

کمون کرمانی

نفوخوا

کافور

مداومت شم او نیز

افیون

محلول در گلاب مالیدن بر پیشانی نیز و مدقوق مطبوخ ضمادا پیشانی را نیز

باب- ۱۰۴ فی ورم الانف و حكه**زبد**

طلاء

صبر

فتیله ساختن و طلاء

طب فریدی، متن، ص: ۱۶۹

باب- ۱۰۵ فی الخشم

نسرین

شما و سعوطا

مراریر

همه آن نافع است قطورا

شونیز

پنج روز در سرکه گذاشته و خشک کرده مخلوط بزیت کهنه تقطیرا در بینی

جمل

بول او استنشاق کردن در حمام نیز

خل

فوتنج مرزنجوش در سرکه جوش داده بخار گرفتن در حمام نیز

باب- ۱۰۶ فی اللحم الزاید فی الانف

سرو

جوز او مثل غبار سائیده مخلوط با شیر دختران تقطیر کردن در پنیر دور می کند لحم زاید را

طین یابس

مدقوق با جوز سرو فتیله ساخته نیز

زنجار

نشادر

صبر با سرکه سائیده پیش آفتاب خشک کرده نفوخ کردن در بینی

فصل فی ادویه المعرکه للعطاس

خردل

مدقوق پیش بینی گذاشتن محرك عطسه است

فرنجمشک

شما

خولنجان

مدقوق شما

ایرسا

طبیخ او شما

باب- ۱۰۷ فی تین الانف**لبلاب**

عصاره او با روغن بادام قطورا

جمل

بول او قطورا

ایرسا

روغن او قطورا

خریق ابیض

با صدف محرق ذرورا

نشادر

صبر با سرکه قطورا

قصب الذریره

تخم نسرين و قرنفل هر واحد درهم مر عفتص هر واحد نصف

مسک

ثمن درهم نفوخا
طب فریدی، متن، ص: ۱۷۰

باب- ۱۰۸ فی بواسیر الانف**لوف**

با روغن گل لطوخا

ایرسا

بیخ او لطوخا

رمان حامض

پوست کوبیده با آب انار ترش فتیله ساختن نیز

باقلا

عصاره او هر روز قطور کردن نافع

باب- ۱۰۹ فی نتو الشفتین و قروحهما و قروح الفم**زنجفر**

اسفیداج طلا

حصرم

عصاره او ضمادا

زرنیخ احمر

با روغن گل و موم ضمادا

کزبره خضراء

مضمضه کردن بعصاره آن و خوردن بقله آن

ملح

محرق نافع است مضمضه کردن و ذرورا

عفص

فج مضمضه

لسان الثور

سوخته کبوسا

زجاج

مسحوق کبوسا

سندروس

در مداوی قروح لثه بهتر دوا است

دارشیشان

طبیخ او قروح لثه را مضمضه کردن نافع است

سندل احمر

سائیده بر خزف نو مالیدن بقروح و بشور و سلاق نافع است

اجاص

ورق او جوش داده در شراب مضمضه کردن نیز

قیصور و زجاج

مثل غبار سائیده کبوسا

باب - ۱۱۰ فی اكلة الفم

سلحفات نهريه

مراره او لطوخا

زرنیخ

احمر با روغن گل و موم لطوخا

قرطاس

زرد کبوسا

قلقدیس

کبوسا

باب - ۱۱۱ فی استرخاء اللثة و تزعزع الاسنان و تعلقها**حبق**

عصاره او مضمضه

قرنفل مر

استرخا را نیز ملح

اندرانی

سخت می کند لثه را کبوسا

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۱

جلنار

استرخائی دوامیه را ذرورا نافع است

صنوبر کبار

حبه او مضغا

سعد

کبوسا

فلنجان

سخت می کند دندان متحرک

نسخه

قطران دو صد درهم ملح صد درهم شعیر صد درهم در کوزه سفال گذاشته سر او بسته سه روز در آتش گذاشته مثل سرمه سائیده مالیدن لثه را نافع است

باب - ۱۱۲ فی وجع الاسنان

مویزج

مضغا

جاورس

و ملح تکمیدا از خارج [۱۷]

طب فریدی ؛ متن ؛ ص ۱۷۱

افیون

بذر البنج سفید معجون بعسل امساک کردن در دهن مسکن وجع دندان است

خردل

مدقوق گذاشتن در دهن و هم‌چنین روغن او مسکن وجع است

شیطرج

تعلیقا در گردن

شب یمانی

در دندان گذاشتن مسکن وجع است

باب - ۱۱۳ فی تاکل الاسنان

مشمش

مغز تلخ او با ملح و سرکه دافع تاکل سنان است

حلتیت

حشوا در سوراخ دندان نیز

مر

مخلوط با دهن ازیت امساکا

فوتنج

با عسل حشوا

کرم

برگ او غرغره

رمان

قشر مدقوق مثل غبار با عصاره آس معجون کرده و پیخته گذاشتن قاطع است دم را سریعاً بالخاصیه

باب فی تسهیل قلع الاسنان

قضاء الحمار

بیخ او با عسل معجون کرده بر دندان گذاشتن قانع است بی آلت آهن

ظیان

هرگاه بر بیخ دندان نگاه داشته می شود می افتد دندان

لسان الحمل

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۲

خشک مسحوق با سه وزن زرنیخ اصفر مثله

برنجاسف

عقرقرا و بزر الانجره مقل ارزق حلتیت جمع کن همه را و در بیخ دندان بگذار

شبرم

لبن او معجون با آرد گندم مثله

باب- ۱۱۴ فی ضرس

الملح

دافع است ضرس را که پیدا است از اشیائی شیرین

بقلة الحمقا

نافع است آن را که از اشیائی حامضه باشد

جوز الاکل

مثله بندق مثله

لوز

مثله

نارجیل

مثله

باب- ۱۱۵ فی الحفر**سلحفاة**

جلد سوخته او با ملح اندرانی کبوسا نافع است

عقیق

کبوسا

قلی ایض

و عدس سفید کوفته در پارچه سبز کره بسته زیر آتش خاکستر بیوشاند پس برآورده با سرکه ممزوج نموده با زبد و روغن گل پنبه تر کرده بگذارد حفر دور می کند.

باب- ۱۱۶ فی النجر**سداب**

مضمضه او مکررا

مر

در دهن نگاه داشتن

زنبق

دخان او مورث بخور است و مفسد لثه

سسیم

اکلا

باب- ۱۱۷ فی سیلان اللعاب من افواه الصبيان

آسی

عصاره آن امساکا

اقاقیا

مثله

مصطکی

مضغاً متواتراً

عفص

با عنب الثعلب و سرکه دافع سیلان است

قشار الکندر

امساکا

شابانک

مضغاً و تعلیقاً و عصاره او امساکا

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۳

باب- ۱۱۸ فی اللثه الدامیه و الوارمه

دهن الاس

خبت الحديد

قطع می کند خون را

مصطکی

نگاه داشتن در دهن

باب- ۱۱۹ ورم اللهاة واللوزتین

اشاره

حلتیت ورم مزمن را ضمادا

نشادر

درهم شب درهم عفص دو درهم مسحوق بگذار بر لهات وارمه

شب

بر بیخ لهات نفع می کند بعد ازین عسل بگذار

سنبل هندی

کبوسا و غرغره طبیخ آن را

زهرة النحاس

مالیدن با شهد و اقاویا ورم حار را

کزبره خضرا

ایضا

ذنب الاسد

تعلیقا

باب- ۱۲۰ فی العلق المتعلق بالحلق

قلقطار مذاب

با آب خل غرغره کردن

زاج

دمیدن در حلق

شونیز

ساقط می‌کند علق را از حلق

خردل

دو درهم بورق چهار درهم مثل سرمه سائیده دمیدن در حلق

باب- ۱۲۱ فی خنازیر الحلق**اشاره**

رماد بنج و زفت هر واحد ده درهم خنازیر حلق را دور می‌کند

کزبره خضرا

مطبوخ با سرکه ضمادا

خردل

با کبریت ضمادا

نیل هندی

با سرکه محلول نموده ضماد کردن خنازیر منفجر را در پانزده روز درست می‌کند

زعفران

با آرد جو مطبوخ با بول صبی ضمادا

کمون

بیخ او در گردن آویختن نیز

جاموس

زهره او طلا کردن بر خارج

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۴

باب- ۱۲۲ فی ثقل اللسان**خردل**

اکلا هم‌چنین دهن او

ایارج فبقرا

مالیدن بر زبان و مضمضه کردن دافع ثقل است

زنجبیل

امساکا نیز

عاقرقرا

طبیخ او مضمضه

باب- ۱۲۳ فی ورم اللسان

بزر کتان

طبیخ او امساکا

ایرسا

طبیخ بیخ او بدستور

باب- ۱۲۴ فی القلاع

حصرم

مخلوط با شهد نگاهداشتن در دهن دافع قلاع هست

حنا

مضمضه و خائیدن برگ او

عفس

با سرکه امساکا

نشاسته

و تخم خرفه و زر ورد و جلنار و زعفران و سماق و کبابه اجزا برابر کافور ربع جز ذرورا دافع است

عصفر

مدقوق ضمادا و کبوسا

فوفل

در آب عنب الثعلب پخته مضمضه کردن و در دهن نگاهداشتن دافع قلاع است

نیل هندی

کبوسا بالخاصیه نشا مامیثا ایضا گفته است رازی قلاع سفید را علاج عذبه است و سرخ را علاج مامیران و سیاه را علاج بزر البنج افاقیا قاقله زر ورد صندل و کافور است-

باب ۱۲۵ فی الضفدع الحاصل تحت السان

صعتر

و قشور رمان و ملح ایضا برابر مدقوق مثل غبار دلک کردن بمرات زایل می کند ضفدع را

بورق

ضمادا

عفص

ذرورا

شب

ضمادا

زاج

محرق ضمادا

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۵

باب ۱۲۶ فی بطوء الکلام

مویزج

مضع کردن با مصطکی

فلفل

و

کندر

و مویزج مضغا

تین

با ماء العسل پخته غرغرتا

ملح

حل کرده با عسل دلوکا

باب- ۱۲۷ فی خشونة اللسان**سماق الدباغین**

مخلوط با عسل مضمضه کردن

نعناع

بستانی دلک نمودن

شحم الدجاج

و العسل مثله

باب- ۱۲۸ فی استرخاء اللسان**ایارج**

غرغرة

خردل

غرغرة

عاقرقرا

در سرکه جوش داده امساک نمودن

باب- ۱۲۹ فی بحة الصوت

کرنب

خوردن و نوشیدن طیبخ او

بیض

نیم برشت خوردن دافع بحة الصوت است

زرنیخ اصفر

با غسل لعوقا

فجل

با غسل

زراوند طویل

با غسل لعوقا

نشا

با مغز بادام شربا

باب- ۱۳۰ فی قطع الصوت**کرنب**

عصاره او شربا

فوه الصبغ

شربا

مومیائی

بقدر نخود با جلاب خوردن-

زراوند مدحرج

بلغمی مزاج را خوردن

باقلا

قشر خارج او در قرع انبیق کشیده با شکر نوشیدن بالخاصیه و مجرب

حب نمر هندی

یک شبان روز خیسانیده با آرد باقلا مدقوق نموده و با دهن لوز حلو طبخ داده نوشیدن صحیح مجرب
طب فریدی، متن، ص: ۱۷۶

باب- ۱۳۱ فی الربو و ضیق النفس**غاریقون**

یک مثقال نوشیدن

شکر العشر

ده درم روز نوشیدن دور می کند ضیق را مجرب

نقط ایض

دو درم مجربست صحیح-

زراوند مدحرج

بلغمی مزاج را شربا شب؟؟ باسداد شربا

سنبل هندی

شربا

طین ارمنی

شربا

ریة الثعلب

مشوی اکلا

مازیون

طبیخ عسل او شربا

زوفائی یابس

طبیخ او شربا

حجر ارمنی

مغسول دو درهم مجرب

طین ارمنی

شربا

حنظل

شحم او شربا-

تین

خوردن تازه او یا خشک او و مطبوخ او با مثل او حلبه اکلا

افستین رومی

شربا

زنجبیل

اکلا و مربائی او نیز

جندیستر

بخورا با قمع

کراث

اکلا برائی مواد غلیظه

فجل

مطبوخ با لحم اکلا

باب- ۱۳۲ فی نفت الدم**خطمی**

طبیخ اصل او و تخم او شربا

خشخاش اسود

شربا بلبین الغنم رطل ازو با کزبره خوردن بالخاصیه

راوند

شربا

طین ارمنی

شربا باقلا ناشته خوردن مانع دم و مده است

کمون

با سرکه شربا

کزبره خضرا

عصاره او شربا

جلنار

شربا

عفص محرق

سرد کرده در سرکه شربا

بیض دجاج

نیم برشت بی نمک و مکلس پوست او اکلا

بسباسه

شربا

ماعز

سم محرق او شربا با لبن حلیب دو اوقیه

نشاسته

و طین مختوم شربا با آب سرد

خشخاش

ایبض مدقوق خوردن

قرع

اکلا

شعر الانسان

محرق بالخاصیه

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۷

باب- ۱۳۳ فی السل**بردی محرق**

با آب طیبخ سرطانات شربا

طین ارمنی

شربا

سرطان نهری

مشوی یا مطبوخ در آب جو اکلا

خاکستر سرطانات

نهری شربا

بزر القرع

شربا

نیل

هندی شربا

انجبار

برگ او وزن پنج درهم یا قشر او اک مثقال با آب خوردن

باب- ۱۳۴ فی السعال الحار**خولان**

با آب خوردن یا با آب جو خوردن

بقله یمانیه سبز

با روغن بادام خوردن

انبر باریس

شکوفه او شرابا

بطیخ اصفر

تخم او شرابا

حمل

اکارع او اکلا

عناب

اکلا و طیخ با شکر شرابا

باب- ۱۳۵ فی السعال البارد**اشاره**

فانید خوردن و در دهن نگاهداشتن

مصطکی

مضغا و شرابا

مر

بقدر باقله در دهن نگاهداشتن

حنظل

شحم او شربا

فلفل اسود

با آب جو شربا

بط

گوشت او خوردن

زرنیخ احمر

با پیه در قمقمه بخار گرفتن

لوز حلو

با شراب شیرین نافع است

باب- ۱۳۶ فی السعال الیابس**نشاء الحنطه**

حسا گرفتن با بادام شیرین مقشر دافع سحاق است

سپستان

امساکا و شربا

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۸

باب- ۱۳۷ فی سعال الصبیان**نیل هندی**

شربا

سلحفات نهریه

بیضه او اکلا

باب- ۱۳۸ فی ضعف القلب

فیروزج

انگشتی ساختن دافع ضعف قلب است

مرجان

شربا

مشک

شربا و شما

لؤلؤ

شربا و نظرا و تعلیقا

خطمی

نظر کردن شگوفه او مفرح قلب است

نیلوفر

شما و شربا

هندبای بری

اکلا یا آب او شربا

باب-۱۳۹ فی الغشی**قشاء**

شما و اکلا

خیار

شما و اکلا

قاقلا

اکلا

مسک

شما و شربا

ماء الورد

شما و شربا

فروج الدجاج

شوربائی او شربا

باب- ۱۴۰ فی الخفقان**ترنجان**

بقله او خوردن و آب مقطر او با شکر و شراب خوردن

مسک

شما و شربا

لؤلؤ

مقدار دو درهم خفقان سوداوی را مجرب

هندبا

شربا

سندل

شربا و شما و ضمادا

عقیق

شربا

نیل هندی

دو درهم با معجون ورد

تمر هندی

صفراوی مزاج را با زهره حیوانی ربع درهم شربا

باب- ۱۴۱ فی ورم الثدی

تودری

صلابت پستان و درد او را ضمادا بالخاصیه

خبازی

برگ او ضمادا نافع است

خروع

مدقوق مطبوخ ضمادا نافع

طب فریدی، متن، ص: ۱۷۹

است

طلق محلول

ضمادا نیز

یاقوت

هر نوعی که باشد تعلیقا مسکن

عدس

مطبوخ با آب بحر و برگ کرنب ضمادا نافع است

باقلا

ضمادا

باب- ۱۴۲ فی تعقد اللبن

شمع

ده حبه مذاب در روغن گل طلاء

سداب

با آرد گندم طبخ داده ضمادا نیز

حلتیت

با سکنجبین یک درهم خوردن

خل

و عصاره نعناع بستانی و دقیق باقلا مطبوخ ضمادا دور می کند تعقد لبن را بالخاصیه

باب - ۱۴۳ فی قلت اللبن

رازیانج

تخم او و بقله او و پوست بیخ او اکلا و شربا

هلیون

تخم او شربا

رطبه

شربا

شونیز

مطبوخ با آب رازیانج شربا

ماء الشعیر

شربا

فجل

خوردن او مداومه

جرجیر

تخم او اکلا

بزر البنج

شربا و اکلا

طلق

تعليقا

حنا

شگوفه او در شوربا خوردن

لبن البقر الحليب

شربا

ابريشم

محررق و مدقوق مثل غبار اکلا

باب – ۱۴۴ في المانعة من عظم الثدي

الطين الخراساني

معجون با سرکه طلاء

جسین

طلاء

علق

با سرکه طبخ داده ضمادا

افیون

نصف درهم و عفص چهار درهم مسحوق مثل غبار ضماد کردن

کندر

و آرد جو و ودع محرق معجون بخل ضمادا

قیمولیا

مثل غبار سائیده طلاء

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۰

باب- ۱۴۵ فی ضعف المعده

مرجان

تعلیقا

اترج

پوست او خوردن

سماق

اکلا و ضمادا

هللیج

شربا ضمادا

بسباسه

شربا و ضمادا

بادر نجبویه

برگ او شربا و ضمادا

کهربا

شربا

مصطکی

شربا

سنبل هندی

شربا و ضمادا

صندل ابیض

اکلا و شربا

ورق الزيتون

پنج درهم با شراب تفاح خوردن

امبرباریس

عصاره تازه او و طبیخ یابس او ضمادا-

قاقله کبیره

اکلا

قصب الزریره

با مصطکی ضمادا

کزبره خضرا

شربا و ضمادا-

قسط هندی

شربا او ضمادا

زنجبیل

مربائی او با عسل اکلا

لیمون

مملح اکلا

فوفل

شربا و ضمادا

سویق الشعیر

با آب انار ترش شربا

حصرم

ادمان خوردن آن مقوی معده است

باب- ۱۴۶ فی وجع المعده

غاریقون

تنها شربا

افستین

شربا لا ریح الغلیظ

عنبر

شربا و مضغا و اکلا و بخورا

عنب الثعلب

شربا و ضمادا

مصطکی

شربا و ضمادا

سنبل هندی

روغن او طلاء

حجر المرمر

با موم و دهن طلاء

لوز حلو

روغن او ضمادا

حنظل

قشر او ضمادا

حطب الزیتون

رمادا و سه درهم با گلاب لعوقا [۱۸]

طب فریدی؛ متن؛ ص ۱۸۰

باب- ۱۴۷ فی لهب المعده

کزبره خضرا

اکلا شربا و ضمادا-

صندل ابیض

شربا و ضمادا

بقلة الحمقا

شربا و ضمادا

بزر قطونا

آب او با آب کشنیز سبز شربا

نارنج

حماض او شربا

قرع

آب مشوی او شربا

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۱

باب- ۱۴۸ فی ورم المعده

عنب الثعلب

شقایق النعمان و زرورد و عصاره برگ او با شکر ضمادا

امبر باریس

شربا للحار

باب- ۱۴۹ فی الفواق

نمام

عصاره آن شربا

جندبیدستر

ممزوجا با سرکه و آب و شکر شربا

نعناع

با آب انار ترش اکلا و شربا و ضمادا

مومیائی

بقدر حبه با مطبوخ کرفس شربا

دارچینی

و مصطکی مطبوخ با شراب یک مثقال

گمون

با سرکه ممزوج شربا

فستق

پوست خارج او شربا

نشادر

یک جز سعتر یک جز با عسل معجون کرده ضمادا

فلفل اسود

اکلا

شابانک

شربا

باب- ۱۵۰ فی الغیان

نانخواه

اکلا

طباشیر

شربا

کباش قرنفل

اکلا

سنبل هندی

شربا

زرنباد

شربا

لیمون مالچ

شربا و ضمادا

حصرم

با شراب نعناع شربا

فصل فیما یقطع القی و التهوع**آب انار ترش**

شربا

قافله صغیره

شربا با نعناع بستانی و طباشیر نیز و با آب انار ترش نیز

ملح

شربا و ضمادا

اترج

شربا

سنبل هندی

شربا

مسک

ضمادا

باب- ۱۵۱ فی العطش**یاقوت احمر**

نگاهداشتن در دهن

قرع

آب مشوی او شربا

تمر هندی

نقیح او شربا

حصرم

آب او شربا بالخاصیه

طباشیر

شربا

هندبا

اکلا

لبن الحلیب

شربا

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۲

باب- ۱۵۲ فی رطوبة المعدة

کاشم

شربا

ورد یابی

شربا

کمون

با شراب کهنه شربا

قرنفل

شربا

اتوج

برگ او شربا

زرنباد

شربا

زنجبیل

اکلا

حنظل

شربا پاک کند معده را از رطوبت-

باب ۱۵۳ فی برد المعده**حب البلسان**

شربا

حرف

شربا

درونج عقربی

شربا

نعنع

اکلا و شربا

وج

شربا و ضمادا

سنبل

اکلا-

باب ۱۵۴ فی نفع المعده و ریاحها**سنبل رومی**

با شراب ریحانی محلل ریح است

درونج

اکلا

عود البخور

شربا

اترج

برگ شگوفه او شربا

ملح هندی

شربا

مصطکی

با عسل شربا-

باب ۱۵۵ فی قیء الدم

خطمی

شربا

کهربا

شربا

بقلة الحمقا

عصاره او شربا

عقیق

تعلیقا بر معده مجرب

قشر الرمان

خاکستر او با عسل ضمادا بر شکم

زمرد

تعلیقا بر شکم و سینه

سندروس

شربا

خشخاش

نصف درهم شربا بالتجربه

مومیائی

وزن سه جو با شراب قابض -

باب ۱۵۶ فی الجشاء الحامض**کزبره الخضراء**

اکلا

غاریقون

شربا

مصطکی

شربا

کراث

قبل الطعام اکلا

ماء الورد

شربا-

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۳

باب ۱۵۷ فی حرقة المعدة**سنبل هندی**

شربا

بقلة الحمقا

عصاره او پنج درهم شربا

سسیم

با شکر خوردن

لبن الماعز

شربا لبن النساء شربا و ضمادا

سمک طری

مشوی اکلا

ماء الجبن

با شکر شربا-

باب ۱۵۸ فی قروح المعده**خرنوب شامی**

اکلا

لبن حلیب

شربا

قرطاس

محررق شربا-

باب ۱۵۹ فی ضعف الکبد**بزر الکثوث**

شربا

زبیب احمر

پخته اکلا

سنبل هندی

شربا و ضمادا

مصطکی

شربا و ضمادا و دهن او طلاء و شربا

فستق

اکلا

امبر باریس

شربا و ضمادا

قصب الزریره

و مصطکی ضمادا

بسیاسه

اکلا

وج

شربا و ضمادا

بقلة الحمقا

تخم او اکلا و شربا و ضمادا

سماق

شربا

صبر

شربا

نعنع

اکلا

درونج

شربا

کفر الیهود

شربا و ضمادا بالخاصیه

کزمازک

شربا بالخاصیه-

باب ۱۶۰ فی وجع الکید**سنبل هندی**

شربا

قرع

تخم او شربا

فستق

دهن او شربا و ضمادا

ساذج هندی

شربا

حجر ارمنی

شربا

حضض مکی

شربا بالخاصیه

خردل

شربا

دهن البندق

شربا

گرفس

اکلا و عصاره او شربا

جمل

بول آن هر روز متوالیه شربا بالخاصیه

لاجورد

غیر مغسول شربا

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۴

باب ۱۶۱ فی ورم الکبد

عنب الثعلب

با مصطکی شربا

روغن بادام

اکلا

بقله الحمقا

عصاره او شربا و هم‌چنین تخم او

نعنع

شربا و ضمادا

مصطکی

شربا و ضمادا

فوه الصبغ

محلل است ورم جگر را شربا و ضمادا

حضی

مکی شربا و ضمادا

سنبل هندی

بیخ او شربا بالخاصیه-

باب ۱۶۲ فی صلابه الكبد**غافث**

شربا

جوزبوا

شربا و ضمادا

افستین

عصاره او شربا

غار

قشر اصل او شربا

عنب الثعلب

شربا و ضمادا

بابونج

شربا و ضمادا-

باب ۱۶۳ فی سدد الکبد

فرنجمشک

شربا

رازیانج

برگ او شربا

جنطیانا

یک مثقال شربا

قسط هندی

شربا

نانخواه

شربا

لوزمر

شربا

زراوند مدحرج

اکلا

جر جیر

شربا

عود البلسان

شربا

وج کهربا

شربا

شیطرج

شربا

بزر هندبا بستانی

شربا

بادنجان

اکلا

باقلا

خرد او اکلا و ضمادا

باب فی الیرقان الاصفر کثوت

بزره شربا و عصاره آن تازه با سکنجبین شربا

کهربا

شربا

عنب الثعلب

شربا

بقلة یمانیه

بزرها شربا

کبریت

با بیضه نیم برشت اکلا

فجل

عصاره او شربا

ناردین

شربا

قرع

آب مشوی او با سکنجبین شربا

هلبلج اصفر

شربا-

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۵

باب ۱۶۴ فی سو القنیه

حندقوی

شربا

تین

اکله رطبا و یابسا

کرویا

سه مثقال هر روز خوردن با زیت دور می کند قنیه را

حمص احمر

طبیخ او شربا بالخاصیه

باب فی استسقاء طبلی حندقوی

عصاره او و طبیخ او شربا

حلتیت

وزن یک درهم او شربا

دارچینی

شربا

اسارون

شربا

خل

بر بدن مالیدن و نشستن در آفتاب تا که خشک شود مجرب صحیح

زنجبیل

شربا-

باب ۱۶۵ فی الاستسقاء الزقی

لبن اللقاح قصب الذریره بذر کرفس

شربا

مر

ضمادا و بالعسل اکلا نیز

سنبل رومی

شربا

حنظل

بیخ او و شحم او و برگ او شربا

غافث

ضمادا

صدف

لحمه ضمادا

بورق

ضمادا

فجل

عصاره او هفت روز با سکنجبن و جاوشیر شربا

توبال النحاس

شربا دو درهم با دو ماشه ماذریون مصلح

ملح

نقطی با بول غنم ضمادا-

باب ۱۶۶ فی استسقاء لحمی

قنفذ البری

لحم او اکلا

تین

مطبوخ با شراب و افسنتین ضمادا

کمون

شربا

حصاء البقر

محرق شربا و محلول با سرکه طلاء و نشستن پیش آفتاب تا خشک شود مجرب و صحیح

سنبل هندی

شربا

اسارون

شربا بالخاصیه

دم المعز

با شهد شربا

جلنار

شربا-

باب ۱۶۷ فی خروج السره**عفس**

باریک کوفته پیخه با خرقة کتان تر کرده بر سره گذاشتن

مصطکی

برگ او ضمادا-

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۶

باب ۱۶۸ فی الطحال**کبر**

ضمادا و اکلا

گرفس

اکلا

فوه الصبغ

شربا

راوند

شربا

غاریقون

شربا

رازیانج

تخم او برگ و بیخ او شربا

اسارون

شربا

فستق

اکلا

غارلوز

حلو اکلا

تین

اکلا

تودری

شربا

سکنجین بزوری

شربا-

باب ۱۶۹ فی وجع الطحال

سنجار

شربا و اکلا و ضمادا

دهن اللوز

شربا و ضمادا

دلدل

جگر مشوی او خوردن بالخاصیه و التجربه

ثوم

با سکنجبین خوردن

وج

شربا

خبث الحديد

مسحوق با سرکه ضمادا-

باب- ۱۷۰ فی ورم الطحال

جعه

شربا و ضمادا

مر

شربا و ضمادا

زراوند مدحرج

شربا و ضمادا

مرجان

تعليقا

کرنب

عصاره او با شراب شربا

وج

شربا و ضمادا

کرم

خاکستر شجر او با سداب مطبوخ با سرکه ضماد کردن

عنب الثعلب

چهار اوقیه از عصاره او شربا-

باب ۱۷۱ صلابة الطحال**قنطوریون**

شربا و ضمادا

مازیون

شربا و ضمادا

سندروس

شربا و ضمادا

وج

مطبوخ کرده ضمادا

اسارون

شربا و ضمادا

حلتیت

ضمادا و شربا بالخاصیه

اشنه

با سرکه ضمادا-

باب ۱۷۲ فی وجع الجنب البارد**سنبل هندی**

شربا و ضمادا-

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۷

باب- ۱۷۳ فی المغص

نانخواه

شربا

مصطکی

شربا و ضمادا

اترج

قشر صفر او شربا

باب- ۱۷۴ فی السحج**کهربائی مسحوق**

اکلا

عفص

قشر رمان الحامض مثله مدقوق و مجفف یک درهم اکلا

بیضه نیم برشت

ناشته خوردن

باب- ۱۷۵ فی اسهال الصفراوی**شاهسفرم**

تخم او بو داده با روغن گل شربا

طین ارمنی

با آب لسان الحمل و رب بیخ انجبار شربا

سویق الشعیر

با شراب شربا

خشخاش

نصف مثقال مسحوق با آب سرد وقت خواب شربا

باب - ۱۷۶ فی اسهال الكبد

حی العالم

عصاره او شربا

خس

شربا

انفحة الفرس

شربا

باب - ۱۷۷ فی اسهال المزمن

مقل مکی

مسحوق شربا

حفض مکی

شربا و حقتنا

حدید

در آب سرد کرده شربا

توت شامی

اکلا

کهربا

و تخم حماض مخلوط با بیضه خوردن

اقماع بادنجان

خشک کرده سحق نموده خوردن

نشا

حسوا

باب- ۱۷۸ فی قروح الامعا

باقلا

آرد او حسوا بالخاصیه-

جلنار

شربا و حقنه

بقلة الحمقا

مشوی خوردن

فیروزج

شربا و تعلیقا

نیلوفر [۱۹]

طب فریدی ؛ متن ؛ ص ۱۸۷

با

مصطکی

شربا

خبث الحديد

شربا

خل

با زردی بیضه پخته خوردن

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۸

باب- ۱۷۹ فی ادویة القابضه

انبرباریس

کوفته حب کرده خوردن

دارشیشان

طبیخ او شربا

شاهسفرم

بالخاصیه تخم او بو داده شربا

خشخاش

قشر او و تخم او مطبوخ شربا

باب- ۱۸۰ در قولنج**قنطوریون**

طبیخ او شربا و حقه

ناردین

روغن او شربا و مروخا

ماء شعیر

خوردن در طعام

پارچه ناف ولد

تحت انگشتی نگاه داشته بپوشد مریض هرگز نمی بیند قولنج را

هلیون

اکلا

حنظل

شحم او شربا

تین

مطبوخ در شراب بورق دو درهم محموده نصف درهم تجربه صحیح

راوند طویل

شربا

خرء الدیک

با شراب اکلا

ریوند

دو درهم و محموده ربع درهم شربا تجربه صحیح

زنجبیل

مربا با عسل یا شکر و زبد اکلا

باب - ۱۸۱ فی الیدان و الحیات

مشمش

برگ او ضماد کردن بر ناف و حوالی ناف تمام شب برمی آرد دیدان و حیات را

رمان

بیخ درخت آن با شراب یا به آب سماق با ده درهم نعنن اکلا و شربا و با سرکه قتل می کند حیات طویله را

کاشم

شربا

قنبیل

طایفی شربا

فوتنج

نهری عصاره برگ او شربا

تریاق فاروق

یک مثقال خوردن تجربه و عصاره قیسوم با تریاق حل کرده بر ناف ضماد کردن بالخاصیه تجربه صحیح

قسط و مر

مطبوخ محلول با تریاق فاروق ضماد کردن بر ناف نیز

برنج کابلی

دو درهم شربا

قیسوم

محرق دو درهم شربا

نقط

فتیله ساختن

طب فریدی، متن، ص: ۱۸۹

باب- ۱۸۲ فی وجع الکلی

قرمانا

با شراب کهنه شربا

قسط

شربا

بقلة الحمقا

عصاره او شربا و ضمادا به تجربه صحیح

غاریقون

شربا

نشاء الحنطه

اکلا و ضمادا

شاهسفرم

شربا

لاجورد

شربا

باب- ۱۸۳ فی قروح الکلی**خطمی**

بیخ او شربا مجرب

کاکنج

تخم او شربا

دهن الورد

با شیر غنم شربا

انجبار رب

بیخ او سه درهم ایاما متوالیا

بهمنین

در پارچه سرخ بسته تعلیق کردن نافع قروح الکلی است

باب- ۱۸۴ فی الرمل و الحصى**غاریقون**

مثقال از ان شربا

دهن لوز حلو

شربا

قلت

خوردن

ثوم

هفت شبان روز خوردن تجربه صحیح

فوه الصبغ

تعليقا مجرب

بيضه

نیم برشت غذای صالح

باب- ۱۸۵ فی ورم الکلی

زوفائی رطب

برگ او با روغن گل ضمادا و شربا

نشا

مثل او

بزرکتان

شربا

باب- ۱۸۶ فی وجع المثانه

خبازی

با جندقوی مدقوق خوردن

دهن الورد

شربا و ضمادا

لوز حلو

روغن او شربا و مروخا به تجربه

لاجورد

شربا

شبترج

تعلیقا

سنبل رومی

شربا

کزبره

شربا

بقلته الحمقا

اکلا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۰

باب- ۱۸۷ فی حصاء المئانه**لبن النساء**

با غسل شربا

بطیخ

بزرا و شربا

حمام

پشکل او دو درهم و شکر دو درهم دور می کند رمل و حصاء را بالخاصیه

فجل

عصاره بیخ او شربا و تخم او شربا

وج

شربا بالخاصیه

سرطان نهری

شوربائی او شربا

عقرب

خاکستر او یک قیراط با قشر الکبر شربا

مقل ازرق

شربا

حجر یهود

نصف درهم

اسقولوقندریون

نصف درهم حب القلت درهم شربا

شونیز

با عسل شربا

افستین

شربا

باب- ۱۸۸ فی حرقة البول**کزیره خضرا**

در شوربائی مرغ فربه پخته نوشیدن

خس

اکلا

هندبا

شربا و ضمادا

بقله الحمقا

عصاره او شربا هم چنین تخم او

بزرقطونا

لعاب او شرابا با روغن گل

باب- ۱۸۹ فی سلسل البول و تقطیر و ادرار آن

ناردین

شرابا

بطیخ

شرابا

قسط بهمنین

با شراب قابض شرابا

خسک

پخته و سوخته استعمال کردن یک ملحقه با عسل

باب- ۱۹۰ فی عسر بول خطمی

بیخ

مطبوخ او با شراب شرابا

شکر

شش درهم سمن یک اوقیه شرابا

بسد

تخم خیار و تخم خربوزه شرابا

حجر یهود

نصف درهم با آب فاطر تجربه صحیح

کهریا

دو درهم

لوز مر

اکلا

خردل

با انجیر کوفته بر مئانه ضماد کردن

بابونج

طبیخ او ضماد کردن

مقل ازرق

شربا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۱

شقایق

اصل بیخ او شربا

فلفل اسود

مخلوط در طعام

بزر القرع

شربا

لوز حلو

اکلا و شربا و روغن او نیز

قفر الیهود

اکلا

زرنباد

شربا

انجبار

رب آن شرابا و قشر آن نیز

کانج

تخم او خوردن

جلنار

شرابا و ضمادا

شب

شرابا بالخاصیه مجرب

اظفار الطیب

دو درهم شرابا

باب- ۱۹۲ فی ورم المقعد**خیری**

جلوسا فی طبیخه

رصاص

حک کرده در شراب نافع است ضمادا

مصطکی

نافع است ورم بارد را

دهن الحلبه

ضمادا-

باب- ۱۹۳ فی قروح المقعد**صبر**

با شراب و عسل ضمادا

سداب

با غسل ضمادا

رمان حامض

مغسول با غسل تا غلیظ شود قوام ضمادا

خولان

نافع است قروح را و دهن او نیز

باب- ۱۹۴ فی البواسیر**شاهسفرم**

عصاره برگ او طلاء بالخاصیه

خبث الحديد

و موم ضمادا و آب که درو حديد سرد کرده شده است شربا

هليلج اصفر

شربا و تخم او بخورا و خسته تخم او بخورا

نارجيل

عتيق ضمادا و همچنين روغن او

سم البقر

ضمادا

طين ارمنى

ضمادا

رصاص

محررق

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۲

با روغن مشمش تلخ ضمادا

شبت

محرَق ضمادا بواسیر ظاهری را

صدف

با شراب کوفته ضمادا

اترج

خوردن تخم او و هم‌چنین دهن تخم او دور می‌کند بواسیر را

صبر

ضمادا

لوز مر

طلاء و ضمادا

شراب عتیق

با غسل و خل و صبر ضمادا بالخاصیه

باب- ۱۹۵ فی الجماع و الشهوة

آذریون

مدقوق ضمادا بر پشت نعوظ قوی آرد

بطم

مخلوط با شکر خوردن مقوی باه است

جوز الاکل

برگ او و ورق لوز کوفته اسفل قدم ضمادا معین جماع است

جر جیر

تخم بقله او شربا

حرف

مقوی شهوت جماع است

دهن السمسم

عاققرحا

جندبیدستر

مروخا

انیسون

مهیج شهوت جماع است

ناردین

دهن او شربا

لبن البقر

مطبوخ شربا

مراره الثور

بر ذکر انعاظ شدید آرد لطوخا

خصی العجل

با شراب خوردن

بطیخ اصفر

لب تخم او دو درهم با شهد مهیج جماع است

بندق

اکلا

خفاش

مغز او اسفل قدمین مالیدن مقوی جماع است

عاققرحاً

مراره الثور و غسل مسح کردن ذکر را و انثین را معین جماع است

انزروت

مقوی جماع است

انفحة الجمل

ربع درهم شرباً

جوز ربتة

مقوی نعوظ پنج شبان روز هر روز درهم

تودری

ده درهم با شکر خوردن معین باه است

فجل

روغن او معین باه است

وج

مثل غبار سائیده بر قضیب مالیدن معین باه است

روبیان

تازه نمکین نیز اکلا مشک یک حبه

لبن النعاج

صد درهم شکر درهم کباش قرنفل درهم مقوی است باه را مجرب صحیح

قسط هندی

با شراب

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۳
و غسل محرک شهوت است

موز

اکلا

سقنقور

معین باه است

شقایق اربما

اکلا نیز

سمک صیدا

نصف درهم با شراب ابیض خوردن مقوی است باه را

لؤلؤ

دو درهم شربا مقوی قلب است و معین قوت حیوانیست

دراج

گوشت او زیاده می کند جماع را وقتی که مکرر خورده شود

تمساح

پیه او طلاء کردن بر ذکر مقویست

سلحفات

خاکستر او با دهن زنبق طلا کردن اسفل قدم را زیاده کند قوت جماع را

حرف

با لبن نعاج مهیج شهوت است و معین است بر نعوذ تجربه صحیح

باب- ۱۹۶ فی قلت منی

کراث

بقله او و تخم او اکلا بالخاصیه

سورنجان

اکلا

شقاقل رومی

مربا شربا

سمک طری

بریان اکلا

لبن البقر الحلیب

ایضا

فرخ الحمام

و زنجبیل شربا

باب – ۱۹۷ فی الادویه المغلظه

پیه ورل

دلکا

انجره

تخم مسحوق او مخلوط با عسل طلاء

باب – ۱۹۸ فی الکسلان بعد الجماع

ایرسا

دو درهم با معجون ورد شکری

دواء المسک

حلو دو مثقال هر روز خوردن تا سه روز

مفرح یاقوتی

معتدل بالخاصیه

باب- ۱۹۹ فی قروح الاثین

صبر

ضمادا

شب یمانی

با روغن گل ضمادا

لبن النساء

نیز

بول انسان

ضمادا فی عظم الاثین

طین ارمنی اسفیداج

ضمادا

افیون

محلول در آب کشنیز سبز ضمادا

آسی

و مصطکی ضمادا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۴

باب- ۲۰۰ فی الفتق

خراطین

ضماد کردن فتق امعا را فعل عجیب است

وج

ضمادا

باقلا

در هاون کوفته با تخم زیب سرخ ضمادا فعل عجیب

عنبر خام

محلول در لبن حلیب خوراندن اطفال را مجرب است

بزر قطونا

پنج درهم با آب شب و روز گذاشته ضماد کردن بمرات دافع فتق است

باب - ۲۰۱ فی القبله و الادره**بزر قطونا**

مدقوق مثل غبار یک شب و روز گذاشته در آب ضماد کردن قیله امعا را نافع است

طحلب

ضماد کردن صبیان را

فیروزج

ضماد کردن قیله امعا را نافع است

باب - ۲۰۲ فی وجع الرحم**حلبه**

بقله آن خوردن و در طبیخ آن نشستن

لاذن

حمولا

دارچینی

شربا و حمولا

شبت

شربا و حمولا و دهن او نیز

اللوز الحلو

پارچه در روغن بادام تر کرده گرم کرده فرزجتا به تجربه صحیح

باب- ۲۰۳ فی ورم الرحم

اشاره

غار در طبیخ برگ آن جلوسا

سنبل هندی

جلوسا در طبیخ آن و فرزجه آن نیز

هوفاریقون

جلوسا

زرنباد

حمولا

لوز المر

روغن او حمولا

سنبل رومی

جلوسا

زعفران

حمولا

شبت

خاکستر آن با روغن سوسن حمولا

صبر

حمولا و شربا

سلیخه

دو درهم شربا

ایل

مغز ساق او حمولا

باب- ۲۰۴ اختناق الرحم

خردل

شما

قفر یهود

شربا و حمولا

سکبینج

با سرکه تند نشوقا

سنبل هندی

شربا

کهربا

دو درهم مثل غبار سائیده با زیت معجون کرده حمولا

جندبیدستر

دو دانق بخورا و قدر نخود شربا

جاوشیر

حمولا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۵

باب- ۲۰۵ فی قروح الرحم

اشاره

حنا حمولا

نسرین

روغن او تمریخا

صبر

شافیسست قروح را فرزجتا

لبن حلیب

شربا و حقنه

مخ ساق البقر

و دو چندان زیت و یک درهم موم و ربع درهم زعفران مرهم ساخته حمولا و فرزجتا

سنبل رومی

شربا و حمولا

زراوند مدحرج

شربا و حمولا

قنطوریون

فرجتا

لبن فرس

شربا و حمولا-

فلفل ابیض

شربا و حمولا

خروع

دو درهم با ماء العسل شربا و بیخ کوفته او ضماد کردن ناف را تمام شب به تجربه

قصب الزریره

شربا و حمولا

تریاق فاروق

شربا

درونج

در طبیخ او نشستن

فجل

شربا و جلوسا

زنجبیل

شربا و حمولا

مر

شربا و حمولا

ریته

حمولا و شربا

حرف

عصاره او شربا و حمولا به تجربه حکما

شراب کهنه

و

جندبیدستر

حمولا-

سنبل هندی

شربا و حمولا

زیتون

عصاره برگ او فرزجتا

قرن ایل

محرقت شربا و حمولا جلنار شربا

عفص

محرقت در شراب سرد کرده حمولا و بخورا نیز

جلنار

نافع است سیلان رحم را

جندبیدستر

حمولا

شبت

قاطع است رطوبت را حمولا

حنظل

شحم او شربا و حمولا-

باب- ۲۰۷ فی صلابة الرحم

اشاره

زعفران روغن اریسا فرزجتا و با روغن سوسن نرم می کند صلابت رحم را

خبازی

در طیخ او جلوسا و شربا

قصب الزریره

نشستن در طبیخ او-
طب فریدی، متن، ص: ۱۹۶

باب- ۲۰۸ فی الادویة المضیقه للرحم**عفص سبز**

مثل غبار سائیده سه شبان روز در آب انداخته خرقة كتان تر کرده خشك کرده حمول کنند و بخار دهند با کبریت عید می کند بکر
را و در طبیخ او نشستن نیز [۲۰]

طب فریدی ؛ متن ؛ ص ۱۹۶

سعد

و جفت بلوط در خرقة كتان بسء حمولا نیز

دم الاخوين

حمولا نیز

مرارة الثور

پارچه تر کرده حمولا نیز

شحم رمان الحامض

مثل غبار سائیده خرقة كتان تر کرده خشك کرده نیز به تجربه صحیح

بادنجان

پاره کرده پیش آفتاب خشك کرده در طبیخ او نشستن زن را باکره کند-

لبن الفرس

پارچه تر کرده حمولا و ناشته خوردن نیز

باب- ۲۰۹ فی الادویة المعینة علی الحبل**بلسان**

بخورا بعد طهر

لبن البلسان

حمولا بعد طهر حامله می کند عقیمه را

زرق البازی

حمولا بعد الطهر و شربا نیز

کلب

وقتی که بول می کند بر زمین زن عاقر بول و خاک را حمول کند حامله می شود سریعا

حجر الدم

با شیر دختران سائیده حمولا زن عاقر حامله می شود سریعا مجربا

عاج

براده او بعد طهر شربا و حمولا نیز

زبل الثعلب

با روغن گل

مر

ذکر را بمالد وقت جماع بعد طهر حامله می شود زن

باب - ۲۱۰ فی ادویة المانعة من الحمل

نعناع

حمول کند قبل جماع

زنجار

شربا بعد طهر شربت یک مثقال

خبث الحديد

باقلا چهل شبان روز خوردن

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۷
حامله نمی‌شود

حلتیت

هر سر ماه قدر نواۀ خوردن

فوفل

بعد جماع حمولا

قلب ارنب

تعلیقا

دم الذئب

شربا هرگز حامله نمی‌شود

میعه سائله

بعد طهر نوشیدن حامله نمی‌شود ابدا به تجربه صحیح

بول الكبش

شرب او نیز

باب- ۲۱۱ فی الادویة المانعۀ من سقوط الجنین

کهربا

علی الحامله تعلیقا

عقرب

تعلیقا علی الحامله

مرجان

تعلیقا

زبد البحر

تعلیقا بالخاصیه مجرب

باب - ۲۱۲ فی المسهله للولاده

صعتر

شب و روز نوش کردن

حجر المقنطیس

در دست چپ نگاه داشتن زن را

کزیره خضرا

تمام تعلیق کردن زن را مسهل ولادت است

زبد البحر

تعلیقا

زبل البقر

بخورا

زمرد

بر ران آویختن زن را

بوزیدان

شربا و حمولا

صمغ عربی

نیز -

شعر الانسان

خاکستر او با شراب بر یافوخ مالیدن نیز

تریاق فاروق

با گلاب یک جبه خوردن

زبرجد

تعلیقا بر ران

ساذج هندی

شربا و بخورا

حنظل

شحم او سه قیراط با زهره گاو حمولا

بعر الغنم

بخورا

دست طفل

صغیر شیرخوار تحت قدم نگاهداشتن تولد می کند بسرعت

باب- ۲۱۳ فی اخراج الجنین الميت

مشکطرامشیع

شربا و حمولا

مازریون

بخورا و حمولا

جندبیدستر

شربا و حمولا

دارچینی و مر

شربا و حمولا

مرارة الثور

با شهد حمولا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۸

باب - ۲۱۴ فی اوجاع المفاصل الباردة

خروج

دو درهم از روغن او با ماء العسل شربا خردل مخلوط با لوز خوردن

مقل يهود

دو درهم خوردن و ضماد کردن

بوزيدان

شربا و ضمادا

صبر

شربا و ضمادا

اسارون

شربا

رماد الحدادين

با زردی بیضه ضمادا

بول البقر

ضمادا و شربا

ملح و مر

و آرد گندم و عسل ضمادا

باب - ۲۱۵ فی النقرس الحار

حی العالم

عصاره او ضمادا مجرب

شعر صبی چهل روزه

تا سه ماشه تعلیق کردن بالخاصیه دافع نقرس است

طحلب

و سویق ضمادا با خل نیز

عنب الثعلب و صندل سفید

با دهن بنفشه ضمادا

صندل ایض

با عصاره بقله الحمقا ضمادا نیز

عدس

مطبوخ ضمادا نیز

بزر قطونا

و سرکه و روغن گل ضمادا

هندبا

عصاره او نیز و عصاره کزبره نیز

قرع

عصاره او ضمادا

حجر المقاتیس

تعلیقا

باب- ۲۱۶ فی النقرس البارد

شلجم

طبیخ او نطولا و ضمادا

لبن التین

با آرد جو ضمادا

ماهودانه

نصف درهم با ماء العسل نوشیدن

ملح الطعام

با سرکه ضمادا

سورنجان

شربا و ضمادا

دارفلل

با عسل شربا

زنجبیل

شربا و مخلوط در طعام نیز

حمص منقوعه

یک شبان روز در آب عسل نهاده شب و روز خوردن

لحم الارنب

شربائی او شربا و ضمادا

وج

شربا و ضمادا

خذف تنور

ضمادا

زراوند طویل

شربا و ضمادا

خروع

برگ مطبوخ او ضمادا

خردل

ضمادا

دجاجه

بیضه و خون او طلاء

بول انسان

جوش داده طلاء

جندبیدستر

پاره از او زیر قدم نگاهداشتن بالخاصیه دور می کند نقرس را

زنجار

با سرکه ضمادا

طب فریدی، متن، ص: ۱۹۹

باب - ۲۱۷ فی عرق النسا

قنطوریون دقیق

بطبیخ او حقنه کردن

میعه سایله

شربا و ضمادا

ایرسا

حقنه کردن بالخاصیه

بعر الماعز

حمول کردن

فوه الصبغ

نوشیدن

ثوم

اکلا بالخاصیه و ضمادا و حقنه نیز

رشاد

شربا

غاریقون

دو درهم شربا

کمافیطوس

با شراب چهل شبان روز خوردن

قسط

با عسل لعق کردن

عود البلسان

شربا و ضمادا

کبر

با سرکه و عسل خوردن

قناء الحمار

حقنه کردن طیخ او

تریاق فاروق

بعد تنقیه تامه ضمادا

انجدان بآرد**ایرسا**

و موم ضمادا

عاققرحا

شربا

شیطرج

مخلوط با پیه بر عرق النساء شبان روز مالیدن و حمام گرفتن تا عرق شود دور می‌کند عرق النساء را

کراث شامی

بیخ او خوردن و ضمادا

حب النيل

با رازیانج و صبر معجون کرده ضماد کردن

نانخواه

شربا و حقنه

کندش

ضمادا

قولنجان

شربا و ضمادا

یاسمین

شربا و ضمادا و شگوفه او ضمادا

خفاش

مطبوخ بازیت و آب تا مهرا شود صاف کرده روغن گرفته مالیدن نیز

باب- ۲۱۸ فی وجع الورك

اسفناخ

طبیخ او شربا

سنا

در زیت جوش داده خوردن

ثوم

اکلا

فوه الصبغ

بماء العسل خوردن

خل

و عسل خوردن

کما فیطوس

طبیخ او با عسل نیز

زعفران

شربا

اسارون

شربا یک مثقال با شراب

صعتر

ضمادا

راسن

ایضا

تین یابس

مداومت اکلا نیز

انزروت

دو درهم خوردن با روغن جوز

زرنباد

شربا و ضمادا

شیطرج و راسن

ضمادا

حنظل

ضمادا و شربا

سنبل هندی

شربا

لسان الثور

شربا

طب فریدی، متن، ص: ۲۰۰

جاوشیر

شربا و ضمادا هلیج شربا

ماء الشعیر

شربا

مخموده

با آرد جو و سرکه ضمادا

فجل

دهن تخم او شربا

راوند

شربا

مر

شربا

صدف

بالخاصیه خاکستر او ضماد کردن

سورنجان

شربا و ضمادا

قفر اليهود

شربا و ضمادا.

تمت الكتاب

بحمد الله

و حسن توفيقه

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱

تشریح الفاظ طب فریدی

(الف)

آبار:

سرب را گویند

آذان الفار:

مرزنجوش

آزاد:

درختیست بفارسی طاق گویند

آس البری:

مورد اسفرم

ابن عروس:

نیولا

اتان:

خر ماده

اثل:

نوعی از طرفا است

اٹمد:

کحل را گویند

ارنب:

خر گوش

اسفناخ:

پالک را گویند

اسفیداج:

سفید آب

اسفیداج الرصاص:

سفیده قلعی

اسفیداج:

شوربا را گویند

اسقولوقندریون:

نباتیست صحرائی و قسمی از اسقیل است

اشنان اخضر:

نام گیاهی است

اصطمرک:

میعه سائله - غالباً اصطراک یا اصطراک میکه است

اصطمبخون:

دوای مرکب است برای تنقیه اخلاط بارده

اصفهانای:

سرمه الیست

اقحوان: بابونه گاو و به هندی مرهتی گویند

اغبر:

و آن کحل اغبر است دوای مرکب

البه:

بهندی دنبه گویند

انبرباریس:

زرشک

انجره:

بهندی اتنگن گویند

انجمشک:

(درد سر بارد)؟

اندبار:

اندر این را گویند

انفحة الارنب:

پنیر مایه خرگوش

انقردیا:

بلادر

اوز:

مرغابی

ایاعاسی:

آذان الفار

طب فریدی، خاتمه، ص: ۲

(ب)**بادروج:**

نوعی از ریحان کوهی بهندی جنگلی تلسی

بتادریطوس:

؟ بارود: معروف است

باسلیقون:

دوای مرکب است

باشق: بهندی جره نامند

بخور مریم:

شجره مریم است

بردی:

بیخ او ارطینشا است نباتیست که در آب می‌روید

برذون:

اسپ یا بو

برطانیقی:

اسم معروف سروالی است

برنوف:

شابانک

برود حصرم:

دوای مرکب است

بذر القصیصه:

تودری

بذر القطف:

تخم سلمی را گویند بهندی پالک کی بیج نامند

بستان افروز:

حبق بستانی نیز گویند بفارسی تاج خروس و گل - یوسف گویند بهندی نوع صغیر آن را کوکنی و کبیر آن را جتا دهاری گویند و آن غیر حماحم است که حبق نبطی است

بسر:

غوره خرما است

پشه:

و آن درخت پشه است که شجره البق گویند و آن در دار است

بقس و بقسی:

شمشاد را گویند

بقله یمانیه:

بهنندی چولائی گویند

بلبوس:

بصل الذئب و بصل الزیر نیز گویند و بفارسی پیاز تلکه و تلخه پیاز گویند

بنهفش:

پوش:

و آن پوش دربندی است خرسی است از برگ و گیاه نباتی که برگ او شبیه برگ حنا است

بهار:

قسم نر خرما است

بهار صغیر:

نوع صغیر اقحوان است و عین الجمل نیز نامند

بهرامج:

گل بیدمشک را گویند

(ت)

تاج خروس:

بستان افروز

ترمس:

بفارسی باقلائی مصری گویند بستانی و بری باشد

ترنجان:

نوعی از بادرنجبویه است

تعلق:

نام جانوریست

توبال النحاس:

ریزه‌هائست که از مس حین کوبیدن جدا می‌شود

تیثا:

تیس:

بزنر

تیل:

بید گیاه

تبادریطوس:

اشاره

؟ تراب القی: اسم معروف کنکری است و آن صمغ درخت حرشف است

طب فریدی، خاتمه، ص: ۳

(ج)

جار النهر:

سلق الماء است و آن نباتیست که در آب روید

جاری:

؟ (غالبا جار النهر را غلط کرده)

جاورس:

باجرا

جسین:

سنگیست که آن را سنگ کج نامند

جبن:

پنیر

جسین:

جص است

جردان:

فار است

جزع:

سنگیست در معدن عقیق یافته می شود شبیه بچشم

جعه:

دو نوع است یکی جبلی و آن جعه صغیر است و دیگر بستانی و آن کبیر است بفارسی عنبر بید خوانند

جعه القنی:

پرسیاوشان قبه آن مراد است

جلد:**جمار النخل:**

چیزیست سفید سیه رنگ که در سر درخت نخل و موضع طلع می باشد

جورا:

جوز الرقع:

رقع یمانی که از قسم درختیست

جوز رومی:

باب ۴۱۳

جیلی:

باب ۴۳۳

(ح)**حاشا:**

صعتر الحمیر را گویند نوع از پودنه باشد

حالبی:

اطراطیقوس بمعنی شبیه الکواکب از قسم گیاه است

حب الکلی:

اسم معروف کونچ است

طب فریدی، خاتمه، ص: ۴

حب المتن:

؟ غالباً حب النیل را غلط نوشته یا مراد از آن حب ایارج است

حب القوقا:

حندقوقی را غلط کرده

حباقا:

حندقوقی را گویند

حبق:

فودنج است یعنی پودینه

حجر البجازو:**حجر البقر:**

در هندی گاو روغن گویند

حجر بجادق:**حجر الجرح:****حجر الحیه:**

مارمهره

حجر العتیق:

سنگ سان

حجر غااطیس:

سنگیست سنگین سیاه رنگ

حجر المها:

بلور

حجر یوف:

غالبا حجر اسیوس است که بارود را گویند

حجر اسیوس:

بارود

حجر الحادی:

غلط است حجر الحديدی

حجر الحديدی:

و آن خماهان است و صندل حدیدی نیز گویند

حجر الخمار:

جنس ماده حجر الحديدی

حجر السنج:

حجر السبج

مجر اللمت:

حجر منقا:

حجر بس:

حجر مریم:

شجره مریم است

حجر مشطب:

حجر مشفق:

سنگیست زرد رنگ از بلاد مغرب خیزد

حجل:

کیک - چکور

حرف:

(درد سر بارد) تخم تره تیزک

حرمل:

(درد سر بارد) اسپند نوع از نباتیست که در آب پیدا می‌شود

حرفش:

درختیست مثل کاهو بفارسی کنکر گویند

حشیشه:

قنب است

حصاء البقر:

حجر البقر

حصرم:

بفارسی غوره گویند و آن انگور خام است

طب فریدی، خاتمه، ص: ۵

حلزون الصغیر:

سفید مهره خورد بهندی سنکه نامند

حماما:

نوعی از نباتیست که در آب پیدا می‌شود [۲۱]

طب فریدی؛ خاتمه؛ ص ۵

حمامم:

حبق را گویند اسم معروف کلمه است بفارسی بستان افروز و بهندی جتاد هاری گویند

حمحم:

نبات خبه است یعنی خاکشیر

حماض سوائی:

حماض مائی حماض البقر را نیز گویند

حماض مائی:

در آب می‌روید و ورق آن مثل کاسنی است

حماض:

چو کا کاساگک- بستانی و بری باشد بستانی را حماض نهری و بری را حماض البقر گویند

حمار النخل:

غالباً حمار النخل است که آن را پنیر نخل گویند

حمت:

حجریست (ب صرع)

حندقوقی:

بهنندی بسکهپرا گویند حباقا نیز گویند

حنیسی:

حوقو:

حی العالم:

همیشه بهار را گویند

(خ)

خترق:

افسنترین رومی ختین غالباً خنیس است

خرء الدیک:

سرگین خروس است

خرء السنور:

سرگین گربه

خرزۀ البقر:

مارمهره - حجر الحیه

خرنوب:

نام درختیست

خروع:

یرند

خروف:

(باب ۱۲ صرع)؟

خس:

کاهو

خطاف:

ابابیل

خطیته:

(باب درد سر بارد)؟

خلاف:

بید ساده

خلد:

چهچوندر

خماهان:

حجریست سیاه رنگ نر و ماده باشد جنس ماده را حجر الخمار گویند

خندروس:

حنطه رومیه بفارسی ذره مکه است اسم معروف جوار است

خنفسا:

اسم معروف گبروله است
طب فریدی، خاتمه، ص: ۶

خنی:

و آن گیاهیست شبیه باشراس

خنیس:

حشیشه العلق و آن از قسم پودنه است

خوخ:

شفتالو

خوص النخل:

برگ درخت نخل

خولان:

رسوت

خیری اصغر:

قسم شبو است

داخلیون:

دوای مرکب است

دبق:

سیستان

دخن:

بهن‌دی کنگنی گوئند

درونج:

مشهور است

دقلی:

بفارسی خرزهره و بهن‌دی کنیر گویند

دقاق کندر:

ریزهای کندر

دل‌ب:

چنار را گویند

دلفین:

ماهی بزرگ است سیاه رنگ و آن را خنزیر البحر نیز خوانند.

دود الجراد:

بنات وردان است ماهیتش معلوم نه‌شد

دوقو:

تخم جزر است

دهنج:

سنگی سبز است اسم معروف دهان فرنگ

دهن الاجر:

دهن اگر و دهن المبارک نیز گویند

(ر)**رامک:**

دوای مرکب است

رجل الحمامه:

شنجار است و ابو الخلسا نیز گویند و اسم معروف رتن جوت است

رجله:

بقلة الحمقاء

رخمه:

مردارخوار را گویند

رطبه:

فصفصه است بفارسی اسپست خوانند

رعاد:

حیوان دریائی است

رعی الحمام:

بهندي ارهر گویند کبوتر وی را دوست دارد

رکب الفرس:

؟

طب فریدی، خاتمه، ص: ۷

روسفتج:

سنگ راسخ را گویند و آن مس محرق است

روی:

طالیقون است مراره روی یعنی زهره النحاس است-

ریباس:

معروف است خاصیت آن مثل حماض است-

(ز)**زباد:**

نوعی از طیب است از میان نافه جانوری گیرند

زعرور:

فقاح بری و جالینوس هلیون خواند.

زهره الملح:

نباتیست که در مصر بر روی آب می‌روید

زوفای خشک:

گیاهیست

زوفای رطب:

و آن چرکیست که در زیر کنج ران گوسفندان در بلاد ارمن برمی‌آید

زوفرا:

قسمی از خزامی بری است یعنی خیری بری یا تخم خیری است

(س)

ساج:

ساگون

ساسالیوس:

کاشم رومی است و بقول شیخ انجدان رومی است

سبج:

حجر السبج است

سبوط:

غلط ست صحیح شبوط است

سبوریج:

سجرنیا:

سدر:

بهندی بیر گویند

سرخس:

بیخی ست سیاه رنگ نر و ماده می باشد بهندی بسوره و کیل دارو و به بنگاله پنکهراج گویند

سرمق:

بهندی پالک گویند بعضی بتها گویند

سکر العشر:

شکری که از درخت آکه سازند

سالت:

از قسم جو است

سالحفات:

کچهوا

سلق:

نوعی از چقندر است

سلم:

نبق یعنی بیر است

سلمه:

شوکه قبطیه که آن را شوکه مصریه گویند و قرظ نیز گویند

سلوی:

بتیر

طب فریدی، خاتمه، ص: ۸

سمانی:

بتیر

سمسم:

بفارسى كنجد

سمک رضاض:

بهترین ماهی ست

سمن العتیق:

روغن زرد کهنه

سمید:

سفید میدی کی روتی

سبادج:

حجر المسن را گویند کردند اسم معروف است

سنبوسک:

سنبوسق و سنبوسه بهندی پوری گویند.

سندروس:

بهندی چندروس گویند و آن چیز است شبیه به کهربا

سنج:

غلط ست صحیح سهجنه است

سنجار:

کاهوی بری

سنگ یوف:

حجر یوف

سهجنه:

درختیست معروف و آن لغت هندی است

سهمانج:

بستان افروز

سیسالیوس:

ساسالیوس ست و آن کاشم رومی است

سیالیون:

؟ (باب ۱۳) غالباً سیالیوس است

(ش)

شبانک:

بنفسج الكلاب

شاهسفرم:

تلسی

شبوط:

نوعی از ماهی ست

شجره البق:

درخت پشه را گویند یا صرف پشه خوانند

شجره النبق:

درخت کنار

شجره مریم:

و آن بخور مریم است

شحم الاوز:

پیه مرغابی

شحم القاوند:

از ادویه مجهوله است یعنی اصلش معلوم نیست مانند پیه بسته است

شفانیز:

صحیح شفنین است که بهندی بگله گویند یا شفانه است که طائریست بزرگتر از حداه

شفانه:

طائریست بزرگتر از حداه

شفینن:

بگله

شمام:

نوعی از بطیخ کوچک است

شمس:

غلط مشمش صحیح است

طب فریدی، خاتمه، ص: ۹

شبلید و شنبلیت:

نوعی از حلبه است-

شوکه مصریه:

درخت قرظست بهندی کیکر گویند.

شونیز:

حبه السوداء را گویند

شهدانج:

بزر القنب

شیاف الآبار:

دوای مرکب برای چشم

شیاف ویزج:

دوائی مرکب است

شیان:

دم الاخوین را گویند بفارسی خون سیاوشان بهندی هیرادوکھی

شیح:

درمنه و بهترین آن ارمنی است

شیح جلی:

درمنه کوهی ست

شیرج:

دهن الخل و دهن سمس و روغن کنجد را گویند-

شیلم:

آن را زوان نیز نامند بفارسی گندم دیوانه

شئون:

شیان است

(ص)

صداء الحديد:

زنجار حدید

صدف الفرر:

نوعی از صدفت

صر صر:

حیوانیست کوچک مانند ملخ که بشب آواز کند

صفصاف:

خلاف یعنی بید ساده است

صقر:

مرغی ست که کنجشک را صید کند

صمغ البلاط:

چیزیست که از رخام و سنگ می سازند

صمغ السداب:

ثافسیا را گویند

صمغ العتیق:

عتیق گیاهیست متفرق مانند مرزنجوش و گویند قطعی از مسک خالص ست

صمک رضاض:

غلط ست - صحیح سمک رضاض

صندل قاصری:

صندل مقاصری می باید و آن صندل سفیدست

(ض)**ضبع:**

بجو

ضرو:

درخت لوبان

ضیب:

غلط است صحیح ذیب است بهندی بهیریا گویند.

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۰

(ط)**طالیسفر:**

پوست درختیست که در بلاد هند یافته می‌شود

طالیقون:

مس

طبرزد:

شکر معقود بفارسی نبات

طرائیث:

زب الارض و آن نباتیست

طرخشقوق:

جنگلی کاسنی یعنی هندبای بری را گویند

طرفا:

اسم معروف جهاو است و آن برگیست

طفال:

طین یابس است و بهترین آن از نیل مصرست

طلح:

موز است بهندی کیله نامند

طلع:

بهار خرما

طلق:

ابرك را گویند و عزق العروس نیز گویند

طلیس و طلینس:

صدف کوچک

طیهوج:

مرغیست کوهی کوچکتر از کبک

(ظ)

ظیان:

یاسمین تر

ظرو:

لوبان است

(ع)

عاطیس:

صحیح غاغاتیس است

عیشان:

داونه مروا

عیش:

غلط است عیثران صحیح

عبر:

نرجس

عذب:

نام درختیست و تشریحش معلوم نشد

عروق صفر:

هلدی

عرطیشا:

آذر بوست بفارسی چوبک نامند

عزیز:

کحل عزیزی می‌باید

عشر:

برگ درخت آک

عصی الراعی:

و آن بطباط است بهندی راجیگرا گویند اسم معروف لالساگ

عفص:

مازو

عقق:

صلصل را گویند و آن فاخته است

عکر الزيت:

دردی زیت

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۱

علک البطم:

صمغ درخت بن

علیق:

درختیست مشابه بدرخت گلاب بفارسی ورد و توت و سه گل نیز نامند

عنصل:

به فارسی پیاز دشتی و بهندی کانده و کندره گویند-

عود الاراک:

پیلوکی لکری

عود القرح:

بعضی عاقرقرا را گویند و بعضی وج را

عوسج:

نام درختیست

عین الحجل:

بهار صغیر

عین الکرنب:

(غ)

غار:

درختیست بزرگ بفارسی بهستان گویند

غاغاطیس:

حجر الحاغیطوس نیز گویند و آن سنگیست سنگین سیاه رنگ موسوم بوادی غاغا

غالبه:

معروف است از ادویه مرکبه قدیمه بهندی ابتن گویند

غبار الرحی:

بفارسی گرد آسیا نامند

غبیره:

بفارسی سنجد گویند ثمر درختیست

غرب:

درختیست بسیار بزرگ از جنس خلاف است

غری:

سریش

غری السمک:

سریشم ماهی

(ف)**فاشرا:**

نباتیست شبیه بتاک انگور و آن را کرمه البیضا نیز گویند.

فاوانیا:

عود صلیب

فراسیون:

علقمه - افتان سر بفارسی گندناى كوهى نامند

فشاغ:

نباتیست که بر شاخ انگور پیچیده شود

فصفصه:

بفارسی اسپست خوانند

فطر:

بهندی پهن چهرتر گویند

فطراسالیون:

تخم کرفس کوهی

فقاح:

غنچه و نور و زهر

فلفل الماء:

نباتیست که در آبها روید و زنجبیل کلاب نیز گویند

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۲

فلنجه:

تخمیست سرخ مانند خردل

فلوموس:

خیار را گویند

فلونان:

فاوانیا

فلونیا:

اسم معجون مرکب است

فورس:

قسم چهارم از هوفاریقون

(ق)**قاتل الذئب:**

خریق اسود یعنی کرکی

قناء الحمار:

خیارزه

قراصیا:

حب الملوک یعنی آلو بالو

قرح:**قرط:**

بفارسی شبدارو و ثمر آن را رسین نامند

قرع:

کدوی شیرین

قرومانا:

تخم توخره و بهندی کائپهل -

قسوس:

لبلاب بزرگ

قشور النحاس:

غالبا بمعنی قشیش النحاس یعنی ریزهای او است

قصب الفارسی:

قسمی از قصب است و گفته‌اند نی است

قصیبه:

تودری

قطران:

روغنست که از درخت عرعر گیرند

قطف:

پلک

قعرع

(باب صداع از گرمی آفتاب)؟

قفر الیهود:

معروف است از قسم مومیائی-

قلندیسی:

نوعی از زاج ست و اقوی ترین زاجات باشد

قلقطار:

نوعی از زاج ست بفارسی زاج شتر دندان خوانند

قلقنت:

قلقند زاج اصغر است

قلی:

سجی را گویند و شب عصفرا نیز گویند

قنا:

قنه - بارزد

قنابر:

جمع قنبره است

قنبره:

چندول چکاوک

قنیط:

گوبهی

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۳

قنبیل:

اسم معروف کمیله است قندر (ادویه مصدعه)؟

قندول:

دارشیشعان

قنطوریون دقیق:

و آن قنطوریون صغیر است که بر کنار آب می‌روید

قنغد:

خارپشت

قیشور:

حجر القیشور و حجر الشعیر نیز گویند و آن نوعی از کف دریاست

قیصوم:

برنجاسف و بهندی گندنا گویند

(ک)

کاوی:

نباتیست درخت وی مانند درخت خرما بود

کیش:

میندها

کتم:

وسمه از قسم نباتات است

کثر:

شحم النخل و پنیر نخل نیز گویند

کحل اغبر:

دوائی مرکب است

کر:

کراث را غلط کرده

کراث:

بهندی گندنا گویند

کرانی:

کرسنه:

حب البقر را گویند بهندی متری گویند و آن قسمی از متر است

کرفس:

اجمود

کرکر:

صنوبر کوچک

کرکی:

کلنگ را گویند

کرم:

درخت انگور

کرمه بیضا:

فاشرا

کرمه سودا:

فاشراستین نباتیست شبیه بفاشرا او لبلا

کرنب:

کرم کله

کزبره:

کشیز

کزبره الثعلب:

از قسم نباتیست

کشکینه:

خیز شعیر

کفری:

غلاف شگوفه نخل خرما است

کما:

بسباسه یعنی جوتری

کماه:

عربی نبات الرعد گویند

کماذریوس:

بلوط الارض بفارسی رانداروی تلخ گویند

کماشیر:

صمغیست مانند جواشیر (جاوشیر) و گویند صمغ کرفس کوهی است که فطراسالیون تخم آن است

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۴

(J)**اشاره**

لباب المرغیل؟ (درد سر بارد)

لباب:

عشقه اسم معروف چاندنی است

لوف:

نباتیست و سه قسم می‌باشد قسم اول را لوف الکبیر و لوف الارقط و لوف الحیه نامند قسم ثانی را لوف الجعد و قسم ثالث را لوف

صغیر گویند

لوف الجعد:

قسم ثانی از لوف ست و آن را فیل جوش و فیل گوش نیز نامند

لوف السبط:

نوعی از لوف است یا قسم اول از لوف

(م)

ماء القبری:

غلط است ماء الکبریتی باید [۲۲]

طب فریدی ؛ خاتمه ؛ ص ۱۴

ماعز:

معز- بکرا- بکری

مامینا:

معروف است و مفید اکثر امراض چشم را

ماهودانه:

گیاهست معروف

مخروث:

بیخ انجدان

مخیض:

دوغ

مرماحوز:

نوعی از مرو است

مسحوقینیا:

زبد سنگ قواریر است بفارسی کف آبگینه

مسطار:

خمر نارسیده

مشمش:

زردآلو

مغموما:

قلیه بادنجان

ملوخیا:

خبازی بستانی

مهر:**(ن)****ناردین:**

سنبل رومی -

نبق:

کنار و بهندی بیر

نحاس قبرسی:

مس سرخ مائل بزردی

نحاس محرق:

سنگ را سخت و روسختج نیز گویند

ندی:

تری - شب‌نم

نرسک:

اسم فارسی عدس است

نظرون:

اسم معروف جواکهار است

نعامه:

شتر مرغ

نعجه:

بهن‌دی بهیر گویند

طب فریدی، خاتمه، ص: ۱۵

نقط:

زیت الجبل

نمام:

نام حشیش است که بوی تیز دارد بفارسی سینبر و سه سنبل نیز گویند

نیشوق:

ادرک

(و)**ودع:**

خرمهره یعنی کوری

ورد الحمیر:

نوعی از عود صلیب است.

وردشاد:

مرغیست که آن را مرغ الهی گویند.

ورشان:

غالباً وردشاد است

وسمه:

حب النیل

وطواط:

خفاش

وعل:

نوعی از ایل است

ویزج:

شیاف ویزج است و آن دوی مرکب است

(ه)**هوفاریقون:**

نباتیست

(ی)**بیروج:**

بیخ تفاح بری و بهندی لچه‌مننا لچه‌منی گویند

یتوع:

هر نباتی که وی را لبن بود و محرق و مسهل و مقطع بود مانند شبرم و ماذریون- [۲۳]

طب فریدی

طب فریدی

مشخصات کتاب:

کتاب طب فریدی و ویژگی‌های آن

مقدمه -

باب - اول در علاج درد سر که از گرمی باشد

گل سرخ ص : ۱

شکوفه مهدی ص : ۱

خشخاش ص : ۱

آب کدو ص : ۱

ساگ خرفه ص : ۱

مروارید ص : ۱

کفری ص : ۱

پوش در بندی ص : ۱

بیروج ص : ۱

غبیرا ص : ۲

اکلیل الهلک ص : ۲

مامیثا ص : ۲

غرب ص : ۲

جفت بلوط ص : ۲

ساج ص : ۲

کموننی ص : ۲

روغن بنفشه ص : ۲

قشر ص : ۲

انزروت ص : ۲

شفتالو ص : ۲

بنفشه ص : ۲

کافور ص : ۲

- نیلوفر ص : ۲
- صندل سفید ص : ۲
- برگ انگور ص : ۲
- شاه چینی ص : ۲
- اسبغول ص : ۲
- کشنیز خشک ص : ۲
- گشنیز، سبز ص : ۲
- بید ص : ۲
- طحلب ص : ۳
- کتیرا ص : ۳
- خثی ص : ۳
- تاج خروس ص : ۳
- زعرور ص : ۳
- مامیثا ص : ۳
- بارتنگ ص : ۳
- به ص : ۳
- لیمو ص : ۳
- تمر هندی ص : ۳
- ساگ چونجه ص : ۳
- سدی ص : ۳
- خطاف ص : ۳
- باقلا ص : ۳
- خرگوش ص : ۳
- خبث الحديد ص : ۳
- لفاح ص : ۳
- خمیر ص : ۳
- افیون ص : ۳
- صبر ص : ۴
- نشاسته گندم ص : ۴
- لبن الجاریه ص : ۴
- کاهو ص : ۴
- آلو بخارا ص : ۴
- کرم ص : ۴

- عناّب ص : ۴
 بهرامج ص : ۴
 شمامه ص : ۴
 انار ترش ص : ۴
 روغن گل ص : ۴
 بیضه ص : ۴
 عدس ص : ۴
 خولان ص : ۴
 به ص : ۴
 کمون ص : ۴
 روغن به ص : ۴
 نیل ص : ۴

باب - دوم در علاج درد سری که از سردی باشد

- ایرسا ص : ۵
 غالیه ص : ۵
 زیتون ص : ۵
 سلیخه ص : ۵
 خرنوب شامی ص : ۵
 صبر ص : ۵
 مامیران ص : ۵
 فرفیون ص : ۵
 عنبر ص : ۵
 اگر ص : ۵
 نرگس ص : ۵
 ناردین ص : ۵
 محموده ص : ۵
 بیخ پنجنگشت ص : ۶
 نمام ص : ۶
 نعناع ص : ۶
 مرزنجوش ص : ۶
 آزاد درخت ص : ۶
 نسرین ص : ۶
 سکینج ص : ۶

- سداب ص : ۶
- راوند چینی ص : ۶
- حندقوقی ص : ۶
- قطران ص : ۶
- حرف ص : ۶
- نوشادر ص : ۶
- جند بیدستر ص : ۶
- بابونج ص : ۶
- خولنجان ص : ۷
- مر و تمام ص : ۷
- اشق ص : ۷
- قنا ص : ۷
- بندق ص : ۷
- فسوش ص : ۷
- قصه الحمار ص : ۷
- نظرون ص : ۷
- زهرة بز ص : ۷
- غار ص : ۷
- بادام تلخ ص : ۷
- شعر الانسان ص : ۷
- حماما ص : ۷
- مومیائی ص : ۷
- بعس ص : ۸
- بادرنجبویه ص : ۸
- بقله یمانیا ص : ۸
- کیابه ص : ۸
- جوزبوا ص : ۸
- اکلیل الملک ص : ۸
- حرمل ص : ۸
- فلفل ص : ۸
- دارچینی ص : ۸
- مرارة الضبع ص : ۸
- تریاق ص : ۸

- هللیج کابلی ص : ۸
 شیت ص : ۸
 شیخ ارمنی ص : ۸
 شونیز ص : ۸
 جاوشیر ص : ۹
 لاذن ص : ۹
 بورق ص : ۹
 زنجبیل ص : ۹
 اذخر ص : ۹
 بلسان ص : ۹
 حنظل ص : ۹
 شیطرج ص : ۹
 قسط ص : ۹
 حلتیت ص : ۹
 ارنب ص : ۹
 کرنب ص : ۹
 ظیان ص : ۹
 خری السنور ص : ۹
 خطاف ص : ۱۰
 مرایر ص : ۱۰
 سوسن سفید ص : ۱۰
 انیسون ص : ۱۰
 یاسمین ص : ۱۰
 قرنفل ص : ۱۰
 نانخواه ص : ۱۰
 نارنج ص : ۱۰
 زباد ص : ۱۰
 کندر ص : ۱۰
 برنجاسف ص : ۱۰
 خردل ص : ۱۰
 سلق ص : ۱۰
 مسلوق ص : ۱۰
 حمام ص : ۱۰

- فاوانیه ص : ۱۰
- قندول ص : ۱۱
- زرنباد ص : ۱۱
- اترج ص : ۱۱
- قاقله کبیر ص : ۱۱
- اللوز المر ص : ۱۱
- آس ص : ۱۱
- لبلاب ص : ۱۱
- نخاله گندم ص : ۱۱
- سمسم ص : ۱۱
- انجمشک ص : ۱۱
- زراوند مدحرج ص : ۱۱
- کرم پری ص : ۱۱
- دهن البان ص : ۱۱
- طلق محللول ص : ۱۱
- شحم الاوز ص : ۱۱
- عروق صفر ص : ۱۲
- عدس ص : ۱۲
- الورد الیابس ص : ۱۲
- غاریقون ص : ۱۲
- سرو ص : ۱۲
- سنبل الطیب ص : ۱۲
- شاهسفرم ص : ۱۲
- خیری الصفر ص : ۱۲
- اشق ص : ۱۲
- صدف المحرق ص : ۱۲
- راتینج ص : ۱۲
- قفر اليهود ص : ۱۲
- رامک ص : ۱۲
- افتیمون ص : ۱۲
- علک البطم ص : ۱۲
- سورنجان ص : ۱۲
- رعی الحمام ص : ۱۲

حب الکلی ص : ۱۲

بذر الريحان ص : ۱۲

کراث ص : ۱۲

سندروس ص : ۱۳

واج ص : ۱۳

مصطگی ص : ۱۳

مرارة الديك ص : ۱۳

دهن الناردین ص : ۱۳

حنا ص : ۱۳

مشمش ص : ۱۳

بلوط ص : ۱۳

الملح و الجاوس ص : ۱۳

خيارشبر ص : ۱۳

افستین ص : ۱۳

قرومانا ص : ۱۳

مرو ص : ۱۳

بول الانسان ص : ۱۳

قطر ص : ۱۳

ثوم ص : ۱۳

اسطوخودوس ص : ۱۳

فجل ص : ۱۳

شیر املج ص : ۱۳

مسک ص : ۱۳

اشنان اخضر ص : ۱۳

سنامکی ص : ۱۳

راسن ص : ۱۳

شراب ریحانی ص : ۱۳

خلد ص : ۱۳

باب سیوم در علاج صداع که حادث شود از گرمی آفتاب

سمسم ص : ۱۴

بقله یمانیه ص : ۱۴

اندربار ص : ۱۴

فلوموس ص : ۱۴

- بزرقطونا ص : ۱۴
- بقله الحمقا ص : ۱۴
- دهن الورد ص : ۱۴
- سفرجل ص : ۱۴
- مامیثا ص : ۱۴
- زهر الحنا ص : ۱۴
- اللوز الحلو ص : ۱۴
- حی العالم ص : ۱۴
- قنطوریون ص : ۱۴
- فوفل ص : ۱۴
- خشخاش ص : ۱۴
- الأدویة النافعة بالخاصیة ص : ۱۴
- مرجان ص : ۱۴
- یشب ص : ۱۴
- حجر الحیه ص : ۱۴
- فوه الصبغ ص : ۱۴
- رخمه ص : ۱۴
- رعاد ص : ۱۵
- حجر السبج ص : ۱۵
- سداب ص : ۱۵
- فصل فی الادویة المصدعة ص : ۱۵
- اظفار الطیب ص : ۱۵
- مر ص : ۱۵
- قنب ص : ۱۵
- کندر ص : ۱۵
- کبر ص : ۱۵
- کراث الشامی و النبئی و المصری ص : ۱۵
- خردل ص : ۱۵
- ترنجان ص : ۱۵
- شیت ص : ۱۵
- فرنجمشک ص : ۱۵
- شراب العنب العتیق ص : ۱۵
- کرسنه ص : ۱۵

- ثوم ص : ۱۵
- مر ص : ۱۵
- بصل ص : ۱۵
- تمر ص : ۱۵
- زعفران ص : ۱۵
- جرجیر ص : ۱۵
- خیری ص : ۱۵
- التوت الحلو ص : ۱۵
- عوسج ص : ۱۵
- صنوبر ص : ۱۵
- کماء ص : ۱۵
- حلبه مطبوخ ص : ۱۵
- جعهه جبلیه ص : ۱۵
- میفختج ص : ۱۵
- بزر الکتان ص : ۱۵
- حب القلقل ص : ۱۵
- باب - چهارم در علاج درد نیم سر یعنی شقیقه
- بیض النمل ص : ۱۶
- دهن الناردین ص : ۱۶
- باز ص : ۱۶
- مرزنجوش ص : ۱۶
- بسباسه ص : ۱۶
- وسخ الاذن من الانسان ص : ۱۶
- جوز ص : ۱۶
- مومیائی ص : ۱۶
- شونیز ص : ۱۶
- شیح ارمنی ص : ۱۶
- غار ص : ۱۶
- راسن ص : ۱۶
- ریته ص : ۱۶
- رخمه ص : ۱۶
- قندول ص : ۱۶
- کبابه ص : ۱۶

- خربق اسود ص : ۱۶
زعفران ص : ۱۶
خولنجان ص : ۱۶
خرنوب نبطی ص : ۱۶
خوخ ص : ۱۶
اذخر ص : ۱۶
مقل ازرق ص : ۱۶
حنظل ص : ۱۶
عنبر ص : ۱۷
مسک ص : ۱۷
فرفیون و جندیدستر ص : ۱۷
الطیب العتیق ص : ۱۷
ثوم ص : ۱۷
جوز السرو ص : ۱۷
اشق ص : ۱۷
زنجبیل ص : ۱۷
زر اوند مدحرج ص : ۱۷
سداب ص : ۱۷
زر اوند طویل ص : ۱۷
قطن ص : ۱۷
خیارشنبیر ص : ۱۷
راوند ص : ۱۷
یاسمین ص : ۱۷
جوزبوا ص : ۱۷
حنا ص : ۱۷
لوز مر ص : ۱۷
تمر هندی ص : ۱۷
اشنان ص : ۱۷
شبت ص : ۱۷
اکلیل الملک ص : ۱۷
ظیان ص : ۱۷
بوم ص : ۱۸
حب البلسان ص : ۱۸

- رازیانج ص : ۱۸
- حندقوقی ص : ۱۸
- ایرسا ص : ۱۸
- رامک ص : ۱۸
- خسک ص : ۱۸
- خطمی ص : ۱۸
- شعر الانسان ص : ۱۸
- حرف ص : ۱۸
- ریتہ ص : ۱۸
- لولو ص : ۱۸
- کزبرہ خضرا ص : ۱۸
- نسرین ص : ۱۸
- نیلوفر ص : ۱۸
- املج ص : ۱۸
- غاشرا ص : ۱۸
- خرنوب شامی ص : ۱۸
- شاهسفرم ص : ۱۸
- مشمش ص : ۱۸
- خردل ص : ۱۸
- مرارة المعز ص : ۱۸
- مشمش ص : ۱۸
- یتوع ص : ۱۸
- ناردین ص : ۱۸
- فستق ص : ۱۸
- شراب العتیق ص : ۱۹
- مر ص : ۱۹
- سندروس ص : ۱۹
- سلق ص : ۱۹
- محموده ص : ۱۹
- نمام ص : ۱۹
- اوز ص : ۱۹
- اهلیج کابلی ص : ۱۹
- مامیران چینی ص : ۱۹

تریاق فاروق ص : ۱۹

بنج ص : ۱۹

لحم البقر ص : ۱۹

دقیق الحنطه ص : ۱۹

سمسم ص : ۱۹

طرفا ص : ۱۹

نرجس ص : ۱۹

بابونج ص : ۱۹

خیری ص : ۱۹

قصب ص : ۱۹

الزریره ص : ۱۹

اترج ص : ۱۹

سنبل ص : ۱۹

کرم ص : ۱۹

زرنباد ص : ۲۰

کبریت ص : ۲۰

ضبع ص : ۲۰

مداد الکتاب ص : ۲۰

خل ص : ۲۰

عفص ص : ۲۰

زیت ص : ۲۰

باب - پنجم در علاج سدر و دوار

عنصل ص : ۲۰

زرا و ندمد حرج ص : ۲۰

حب البلسان ص : ۲۰

کزیره یالبسه ص : ۲۰

راوند ص : ۲۰

مومیائی ص : ۲۰

شاهسفرم ص : ۲۱

بهمن ایض ص : ۲۱

انیسون ص : ۲۱

دهن البلسان ص : ۲۱

زبل الحمام ص : ۲۱

- فاشرا ص : ۲۱
- حرف ص : ۲۱
- قنه ص : ۲۱
- ریطه ص : ۲۱
- عود البلسان ص : ۲۱
- تمر هندی ص : ۲۱
- خولنجان ص : ۲۱
- مشمس ص : ۲۱
- لیمون ص : ۲۱
- هللیج اصففر ص : ۲۱
- هللیج کابلی ص : ۲۱
- غاریقون ص : ۲۱
- قنطوریون ص : ۲۱
- عاقرقرحا ص : ۲۱
- جندیبستر ص : ۲۱
- شونیز ص : ۲۱
- مشک ص : ۲۱
- مرزنجوش ص : ۲۱
- خردل ص : ۲۱
- حنظل ص : ۲۱
- بنفسج ص : ۲۱
- نیلوفر ص : ۲۱
- صبر ص : ۲۱
- جلنار ص : ۲۱
- اقاقیا ص : ۲۱
- صبر و عقص ص : ۲۱
- کندش ص : ۲۱
- عطسا ص : ۲۱
- بقله الحمقا ص : ۲۱
- فلفل ص : ۲۱
- ایارج فیکرا ص : ۲۱
- بابونج ص : ۲۱
- اکلیل الملک ص : ۲۲

- صعتر ص : ۲۲
- شیخ الجبلی ص : ۲۲
- قیصوم ص : ۲۲
- غار ص : ۲۲
- مامیثا ص : ۲۲
- دارفلفل ص : ۲۲
- سکینج ص : ۲۲
- خل ص : ۲۲
- آس ص : ۲۲
- حماما ص : ۲۲
- دهن الخل ص : ۲۲
- شبت ص : ۲۲
- برنجاسف ص : ۲۲
- مصطکی ص : ۲۲
- عود البخور ص : ۲۲
- عدس ص : ۲۲
- افستین ص : ۲۲
- شابانک ص : ۲۲
- اسطوخودوس ص : ۲۲
- اترج ص : ۲۲
- جعه ص : ۲۲
- جنطیانه ص : ۲۲
- خولان ص : ۲۲
- هلتیت ص : ۲۲
- باب - ششم در علاج سبات
- خل ص : ۲۳
- جندبیدستر ص : ۲۳
- حاشا ص : ۲۳
- فودنج ص : ۲۳
- فلفل ص : ۲۳
- شونیز ص : ۲۳
- حمام ص : ۲۳
- نمام بیخ ص : ۲۳

- نطرون ص : ۲۳
- انجره ص : ۲۳
- ملح ص : ۲۳
- جاورس ص : ۲۳
- خردل ص : ۲۳
- ایارج ص : ۲۳
- حمص احمر ص : ۲۴
- لبن البلسان ص : ۲۴
- جاوشیر ص : ۲۴
- باب - هفتم در علاج جمود
- بابونج ص : ۲۴
- شبت ص : ۲۴
- اکلیل الملک ص : ۲۴
- زنیق ص : ۲۴
- افتیمون ص : ۲۴
- غاریفون ص : ۲۴
- حمام ص : ۲۴
- اهلیج ص : ۲۴
- حنظل ص : ۲۴
- سلیخه ص : ۲۴
- حاشا ص : ۲۴
- دقلی ص : ۲۴
- سنبل ص : ۲۴
- اسطوخودوس ص : ۲۴
- مرزنجوش ص : ۲۴
- سنامکی ص : ۲۴
- زنجبیل ص : ۲۴
- برنج و اکلیل الملک ص : ۲۴
- باب - هشتم در علاج سبات سهری
- نمام ص : ۲۵
- قسط ص : ۲۵
- خردل ص : ۲۵
- نسرین ص : ۲۵

- فوتنج ص : ۲۵
- حاشا ص : ۲۵
- قرنفل ص : ۲۵
- تین ص : ۲۵
- شونیز ص : ۲۵
- سنا ص : ۲۵
- مویزک ص : ۲۵
- جندیستر ص : ۲۵
- صعتر ص : ۲۵
- فوتنج ص : ۲۵
- نطرون ص : ۲۵
- عاققرحا ص : ۲۶
- عنصل ص : ۲۶
- ایارج لوغاذیا ص : ۲۶
- کندش ص : ۲۶
- حنظل ص : ۲۶
- لوز حلو ص : ۲۶
- حاشا ص : ۲۶
- جاورس ص : ۲۶
- صبر ص : ۲۶
- قسط ص : ۲۶
- ایارج فیکرا ص : ۲۶
- بابونج ص : ۲۶
- پنجکشت ص : ۲۶
- لفل ایض ص : ۲۶
- باب - نهم در علاج سهر خشخاش
- نیلوفر ص : ۲۶
- شعیر ص : ۲۷
- خس ص : ۲۷
- کزیره خضراء ص : ۲۷
- لبن الماعز ص : ۲۷
- صبر ص : ۲۷
- باقلا ص : ۲۷

- زعفران ص : ۲۷
- سنه ص : ۲۷
- اقحوان ص : ۲۷
- مرماحور ص : ۲۷
- شبت ص : ۲۷
- لقاح ص : ۲۸
- افیون ص : ۲۸
- میعه ص : ۲۸
- تفاحه منوم ص : ۲۸
- میعه ص : ۲۸
- قرن المعز ص : ۲۸
- قرن الغزا البيضاء ص : ۲۸
- حماما ص : ۲۸
- شاهسفرم ص : ۲۸
- شقایق النعمان ص : ۲۸
- ارشا ص : ۲۸
- ورد ص : ۲۸
- اذخر ص : ۲۸
- ابن عرس ص : ۲۸
- خیار ص : ۲۸
- تفاح ص : ۲۸
- قرع ص : ۲۸
- لوز حلو ص : ۲۹
- کرنب ص : ۲۹
- دارچینی ص : ۲۹
- مرزنجوش ص : ۲۹
- صفر ص : ۲۹
- بیروج ص : ۲۹
- بنفسج ص : ۲۹
- دستنبویه ص : ۲۹
- تفاحه ص : ۲۹
- جوز مائل ص : ۲۹
- زهرة اقحوان صمغ عربی ص : ۲۹

- سلم ص : ۲۹
- لازورد ص : ۲۹
- الخیز الحواری ص : ۲۹
- عنب الثعلب ص : ۲۹
- کاکنج ص : ۲۹
- جوزبویا ص : ۲۹
- زهر الحنا ص : ۲۹
- شراب ص : ۲۹
- تعلیق ص : ۲۹
- صبر ص : ۳۰
- دارشیشعان ص : ۳۰
- حلبه ص : ۳۰
- أرز ص : ۳۰
- زمرد ص : ۳۰
- تفاحه ص : ۳۰
- مر ص : ۳۰
- افیون ص : ۳۰
- زعفران ص : ۳۰
- مامیسا ص : ۳۰
- اصل الیروج ص : ۳۰
- اشنه ص : ۳۰
- تودری ص : ۳۰
- تفاحه اخرى ص : ۳۰
- تفاحه اخرى ص : ۳۰
- بزر السوسن ص : ۳۰
- تفاحه اخرى ص : ۳۰
- نبات البنج ص : ۳۰
- فصل در ادویه مانع نوم ردیه ص : ۳۰
- شب یمانی ص : ۳۰
- بلور ص : ۳۱
- بقلة الحمقا ص : ۳۱
- ذهب ص : ۳۱
- حمام ص : ۳۱

- ذئب ص : ۳۱
- حجر الزجاج ص : ۳۱
- عاققرحا ص : ۳۱
- کافور ص : ۳۱
- ذئب ص : ۳۱
- سرطان ص : ۳۱
- فاخته ص : ۳۱
- بلبل ص : ۳۱
- خفاش ص : ۳۱
- غراب ص : ۳۱
- جوز ص : ۳۱
- فصل در دواهایی که خواب‌هائی ردیه در خواب پیدا کند ص : ۳۱
- کراث ص : ۳۱
- لویبای مسلوق ص : ۳۱
- باقلا ص : ۳۱
- شراب ص : ۳۱
- قنیط ص : ۳۱
- باب - دهم در علاج سرسام
- اکلیل الملک ص : ۳۲
- شعیر ص : ۳۲
- بابونج ص : ۳۲
- نیلوفر ص : ۳۲
- بابونج ص : ۳۲
- خس ص : ۳۲
- خشخاش ص : ۳۲
- اسفناخ ص : ۳۲
- خطمی ص : ۳۲
- حی العالم ص : ۳۲
- فاشرا ص : ۳۲
- خیز الحواری ص : ۳۲
- لبن النساء ص : ۳۲
- زبد ص : ۳۲
- افیون ص : ۳۲

- ورد ص : ۳۲
- بطیخ اصفر ص : ۳۳
- علیق ص : ۳۳
- بندق ص : ۳۳
- سویق الشعیر ص : ۳۳
- طحلب ص : ۳۳
- زعفران ص : ۳۳
- خوخ ص : ۳۳
- عنب الثعلب ص : ۳۳
- سمسم ص : ۳۳
- باب - یازدهم در علاج نسیان
- هللیج کابلی ص : ۳۳
- جوز السرو ص : ۳۳
- زعفران ص : ۳۳
- تین ص : ۳۳
- جندیدستر ص : ۳۳
- اسارون ص : ۳۳
- ایرسا ص : ۳۳
- فلقل اسود ص : ۳۳
- هدهد ص : ۳۳
- جعدده کوهی ص : ۳۴
- قرن الماعز ص : ۳۴
- کرکی ص : ۳۴
- فرفیون ص : ۳۴
- زیت ص : ۳۴
- نظرون ص : ۳۴
- ضرو ص : ۳۴
- طیهوج ص : ۳۴
- شفانیز ص : ۳۴
- مسک ص : ۳۴
- جوزبوا ص : ۳۴
- حب البلسان ص : ۳۴
- جاوشیر ص : ۳۴

- شعر الانسان ص : ۳۴
- بلادر ص : ۳۴
- سذاب ص : ۳۴
- راوند ص : ۳۴
- ضبع ص : ۳۴
- بقله یمانیه ص : ۳۴
- بقلة الحمقا ص : ۳۴
- خبازی ص : ۳۴
- خفاش ص : ۳۴
- ضان ص : ۳۴
- وج ص : ۳۴
- کندر ص : ۳۴
- خردل ص : ۳۴
- عاج ص : ۳۴
- نسرین ص : ۳۵
- حجل ص : ۳۵
- نارجیل ص : ۳۵
- کندر ص : ۳۵
- صمغ عربی ص : ۳۵
- بهمن احمر ص : ۳۵
- نمام ص : ۳۵
- اوز ص : ۳۵
- اسطوخودوس ص : ۳۵
- اکلیل الملک ص : ۳۵
- حرف ص : ۳۵
- انجدان ص : ۳۵
- بادرنجبویه ص : ۳۵
- لفل ایض ص : ۳۵
- زنجبیل ص : ۳۵
- ققاح اذخر ص : ۳۵
- شیراملج ص : ۳۵
- بندق ص : ۳۵
- دارچینی ص : ۳۵

- املج ص : ۳۵
میعه ص : ۳۵
زیب ص : ۳۵
زیب از خسته ص : ۳۵
ذئب ص : ۳۵
دجاج ص : ۳۵
سوسن ایض ص : ۳۵
لوز الحلو ص : ۳۵
حماما ص : ۳۵
هللیج هندی ص : ۳۵
دهن الاجر ص : ۳۵
کیش ص : ۳۶
ایارج فیکرا ص : ۳۶
بقر ص : ۳۶
ثوم ص : ۳۶
قرن المعز ص : ۳۶
دهن الخردل ص : ۳۶
حاشا ص : ۳۶
کبریت ص : ۳۶
سرو ص : ۳۶
فوتنج ص : ۳۶
ضب ص : ۳۶
سنبل ص : ۳۶
ناردین ص : ۳۶
سعد ص : ۳۶
سمن البقر ص : ۳۶
ثعلب ص : ۳۶
فجل ص : ۳۶
عشبه ص : ۳۶
حلبه ص : ۳۶
دارفلفل ص : ۳۶
حمص احمر ص : ۳۶
فصل ص : ۳۶

برنجاسف ص : ۳۶

بادروج ص : ۳۶

کزبره خضرا ص : ۳۶

لوییا ص : ۳۶

باقلا ص : ۳۶

خمر ص : ۳۶

خس ص : ۳۶

خشخاش ص : ۳۶

باب - دوازدهم در علاج مالیخولیا

لسان الثور ص : ۳۶

اصل لسان الثور المحرق ص : ۳۶

ریتة ص : ۳۶

لازورد ص : ۳۶

بادرنجبویه ص : ۳۷

افتیمون ص : ۳۷

بزرقطونا ص : ۳۷

دجاج ص : ۳۷

بسفایج ص : ۳۷

صعتر ص : ۳۷

فرنجمشک ص : ۳۷

رمان ص : ۳۷

درونج ص : ۳۷

دراج ص : ۳۷

خشخاش ص : ۳۷

سرمق ص : ۳۷

قرع ص : ۳۷

هللیج اسود ص : ۳۷

حجر ارمنی ص : ۳۷

دواء المسک الحلو ص : ۳۷

نیلوفر ص : ۳۷

بنفسج ص : ۳۷

حلیب الماعز ص : ۳۷

هندبا ص : ۳۷

- خس ص : ۳۷
- صبر ص : ۳۷
- الشراب الريحاني المقطر الحلو ص : ۳۸
- حنظل ص : ۳۸
- دم الاخوين ص : ۳۸
- سلت ص : ۳۸
- ماء الجبن ص : ۳۸
- مسك ص : ۳۸
- دخن ص : ۳۸
- جدى ص : ۳۸
- طيهوج ص : ۳۸
- دراج ص : ۳۸
- حمل ص : ۳۸
- ترياق فاروق ص : ۳۸
- سكنجين السكرى ص : ۳۸
- افستين ص : ۳۸
- اقحوان اليباس ص : ۳۸
- حاشا ص : ۳۸
- فرنجمشك ص : ۳۸
- سوسن ص : ۳۸
- لوز ص : ۳۸
- بندق ص : ۳۸
- سمك الصيداء ص : ۳۸
- سرطان ص : ۳۸
- قطف ص : ۳۸
- خبازى ص : ۳۸
- قصب السكر ص : ۳۸
- بيض الدجاج ص : ۳۸
- حى العالم گرما گرم ص : ۳۸
- فراريج ص : ۳۸
- دهن حب القرع ص : ۳۸
- حب البلسان ص : ۳۸
- خربق اسود ص : ۳۸

- عود ص : ۳۸
- سمسم ص : ۳۸
- مصطکی ص : ۳۸
- کرم بیضاء ص : ۳۸
- آملج ص : ۳۸
- اترج ص : ۳۸
- باب - سیزدهم در علاج صرع
- شراب ص : ۳۹
- دیک ص : ۳۹
- قطران ص : ۳۹
- کزبره ص : ۳۹
- سداب ص : ۳۹
- فوانیا ص : ۳۹
- سلحفات نهری ص : ۳۹
- بلادر ص : ۳۹
- مرارة البقر ص : ۳۹
- حجل ص : ۳۹
- ریته ص : ۳۹
- حمار الوحش ص : ۳۹
- ثعلب ص : ۳۹
- کلب اسود ص : ۳۹
- قیصوم مدقوق ص : ۳۹
- ابن عرس ص : ۴۰
- حمار اهلی ص : ۴۰
- اسطوخودوس ص : ۴۰
- ذیب ص : ۴۰
- جوز رومی ص : ۴۰
- زبد ركب فرس ص : ۴۰
- قنه ص : ۴۰
- غاریقون ص : ۴۰
- سکینج ص : ۴۰
- فاشرا ص : ۴۰
- کر مه بیض ص : ۴۰

- گربه سودا ص : ۴۰
- عنصل ص : ۴۰
- فاوانیا ص : ۴۰
- قرومانا ص : ۴۱
- حمل ص : ۴۱
- غالیه ص : ۴۱
- لاذن ص : ۴۱
- مرارة الضب ص : ۴۱
- اسطوخودوس ص : ۴۱
- حندقوقی ص : ۴۱
- اذن الفارة ص : ۴۱
- تریاق فاروق ص : ۴۱
- زراوند ص : ۴۱
- زبرجد ص : ۴۱
- حلتیت ص : ۴۱
- خربق ایض ص : ۴۱
- مشک ص : ۴۱
- اقحوان ص : ۴۱
- قاقله کبری ص : ۴۲
- قاقله صغری ص : ۴۲
- کبریت ص : ۴۲
- لسان الحمل ص : ۴۲
- الآس البری ص : ۴۲
- نسر ص : ۴۲
- ضب ص : ۴۲
- سقنقور ص : ۴۲
- قسطس ص : ۴۲
- یاسمین ص : ۴۲
- سلحفاء ص : ۴۲
- هدهد ص : ۴۲
- جندیستر ص : ۴۲
- کزیره خضراء ص : ۴۲
- سلوی ص : ۴۲

- حنا ص : ۴۲
- تین ص : ۴۲
- ذهب خالص ص : ۴۲
- شیطرج ص : ۴۳
- خبطیانا ص : ۴۳
- غافث عراقی ص : ۴۳
- بادروج ص : ۴۳
- دارشیشعان ص : ۴۳
- دراج ص : ۴۳
- ایرسا ص : ۴۳
- زنجبیل ص : ۴۳
- لفل ص : ۴۳
- فرفیون ص : ۴۳
- غزال ص : ۴۳
- نوشادر ص : ۴۳
- قناء الحمار ص : ۴۳
- کبر ص : ۴۳
- سمک المالح ص : ۴۳
- سکنجبین العسلی ص : ۴۳
- مراره الطیور ص : ۴۳
- میعه سایله ص : ۴۳
- نیز ص : ۴۳
- مشک ص : ۴۳
- جزر ص : ۴۳
- برنج کابلی ص : ۴۳
- کماذریوس ص : ۴۳
- اشق ص : ۴۳
- شیخ ارمنی ص : ۴۳
- پنجگشت ص : ۴۳
- سلحفات النهریه ص : ۴۳
- غالیه ص : ۴۳
- حمت ص : ۴۳
- دهنج ص : ۴۳

- بادزهر المعدنی ص : ۴۳
- عود الاراک ص : ۴۳
- لک ص : ۴۴
- راوند چینی ص : ۴۴
- خولنجان ص : ۴۴
- مارقشیشا ذهبی ص : ۴۴
- شاهسفرم ص : ۴۴
- ماغز ص : ۴۴
- یشم ص : ۴۴
- حماما ص : ۴۴
- خبث الحديد ص : ۴۴
- خریق اسود ص : ۴۴
- غار ص : ۴۴
- دهن الاذخر ص : ۴۴
- حرملم ص : ۴۴
- سمانی ص : ۴۴
- مومیائی ص : ۴۴
- ضأن ص : ۴۴
- بادروج ص : ۴۴
- اصابع صفر ص : ۴۴
- اشنه ص : ۴۴
- جاوشیر ص : ۴۴
- اسد ص : ۴۴
- خصیة الثعلب الكبير ص : ۴۴
- وج ص : ۴۴
- س؟؟؟ ص : ۴۴
- عاققرحا ص : ۴۵
- اظفار الطیب ص : ۴۵
- جلد ص : ۴۵
- افستین ص : ۴۵
- هللیج کابلی ص : ۴۵
- شعر الانسان ص : ۴۵
- مرارة الضبع ص : ۴۵

- افتیمون ص : ۴۵
- لبن البلسان ص : ۴۵
- عود البلسان ص : ۴۵
- حب البلسان ص : ۴۵
- جدی ص : ۴۵
- فوه ص : ۴۵
- یبروج ص : ۴۵
- حجر العتیق ص : ۴۵
- دهن حب الفاوانه ص : ۴۵
- انفحه ص : ۴۵
- برنوف ص : ۴۵
- حجر الجرح ص : ۴۵
- جعه ص : ۴۵
- حب الصنوبر الصغار ص : ۴۵
- کاشم ص : ۴۵
- قفر الیهود ص : ۴۵
- زبد البحر ص : ۴۵
- کبریت ص : ۴۵
- سلیخه ص : ۴۵
- حجر غاغطیس ص : ۴۵
- حجر الماس ص : ۴۵
- یاقوت ص : ۴۵
- باب - چهاردهم در علاج سکنه
کنش ص : ۴۶
- خریق ایض ص : ۴۶
- مسک ص : ۴۶
- لفل ص : ۴۶
- شونیز ص : ۴۶
- خردل ص : ۴۶
- جندیب دستر ص : ۴۶
- سکینج ص : ۴۶
- سنبل هندی ص : ۴۶
- کرم ص : ۴۶

- اسقولوقندریون ص : ۴۶
- قرنفل ص : ۴۶
- جوزبویه ص : ۴۶
- شعر الانسان ص : ۴۶
- قنه ص : ۴۶
- فوتنج ص : ۴۶
- نانخواه ص : ۴۶
- مراره الثور ص : ۴۶
- عسل ص : ۴۶
- فروج ص : ۴۶
- دراج ص : ۴۶
- حمام ص : ۴۶
- کبریت ص : ۴۶
- فرفیون ص : ۴۷
- حنظل ص : ۴۷
- حرشف ص : ۴۷
- انیسون ص : ۴۷
- مصطکی ص : ۴۷
- خروج ص : ۴۷
- عاققرحا ص : ۴۷
- حمص احمر ص : ۴۷
- شبت ص : ۴۷
- ارمنی ص : ۴۷
- مرزنجوش ص : ۴۷
- اترج ص : ۴۷
- صعتر ص : ۴۷
- برنجاسف ص : ۴۷
- فوتنج ص : ۴۷
- اکلیل الملک ص : ۴۷
- سداب ص : ۴۷
- حاشا ص : ۴۷
- سجرنیا ص : ۴۷
- قنطوریون دقیق ص : ۴۷

- غافث ص : ۴۷
- حرشف ص : ۴۷
- ایارج فیکرا ص : ۴۷
- انقردیا ص : ۴۷
- حلتیت ص : ۴۷
- میعه سایله ص : ۴۷
- مقل ازرق ص : ۴۷
- غار ص : ۴۸
- ماء البحر ص : ۴۸
- خل العنصل ص : ۴۸
- ایرسا ص : ۴۸
- مشک ص : ۴۸
- جاوشیر ص : ۴۸
- قندول ص : ۴۸
- حرملم ص : ۴۸
- اظفار الطیب ص : ۴۸
- افستین ص : ۴۸
- غالیه ص : ۴۸
- حمام ص : ۴۸
- خل ص : ۴۸
- سلق ص : ۴۸
- حلاب ص : ۴۸
- جنطیانا ص : ۴۸
- لبن البلسان ص : ۴۸
- دقلی ص : ۴۸
- یشم ص : ۴۸
- خرء اصفر ص : ۴۸
- سنبل ص : ۴۸
- دهن القسط ص : ۴۸
- باب - پانزدهم در علاج فالج
- اذخر ص : ۴۹
- بهمن ایض : ص : ۴۹
- مازریون ص : ۴۹

- مومیائی ص : ۴۹
 ارنب ص : ۴۹
 لبن البلسان ص : ۴۹
 عاقرقرا ص : ۴۹
 جندیدستر ص : ۴۹
 بلادر ص : ۴۹
 خصیة الثعلب ص : ۴۹
 حلتیت ص : ۴۹
 حلتیت ص : ۴۹
 شبت ص : ۴۹
 نبط - ایض ص : ۴۹
 حب القطن ص : ۴۹
 بطم ص : ۴۹
 شیطرج ص : ۵۰
 شفاقل ص : ۵۰
 حنظل ص : ۵۰
 حنظل ص : ۵۰
 سکینج ص : ۵۰
 ناردین ص : ۵۰
 عنصل ص : ۵۰
 زنجبیل ص : ۵۰
 زرنباد ص : ۵۰
 زوفا ص : ۵۰
 دارفلفل ص : ۵۰
 درونج ص : ۵۰
 کمون ص : ۵۰
 فاشر ص : ۵۰
 کلب الماء ص : ۵۰
 قسط ص : ۵۰
 قثاء الحمار ص : ۵۰
 لک ص : ۵۰
 دبق ص : ۵۰
 راسن ص : ۵۰

- سنبل ص : ۵۰
- سقنقور ص : ۵۰
- قنفذ ص : ۵۰
- خربق اسود ص : ۵۰
- ثوم بریی ص : ۵۰
- ثوم ص : ۵۰
- بسباسه ص : ۵۰
- ایرسا ص : ۵۰
- فراسیون ص : ۵۰
- جوزبوا ص : ۵۰
- شیطرج ص : ۵۰
- شونیز ص : ۵۰
- خصیة الثعلب ص : ۵۰
- زراوند مدحرج ص : ۵۱
- دارچینی ص : ۵۱
- صمغ السداب ص : ۵۱
- مسک ص : ۵۱
- غاریقون ص : ۵۱
- فرفیون ص : ۵۱
- جاوشیر ص : ۵۱
- مرزنجوش ص : ۵۱
- اترج ص : ۵۱
- فوتنج ص : ۵۱
- غزال ص : ۵۱
- دوقو ص : ۵۱
- حرملم ص : ۵۱
- طالیسفر ص : ۵۱
- وطواط ص : ۵۱
- ریشه ص : ۵۱
- عنبر ص : ۵۱
- یاسمین ص : ۵۱
- صنوبر کبار ص : ۵۱
- عود القرچ ص : ۵۱

- مویزج ص : ۵۱
سرو ص : ۵۱
قند ص : ۵۱
لوز ص : ۵۱
دهن الحنا ص : ۵۱
قرومانا ص : ۵۱
بندق ص : ۵۱
کرم اسود ص : ۵۱
حمام ص : ۵۱
هلیون ص : ۵۲
شحم القاوند ص : ۵۲
ابهل ص : ۵۲
صدف سوخته ص : ۵۲
اشق ص : ۵۲
دارشیشعان ص : ۵۲
کرفس ص : ۵۲
زقوم ص : ۵۲
بان ص : ۵۲
نسرین ص : ۵۲
حمص اسود ص : ۵۲
لفل ص : ۵۲
رماد ص : ۵۲
رماد خشب التین ص : ۵۲
فوه الصیغ ص : ۵۲
وج ص : ۵۲
شابانک ص : ۵۲
خروج ص : ۵۲
کندش ص : ۵۲
سندروس ص : ۵۲
قندول ص : ۵۲
عود البخور ص : ۵۲
فلنجه ص : ۵۲
نرجس ص : ۵۲

- زیتون ص : ۵۳
- علک البطم ص : ۵۳
- کبر ص : ۵۳
- حمحم ص : ۵۳
- فاخته ص : ۵۳
- اسقولوقندریون ص : ۵۳
- فجل ص : ۵۳
- ماء البحر ص : ۵۳
- بورق ص : ۵۳
- علک البطم ص : ۵۳
- جنطیانا ص : ۵۳
- شجره النبق ص : ۵۳
- سوسن ص : ۵۳
- شحم الثور ص : ۵۳
- مرو ص : ۵۳
- نارجیل ص : ۵۳
- سکنجین العصلی ص : ۵۳
- بخور مریم ص : ۵۳
- وسمه ص : ۵۳
- الماء الصافی ص : ۵۳
- باب - شانزدهم در علاج لقوه
- جندیدستر ص : ۵۳
- عود القرح ص : ۵۳
- یاسمین ص : ۵۳
- سکینج ص : ۵۳
- علک البطم ص : ۵۴
- دهن اللوز المر ص : ۵۴
- قندول ص : ۵۴
- کرکی ص : ۵۴
- جوز ص : ۵۴
- اذان الفار ص : ۵۴
- فرفیون ص : ۵۴
- قرمانا ص : ۵۴

- عاققرحا ص : ۵۴
مرزنجوش ص : ۵۴
صعتر ص : ۵۴
فوتنج ص : ۵۴
افستین ص : ۵۴
زنجبیل ص : ۵۴
جوزبوا ص : ۵۴
وچ ص : ۵۴
مویزج ص : ۵۵
نشادر ص : ۵۵
بورق ص : ۵۵
شونیز ص : ۵۵
زنیق ص : ۵۵
صمغ السرو ص : ۵۵
راتینج ص : ۵۵
طرفا ص : ۵۵
ماذریون ص : ۵۵
سهمانج ص : ۵۵
فلنجه ص : ۵۵
فجل ص : ۵۵
خردل ص : ۵۵
حنظل ص : ۵۵
مومیائی ص : ۵۵
عنبر ص : ۵۵
فاشرا ص : ۵۵
ریحان سلیمان ص : ۵۵
خروج ص : ۵۵
بلادر ص : ۵۶
ظیان ص : ۵۶
غالیه ص : ۵۶
ارنب ص : ۵۶
ضبع ص : ۵۶
ثعلب ص : ۵۶

- ابهل ص : ۵۶
وعل ص : ۵۶
عسل ص : ۵۶
مقل ص : ۵۶
غار ص : ۵۶
شیخ ص : ۵۶
قیصوم ص : ۵۶
حرمل ص : ۵۶
حمص اسود ص : ۵۶
اثل ص : ۵۶
باشق ص : ۵۶
قتاء الحمار ص : ۵۶
سلق ص : ۵۶
عرطیشا ص : ۵۶
هدهد ص : ۵۶
سنور ص : ۵۶
سداب ص : ۵۶
جوز ص : ۵۶
لبن البلسان ص : ۵۷
سنبل ص : ۵۷
طالیسفر ص : ۵۷
زرنباد ص : ۵۷
شقاقل ص : ۵۷
نفظ ایض ص : ۵۷
ناردین ص : ۵۷
فراسیون ص : ۵۷
قنفذ ص : ۵۷
ثعلب ص : ۵۷
لک ص : ۵۷
قرطم ص : ۵۷
ثوم ص : ۵۷
الثوم البری ص : ۵۷
کرفس ص : ۵۷

- جلنجبین ص : ۵۷
- مرماحوز ص : ۵۷
- هليله ص : ۵۷
- ایارج فبقرا ص : ۵۷
- بابونج ص : ۵۷
- اکلیل الملک ص : ۵۷
- نمام ص : ۵۷
- بطم ص : ۵۷
- سلق ص : ۵۷
- شابانک ص : ۵۷
- دهن القسط ص : ۵۷
- دهن البان ص : ۵۷
- لوز ص : ۵۷
- کندش ص : ۵۷
- عرطیشا ص : ۵۷
- خربق ایض ص : ۵۷
- قطران ص : ۵۷
- حمامار الوحش ص : ۵۷
- عذبه ص : ۵۸
- سوسن اصفر ص : ۵۸
- اقحوان ص : ۵۸
- سرو ص : ۵۸
- جاوشیر ص : ۵۸
- سقنقور ص : ۵۸
- فلفل ایض ص : ۵۸
- اذخر ص : ۵۸
- املج ص : ۵۸
- افتیمون ص : ۵۸
- افعی ص : ۵۸
- حلتیت ص : ۵۸
- ترید ص : ۵۸
- کمون ص : ۵۸
- بازی ص : ۵۸

- بندق ص : ۵۸
- دهن الاجر ص : ۵۸
- دارچینی ص : ۵۸
- بوم ص : ۵۸
- حاشا ص : ۵۸
- کرمدانه ص : ۵۸
- زراوند مدحرج ص : ۵۸
- سکینج ص : ۵۸
- باب هفدهم در علاج تشنج ایتیمون
- ایرسا ص : ۵۸
- بزر الکتان ص : ۵۹
- دهن البان ص : ۵۹
- خطمی ص : ۵۹
- انزروت ص : ۵۹
- کماذریوس ص : ۵۹
- زوفای رطب ص : ۵۹
- فجل ص : ۵۹
- قنفذ ص : ۵۹
- دلدل ص : ۵۹
- قنه ص : ۵۹
- ایل ص : ۵۹
- لوز مر ص : ۵۹
- ماعز ص : ۵۹
- سمسم ص : ۵۹
- پنچنگشت ص : ۵۹
- بخور مریم ص : ۵۹
- جوز ص : ۵۹
- مرزنجوش ص : ۵۹
- جنطیانه ص : ۵۹
- انجره ص : ۵۹
- بابونج ص : ۵۹
- عود بلسان ص : ۵۹
- سفرجل ص : ۶۰

- خروج ص : ۶۰
- شعیر ص : ۶۰
- فوتنج بری ص : ۶۰
- دم السلحفات ص : ۶۰
- حلبه ص : ۶۰
- ضروا ص : ۶۰
- شمع احمر ص : ۶۰
- برنجاسف ص : ۶۰
- قنطوریون ص : ۶۰
- غار ص : ۶۰
- شیح ص : ۶۰
- بورق ص : ۶۰
- تراب القی ص : ۶۰
- دهن القسط ص : ۶۰
- خریق اسود ص : ۶۰
- آب زراوند مدحرج ص : ۶۰
- خصی الثعلب ص : ۶۰
- باداورد ص : ۶۰
- سوسن ایض ص : ۶۰
- کندش ص : ۶۱
- جندیبستر ص : ۶۱
- حمص احمر ص : ۶۱
- قنبره ص : ۶۱
- حجل ص : ۶۱
- عصافیر ص : ۶۱
- بادروج ص : ۶۱
- اذخر ص : ۶۱
- زعفران ص : ۶۱
- اسطوخودوس ص : ۶۱
- زنجیل ص : ۶۱
- وج ص : ۶۱
- راوند ص : ۶۱
- نسر ص : ۶۱

- سنا ص : ۶۱
- زفت رطب ص : ۶۱
- بان ص : ۶۱
- بول ص : ۶۱
- خیری اصفر ص : ۶۱
- سمان ص : ۶۱
- اوز ص : ۶۱
- ترنجان ص : ۶۱
- سلحفاة ص : ۶۱
- باب هژدهم در علاج کزاز
- زراوند ص : ۶۱
- قنطوریون ص : ۶۱
- قنه ص : ۶۱
- عاققرحا ص : ۶۱
- حجر المقناطیس ص : ۶۱
- شادنج ص : ۶۱
- اکارع ص : ۶۱
- حمص اسود ص : ۶۱
- زراوند طویل ص : ۶۱
- حلتیت مطیب ص : ۶۱
- مقل ازرق ص : ۶۲
- فورس ص : ۶۲
- ملح ص : ۶۲
- صوف قرمزی ص : ۶۲
- رازیانج ص : ۶۲
- کرفس ص : ۶۲
- هلیون ص : ۶۲
- صعتر ص : ۶۲
- حمص اسود ص : ۶۲
- دهن الخل ص : ۶۲
- سلحفاة النهریه ص : ۶۲
- زیت ص : ۶۲
- خصیة الحمار ص : ۶۲

- عسل ص : ۶۲
- جاوشیر ص : ۶۲
- محروث ص : ۶۲
- سذاب ص : ۶۲
- خیری ص : ۶۲
- نرجس ص : ۶۲
- قسط ص : ۶۲
- حمامار الوحش ص : ۶۲
- ابل ص : ۶۲
- ضب ص : ۶۲
- اسد ص : ۶۲
- ذیب ص : ۶۲
- جندیبستر ص : ۶۲
- سلحفات البحریه ص : ۶۳
- شونیز ص : ۶۳
- باداورد ص : ۶۳
- حجر ارمنی ص : ۶۳
- عود القرح ص : ۶۳
- خردل ص : ۶۳
- زراوند مدحرج ص : ۶۳
- یاسمین ص : ۶۳
- خصی الثعلب ص : ۶۳
- صدف محرق ص : ۶۳
- سکینج ص : ۶۳
- فقاح ص : ۶۳
- علک البطم ص : ۶۳
- هوفاریقون ص : ۶۳
- عنبر ص : ۶۳
- باب - نوزدهم در علاج رعشه
- خطمی ص : ۶۳
- سلق الاحمر ص : ۶۳
- قسط هندی ص : ۶۳
- جاوشیر ص : ۶۴

- فصفصه ص : ۶۴
حندقوقی ص : ۶۴
سداب ص : ۶۴
اسطوخودوس ص : ۶۴
غافث ص : ۶۴
کرنب ص : ۶۴
دارچینی ص : ۶۴
ارنب ص : ۶۴
یاسمین بری ص : ۶۴
دیک ص : ۶۴
کرسنه ص : ۶۴
حمام ص : ۶۴
شبت ص : ۶۴
حمص اسود ص : ۶۴
خردل ص : ۶۴
حرمل ص : ۶۴
لفل اسود ص : ۶۴
لفل ایض ص : ۶۴
سلق ص : ۶۴
صنوبر کبار ص : ۶۴
شونیز ص : ۶۴
دهن البلسان ص : ۶۴
فرفیون ص : ۶۴
حلتیت ص : ۶۴
برنجمشک ص : ۶۴
عصافیر ص : ۶۴
مطبخا ص : ۶۴
وطواط ص : ۶۵
صبر ص : ۶۵
قنطوریون دقیق ص : ۶۵
قردمانا ص : ۶۵
کرنب ص : ۶۵
خربق اسود ص : ۶۵

- ماء البحر ص : ۶۵
افعی ص : ۶۵
المحاجم ص : ۶۵
صوف ابریشم ص : ۶۵
عسل ص : ۶۵
غافث ص : ۶۵
حب المتن ص : ۶۵
جاوشیر ص : ۶۵
حلتیت ص : ۶۵
دهن البلسان ص : ۶۵
غاریقون ص : ۶۵
ظیان ص : ۶۵
بلادر ص : ۶۵
ریته ص : ۶۵
درونج ص : ۶۶
نارجیل ص : ۶۶
بطم ص : ۶۶
کراث ص : ۶۶
الماء الکبریت ص : ۶۶
زرنیخ ص : ۶۶
نظرون ص : ۶۶
بندق ص : ۶۶
خروع ص : ۶۶
ایرسا ص : ۶۶
جلنار ص : ۶۶
سورنجان ص : ۶۶
زیت ص : ۶۶
حلتیت ص : ۶۶
قال الرازی ص : ۶۶
باب بیستم در علاج خدر
زراوند ص : ۶۶
حمص ص : ۶۶
دهن القسط ص : ۶۶

- ارنب ص : ۶۶
- فرفیون ص : ۶۷
- فلفل اسود ص : ۶۷
- سرطان ص : ۶۷
- مراره البقر ص : ۶۷
- شیرج ص : ۶۷
- ایرسا ص : ۶۷
- عاققرحا ص : ۶۷
- سورنجان ص : ۶۷
- مویزج ص : ۶۷
- سکینج ص : ۶۷
- قتاء الحمار ص : ۶۷
- جندیستر ص : ۶۷
- دهن الاجر ص : ۶۷
- قنفذ ص : ۶۷
- دلدل ص : ۶۷
- بهمن ایض ص : ۶۷
- حمام ص : ۶۷
- عسل ص : ۶۷
- عنبر ص : ۶۷
- خردل ص : ۶۷
- بورق ص : ۶۷
- بارزد ص : ۶۷
- غار ص : ۶۷
- حمار وحش ص : ۶۸
- میعه ص : ۶۸
- شبت ص : ۶۸
- شمع اصفر ص : ۶۸
- ایارج روفس ص : ۶۸
- خروع ص : ۶۸
- حمام ص : ۶۸
- زنیق ص : ۶۸
- شحم الحنظل ص : ۶۸

- حاشا ص : ۶۸
- کرفس ص : ۶۸
- ایارج فیکرا ص : ۶۸
- سنبل هندی ص : ۶۸
- زنجبیل ص : ۶۸
- معجون الفلاسفه ص : ۶۸
- حب المحلب ص : ۶۸
- دهن البان ص : ۶۸
- سلیخه ص : ۶۸
- بطم ص : ۶۸
- کبر ص : ۶۸
- سداب ص : ۶۸
- جعهه جلیه ص : ۶۸
- جنطیانا ص : ۶۸
- مشمش ص : ۶۸
- اشق ص : ۶۸
- وج ص : ۶۸
- ترید ص : ۶۸
- جاوشیر ص : ۶۸
- مسک ص : ۶۸
- مرزنجوش ص : ۶۸
- کرسنه ص : ۶۸
- حلتیت ص : ۶۸
- خردل ص : ۶۸
- خولنجان ص : ۶۹
- زقوم ص : ۶۹
- حمص اسود ص : ۶۹
- شونیز ص : ۶۹
- حمص احمر ص : ۶۹
- حمام ص : ۶۹
- انجره ص : ۶۹
- حب الممتن ص : ۶۹
- حب القوقا ص : ۶۹

سرطان نهری ص : ۶۹

درونج ص : ۶۹

اصابع الصفر ص : ۶۹

حرممل ص : ۶۹

کندر ص : ۶۹

فاشرا ص : ۶۹

باب - بیست و یکم در علاج اختلاج

اترج ص : ۶۹

آسمانجونی ص : ۶۹

غار ص : ۶۹

کرکی ص : ۶۹

کرنب ص : ۶۹

جندیستر ص : ۶۹

سوسن ایض ص : ۶۹

خردل ص : ۶۹

عاققرحا ص : ۷۰

سداب ص : ۷۰

ملح ص : ۷۰

ماء البحر ص : ۷۰

قسط ص : ۷۰

اسطوخودوس ص : ۷۰

بهار ص : ۷۰

بورق ص : ۷۰

ارنب ص : ۷۰

غافث ص : ۷۰

فسفسه ص : ۷۰

فروج ص : ۷۰

حمام ص : ۷۰

حجل ص : ۷۰

قنابر ص : ۷۰

دراج ص : ۷۰

عصافیر ص : ۷۰

انجره ص : ۷۰

- راسن ص : ۷۰
- سوسن ص : ۷۰
- لب البلسان ص : ۷۰
- باب بیست و دویم - در علاج استرخا
- قردمانا ص : ۷۱
- عصافیر ص : ۷۱
- قسط هندی ص : ۷۱
- قرح ص : ۷۱
- طراثیث ص : ۷۱
- بلادر ص : ۷۱
- عود القرح ص : ۷۱
- حرف ص : ۷۱
- خردل ص : ۷۱
- حب القلقل ص : ۷۱
- حمام ص : ۷۱
- نرجس ص : ۷۱
- طلع ص : ۷۱
- ایرسا ص : ۷۱
- غار ص : ۷۱
- سداب ص : ۷۱
- قتاء الحمار ص : ۷۱
- بان ص : ۷۱
- خطمی ص : ۷۲
- کرفس ص : ۷۲
- رازیانج ص : ۷۲
- هلیون ص : ۷۲
- خسک ص : ۷۲
- شیطرج ص : ۷۲
- ثعلب ص : ۷۲
- حنظل ص : ۷۲
- فرفیون ص : ۷۲
- جندیدستر ص : ۷۲
- فرفیون ص : ۷۲

- میعه سایله ص : ۷۲
زنیق ص : ۷۲
سکینج ص : ۷۲
جندیدستر ص : ۷۲
خردل ص : ۷۲
نطرون ص : ۷۳
قنه ص : ۷۳
ماء البحر ص : ۷۳
پنجنگشت ص : ۷۳
مرزنجوش ص : ۷۳
حلتیت ص : ۷۳
کبر ص : ۷۳
جاوشیر ص : ۷۳
قنطوریون دقیق ص : ۷۳
شبت ص : ۷۳
خصی الثعلب ص : ۷۳
حمص ایض ص : ۷۳
جرجیر ص : ۷۳
لسان العصفور ص : ۷۳
مسک ص : ۷۳
بذر القصیصه ص : ۷۳
بذر کرفس ص : ۷۳
مر ص : ۷۴
عفص ص : ۷۴
اذخر ص : ۷۴
سعد ص : ۷۴
دهن القسط ص : ۷۴
بلادر ص : ۷۴
ریته ص : ۷۴
دارشیشعان ص : ۷۴
دهن الحنا ص : ۷۴
حاشا ص : ۷۴
کرنب ص : ۷۴

- حب صنوبر کبار ص : ۷۴
- فوه الصبغ ص : ۷۴
- قرط یمانی ص : ۷۴
- عاقرقرحا ص : ۷۴
- یاسمین ص : ۷۴
- قندول ص : ۷۴
- ظیان ص : ۷۴
- بندق ص : ۷۴
- فصل ص : ۷۴
- جوز القیء ص : ۷۵
- راوند طویل ص : ۷۵
- ملح ص : ۷۵
- اقاقیا ص : ۷۵
- دارصینی ص : ۷۵
- دوقو ص : ۷۵
- ماء الکبریت ص : ۷۵
- آس ص : ۷۵
- رماد حطب الکرم ص : ۷۵
- سندروس ص : ۷۵
- فلنجه ص : ۷۵
- باب - بست و سیوم در علاج نزلات
- بندق ص : ۷۶
- کبریت ص : ۷۶
- مرزنجوش ص : ۷۶
- نخاله الحنطه ص : ۷۶
- فرنجمشک ص : ۷۶
- قیصوم ص : ۷۶
- طین ارمنی ص : ۷۶
- صدف محرق ص : ۷۶
- باقلا ص : ۷۶
- خل ص : ۷۶
- شراب ریحانی ص : ۷۶
- قردمانا ص : ۷۶

- عنبر ص : ۷۶
- عود القرح ص : ۷۶
- خردل ص : ۷۶
- سندروس ص : ۷۶
- شوکه مصریه ص : ۷۶
- قشیش النحاس ص : ۷۶
- کمون ص : ۷۷
- نشا ص : ۷۷
- جندبیدستر ص : ۷۷
- نیل ص : ۷۷
- اشق ص : ۷۷
- دارشیشعان ص : ۷۷
- عود البخور ص : ۷۷
- صبر ص : ۷۷
- حمحم ص : ۷۷
- بهار ص : ۷۷
- نارنج ص : ۷۷
- جوز الاکل ص : ۷۷
- بابونج ص : ۷۷
- بیض ص : ۷۷
- سداب ص : ۷۸
- ایرسا ص : ۷۸
- بهار ص : ۷۸
- ماش ص : ۷۸
- اقحوان ص : ۷۸
- الجمل المسن ص : ۷۸
- شونیز ص : ۷۸
- اصطرك ص : ۷۸
- مازیون ص : ۷۸
- خشخاش ص : ۷۸
- سلیخه ص : ۷۸
- مر ص : ۷۸
- نرجس ص : ۷۸

- مسك ص : ۷۸
- سنبل ص : ۷۸
- لوز مر ص : ۷۸
- لبن البلسان ص : ۷۸
- حب البلسان ص : ۷۸
- اجاص ص : ۷۸
- غاريقون ص : ۷۸
- كباس قرنفل ص : ۷۸
- ترياق فاروق ص : ۷۸
- غبار الرحى ص : ۷۸
- خروج ص : ۷۸
- جوز سرو ص : ۷۹
- اظفار الطيب ص : ۷۹
- فجل ص : ۷۹
- انيسون ص : ۷۹
- بابونج ص : ۷۹
- دارصينى ص : ۷۹
- بزر البنج ص : ۷۹
- نقط ص : ۷۹
- سندروس ص : ۷۹
- غراب ص : ۷۹
- قفر اليهود ص : ۷۹
- خيرى ص : ۷۹
- عنبر ص : ۷۹
- عود البخور ص : ۷۹
- لاذن ص : ۷۹
- سلق ص : ۷۹
- فوتنج ص : ۷۹
- تربد ص : ۷۹
- ريحان كافورى ص : ۷۹
- ملح ص : ۷۹
- شهدانج ص : ۷۹
- كرنب ص : ۷۹

- بان ص : ۷۹
- خولنجان ص : ۷۹
- ترنجان ص : ۷۹
- کرم العنب ص : ۷۹
- یاسمین ص : ۷۹
- کهریا ص : ۷۹
- حدید ص : ۷۹
- شقایق النعمان ص : ۷۹
- حرف ص : ۷۹
- عصی الراعی ص : ۷۹
- باب - بست و چهارم در علاج وسواس
- سنا مکی ص : ۸۰
- ترنجان ص : ۸۰
- افتیمون ص : ۸۰
- لسان الثور ص : ۸۰
- تفاح الحلو ص : ۸۰
- حنظل ص : ۸۰
- سنور ص : ۸۰
- تدرو ص : ۸۰
- خطاف ص : ۸۰
- ضبع ص : ۸۰
- رووس الدجاج و ادمغتها ص : ۸۰
- دیک ص : ۸۰
- رخمه ص : ۸۰
- مصطکی ص : ۸۰
- املج ص : ۸۰
- فوتنج نهری ص : ۸۰
- بنگ ص : ۸۰
- اکلیل الملک ص : ۸۰
- بهمن احمر ص : ۸۰
- اصابع صفر ص : ۸۰
- سلت ص : ۸۰
- اسطوخودوس ص : ۸۰

- درونج ص : ۸۰
- دارشیشعان ص : ۸۰
- پچنگشت ص : ۸۰
- حلب الماعز ص : ۸۰
- باب - بست و پنجم در علاج بیضه
- صبر ص : ۸۱
- قثاء الحمار ص : ۸۱
- قافله کبار ص : ۸۱
- خیارشنب ص : ۸۱
- قروع ص : ۸۱
- زعفران ص : ۸۱
- مسک ص : ۸۱
- کافور ص : ۸۱
- رماد ص : ۸۱
- سلق ص : ۸۱
- مومیائی ص : ۸۱
- حمام ص : ۸۱
- نعنع ص : ۸۱
- فلونیا رومی ص : ۸۱
- قرص الکوکب ص : ۸۱
- دواء المسک ص : ۸۱
- حنا ص : ۸۱
- باب - بست و ششم در علاج عشق
- حرمل ص : ۸۱
- نیل هند ص : ۸۱
- حجر الدجاج ص : ۸۱
- لقلق ص : ۸۲
- باب - ۲۷ فی المانیا
- شعیر ص : ۸۲
- بنفسج ص : ۸۲
- خس ص : ۸۲
- قرع ص : ۸۲
- خشخاش ص : ۸۲

- خلاف ص : ۸۲
- لبن النساء ص : ۸۲
- لبن الماعز ص : ۸۲
- سرمق ص : ۸۲
- بقله یمانیه ص : ۸۲
- خس ص : ۸۲
- بقله الحمقا ص : ۸۲
- خیار ص : ۸۲
- بیض الدجاج ص : ۸۲
- جدی ص : ۸۲
- دجاج ص : ۸۲
- فاشرا ص : ۸۳
- باب - ۲۸ در علاج قطرب
- شعیر ص : ۸۳
- سکر ص : ۸۳
- فراریج ص : ۸۳
- حمل ص : ۸۳
- کشنیز ص : ۸۳
- جدی ص : ۸۳
- سمک رضراضی ص : ۸۳
- لبن الماعز ص : ۸۳
- خبز حواری ص : ۸۳
- سرمق ص : ۸۳
- اسفاناخ ص : ۸۳
- بقله الحمقا ص : ۸۳
- قرع ص : ۸۳
- خیار ص : ۸۳
- قثناء ص : ۸۳
- بنفسج ص : ۸۳
- نیلوفر ص : ۸۳
- خس ص : ۸۳
- مشمش ص : ۸۳
- خوخ ص : ۸۳

- بطیخ ص : ۸۳
- بابونج ص : ۸۳
- باب - ۲۹ در علاج کابوس
- ترنجان ص : ۸۴
- فاوانیا ص : ۸۴
- عود صلیب ص : ۸۴
- جوز الرقع ص : ۸۴
- تین ص : ۸۴
- فستق ص : ۸۴
- خردل ص : ۸۴
- دراج ص : ۸۴
- فراریج ص : ۸۴
- عصافیر ص : ۸۴
- ضمان ص : ۸۴
- پچنگشت ص : ۸۴
- حب البلسان ص : ۸۴
- قردمانا ص : ۸۴
- سکینج ص : ۸۴
- فرفیون ص : ۸۴
- افستین ص : ۸۴
- زوفا ص : ۸۴
- کندش ص : ۸۴
- قنه ص : ۸۴
- سداب ص : ۸۴
- حنظل ص : ۸۴
- شونیز ص : ۸۴
- فجل ص : ۸۴
- حجل ص : ۸۴
- نرجس ص : ۸۴
- تدرج ص : ۸۴
- سمانی ص : ۸۴
- قثاء الحمار ص : ۸۴
- خردل ص : ۸۴

- مرزنجوش ص : ۸۵
- سکنجبین بزوری ص : ۸۵
- فوتنج ص : ۸۵
- انیسون ص : ۸۵
- فطراسالیون ص : ۸۵
- دوقو ص : ۸۵
- قنه پری ص : ۸۵
- جندیدستر ص : ۸۵
- شبت ص : ۸۵
- حرشف ص : ۸۵
- خریق ص : ۸۵
- ایارج فبقرا ص : ۸۵
- فلفل ص : ۸۵
- ایارج روفس ص : ۸۵
- باب - ۳۰ در علاج سردی سر
- مرزنجوش ص : ۸۵
- لوف الجعد ص : ۸۵
- میعه سایله ص : ۸۵
- کندش ص : ۸۵
- مسک ص : ۸۶
- حلبه ص : ۸۶
- کباش قرنفل ص : ۸۶
- بسباسه ص : ۸۶
- سنبل ص : ۸۶
- قشر جو ص : ۸۶
- ورق الجوز ص : ۸۶
- زهر الجوز ص : ۸۶
- باب - ۳۱ در علاج ام الصبیان
- شهدانج ص : ۸۶
- لبن الجاریه ص : ۸۶
- لوز حلو ص : ۸۶
- دهن بنفسج ص : ۸۶
- قرع ص : ۸۶

- بزرقطونا ص : ۸۶
- سفرجل ص : ۸۶
- خطمی ص : ۸۶
- شراب نیلوفر ص : ۸۶
- ماء الشعیر ص : ۸۶
- اتان ص : ۸۷
- ماعز ص : ۸۷
- البنفسج ص : ۸۷
- سمسم ص : ۸۷
- تفاح ص : ۸۷
- دهن الخل ص : ۸۷
- رمان الحلو ص : ۸۷
- شمع ص : ۸۷
- صوف ص : ۸۷
- سداب ص : ۸۷
- جاوشیر ص : ۸۷
- فتیله ص : ۸۷
- باب - ۳۲ در علاج عطاس
ورد ص : ۸۸
- باب - ۳۳ در علاج قروح راس
جوز ص : ۸۸
- خزف الثور ص : ۸۸
- ایرسا ص : ۸۸
- ملح طعام ص : ۸۸
- بخور مریم ص : ۸۸
- نظرون ص : ۸۸
- حلبه ص : ۸۸
- خروع ص : ۸۸
- تین فح ص : ۸۸
- علیق ص : ۸۸
- زنیق ص : ۸۹
- عصی الراعی ص : ۸۹
- حمص اسود ص : ۸۹

- عفص ص : ۸۹
- ترمس تر ص : ۸۹
- اکلیل الملک ص : ۸۹
- صابون ص : ۸۹
- ثوم ص : ۸۹
- سداب ص : ۸۹
- بقلة الحمقاء ص : ۸۹
- لبن البلسان ص : ۸۹
- شقایق النعمان ص : ۸۹
- نخل ص : ۸۹
- عنب الثعلب ص : ۸۹
- خل ص : ۸۹
- بول الانسان ص : ۸۹
- لاذن ص : ۸۹
- جعدة القتی ص : ۸۹
- ماعز ص : ۸۹
- غری ص : ۸۹
- غری السمک ص : ۸۹
- راتینج ص : ۸۹
- عوسج ص : ۸۹
- زیت ص : ۸۹
- سنبل ص : ۸۹
- برطانیقی ص : ۸۹
- قنفذ ص : ۸۹
- عسل ص : ۸۹
- زفت ص : ۸۹
- شحم العجل ص : ۸۹
- جلنار ص : ۸۹
- عود البلسان ص : ۸۹
- بابونج ص : ۸۹
- هللیج ص : ۸۹
- زنجفر ص : ۸۹
- قرط ص : ۸۹

- سمک ص : ۹۰
- خزف ص : ۹۰
- حب البلسان ص : ۹۰
- نظرون ص : ۹۰
- کمون ص : ۹۰
- بیاض البیض ص : ۹۰
- حنا ص : ۹۰
- لبن النساء ص : ۹۰
- لوز مر ص : ۹۰
- بنج ص : ۹۰
- دهن الورد ص : ۹۰
- ورد یابس ص : ۹۰
- سرو ص : ۹۰
- عنصل ص : ۹۰
- یتوع ص : ۹۰
- نیل هندی ص : ۹۰
- سعد ص : ۹۰
- صبر ص : ۹۰
- لسان الحمل ص : ۹۰
- کرنب ص : ۹۰
- زیتون البستانی ص : ۹۰
- باب - ۳۴ در علاج سدد دماغ و نخاع
- خیری ص : ۹۰
- نرجس ص : ۹۰
- آزاد ص : ۹۰
- سنبل ص : ۹۰
- لاذن ص : ۹۰
- زنجبیل ص : ۹۰
- ترنجان ص : ۹۱
- مرماخور ص : ۹۱
- شابانک ص : ۹۱
- اسطوخودوس ص : ۹۱
- غار ص : ۹۱

- سلیخه ص : ۹۱
- شاهسفرم ص : ۹۱
- سورنجان ص : ۹۱
- مرزنجوش ص : ۹۱
- قندول ص : ۹۱
- فصل در دواهایی مقوی دماغ ص : ۹۱
- مرزنجوش ص : ۹۱
- عیشران ص : ۹۱
- حب البلسان ص : ۹۱
- مشک ص : ۹۱
- عود البخور ص : ۹۱
- عنبر ص : ۹۱
- فلنجه ص : ۹۱
- یاسمین ص : ۹۱
- زفت ص : ۹۱
- نسرین ص : ۹۱
- املج ص : ۹۱
- زعفران ص : ۹۱
- دجاج ص : ۹۱
- دراج ص : ۹۱
- تفاح ص : ۹۱
- سنبل ص : ۹۱
- نرجس ص : ۹۱
- کافور ص : ۹۱
- هللیج کابلی ص : ۹۱
- کباش قرنفل ص : ۹۱
- لوز ص : ۹۱
- سفرجل ص : ۹۱
- خلاف ص : ۹۱
- کمشری ص : ۹۱
- جوزبویا ص : ۹۱
- فرنجمشک ص : ۹۱
- زهر الجوز ص : ۹۱

- شبلید ص : ۹۲
- بادرنجبویه ص : ۹۲
- اکلیل الملک ص : ۹۲
- عود البلسان ص : ۹۲
- بادآور ص : ۹۲
- باب - ۳۵ در علاج خمار
- اقحوان ص : ۹۲
- زعفران ص : ۹۲
- آس ص : ۹۲
- کافور ص : ۹۲
- سفرجل ص : ۹۲
- دهن الورد ص : ۹۲
- رمان ص : ۹۲
- قنیط ص : ۹۲
- حماض السوانی ص : ۹۲
- لیمون ص : ۹۲
- اترج حماض ص : ۹۲
- افستین ص : ۹۲
- خس ص : ۹۲
- ورد ص : ۹۲
- حمل ص : ۹۲
- ریباس ص : ۹۲
- شاه صینی ص : ۹۲
- قنطوریون ص : ۹۲
- شیرج ص : ۹۲
- خمیره الشعیر ص : ۹۲
- خمیره الحنطه ص : ۹۳
- غنچه گشنیز ص : ۹۳
- اگر ص : ۹۳
- جدی ص : ۹۳
- تفاح ص : ۹۳
- حلام ص : ۹۳
- فقاح الشعیر ص : ۹۳

- کشکینه ص : ۹۳
- سنبوسک ص : ۹۳
- اما دواهایی سرعت سکر بسیار است ص : ۹۳
- عنبر ص : ۹۳
- مرماحوز ص : ۹۳
- هوفاریقون ص : ۹۳
- بادروج ص : ۹۳
- عود ص : ۹۳
- زعفران ص : ۹۳
- لسان الثور ص : ۹۳
- ایرسا ص : ۹۳
- بخور مریم ص : ۹۳
- حماما ص : ۹۳
- نارجیل ص : ۹۳
- غالیه ص : ۹۳
- قنب ص : ۹۳
- حب النیل ص : ۹۳
- شقایق ص : ۹۳
- بسباسه ص : ۹۳
- مرزنجوش ص : ۹۳
- فضه ص : ۹۳
- شکر ص : ۹۳
- کاکنج ص : ۹۳
- و اما دواهایی مانع سکر بسیارند ص : ۹۴
- افستین رومی ص : ۹۴
- خس ص : ۹۴
- لوز ص : ۹۴
- سفرجل ص : ۹۴
- لسان الحمل ص : ۹۴
- جست ص : ۹۴
- جدی ص : ۹۴
- لوز المر ص : ۹۴
- کرنب ص : ۹۴

- قنیت ص : ۹۴
- ذهب ص : ۹۴
- کزبره ص : ۹۴
- عنب الثعلب ص : ۹۴
- فصل در دواهایی منقی دماغ و مفتوح سدد ص : ۹۴
- اذان الفار ص : ۹۴
- عود البخور ص : ۹۴
- بخور مریم ص : ۹۴
- قلقنت ص : ۹۴
- شقایق النعمان ص : ۹۴
- کرنب ص : ۹۴
- فقاح الاذخر ص : ۹۴
- مر ص : ۹۴
- آذریون ص : ۹۴
- شحم حنظل ص : ۹۴
- مصطکی ص : ۹۴
- ریحان کافوری ص : ۹۵
- بابونج ص : ۹۵
- کندش ص : ۹۵
- سلق الایض ص : ۹۵
- زوفرا ص : ۹۵
- بصل ص : ۹۵
- قنطریون دقیق ص : ۹۵
- خیری ص : ۹۵
- خردل ص : ۹۵
- سنبل ص : ۹۵
- مسک ص : ۹۵
- سنجار ص : ۹۵
- افستین ص : ۹۵
- دارچینی ص : ۹۵
- زنجبیل ص : ۹۵
- نعناع ص : ۹۵
- راوند ص : ۹۵

- هليله كابلې ص : ۹۵
اشق ص : ۹۵
كبر ص : ۹۵
تربد ص : ۹۵
كمون ص : ۹۵
فوتنج جبلی ص : ۹۵
عاقرقرحا ص : ۹۵
غار ص : ۹۵
سوسن ايض ص : ۹۵
حرف ص : ۹۵
بورق ص : ۹۶
انجره ص : ۹۶
خريق اسود ص : ۹۶
ايرسا ص : ۹۶
فوتنج نهري ص : ۹۶
جندبيدستر ص : ۹۶
طلع ص : ۹۶
لوزمر ص : ۹۶
عود البلسان ص : ۹۶
بنفسج ص : ۹۶
كندر ص : ۹۶
عنبر ص : ۹۶
صمغ العتيق ص : ۹۶
علك البطم ص : ۹۶
ماميران ص : ۹۶
غاريقون ص : ۹۶
حب البلسان ص : ۹۶
لبلاب ص : ۹۶
ترنجان ص : ۹۶
فرنجمشك ص : ۹۶
مرماحوز ص : ۹۶
نرجس ص : ۹۶
شبح الجبلی ص : ۹۶

- آزاد ص : ۹۶
- سماق ص : ۹۶
- لفل اسود ص : ۹۶
- دارلفل ص : ۹۶
- شونیز ص : ۹۶
- کرفس ص : ۹۶
- جندیبستر ص : ۹۷
- عدس مر ص : ۹۷
- میعه سائله ص : ۹۷
- زعفران ص : ۹۷
- صعتر ص : ۹۷
- جاوشیر ص : ۹۷
- حلتیت ص : ۹۷
- ورد ص : ۹۷
- قاقله کبار ص : ۹۷
- لفل ایض ص : ۹۷
- ملح اندرانی ص : ۹۷
- نشادر ص : ۹۷
- زوفا ص : ۹۷
- سلیخه ص : ۹۷
- بستان افروز ص : ۹۷
- سورنجان ص : ۹۷
- شاهسفرم ص : ۹۷
- سرو ص : ۹۷
- بنک ص : ۹۷
- درونج ص : ۹۷
- اسطوخودوس ص : ۹۷
- اما دواهایی زیاده کننده جوهر دماغ این است ص : ۹۷
- نبدق ص : ۹۷
- لبن الضان ص : ۹۷
- دهن اللوز ص : ۹۷
- لب اللوز ص : ۹۷
- دراج ص : ۹۷

و اما دواهایی محلل ریاح از سر اینست ص : ۹۷

یاسمین ص : ۹۷

بهار ص : ۹۷

مر ص : ۹۷

قندول ص : ۹۷

شبانک ص : ۹۷

مرزنجوش ص : ۹۷

بستان‌افروز ص : ۹۷

سورنجان ص : ۹۷

نرجس ص : ۹۷

باب - ۳۶ در علاج تفرق اتصال که حادث شود سر را

عنب الثعلب ص : ۹۸

سماق ص : ۹۸

خطمی ص : ۹۸

اقاقیا ص : ۹۸

سوس بری ص : ۹۸

حازون الصغیر ص : ۹۸

دهن الورد ص : ۹۸

شمشاد ص : ۹۸

خراطین ص : ۹۸

مر ص : ۹۸

حمام ص : ۹۸

فاخته ص : ۹۸

دجاج ص : ۹۸

ذراوند طویل ص : ۹۸

عجین الحنطه ص : ۹۸

زاج ص : ۹۸

کندر ص : ۹۸

دم الاخوین ص : ۹۸

قنبیل محرق ص : ۹۸

کافور ص : ۹۸

توبال النحاس ص : ۹۸

شفانیز ص : ۹۹

- صنوبر کبار ص : ۹۹
- باب - ۳۷ در علاج رمد
- آس ص : ۹۹
- ضان ص : ۹۹
- عصی الراعی ص : ۹۹
- حی العالم ص : ۹۹
- آبنوس ص : ۹۹
- باقلا ص : ۹۹
- کزبره ص : ۹۹
- اترج ص : ۹۹
- افستین ص : ۹۹
- ورد ص : ۹۹
- گل سرخ خشک ص : ۹۹
- رمان شیرین ص : ۹۹
- قطران ص : ۹۹
- سفرجل ص : ۹۹
- لسان الحمل ص : ۹۹
- مستار ص : ۱۰۰
- خس ص : ۱۰۰
- لسان الحمل ص : ۱۰۰
- انزروت ص : ۱۰۰
- نمام ص : ۱۰۰
- شادنج ص : ۱۰۰
- باریس ص : ۱۰۰
- زبد ص : ۱۰۰
- حی العالم الکبیر ص : ۱۰۰
- آذان الفار ص : ۱۰۰
- اکلیل الملک ص : ۱۰۰
- حلبه ص : ۱۰۰
- اسفیداج الرصاص ص : ۱۰۰
- بیض ص : ۱۰۰
- بابونج ص : ۱۰۰
- بادروج ص : ۱۰۱

- بزرقطونا ص : ۱۰۱
- لبن النساء ص : ۱۰۱
- عدس ص : ۱۰۱
- سرو ص : ۱۰۱
- مامیثا ص : ۱۰۱
- مرزنجوش ص : ۱۰۱
- علیق ص : ۱۰۱
- صبر ص : ۱۰۱
- صندل ص : ۱۰۱
- رخمه ص : ۱۰۱
- بیروج ص : ۱۰۱
- کندر ص : ۱۰۱
- بنفسج ص : ۱۰۱
- زهر السفرجل ص : ۱۰۱
- حجر السم یعنی بادزهر ص : ۱۰۱
- مخیض ص : ۱۰۱
- قرع ص : ۱۰۱
- حمل ص : ۱۰۱
- طباشیر ص : ۱۰۱
- عروق صفر ص : ۱۰۱
- ساج ص : ۱۰۱
- خس ص : ۱۰۱
- نشا ص : ۱۰۱
- شکر نبات ص : ۱۰۱
- قصب الفارسی ص : ۱۰۲
- صمغ عربی ص : ۱۰۲
- دقیق الشعیر ص : ۱۰۲
- اترج ص : ۱۰۲
- کرفس ص : ۱۰۲
- کرم یری ص : ۱۰۲
- نحاس محرق ص : ۱۰۲
- عنب الثعلب ص : ۱۰۲
- شیاف ایض ص : ۱۰۲

- کتیرا ص : ۱۰۲
- ریق الصایم ص : ۱۰۲
- سرطان نهری ص : ۱۰۲
- مامیثا ص : ۱۰۲
- خشخاش ص : ۱۰۲
- زعفران ص : ۱۰۲
- شیاف برای اجفان ص : ۱۰۳
- هندبا ص : ۱۰۳
- مصطکی ص : ۱۰۳
- حباقا ص : ۱۰۳
- زعفران ص : ۱۰۳
- قثاء الحمار ص : ۱۰۳
- خسک ص : ۱۰۳
- بزر قطونا ص : ۱۰۳
- طحلب ص : ۱۰۳
- ورق الورد ص : ۱۰۳
- حلزون ص : ۱۰۳
- صمغ ایض ص : ۱۰۳
- زاج البحر ص : ۱۰۳
- افستین ص : ۱۰۳
- لسان الحمل ص : ۱۰۳
- حماما ص : ۱۰۴
- کمثری ص : ۱۰۴
- توتیائی کرمانی ص : ۱۰۴
- سماق ص : ۱۰۴
- خولان ص : ۱۰۴
- شراب عتیق ص : ۱۰۴
- فوفل ص : ۱۰۴
- رمان الحلو ص : ۱۰۴
- جین ص : ۱۰۴
- حلبه ص : ۱۰۴
- بذر البنج ص : ۱۰۵
- ضماد دیگر ص : ۱۰۶

باب - ۳۸ در تدبیر دواهایی مانع انصباب مواد طرف چشم

زعفران ص : ۱۰۶

لبلاب ص : ۱۰۶

باقلا ص : ۱۰۶

بادروج ص : ۱۰۶

فوفل ص : ۱۰۶

تریاق فاروق ص : ۱۰۶

مشک ص : ۱۰۶

رصاص ص : ۱۰۶

خولان ص : ۱۰۶

نشا ص : ۱۰۶

انزروت ص : ۱۰۶

عنب الثعلب ص : ۱۰۶

صندل ابیض ص : ۱۰۶

حلزون ص : ۱۰۶

ایل ص : ۱۰۷

حنظل ص : ۱۰۷

ماء الورد ص : ۱۰۷

جوز ص : ۱۰۷

فستق ص : ۱۰۷

زرورد ص : ۱۰۷

سفرجل ص : ۱۰۷

زیتون بری ص : ۱۰۷

عدس ص : ۱۰۷

اقاقیا ص : ۱۰۷

بطیخ اصفر ص : ۱۰۷

وردطری ص : ۱۰۷

چشم ص : ۱۰۷

شعیر ص : ۱۰۷

سماق ص : ۱۰۷

اٹمد ص : ۱۰۷

براده الحدید ص : ۱۰۷

کزبره خضرا ص : ۱۰۷

- کمثری ص : ۱۰۷
- دخان المیعہ ص : ۱۰۷
- قطران ص : ۱۰۷
- بسد ص : ۱۰۷
- توتیائی رمانی ص : ۱۰۷
- حفض ص : ۱۰۸
- باب - ۳۹ در علاج ضعف بصر
- اقاقیا ص : ۱۰۸
- تمر ص : ۱۰۸
- مر ص : ۱۰۸
- ملح ص : ۱۰۸
- رازیانج ص : ۱۰۸
- صعتر ص : ۱۰۸
- ابریشم ص : ۱۰۸
- اقلیمیای ذهب ص : ۱۰۸
- مرارة الضب ص : ۱۰۸
- سداب ص : ۱۰۸
- هللیج اصفر ص : ۱۰۸
- لاذن ص : ۱۰۸
- عنصل ص : ۱۰۸
- کرنب ص : ۱۰۸
- اٹمد ص : ۱۰۸
- لؤلؤ ص : ۱۰۸
- مسک ص : ۱۰۸
- زعفران ص : ۱۰۸
- خولان ص : ۱۰۸
- مرقشیشا ص : ۱۰۸
- آبنوس ص : ۱۰۸
- رمان بری ص : ۱۰۸
- اجاص ص : ۱۰۸
- لوز الحلو ص : ۱۰۸
- مرجان احمر ص : ۱۰۹
- جوزبوا ص : ۱۰۹

- ترمس جبلی ص : ۱۰۹
بادروج ص : ۱۰۹
دارچینی ص : ۱۰۹
ذهب ص : ۱۰۹
باب ۴۰ تاریکی چشم
دارچینی ص : ۱۰۹
عود البلسان ص : ۱۰۹
کندر ص : ۱۰۹
سندروس ص : ۱۰۹
فلفل اسود ص : ۱۰۹
زنجبیل ص : ۱۰۹
رازیانج ص : ۱۰۹
فجل ص : ۱۰۹
غرب ص : ۱۰۹
دارفلفل ص : ۱۰۹
حلتیت ص : ۱۰۹
لبان ص : ۱۰۹
افستین ص : ۱۰۹
بصل ص : ۱۰۹
خردل ص : ۱۰۹
حاشا ص : ۱۰۹
جاوشیر ص : ۱۰۹
فجل ص : ۱۰۹
نرجس ص : ۱۰۹
مرزنجوش ص : ۱۰۹
دهن البلسان ص : ۱۰۹
خولان ص : ۱۰۹
وج ص : ۱۰۹
سکینج ص : ۱۰۹
شیطرج ص : ۱۰۹
بادروج ص : ۱۰۹
کمادریون دقیق ص : ۱۰۹
قنطوریون ص : ۱۰۹

- سداب ص : ۱۰۹
- رازیانج ص : ۱۰۹
- کرفس ص : ۱۱۰
- جندقوقی ص : ۱۱۰
- شقایق النعمان ص : ۱۱۰
- سلحفات ص : ۱۱۰
- کبد ص : ۱۱۰
- فلفل اسود ص : ۱۱۰
- حلبه ص : ۱۱۰
- شبت ص : ۱۱۰
- اقحوان ص : ۱۱۰
- خطاف ص : ۱۱۰
- فجل ص : ۱۱۰
- ضبع ص : ۱۱۰
- دیک ص : ۱۱۰
- بوم ص : ۱۱۰
- قشار الکندر ص : ۱۱۰
- اشق ص : ۱۱۰
- دارچینی ص : ۱۱۰
- لوزمر ص : ۱۱۰
- حب البلسان ص : ۱۱۰
- لبلاب ص : ۱۱۰
- خل العنصل ص : ۱۱۰
- کمون ص : ۱۱۰
- حدات ص : ۱۱۰
- دراج ص : ۱۱۰
- عنصل ص : ۱۱۰
- کرکم ص : ۱۱۰
- فراسیون ص : ۱۱۰
- خفاش ص : ۱۱۰
- اجاص ص : ۱۱۰
- کباش القرنفل ص : ۱۱۰
- ذئب ص : ۱۱۰

- ضبع ص : ۱۱۰
ابریشم ص : ۱۱۰
عقیق ص : ۱۱۰
مامیران ص : ۱۱۰
حمام ص : ۱۱۰
زمرد ص : ۱۱۰
قراضیا ص : ۱۱۰
خلاف ص : ۱۱۰
خولان ص : ۱۱۰
ایاعابس ص : ۱۱۰
ادویه حافظ صحت چشم توتیا ص : ۱۱۰
اژمد ص : ۱۱۰
مرقشیشا کحلا ص : ۱۱۰
شادنج ص : ۱۱۱
سنبل ص : ۱۱۱
سرطان بحری ص : ۱۱۱
ساذج ص : ۱۱۱
رازیانج ص : ۱۱۱
باب - ۴۱ در علاج سبل
جوزبوا ص : ۱۱۱
اسارون ص : ۱۱۱
انیسون ص : ۱۱۱
اترج ص : ۱۱۱
کباش ص : ۱۱۱
قثاء الحمار ص : ۱۱۱
شونیز ص : ۱۱۱
بقلة الحمقا ص : ۱۱۱
انزروت ص : ۱۱۱
زنجار ص : ۱۱۱
ملح ص : ۱۱۱
ریعه ص : ۱۱۱
صنوبر کبار ص : ۱۱۱
بیض ص : ۱۱۱

- قنطوریون دقیق ص : ۱۱۱
- حباقا ص : ۱۱۲
- حب ایارج ص : ۱۱۲
- حنظل ص : ۱۱۲
- هللیج ص : ۱۱۲
- مسک ص : ۱۱۲
- قلقطار ص : ۱۱۲
- زفت ص : ۱۱۲
- شیاف ص : ۱۱۲
- باب - ۴۲ در علاج ظفر
- آس ص : ۱۱۲
- ملح ص : ۱۱۲
- سوسن ص : ۱۱۲
- خفاش ص : ۱۱۲
- سرطان نهری ص : ۱۱۲
- اقاقیه ص : ۱۱۲
- ملح اندانی ص : ۱۱۲
- لسان البحر ص : ۱۱۲
- سقمونیا ص : ۱۱۲
- کرم بری ص : ۱۱۲
- زنجار ص : ۱۱۲
- رمان حامض ص : ۱۱۲
- اشق ص : ۱۱۳
- حجر حبشی ص : ۱۱۳
- ملح طعام ص : ۱۱۳
- نوشادر ص : ۱۱۳
- روشنائی ص : ۱۱۳
- باسلیقون ص : ۱۱۳
- قطن ص : ۱۱۳
- ماعز ص : ۱۱۳
- شیاف قیصر ص : ۱۱۳
- شب ص : ۱۱۳
- مرجان احمر ص : ۱۱۳

زنجفر ص : ۱۱۳

شیاف اقلیمیا و مسحقونیا ص : ۱۱۳

سرطان نهری ص : ۱۱۳

طلا ص : ۱۱۳

نطرون ص : ۱۱۳

میعه ص : ۱۱۳

ملح ص : ۱۱۳

هللیج ص : ۱۱۳

بلبوس ص : ۱۱۳

شیاف قلقدیس ص : ۱۱۳

دخان المیعه ص : ۱۱۳

لبن المرأه ص : ۱۱۳

زرنیخ احمر ص : ۱۱۳

صبر ص : ۱۱۳

باب ۴۳ در علاج طرفه

حجل ص : ۱۱۴

نانخواه ص : ۱۱۴

فجل ص : ۱۱۴

زیب احمر ص : ۱۱۴

فوتنج نهری ص : ۱۱۴

حمام ص : ۱۱۴

اکلیل الملک ص : ۱۱۴

ملح اندرانی ص : ۱۱۴

زوفا ص : ۱۱۴

بذر الکتان ص : ۱۱۴

کندر ص : ۱۱۴

کرنب ص : ۱۱۴

راتینج ص : ۱۱۴

شیاف ص : ۱۱۴

حلبه لعاب ص : ۱۱۴

رمان حامض ص : ۱۱۵

افستین ص : ۱۱۵

دهن الورد ص : ۱۱۵

- زرنیخ ص : ۱۱۵
املج ص : ۱۱۵
صبر ص : ۱۱۵
لفل ص : ۱۱۵
زرنیخ احمر ص : ۱۱۵
جرجیر ص : ۱۱۵
ورشان ص : ۱۱۵
شفانین ص : ۱۱۵
طین ارمنی ص : ۱۱۵
شیاف الکندر ص : ۱۱۵
شیاف الزعفران ص : ۱۱۵
اکلیل الملک ص : ۱۱۵
دهن الورد ص : ۱۱۵
شیاف ص : ۱۱۵
بط ص : ۱۱۵
فروج ص : ۱۱۵
ماء الجبن ص : ۱۱۵
دم الاخوین ص : ۱۱۵
بلیوس ص : ۱۱۵
صفرة البيض ص : ۱۱۵
کرفس ص : ۱۱۵
باب - ۴۴ در علاج دمعہ
قنطوریون دقیق ص : ۱۱۶
بصل ص : ۱۱۶
زفت ص : ۱۱۶
صنوبر کبار ص : ۱۱۶
صبر ص : ۱۱۶
بسد ص : ۱۱۶
انبرباریس ص : ۱۱۶
اٹمد ص : ۱۱۶
لاجورد ص : ۱۱۶
تمر ص : ۱۱۶
کباش القرنفل ص : ۱۱۶

- جوز ص : ۱۱۶
- مامیثا ص : ۱۱۶
- سلحفات ص : ۱۱۶
- شادنج ص : ۱۱۶
- لؤلؤ ص : ۱۱۶
- زنجفر ص : ۱۱۶
- هللیج اصفر ص : ۱۱۶
- راتینج ص : ۱۱۶
- بطم ص : ۱۱۶
- زیتون ص : ۱۱۶
- عود القرح ص : ۱۱۶
- نشاء الحنطه ص : ۱۱۶
- مصطکی ص : ۱۱۶
- اشق ص : ۱۱۶
- هللیج کابلی ص : ۱۱۷
- نحاس ص : ۱۱۷
- قشر البیض ص : ۱۱۷
- صدف ص : ۱۱۷
- دیک ص : ۱۱۷
- آبنوس ص : ۱۱۷
- زعفران محلول ص : ۱۱۷
- مشک ص : ۱۱۷
- دارچینی ص : ۱۱۷
- رازیانج ص : ۱۱۷
- مرقشیشای ص : ۱۱۷
- آس ص : ۱۱۷
- حجر غاغطیس ص : ۱۱۷
- کحل ص : ۱۱۷
- کحل دیگر ص : ۱۱۷
- خل ص : ۱۱۷
- باب - ۴۵ در علاج شعیره
- ذباب ص : ۱۱۷
- کرم در غسل ص : ۱۱۷

- داخلیون ص : ۱۱۷
- صمغ اصفر ص : ۱۱۷
- میعه سایله ص : ۱۱۷
- حمام ص : ۱۱۷
- قنه ص : ۱۱۸
- تین ص : ۱۱۸
- سکینج ص : ۱۱۸
- بورق ص : ۱۱۸
- زاج ص : ۱۱۸
- تین ص : ۱۱۸
- لاذن ص : ۱۱۸
- مر ص : ۱۱۸
- مقل ازرق ص : ۱۱۸
- قنطوریون دقیق ص : ۱۱۸
- سمید ص : ۱۱۸
- صبر ص : ۱۱۸
- دقیق شعیر ص : ۱۱۸
- قلقند ص : ۱۱۸
- باب - ۴۶ در علاج برده
- اشق ص : ۱۱۸
- سکینج ص : ۱۱۸
- کندر ص : ۱۱۸
- تین ص : ۱۱۸
- شمع ص : ۱۱۸
- شعیر ص : ۱۱۸
- قلقند ص : ۱۱۸
- خل ص : ۱۱۸
- صمغ عربی ص : ۱۱۸
- شمع خام ص : ۱۱۸
- خیز ص : ۱۱۸
- اقلیمیا ص : ۱۱۹
- مقل ازرق ص : ۱۱۹
- بورق ص : ۱۱۹

- میعه ص : ۱۱۹
- باب - ۴۷ در علاج جرب
- خوص النخل ص : ۱۱۹
- خولان ص : ۱۱۹
- عفص ص : ۱۱۹
- اقلیمیائی ص : ۱۱۹
- اقلیمیائی ص : ۱۱۹
- سرطان بحری ص : ۱۱۹
- صبر ص : ۱۱۹
- جردان ص : ۱۱۹
- آبنوس ص : ۱۱۹
- فوفل ص : ۱۱۹
- اترج ص : ۱۱۹
- شعر الانسان ص : ۱۱۹
- بیض ص : ۱۱۹
- بول الصبیان ص : ۱۱۹
- حجل ص : ۱۱۹
- مرارة المعز ص : ۱۱۹
- مرارة الكبش ص : ۱۱۹
- نحاس ص : ۱۱۹
- زبد البحر ص : ۱۱۹
- رمان حامض ص : ۱۱۹
- قشار الکندر ص : ۱۱۹
- حصرم ص : ۱۲۰
- سماق ص : ۱۲۰
- دیك ص : ۱۲۰
- قنطوریون دقیق ص : ۱۲۰
- رخمه ص : ۱۲۰
- قطف ص : ۱۲۰
- فراسیون ص : ۱۲۰
- عقاب ص : ۱۲۰
- اقاقیا ص : ۱۲۰
- نسر ص : ۱۲۰

- قلقدیس ص : ۱۲۰
- نشادر ص : ۱۲۰
- زرنیخ ص : ۱۲۰
- عفص ص : ۱۲۰
- اشق ص : ۱۲۰
- شیاف ص : ۱۲۰
- شادنج ص : ۱۲۰
- زعفران ص : ۱۲۱
- کباش قرنفل ص : ۱۲۱
- شیاف ص : ۱۲۱
- فرنجمشک ص : ۱۲۱
- زجاج ص : ۱۲۱
- خنفساء ص : ۱۲۱
- باب - ۴۸ فی العشاء
- حجر الحدیدى ص : ۱۲۱
- حجل ص : ۱۲۱
- کراث ص : ۱۲۱
- نعجه ص : ۱۲۱
- جمل ص : ۱۲۲
- ورشان ص : ۱۲۲
- کرکی ص : ۱۲۲
- نظرون ص : ۱۲۲
- کماشیر ص : ۱۲۲
- رمان حلو ص : ۱۲۲
- ضبع ص : ۱۲۲
- مغز ص : ۱۲۲
- سندروس ص : ۱۲۲
- کزبرة الثعلب ص : ۱۲۲
- المغز الوحش الجبلی ص : ۱۲۲
- شفانیز ص : ۱۲۲
- حمام ص : ۱۲۲
- هندبا ص : ۱۲۲
- الثعلب ص : ۱۲۲

- حربا ص : ۱۲۲
- خنفساء ص : ۱۲۲
- غراب ص : ۱۲۲
- قرنفل ص : ۱۲۲
- کندش ص : ۱۲۲
- عذب ص : ۱۲۲
- بقر ص : ۱۲۲
- تیس الجبل ص : ۱۲۲
- دارفلفل ص : ۱۲۳
- سداب ص : ۱۲۳
- کحل مجرب ص : ۱۲۳
- وج ص : ۱۲۳
- زوفائی یابس ص : ۱۲۳
- شب مصری ص : ۱۲۳
- تریاق الافاعی ص : ۱۲۳
- نشادر ص : ۱۲۳
- زعفران ص : ۱۲۳
- باب - ۴۹ فی الجسا
- زنجار ص : ۱۲۳
- زوفای رطب ص : ۱۲۳
- باقلا ص : ۱۲۳
- بقر ص : ۱۲۳
- شحم البط ص : ۱۲۳
- بیض ص : ۱۲۳
- حلبه ص : ۱۲۴
- لوز حلو ص : ۱۲۴
- عدس ص : ۱۲۴
- شیاف احمر ص : ۱۲۴
- نیلوفر ص : ۱۲۴
- شحم الدجاج ص : ۱۲۴
- کزیره خضرا ص : ۱۲۴
- عجل ص : ۱۲۴
- لحم الجدی ص : ۱۲۴

- حمل ص : ۱۲۴
مر ص : ۱۲۴
شب ص : ۱۲۴
باب - ۵۰ فی الغرب
کرسنه ص : ۱۲۴
کرم ص : ۱۲۴
کندر ص : ۱۲۴
زاج ص : ۱۲۴
سکینج ص : ۱۲۴
خریق اسود ص : ۱۲۴
نیلوفر ص : ۱۲۵
بابونج ص : ۱۲۵
جوز عتیق ص : ۱۲۵
صمغ عربی ص : ۱۲۵
ریق الصایم ص : ۱۲۵
عنب الثعلب ص : ۱۲۵
جاوشیر ص : ۱۲۵
لسان الحمل ص : ۱۲۵
آس ص : ۱۲۵
نظرون ص : ۱۲۵
خبازی ص : ۱۲۵
ماش ص : ۱۲۵
قشر اصل الکبر ص : ۱۲۵
خندروس ص : ۱۲۵
باب - ۵۱ در علاج ضعف بصر
صدف محرق ص : ۱۲۶
سکینج ص : ۱۲۶
سداب ص : ۱۲۶
ماء الجبن ص : ۱۲۶
کرنب ص : ۱۲۶
سندروس ص : ۱۲۶
شیر العشر ص : ۱۲۶
عسل ص : ۱۲۶

- کرکم ص: ۱۲۶
- قراضیا ص: ۱۲۶
- قنطوریون ص: ۱۲۶
- سماق ص: ۱۲۶
- مقویست ص: ۱۲۶
- سمک نهری ص: ۱۲۶
- صعتر ص: ۱۲۶
- اٹمد ص: ۱۲۶
- فراسیون ص: ۱۲۶
- لبن البلسان ص: ۱۲۶
- رمان الحامض ص: ۱۲۶
- بچادق ص: ۱۲۶
- تمر ص: ۱۲۶
- مر ص: ۱۲۶
- ضبع ص: ۱۲۶
- مشک ص: ۱۲۶
- رازیانج ص: ۱۲۶
- ابریشم ص: ۱۲۷
- اقاقیا ص: ۱۲۷
- مرو ص: ۱۲۷
- خفاش ص: ۱۲۷
- مرجان ص: ۱۲۷
- بقره سودا ص: ۱۲۷
- اشنه ص: ۱۲۷
- صف صاف ص: ۱۲۷
- غزال ص: ۱۲۷
- فجل ص: ۱۲۷
- ذهب ص: ۱۲۷
- ریباس ص: ۱۲۷
- قطران ص: ۱۲۷
- مامیران ص: ۱۲۷
- ماء الحصرم ص: ۱۲۷
- دارچینی ص: ۱۲۷

شکر طبرزد ص : ۱۲۷

خولان ص : ۱۲۷

کماه ص : ۱۲۷

کباس القرنفل ص : ۱۲۷

باب - ۵۲ در علاج بیاض

لؤلؤ ص : ۱۲۷

بزر رمان ص : ۱۲۷

وج ص : ۱۲۷

بیض ص : ۱۲۷

بورق ص : ۱۲۷

شقایق النعمان ص : ۱۲۷

بسد ص : ۱۲۷

آبنوس ص : ۱۲۷

هرا ص : ۱۲۷

بیض الدجاجه ص : ۱۲۸

خرء الصبى ص : ۱۲۸

جمل ص : ۱۲۸

اقلیمیائی ذهب ص : ۱۲۸

ملح اندرانی ص : ۱۲۸

نشادر ص : ۱۲۸

حیات البطن ص : ۱۲۸

قنفذ ص : ۱۲۸

کرنب ص : ۱۲۸

کزک ص : ۱۲۸

حجر المئانه ص : ۱۲۸

مامیران ص : ۱۲۸

املج ص : ۱۲۸

سنج ص : ۱۲۸

حجل ص : ۱۲۸

زبد البحر ص : ۱۲۸

عققق ص : ۱۲۸

عقیق ص : ۱۲۸

کلب الماء ص : ۱۲۸

- حندقوقی ص : ۱۲۸
- حجر المها ص : ۱۲۹
- مسک ص : ۱۲۹
- طرخشقوق ص : ۱۲۹
- صدف المحرق ص : ۱۲۹
- ضبیع ص : ۱۲۹
- دم ص : ۱۲۹
- دیک ص : ۱۲۹
- هدهد ص : ۱۲۹
- پنیر مایه ص : ۱۲۹
- بزرقطونا ص : ۱۲۹
- بارود ص : ۱۲۹
- لبن الجاریه ص : ۱۲۹
- ریته ص : ۱۲۹
- کرکم ص : ۱۲۹
- سلحفات ص : ۱۲۹
- کبابه ص : ۱۲۹
- دع محرق ص : ۱۲۹
- ذئب ص : ۱۲۹
- فجل ص : ۱۲۹
- سفرجل ص : ۱۲۹
- قفر الیهود ص : ۱۲۹
- ملح اندرانی ص : ۱۲۹
- انزروت ص : ۱۲۹
- حمام ص : ۱۲۹
- عصافیر خانگی ص : ۱۲۹
- سرطان البحری ص : ۱۲۹
- قطران ص : ۱۲۹
- رمان حلو ص : ۱۲۹
- زراوند ص : ۱۲۹
- خبازی ص : ۱۳۰
- عجل ص : ۱۳۰
- فراسیون ص : ۱۳۰

- بهار ص : ۱۳۰
- طین مختوم ص : ۱۳۰
- تمساح ص : ۱۳۰
- مامیران ص : ۱۳۰
- زمرد ص : ۱۳۰
- اقلیمیائی ص : ۱۳۰
- بلبلج ص : ۱۳۰
- لوف ص : ۱۳۰
- سمانی ص : ۱۳۰
- توتیا ص : ۱۳۰
- ریق الصایم ص : ۱۳۰
- حنظل اخضر ص : ۱۳۰
- لك ص : ۱۳۰
- ناب الخنزیر ص : ۱۳۰
- عاج ص : ۱۳۰
- سندروس ص : ۱۳۰
- باب - ۵۳ در علاج نزول الماء
- خطاف ص : ۱۳۰
- حجل ص : ۱۳۰
- غاریقون ص : ۱۳۰
- رازیانج ص : ۱۳۰
- شقایق النعمان ص : ۱۳۰
- مراره غزال ص : ۱۳۰
- شیح ص : ۱۳۱
- ضبع ص : ۱۳۱
- لبن التین البستانی ص : ۱۳۱
- عنصل ص : ۱۳۱
- لبن البلسان ص : ۱۳۱
- دیک ص : ۱۳۱
- مرزنجوش ص : ۱۳۱
- صبر ص : ۱۳۱
- زوفائی یابس ص : ۱۳۱
- مرجان ص : ۱۳۱

- کرکم ص : ۱۳۱
- اقلیمیائی ذهب ص : ۱۳۱
- شجر مریم ص : ۱۳۱
- ریتہ ص : ۱۳۱
- ثعلب ص : ۱۳۱
- حنان ص : ۱۳۱
- صفصاف ص : ۱۳۱
- باشق ص : ۱۳۱
- هلیون ص : ۱۳۱
- حلتیت ص : ۱۳۱
- بصل ص : ۱۳۱
- زیت عتیق ص : ۱۳۱
- مرارۃ الذئب ص : ۱۳۱
- فرس الماء ص : ۱۳۱
- بازی ص : ۱۳۱
- سلحفاء ص : ۱۳۲
- عقرب ص : ۱۳۲
- وج ص : ۱۳۲
- فراسیون ص : ۱۳۲
- حجر البقر ص : ۱۳۲
- کرکی ص : ۱۳۲
- فرفیون ص : ۱۳۲
- قاتل الذئب ص : ۱۳۲
- شونیز ص : ۱۳۲
- مر ص : ۱۳۲
- صعتر ص : ۱۳۲
- صقر ص : ۱۳۲
- سداب ص : ۱۳۲
- سرطان ص : ۱۳۲
- خیازی ص : ۱۳۲
- کما ص : ۱۳۲
- هلیله کابلی ص : ۱۳۲
- حنا ص : ۱۳۳

- دهن الاجر ص : ۱۳۳
- الحمار الوحشی ص : ۱۳۳
- تیس ص : ۱۳۳
- ارنب ص : ۱۳۳
- حنظل ص : ۱۳۳
- کمازیون ص : ۱۳۳
- نفت ایض ص : ۱۳۳
- شراب ص : ۱۳۳
- تین البری ص : ۱۳۳
- جعه ص : ۱۳۳
- خلد ص : ۱۳۳
- شبوط ص : ۱۳۳
- مراره وعل ص : ۱۳۳
- زعفران ص : ۱۳۳
- دلفین بحری ص : ۱۳۳
- کت ص : ۱۳۳
- لفل ص : ۱۳۳
- ضب ص : ۱۳۳
- بهار صغیر ص : ۱۳۳
- لؤلؤ ص : ۱۳۳
- فوتینج نهری ص : ۱۳۳
- وج ص : ۱۳۴
- توتیائی هندی ص : ۱۳۴
- دجاج ص : ۱۳۴
- اترج ص : ۱۳۴
- باب - ۵۴ پنجاه و چهار در غشاوه جمل
- دردی الخمر ص : ۱۳۴
- جوز فارسی ص : ۱۳۴
- بهار ص : ۱۳۴
- قرن ایل ص : ۱۳۵
- ورشان ص : ۱۳۵
- آبنوس ص : ۱۳۵
- زیتون ص : ۱۳۵

- فیروزج ص : ۱۳۵
- ارنب ص : ۱۳۵
- ودع ص : ۱۳۵
- املج ص : ۱۳۵
- نحاس ص : ۱۳۵
- ریتہ ص : ۱۳۵
- سمسم ص : ۱۳۵
- ثور ص : ۱۳۵
- حندقوقی ص : ۱۳۵
- سکینج ص : ۱۳۵
- قیشور ص : ۱۳۵
- جوز ص : ۱۳۵
- کباش ص : ۱۳۵
- شب ص : ۱۳۵
- خربق اسود ص : ۱۳۵
- افسنتین ص : ۱۳۵
- یشم ص : ۱۳۵
- عقرب بحری ص : ۱۳۵
- زعفران ص : ۱۳۵
- لؤلؤ ص : ۱۳۵
- مرجان ص : ۱۳۵
- خس ص : ۱۳۵
- حماما ص : ۱۳۵
- روی ص : ۱۳۵
- دارچینی ص : ۱۳۵
- نسر ص : ۱۳۵
- لبن البلسان ص : ۱۳۵
- طرخشقوق ص : ۱۳۵
- خل ص : ۱۳۵
- غایة الصبی ص : ۱۳۵
- ماعز جبلی ص : ۱۳۵
- صفصاف ص : ۱۳۵
- دم الخفاش ص : ۱۳۵

- ضبع ص : ۱۳۵
کبد الماء ص : ۱۳۵
ضبع ص : ۱۳۶
مرقشیشائی ص : ۱۳۶
باب - ۵۵ در علاج کمنه
آبنوس ص : ۱۳۶
اسفنج ص : ۱۳۶
جعدة القنی ص : ۱۳۶
صبر ص : ۱۳۶
افستین ص : ۱۳۶
باب ۵۶ در علاج خشونت اجفان و غلظ آن
سنبل رومی ص : ۱۳۶
نشاء ص : ۱۳۶
صمغ العربی ص : ۱۳۶
لبن الجوارى ص : ۱۳۶
عکر الزيت ص : ۱۳۶
سنبل هندی ص : ۱۳۶
ذهب ص : ۱۳۶
شادنج ص : ۱۳۶
قلقطار ص : ۱۳۶
تین ص : ۱۳۶
دخان المر ص : ۱۳۶
خردل ص : ۱۳۶
باسلیقون ص : ۱۳۶
خل ص : ۱۳۷
حدید ص : ۱۳۷
حصرم ص : ۱۳۷
اشق ص : ۱۳۷
زبد البحر ص : ۱۳۷
زنجار ص : ۱۳۷
ورد ص : ۱۳۷
زفت ص : ۱۳۷
صدف ص : ۱۳۷

باب ۵۷ در علاج نتو

علیق ص : ۱۳۷

اقاقیا ص : ۱۳۷

تمر ص : ۱۳۷

حالبی ص : ۱۳۷

فیروزج ص : ۱۳۷

بیض ص : ۱۳۷

حمام ص : ۱۳۷

شفنین ص : ۱۳۷

عصی الراعی ص : ۱۳۷

هندبا ص : ۱۳۷

باقلا ص : ۱۳۷

خلاف ص : ۱۳۷

زیتون بری ص : ۱۳۷

عوسج ص : ۱۳۷

دهن الورد ص : ۱۳۷

رمان شیرین ص : ۱۳۷

باب ۵۸ در علاج قمور از دیدن برف

حنطه ص : ۱۳۸

صعتر ص : ۱۳۸

بذر البنج ص : ۱۳۸

خرقه سیاه ص : ۱۳۸

خمر عتیق ص : ۱۳۹

شونیز ص : ۱۳۹

عققق ص : ۱۳۹

مرزنجوش ص : ۱۳۹

شبت ص : ۱۳۹

اذخر ص : ۱۳۹

باب - ۵۹ در علاج شعر منقلب

اطلیس ص : ۱۳۹

قراد ص : ۱۳۹

صدف ص : ۱۳۹

حربا ص : ۱۳۹

- آبنوس ص : ۱۳۹
- علق ص : ۱۳۹
- طالیقون ص : ۱۳۹
- ضب ص : ۱۴۰
- صدف کبار ص : ۱۴۰
- راتینج ص : ۱۴۰
- هدهد ص : ۱۴۰
- یربوع ص : ۱۴۰
- رصاص ص : ۱۴۰
- کلب ص : ۱۴۰
- ضفدع سبز ص : ۱۴۰
- شاهترج ص : ۱۴۰
- صمغ البلاط ص : ۱۴۰
- خفاش ص : ۱۴۰
- جرذان ص : ۱۴۰
- قنه ص : ۱۴۰
- حجر الیهود ص : ۱۴۰
- علق ص : ۱۴۰
- باب - ۶۰ در علاج انتشار پلک‌ها
- صنوبر ص : ۱۴۱
- لحای صنوبر ص : ۱۴۱
- تمر خسته ص : ۱۴۱
- قفر الیهود ص : ۱۴۱
- لازورد ص : ۱۴۱
- آبنوس ص : ۱۴۱
- سنبل هندی ص : ۱۴۱
- سنبل رومی ص : ۱۴۱
- سنبادج ص : ۱۴۱
- اٹمد ص : ۱۴۱
- بندق ص : ۱۴۱
- حجر الیهود ص : ۱۴۱
- بطم ص : ۱۴۱
- کندر ص : ۱۴۱

قطران ص : ۱۴۱

زفت ص : ۱۴۱

ذباب ص : ۱۴۱

آبنوس ص : ۱۴۱

مصطکی ص : ۱۴۱

صمغ الصنوبر ص : ۱۴۱

مامیثا ص : ۱۴۱

حجر ارمنی ص : ۱۴۱

قطب الفارسی ص : ۱۴۱

ماعز ص : ۱۴۱

بنج ص : ۱۴۱

اوز ص : ۱۴۲

شحم الدب ص : ۱۴۲

بیض ص : ۱۴۲

بابونج ص : ۱۴۲

شیح ص : ۱۴۲

ساذج هندی ص : ۱۴۲

سلخ الحیه ص : ۱۴۲

دیک ص : ۱۴۲

کحل ص : ۱۴۲

باب - ۶۱ در علاج القمل و القمقام در پلک چشم

سلق ص : ۱۴۲

زیت ص : ۱۴۲

ماء الکبریت ص : ۱۴۲

ملح ص : ۱۴۳

روشنائی ص : ۱۴۳

بورق ارمنی ص : ۱۴۳

خل العنصل ص : ۱۴۳

نطرون ص : ۱۴۳

خردل ص : ۱۴۳

ماء القیبری ص : ۱۴۳

کحل ص : ۱۴۳

جندبیدستر ص : ۱۴۳

- حب القوقا ص : ۱۴۳
- ایارج فیکرا ص : ۱۴۳
- عاققرحا ص : ۱۴۳
- شب یمانی ص : ۱۴۳
- صبر ص : ۱۴۳
- نطول ص : ۱۴۳
- باب - ۶۲ در علاج سلاق
- ماء الرمانین ص : ۱۴۴
- خنثی ص : ۱۴۴
- زنجار الحديد ص : ۱۴۴
- سماق ص : ۱۴۴
- هللیج اصفر ص : ۱۴۴
- ماء الحصرم ص : ۱۴۴
- زنجار ص : ۱۴۴
- حب ایارج ص : ۱۴۴
- شیاف ص : ۱۴۴
- شحم الرمان ص : ۱۴۴
- میعه ص : ۱۴۴
- زفت ص : ۱۴۴
- قطران ص : ۱۴۴
- خولان ص : ۱۴۴
- شیاف احمر ص : ۱۴۴
- برود حصرم ص : ۱۴۴
- دراج ص : ۱۴۴
- ماء الورد ص : ۱۴۴
- عدس مطبوخ ص : ۱۴۴
- بقله حمقا ص : ۱۴۴
- هندبا ص : ۱۴۴
- شیاف مر ص : ۱۴۵
- دخان المر ص : ۱۴۵
- کندر ص : ۱۴۵
- اترج ص : ۱۴۵
- لبلاب ص : ۱۴۵

- صبر ص : ۱۴۵
- زنجبیل ص : ۱۴۵
- بطم ص : ۱۴۵
- شیاف توتیا ص : ۱۴۵
- مصطکی ص : ۱۴۵
- صمغ صنوبر ص : ۱۴۵
- زیت ص : ۱۴۵
- باب - ۶۳ در علاج حکه چشم و ماق
- خل ص : ۱۴۵
- آبنوس ص : ۱۴۵
- بطم ص : ۱۴۵
- میعه ص : ۱۴۵
- قطران ص : ۱۴۵
- زفت ص : ۱۴۵
- سماق ص : ۱۴۵
- کندر ص : ۱۴۶
- صبر ص : ۱۴۶
- فلفل ص : ۱۴۶
- زنجار ص : ۱۴۶
- قلقطار ص : ۱۴۶
- زنجبیل ص : ۱۴۶
- سنبل هندی ص : ۱۴۶
- کحل نافع ص : ۱۴۶
- قشار الکندر ص : ۱۴۶
- قطن ص : ۱۴۶
- بصل ص : ۱۴۶
- باب - ۶۴ در علاج قروح
- کتیرا ص : ۱۴۶
- اقلیمیای فزه ص : ۱۴۶
- آبنوس ص : ۱۴۶
- قنفذ ص : ۱۴۶
- بسد ص : ۱۴۶
- شقایق النعمان ص : ۱۴۶

- کندر ص : ۱۴۶
- طباشیر ص : ۱۴۶
- مر ص : ۱۴۶
- شادنج ص : ۱۴۶
- تمر هندی ص : ۱۴۷
- حلزون محرق ص : ۱۴۷
- ودع ص : ۱۴۷
- نشادر ص : ۱۴۷
- زفت ص : ۱۴۷
- توبان النحاس ص : ۱۴۷
- توتیا ص : ۱۴۷
- وج ص : ۱۴۷
- بیض ص : ۱۴۷
- زبد ص : ۱۴۷
- طین مختوم ص : ۱۴۷
- سکینج ص : ۱۴۷
- اشق ص : ۱۴۷
- اٹمد ص : ۱۴۷
- اسفیداج ص : ۱۴۷
- سنجار ص : ۱۴۷
- لوف ص : ۱۴۷
- زیتون ص : ۱۴۷
- قنطوریون دقیق ص : ۱۴۷
- کماذریوس ص : ۱۴۷
- حجل ص : ۱۴۷
- عقاب ص : ۱۴۷
- دجاج ص : ۱۴۷
- صبر ص : ۱۴۷
- راسخ ص : ۱۴۷
- مرقشیشا ص : ۱۴۷
- ابریشم ص : ۱۴۷
- ورد ص : ۱۴۷
- سنبل ص : ۱۴۷

- شادنج ص: ۱۴۷
- زعفران ص: ۱۴۷
- مامیثا ص: ۱۴۷
- لحیه التیس ص: ۱۴۷
- حلبه ص: ۱۴۷
- جندییدستر ص: ۱۴۷
- شیاف الکندر ص: ۱۴۸
- باب - ۶۵ در دواهایی جالی آثار قروح را
- حندقوقی ص: ۱۴۸
- کندر ص: ۱۴۸
- سکینج ص: ۱۴۸
- ارنب ص: ۱۴۸
- فاخته ص: ۱۴۸
- سندروس ص: ۱۴۸
- املج ص: ۱۴۸
- مرجان ص: ۱۴۸
- بول صبی ص: ۱۴۸
- لؤلؤ ص: ۱۴۸
- قنطوریون ص: ۱۴۸
- زجاج محرق مکاس ص: ۱۴۸
- سنجار ص: ۱۴۸
- فصل ص: ۱۴۸
- کندر ص: ۱۴۸
- میعه ص: ۱۴۸
- آبنوس ص: ۱۴۸
- انزروت ص: ۱۴۸
- ایل شاخ ص: ۱۴۸
- بطیخ ص: ۱۴۸
- دلب ص: ۱۴۸
- بنج ص: ۱۴۹
- قطران ص: ۱۴۹
- کندر ص: ۱۴۹
- باب - ۶۶ در علاج کمنه

- مرزنجوش ص : ۱۴۹
فجل ص : ۱۴۹
فلفل الماء ص : ۱۴۹
صبر ص : ۱۴۹
ملح ص : ۱۴۹
کمون البری ص : ۱۴۹
نانخواه ص : ۱۴۹
ورشان ص : ۱۴۹
فوتنج ص : ۱۴۹
قطران ص : ۱۴۹
خل ص : ۱۴۹
انجدان ص : ۱۴۹
بلیوس ص : ۱۴۹
زوفائی یابس ص : ۱۴۹
جین ص : ۱۴۹
باقلا ص : ۱۵۰
راوند چینی ص : ۱۵۰
لعاب الصایم ص : ۱۵۰
مردار سنگ ص : ۱۵۰
ترمس ص : ۱۵۰
ثافسیا و کندر و شمع ص : ۱۵۰
ثوم ص : ۱۵۰
سندروس ص : ۱۵۰
افستین ص : ۱۵۰
سماق ص : ۱۵۰
قصب الزریره ص : ۱۵۰
خردل ص : ۱۵۰
عسل مقوم ص : ۱۵۰
کرسنه ص : ۱۵۰
دم الشفانیز ص : ۱۵۰
مرقشیشا ص : ۱۵۰
مر ص : ۱۵۰
بط ص : ۱۵۰

باب - ۶۷ در علاج حول

ریتة ص : ۱۵۰

زیتون ص : ۱۵۰

نطرون ص : ۱۵۰

شفانیز ص : ۱۵۰

فاخته ص : ۱۵۰

باب - ۶۸ در علاج جحوظ

اقاقیا ص : ۱۵۱

آس ص : ۱۵۱

هندبا ص : ۱۵۱

عصا الراعی ص : ۱۵۱

خولان ص : ۱۵۱

حضض مکی ص : ۱۵۱

لحیة التیس ص : ۱۵۱

هللیج کابلی ص : ۱۵۱

غاریقون ص : ۱۵۱

مطبوخ الفواکه ص : ۱۵۱

باب ۶۹ در علاج زرقة

زعفران ص : ۱۵۱

شقایق النعمان ص : ۱۵۱

بندق ص : ۱۵۱

حنظل ص : ۱۵۱

حنظل و حلزون ص : ۱۵۱

رمان ص : ۱۵۱

عفص ص : ۱۵۱

اتان ص : ۱۵۱

قلقدیس ص : ۱۵۱

جوز ص : ۱۵۱

عنب الثعلب ص : ۱۵۱

باب ۷۰ در علاج انتشار

رازیانج ص : ۱۵۲

باشق ص : ۱۵۲

ورد ص : ۱۵۲

- صندل ص : ۱۵۲
- فوفل ص : ۱۵۲
- نیلوفر ص : ۱۵۲
- خلاف ص : ۱۵۲
- باقلا ص : ۱۵۲
- سکنجین السکری ص : ۱۵۲
- شیاف ص : ۱۵۲
- خلتیت ص : ۱۵۲
- فرفیون ص : ۱۵۲
- اقلیمیا ص : ۱۵۲
- لؤلؤ ص : ۱۵۲
- خطمی ص : ۱۵۲
- بیضه ص : ۱۵۲
- شیوط ص : ۱۵۲
- مرارة المعز ص : ۱۵۲
- عنب الثعلب ص : ۱۵۲
- نشا ص : ۱۵۲
- باب ۷۱ فی الضیق
- بابونج ص : ۱۵۲
- بان ص : ۱۵۲
- شیاف ص : ۱۵۲
- شیاف دیگر ص : ۱۵۳
- باب ۷۲ فی الاتساع
- باقلا ص : ۱۵۳
- رازیانج ص : ۱۵۳
- باب - ۷۳ فی الشتره
- علیق ص : ۱۵۳
- عوسج ص : ۱۵۴
- باب - ۷۴ فی الدبيله
- حلبه ص : ۱۵۴
- اکلیل الملک ص : ۱۵۴
- بزر الکتان ص : ۱۵۴
- لبن الجاریه ص : ۱۵۴

- شیاف الابر ص : ۱۵۴
- شیاف الاحمر ص : ۱۵۴
- عوسج ص : ۱۵۴
- شاهترج ص : ۱۵۴
- عدس ص : ۱۵۴
- بیضه ص : ۱۵۴
- شیاف اخضر ص : ۱۵۴
- زیتون ص : ۱۵۴
- سنبل هندی ص : ۱۵۴
- طین مختوم ص : ۱۵۴
- اسفیداج ص : ۱۵۴
- عفص ص : ۱۵۴
- باب - ۷۵ فی التوثه
- باب - ۷۶ فی السعفة
- شیاف ص : ۱۵۶
- حب الایارج ص : ۱۵۶
- حمام ص : ۱۵۶
- باب - ۷۷ فی النمله
- مامیثا ص : ۱۵۶
- برود حصرم ص : ۱۵۶
- شیاف احمر ص : ۱۵۶
- حضض مکی ص : ۱۵۶
- باب - ۷۸ فی السرطان
- سفوف ص : ۱۵۶
- سفوف مبدل ص : ۱۵۶
- شادنج ص : ۱۵۷
- شیاف مامیثا ص : ۱۵۷
- شادنج ص : ۱۵۷
- شیاف مامیثا ص : ۱۵۷
- باب - ۷۹ فی الشرناق
- صبر ص : ۱۵۷
- مامیثا ص : ۱۵۷
- مر ص : ۱۵۷

- بسد ص : ۱۵۷
- طلا ص : ۱۵۷
- باب - ۸۰ فی الدم
- طین مختوم ص : ۱۵۷
- اشق ص : ۱۵۷
- بقلة الحمقا ص : ۱۵۷
- قیروطی ص : ۱۵۷
- شیاف احمر ص : ۱۵۷
- داخلیون ص : ۱۵۷
- باب - ۸۱ فی بیاض الهدب
- باب - ۸۲ فی الخیال
- سلحفات ص : ۱۵۸
- باب - ۸۳ فی الغده
- باب - ۸۴ فی استرخاء الجفن
- صبر ص : ۱۵۸
- ضماد ص : ۱۵۸
- اقاقیا سائیده ص : ۱۵۸
- شجر الارز ص : ۱۵۸
- شبت ص : ۱۵۸
- باب - ۸۵ فی الجهر
- نطول ص : ۱۵۹
- فصل ص : ۱۵۹
- کحل فلفل ص : ۱۵۹
- کرکی ص : ۱۵۹
- تیس جبلی ص : ۱۵۹
- باشق ص : ۱۵۹
- ارنب ص : ۱۵۹
- رازیانج ص : ۱۵۹
- سلحفاء ص : ۱۵۹
- کحل مجرب ص : ۱۵۹
- کماشیر ص : ۱۵۹
- باب - ۸۶ فی الشری
- دارفلفل ص : ۱۵۹

- باب - ۸۷ فی الخفش
 دهن بنفسج ص : ۱۵۹
 باب - ۸۸ فی ورم العين
 ورد ص : ۱۶۰
 کندر ص : ۱۶۰
 بنفسج ص : ۱۶۰
 حی العالم ص : ۱۶۰
 زعفران ص : ۱۶۰
 بیضه ص : ۱۶۰
 صفرتها ص : ۱۶۰
 سفرجل ص : ۱۶۰
 بقله الحمقا ص : ۱۶۰
 سويق الشعير ص : ۱۶۰
 بنج ص : ۱۶۰
 آس ص : ۱۶۰
 شادنج ص : ۱۶۰
 عنب الثعلب ص : ۱۶۰
 خل ص : ۱۶۰
 الادویته المسکنه الوجع ص : ۱۶۰
 کزبره خضرا ص : ۱۶۰
 بیض ص : ۱۶۰
 رمان حلو ص : ۱۶۰
 اسفنج ص : ۱۶۰
 حماما ص : ۱۶۰
 جلنار ص : ۱۶۰
 شیاف ص : ۱۶۰
 اکلیل الملک ص : ۱۶۰
 غبار الریحی ص : ۱۶۰
 افیون ص : ۱۶۰
 میفختج ص : ۱۶۰
 زعفران ص : ۱۶۰
 لبن الجوارى ص : ۱۶۰
 نشا ص : ۱۶۰

- خولان ص : ۱۶۰
- باب - ۸۹ فی صغر العین و ذبولها
- لبن النساء ص : ۱۶۱
- قرع ص : ۱۶۱
- الادویة اللمضرة للعین ص : ۱۶۱
- بادروج ص : ۱۶۱
- ملح ص : ۱۶۱
- کرنب ص : ۱۶۱
- لحوم ص : ۱۶۱
- سرکه ص : ۱۶۱
- جماع ص : ۱۶۱
- حجامت ص : ۱۶۱
- کراث ص : ۱۶۱
- جرجیر ص : ۱۶۱
- زیتون ص : ۱۶۱
- الادویة الحافظة لصحة العیون ص : ۱۶۱
- توتیا ص : ۱۶۱
- اشمد ص : ۱۶۱
- مرقشیشائی ص : ۱۶۱
- شادنج ص : ۱۶۱
- باب - ۹۰ فی وجع الاذن
- افسنتین ص : ۱۶۱
- اکلیل الملک ص : ۱۶۱
- افیون ص : ۱۶۱
- سَنجَار ص : ۱۶۱
- اذان الفار ص : ۱۶۱
- کندش ص : ۱۶۱
- خروع ص : ۱۶۱
- قنب ص : ۱۶۱
- بزر شهدانج ص : ۱۶۱
- سَلَق ص : ۱۶۱
- حشیشه ص : ۱۶۱
- مومیائی ص : ۱۶۱

- دهن اللوز ص : ۱۶۱
شونیز ص : ۱۶۱
نعناع ص : ۱۶۲
قرع ص : ۱۶۲
دهن الناردین ص : ۱۶۲
دهن البان ص : ۱۶۲
لسان الحمل ص : ۱۶۲
معز بول ص : ۱۶۲
شجر الارز ص : ۱۶۲
دود الجراد ص : ۱۶۲
بادروج ص : ۱۶۲
خراطین ص : ۱۶۲
کبش ص : ۱۶۲
بنج ص : ۱۶۲
فجل ص : ۱۶۲
فراسیون ص : ۱۶۲
فوه الصبغ ص : ۱۶۲
سلخ الحیه ص : ۱۶۲
مصطگی ص : ۱۶۲
نرجس ص : ۱۶۲
خنفسا ص : ۱۶۲
قصب الزریره ص : ۱۶۲
ایرسا ص : ۱۶۲
سداب ص : ۱۶۲
لبن النساء ص : ۱۶۲
سوسن ص : ۱۶۲
عنب الثعلب ص : ۱۶۲
زوفا ص : ۱۶۲
خولان ص : ۱۶۲
دارچینی ص : ۱۶۲
شعر الانسان ص : ۱۶۲
کراث ص : ۱۶۲
نظرون ص : ۱۶۲

- حنظل ص : ۱۶۲
- شحم الحنظل ص : ۱۶۲
- قرع ص : ۱۶۲
- بادنجان ص : ۱۶۲
- خشخاش ص : ۱۶۳
- نفت ایض ص : ۱۶۳
- سمانی ص : ۱۶۳
- سرطان نهری ص : ۱۶۳
- صرصر ص : ۱۶۳
- بصل ص : ۱۶۳
- بیروج الصنم ص : ۱۶۳
- قنطوریون دقیق ص : ۱۶۳
- فرفیون ص : ۱۶۳
- ماغز ص : ۱۶۳
- شحم الضب ص : ۱۶۳
- کرم ص : ۱۶۳
- خریق اسود ص : ۱۶۳
- حلتیت ص : ۱۶۳
- کمون ص : ۱۶۳
- کادی ص : ۱۶۳
- دارفلفل ص : ۱۶۳
- باب - ۹۱ فی ورم الاذن
- اکلیل الملک ص : ۱۶۳
- نفت ایض ص : ۱۶۳
- زعفران ص : ۱۶۳
- نرجس ص : ۱۶۳
- جندبیدستر ص : ۱۶۳
- افیون ص : ۱۶۳
- کرنب ص : ۱۶۳
- باب - ۹۲ فی سدد الاذن
- مشمش ص : ۱۶۴
- شبت ص : ۱۶۴
- الفجل ص : ۱۶۴

- لوز المر ص : ۱۶۴
- خردل ص : ۱۶۴
- قنب ص : ۱۶۴
- سداب ص : ۱۶۴
- باب - ۹۳ فی الطرش و الصمم
- شحم الشفانیز ص : ۱۶۴
- خل ص : ۱۶۴
- عنصل ص : ۱۶۴
- خروج ص : ۱۶۴
- حنظل ص : ۱۶۴
- بابونج ص : ۱۶۴
- خردل ص : ۱۶۴
- مرارة البقر ص : ۱۶۴
- مرارة الغنم ص : ۱۶۴
- قطران ص : ۱۶۴
- خربق اسود ص : ۱۶۴
- جندیستر ص : ۱۶۴
- کبریت ص : ۱۶۴
- ابهل ص : ۱۶۴
- دهن العقارب ص : ۱۶۴
- باب - ۹۴ فی الدوی و الطنین
- مرزنجوش ص : ۱۶۴
- زیتون ص : ۱۶۴
- حب الغار ص : ۱۶۴
- مازریون ص : ۱۶۴
- خل ص : ۱۶۵
- مازریون ص : ۱۶۵
- خل ص : ۱۶۵
- تین ص : ۱۶۵
- نارجیل ص : ۱۶۵
- مراریر ص : ۱۶۵
- لوز الحلو ص : ۱۶۵
- فجل ص : ۱۶۵

- سوسن ص : ۱۶۵
- کمون ص : ۱۶۵
- باب - ۹۵ فی قروح الاذن
- خولان ص : ۱۶۵
- لبلاب ص : ۱۶۵
- جاموس ص : ۱۶۵
- لحیه التیس ص : ۱۶۵
- زبد ص : ۱۶۵
- صبر ص : ۱۶۵
- خبث الحديد ص : ۱۶۵
- حوض مکی ص : ۱۶۵
- بول انسان ص : ۱۶۵
- بول انسان ص : ۱۶۵
- کندر ص : ۱۶۵
- زرنیخ ص : ۱۶۵
- مرهم ص : ۱۶۵
- انزروت ص : ۱۶۵
- زبد البحر ص : ۱۶۵
- بورق ارمنی ص : ۱۶۵
- کندر ص : ۱۶۵
- مر ص : ۱۶۵
- شیاف ص : ۱۶۵
- مرهم ص : ۱۶۵
- باسلیقون ص : ۱۶۵
- ماء الفاتر ص : ۱۶۵
- بول ابل ص : ۱۶۵
- حوض مکی ص : ۱۶۶
- ماء الزيتون المملوح ص : ۱۶۶
- سمن العتیق ص : ۱۶۶
- باب - ۹۶ فی الضربه و الصدمه
- کندر ص : ۱۶۶
- پنجنگشت ص : ۱۶۶
- انیسون ص : ۱۶۶

- اسفیداج الرصاص ص : ۱۶۶
- بورق ص : ۱۶۶
- بیضه ص : ۱۶۶
- باب - ۹۷ فی الرطوبة الجاریه من الاذن
- شبت ص : ۱۶۶
- زفت ص : ۱۶۶
- صبر ص : ۱۶۶
- مرارة الثور ص : ۱۶۶
- باب - ۹۸ فی دود الاذن
- عذبه ص : ۱۶۶
- توتیائی هندی ص : ۱۶۶
- بول صبیان ص : ۱۶۶
- حنظل ص : ۱۶۶
- عفص ص : ۱۶۶
- بقر ص : ۱۶۶
- خریق ایض ص : ۱۶۷
- نشادر ص : ۱۶۷
- باب - ۹۹ فی دخول الماء فی الاذن
- بصل ص : ۱۶۷
- بیض ص : ۱۶۷
- باب - ۱۰۰ فی الريح الباردة یصیب الاذن
- زوفا ص : ۱۶۷
- صعتر ص : ۱۶۷
- فجل ص : ۱۶۷
- جندیستر ص : ۱۶۷
- لبن البلسان ص : ۱۶۷
- باب - ۱۰۱ فی الورم الحادث فی خلل
- ابل ص : ۱۶۷
- بقر ص : ۱۶۷
- تین ص : ۱۶۷
- باقلا ص : ۱۶۷
- بزرقطونا ص : ۱۶۷
- زعفران ص : ۱۶۷

عنب الثعلب ص : ۱۶۷

لحم الصدف ص : ۱۶۷

بعر الماعز ص : ۱۶۷

باب - ۱۰۲ فی دخول الحيوان و غيره في الاذن

بصل ص : ۱۶۷

زيت ص : ۱۶۷

مر ص : ۱۶۷

فصل في منقيات الاذن ص : ۱۶۷

عسل ص : ۱۶۷

لوز المر ص : ۱۶۸

زعفران ص : ۱۶۸

باب - ۱۰۳ فی الرعاف

ثور ص : ۱۶۸

كافور ص : ۱۶۸

آملج ص : ۱۶۸

كهربا ص : ۱۶۸

خرء الحمام ص : ۱۶۸

خرء الحمام ص : ۱۶۸

جلنار ص : ۱۶۸

عقيق ص : ۱۶۸

مغیلان ص : ۱۶۸

ياقوت ص : ۱۶۸

كزبره ص : ۱۶۸

جنطیانا ص : ۱۶۸

كمون کرمانی ص : ۱۶۸

كافور ص : ۱۶۸

افیون ص : ۱۶۸

باب - ۱۰۴ فی ورم الانف و حكه

زبد ص : ۱۶۸

صبر ص : ۱۶۸

باب - ۱۰۵ فی الخشم

نسرین ص : ۱۶۹

مراریر ص : ۱۶۹

- شونیز ص : ۱۶۹
- جمل ص : ۱۶۹
- خل ص : ۱۶۹
- باب - ۱۰۶ فی اللحم الزاید فی الانف
- سرو ص : ۱۶۹
- طین یابس ص : ۱۶۹
- زنجار ص : ۱۶۹
- نشادر ص : ۱۶۹
- فصل فی ادویه المحرکة للعطاس ص : ۱۶۹
- خردل ص : ۱۶۹
- فرنجمشک ص : ۱۶۹
- خولنجان ص : ۱۶۹
- ایرسا ص : ۱۶۹
- باب - ۱۰۷ فی تین الانف
- لبلاب ص : ۱۶۹
- جمل ص : ۱۶۹
- ایرسا ص : ۱۶۹
- خریق ایض ص : ۱۶۹
- نشادر ص : ۱۶۹
- قصب الذریره ص : ۱۶۹
- مسک ص : ۱۶۹
- باب - ۱۰۸ فی بواسیر الانف
- لوف ص : ۱۷۰
- ایرسا ص : ۱۷۰
- رمان حامض ص : ۱۷۰
- باقلا ص : ۱۷۰
- باب - ۱۰۹ فی نثو الشفتین و قروحهما و قروح الفم
- زنجفر ص : ۱۷۰
- حصرم ص : ۱۷۰
- زرنیخ احمر ص : ۱۷۰
- کزیره خضراء ص : ۱۷۰
- ملح ص : ۱۷۰
- عفص ص : ۱۷۰

لسان الثور ص : ۱۷۰

زجاج ص : ۱۷۰

سندروس ص : ۱۷۰

دارشیشعان ص : ۱۷۰

صندل احمر ص : ۱۷۰

اجاص ص : ۱۷۰

قیصور و زجاج ص : ۱۷۰

باب - ۱۱۰ فی اكله الفم

سلحفات نهريه ص : ۱۷۰

زرنيخ ص : ۱۷۰

قرطاس ص : ۱۷۰

قلقدیس ص : ۱۷۰

باب - ۱۱۱ فی استرخاء اللثه و ترعزع الاسنان و تعلقها

حبق ص : ۱۷۰

قرنفل مر ص : ۱۷۰

اندرانی ص : ۱۷۰

جلنار ص : ۱۷۱

صنوبر کبار ص : ۱۷۱

سعد ص : ۱۷۱

فلنجان ص : ۱۷۱

نسخه ص : ۱۷۱

باب - ۱۱۲ فی وجع الاسنان

مویزج ص : ۱۷۱

جاورس ص : ۱۷۱

افیون ص : ۱۷۱

خردل ص : ۱۷۱

شیطرج ص : ۱۷۱

شب یمانی ص : ۱۷۱

باب - ۱۱۳ فی تاكل الاسنان

مشمش ص : ۱۷۱

حلتیت ص : ۱۷۱

مر ص : ۱۷۱

فوتنج ص : ۱۷۱

- کرم ص : ۱۷۱
- رمان ص : ۱۷۱
- باب فی تسهیل قلع الاسنان ص : ۱۷۱
- قناء الحمار ص : ۱۷۱
- ظیان ص : ۱۷۱
- لسان الحمل ص : ۱۷۱
- برنجاسف ص : ۱۷۲
- شبرم ص : ۱۷۲
- باب - ۱۱۴ فی ضرس
- الملح ص : ۱۷۲
- بقله الحمقا ص : ۱۷۲
- جوز الاکل ص : ۱۷۲
- لوز ص : ۱۷۲
- نارجیل ص : ۱۷۲
- باب - ۱۱۵ فی الحفر
- سلحفاة ص : ۱۷۲
- عقیق ص : ۱۷۲
- قلی ایض ص : ۱۷۲
- باب - ۱۱۶ فی النجر
- سداب ص : ۱۷۲
- مر ص : ۱۷۲
- زنبق ص : ۱۷۲
- سمسم ص : ۱۷۲
- باب - ۱۱۷ فی سیلان اللعاب من افواه الصبیان
- آس ص : ۱۷۲
- اقاقیا ص : ۱۷۲
- مصطکی ص : ۱۷۲
- عفص ص : ۱۷۲
- قشار الکندر ص : ۱۷۲
- شابانک ص : ۱۷۲
- باب - ۱۱۸ فی اللثة الدامیه و الوارمه
- دهن الاس ص : ۱۷۳
- خبث الحدید ص : ۱۷۳

مصطکی ص : ۱۷۳

باب - ۱۱۹ ورم اللهاة و اللوزتین

نشادر ص : ۱۷۳

شب ص : ۱۷۳

سنبل هندی ص : ۱۷۳

زهرة النحاس ص : ۱۷۳

کزیره خضرا ص : ۱۷۳

ذنب الاسد ص : ۱۷۳

باب - ۱۲۰ فی العلق المتعلق بالحلقة

قلقطار مذااب ص : ۱۷۳

زاج ص : ۱۷۳

شونیز ص : ۱۷۳

خردل ص : ۱۷۳

باب - ۱۲۱ فی خنازیر الحلقة

کزیره خضرا ص : ۱۷۳

خردل ص : ۱۷۳

نیل هندی ص : ۱۷۳

زعفران ص : ۱۷۳

کمون ص : ۱۷۳

جاموس ص : ۱۷۳

باب - ۱۲۲ فی ثقل اللسان

خردل ص : ۱۷۴

ایارج فیکرا ص : ۱۷۴

زنجیل ص : ۱۷۴

عاققرحا ص : ۱۷۴

باب - ۱۲۳ فی ورم اللسان

بزر کتان ص : ۱۷۴

ایرسا ص : ۱۷۴

باب - ۱۲۴ فی القلاع

حصرم ص : ۱۷۴

حنا ص : ۱۷۴

عفص ص : ۱۷۴

نشاسته ص : ۱۷۴

عصفر ص : ۱۷۴

فوفل ص : ۱۷۴

نیل هندی ص : ۱۷۴

باب ۱۲۵ فی الضفدع الحاصل تحت اللسان

صعتر ص : ۱۷۴

بورق ص : ۱۷۴

عفص ص : ۱۷۴

شب ص : ۱۷۴

زاج ص : ۱۷۴

باب ۱۲۶ فی بطوء الکلام

مویزج ص : ۱۷۵

فلفل ص : ۱۷۵

کندر ص : ۱۷۵

تین ص : ۱۷۵

ملح ص : ۱۷۵

باب - ۱۲۷ فی خشونۃ اللسان

سماق الدباغین ص : ۱۷۵

نعناع ص : ۱۷۵

شحم الدجاج ص : ۱۷۵

باب - ۱۲۸ فی استرخاء اللسان

ایارج ص : ۱۷۵

خردل ص : ۱۷۵

عاققرحا ص : ۱۷۵

باب - ۱۲۹ فی بحۃ الصوت

کرنب ص : ۱۷۵

بیض ص : ۱۷۵

زرنیخ اصفر ص : ۱۷۵

فجل ص : ۱۷۵

زراوند طویل ص : ۱۷۵

نشا ص : ۱۷۵

باب - ۱۳۰ فی قطع الصوت

کرنب ص : ۱۷۵

فوه الصبغ ص : ۱۷۵

- مومیائی ص : ۱۷۵
- زراوند مدحرج ص : ۱۷۵
- باقلا ص : ۱۷۵
- حب تمر هندی ص : ۱۷۵
- باب - ۱۳۱ فی الربو و ضيق النفس
- غاریقون ص : ۱۷۶
- شکر العشر ص : ۱۷۶
- نقط ایض ص : ۱۷۶
- زراوند مدحرج ص : ۱۷۶
- سنبل هندی ص : ۱۷۶
- طین ارمنی ص : ۱۷۶
- ریه الثعلب ص : ۱۷۶
- مازریون ص : ۱۷۶
- زوفائی یابس ص : ۱۷۶
- حجر ارمنی ص : ۱۷۶
- طین ارمنی ص : ۱۷۶
- حنظل ص : ۱۷۶
- تین ص : ۱۷۶
- افستین رومی ص : ۱۷۶
- زنجبیل ص : ۱۷۶
- جندبیدستر ص : ۱۷۶
- کراث ص : ۱۷۶
- فجل ص : ۱۷۶
- باب - ۱۳۲ فی نفث الدم
- خطمی ص : ۱۷۶
- خشخاش اسود ص : ۱۷۶
- راوند ص : ۱۷۶
- طین ارمنی ص : ۱۷۶
- کمون ص : ۱۷۶
- کزبره خضرا ص : ۱۷۶
- جلنار ص : ۱۷۶
- عفص محرق ص : ۱۷۶
- بیض دجاج ص : ۱۷۶

- بسباسه ص : ۱۷۶
- ماعز ص : ۱۷۶
- نشاسته ص : ۱۷۶
- خشخاش ص : ۱۷۶
- قرع ص : ۱۷۶
- شعر الانسان ص : ۱۷۶
- باب - ۱۳۳ فی السل
- بردی محرق ص : ۱۷۷
- طین ارمنی ص : ۱۷۷
- سرطان نهري ص : ۱۷۷
- خاکستر سرطانات ص : ۱۷۷
- بزر القرع ص : ۱۷۷
- نیل ص : ۱۷۷
- انجبار ص : ۱۷۷
- باب - ۱۳۴ فی السعال الحار
- خولان ص : ۱۷۷
- بقله یمانیه سبز ص : ۱۷۷
- انبر باریس ص : ۱۷۷
- بطیخ اصفر ص : ۱۷۷
- حمل ص : ۱۷۷
- عنا ب ص : ۱۷۷
- باب - ۱۳۵ فی السعال البارد
- مصطکی ص : ۱۷۷
- مر ص : ۱۷۷
- حنظل ص : ۱۷۷
- فلفل اسود ص : ۱۷۷
- بط ص : ۱۷۷
- زرنیخ احمر ص : ۱۷۷
- لوز حلو ص : ۱۷۷
- باب - ۱۳۶ فی السعال الیابس
- نشاء الحنطه ص : ۱۷۷
- سپستان ص : ۱۷۷
- باب - ۱۳۷ فی سعال الصبیان

- نیل هندی ص : ۱۷۸
- سلحفات نهریه ص : ۱۷۸
- باب - ۱۳۸ فی ضعف القلب
- فیروزج ص : ۱۷۸
- مرجان ص : ۱۷۸
- مشک ص : ۱۷۸
- لؤلؤ ص : ۱۷۸
- خطمی ص : ۱۷۸
- نیلوفر ص : ۱۷۸
- هندبای بری ص : ۱۷۸
- باب - ۱۳۹ فی الغشی
- قشاء ص : ۱۷۸
- خیار ص : ۱۷۸
- قاقلا ص : ۱۷۸
- مسک ص : ۱۷۸
- ماء الورد ص : ۱۷۸
- فروج الدجاج ص : ۱۷۸
- باب - ۱۴۰ فی الخفقان
- ترنجان ص : ۱۷۸
- مسک ص : ۱۷۸
- لؤلؤ ص : ۱۷۸
- هندبا ص : ۱۷۸
- صندل ص : ۱۷۸
- عقیق ص : ۱۷۸
- نیل هندی ص : ۱۷۸
- تمر هندی ص : ۱۷۸
- باب - ۱۴۱ فی ورم التدی
- تودری ص : ۱۷۸
- خبازی ص : ۱۷۸
- خروع ص : ۱۷۸
- طلق محللول ص : ۱۷۹
- یاقوت ص : ۱۷۹
- عدس ص : ۱۷۹

- باقلا ص : ۱۷۹
- باب - ۱۴۲ فی تعقد اللبن
شمع ص : ۱۷۹
- سداب ص : ۱۷۹
- حلتیت ص : ۱۷۹
- خل ص : ۱۷۹
- باب - ۱۴۳ فی قلت اللبن
رازیانج ص : ۱۷۹
- هلیون ص : ۱۷۹
- رطبه ص : ۱۷۹
- شونیز ص : ۱۷۹
- ماء الشعیر ص : ۱۷۹
- فجل ص : ۱۷۹
- جرجیر ص : ۱۷۹
- بزر البنج ص : ۱۷۹
- طلق ص : ۱۷۹
- حنا ص : ۱۷۹
- لبن البقر الحلیب ص : ۱۷۹
- ابریشم ص : ۱۷۹
- باب - ۱۴۴ فی المانعۀ من عظم الثدی
الطین الخراسانی ص : ۱۷۹
- جبسین ص : ۱۷۹
- علق ص : ۱۷۹
- افیون ص : ۱۷۹
- کندر ص : ۱۷۹
- قیمولیا ص : ۱۷۹
- باب - ۱۴۵ فی ضعف المعده
مرجان ص : ۱۸۰
- اترج ص : ۱۸۰
- سماق ص : ۱۸۰
- هللیج ص : ۱۸۰
- بسباسه ص : ۱۸۰
- بادرنجبویه ص : ۱۸۰

- کهربا ص : ۱۸۰
- مصطکی ص : ۱۸۰
- سنبل هندی ص : ۱۸۰
- صندل ایض ص : ۱۸۰
- ورق الزیتون ص : ۱۸۰
- امرباریس ص : ۱۸۰
- قاقله کبیره ص : ۱۸۰
- قصب الزریره ص : ۱۸۰
- کزبره خضرا ص : ۱۸۰
- قسط هندی ص : ۱۸۰
- زنجبیل ص : ۱۸۰
- لیمون ص : ۱۸۰
- فوفل ص : ۱۸۰
- سویق الشعیر ص : ۱۸۰
- حصرم ص : ۱۸۰
- باب - ۱۴۶ فی وجع المعده
- غاریقون ص : ۱۸۰
- افستین ص : ۱۸۰
- عنبر ص : ۱۸۰
- عنب الثعلب ص : ۱۸۰
- مصطکی ص : ۱۸۰
- سنبل هندی ص : ۱۸۰
- حجر المرمر ص : ۱۸۰
- لوز حلو ص : ۱۸۰
- حنظل ص : ۱۸۰
- حطب الزیتون ص : ۱۸۰
- باب - ۱۴۷ فی لهب المعده
- کزبره خضرا ص : ۱۸۰
- صندل ایض ص : ۱۸۰
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۰
- بزر قطونا ص : ۱۸۰
- نارنج ص : ۱۸۰
- قرع ص : ۱۸۰

- باب - ۱۴۸ فی ورم المعده
 عنب الثعلب ص : ۱۸۱
 امبر باریس ص : ۱۸۱
 باب - ۱۴۹ فی الفواق
 نمام ص : ۱۸۱
 جندیدستر ص : ۱۸۱
 نعناع ص : ۱۸۱
 مومیائی ص : ۱۸۱
 دارچینی ص : ۱۸۱
 کمون ص : ۱۸۱
 فستق ص : ۱۸۱
 نشادر ص : ۱۸۱
 فلفل اسود ص : ۱۸۱
 شابانک ص : ۱۸۱
 باب - ۱۵۰ فی الغثیان
 نانخواه ص : ۱۸۱
 طباشیر ص : ۱۸۱
 کباش قرنفل ص : ۱۸۱
 سنبل هندی ص : ۱۸۱
 زرنباد ص : ۱۸۱
 لیمون مالح ص : ۱۸۱
 حصرم ص : ۱۸۱
 فصل فیما یقطع القی و التهوع ص : ۱۸۱
 آب انار ترش ص : ۱۸۱
 قاقله صغیره ص : ۱۸۱
 ملح ص : ۱۸۱
 اترج ص : ۱۸۱
 سنبل هندی ص : ۱۸۱
 مسک ص : ۱۸۱
 باب - ۱۵۱ فی العطش
 یاقوت احمر ص : ۱۸۱
 قرع ص : ۱۸۱
 تمر هندی ص : ۱۸۱

- حصرم ص : ۱۸۱
- طباشیر ص : ۱۸۱
- هندبا ص : ۱۸۱
- لبن الحلیب ص : ۱۸۱
- باب - ۱۵۲ فی رطوبة المعده
- کاشم ص : ۱۸۲
- ورد یابس ص : ۱۸۲
- کمون ص : ۱۸۲
- قرنفل ص : ۱۸۲
- اترج ص : ۱۸۲
- زرنباد ص : ۱۸۲
- زنجبیل ص : ۱۸۲
- حنظل ص : ۱۸۲
- باب ۱۵۳ فی برد المعده
- حب البلسان ص : ۱۸۲
- حرف ص : ۱۸۲
- درونج عقربی ص : ۱۸۲
- ننع ص : ۱۸۲
- وج ص : ۱۸۲
- سنبل ص : ۱۸۲
- باب ۱۵۴ فی نفخ المعده و ریاحها
- سنبل رومی ص : ۱۸۲
- درونج ص : ۱۸۲
- عود البخور ص : ۱۸۲
- اترج ص : ۱۸۲
- ملح هندی ص : ۱۸۲
- مصطکی ص : ۱۸۲
- باب ۱۵۵ فی قیء الدم
- خطمی ص : ۱۸۲
- کهریا ص : ۱۸۲
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۲
- عقیق ص : ۱۸۲
- قشر الرمان ص : ۱۸۲

- زمرد ص : ۱۸۲
- سندروس ص : ۱۸۲
- خشخاش ص : ۱۸۲
- مومیائی ص : ۱۸۲
- باب ۱۵۶ فی الجشاء الحامض
- کزیره الخضراء ص : ۱۸۲
- غاریقون ص : ۱۸۲
- مصطکی ص : ۱۸۲
- کراث ص : ۱۸۲
- ماء الورد ص : ۱۸۲
- باب ۱۵۷ فی حرقة المعده
- سنبل هندی ص : ۱۸۳
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۳
- سمسم ص : ۱۸۳
- لبن الماعز ص : ۱۸۳
- سمک طری ص : ۱۸۳
- ماء الجبن ص : ۱۸۳
- باب ۱۵۸ فی قروح المعده
- خرنوب شامی ص : ۱۸۳
- لبن حلیب ص : ۱۸۳
- قرطاس ص : ۱۸۳
- باب ۱۵۹ فی ضعف الكبد
- بزر الكتوث ص : ۱۸۳
- زیب احمر ص : ۱۸۳
- سنبل هندی ص : ۱۸۳
- مصطکی ص : ۱۸۳
- فستق ص : ۱۸۳
- امبر باریس ص : ۱۸۳
- قصب الزریره ص : ۱۸۳
- بسباسه ص : ۱۸۳
- وج ص : ۱۸۳
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۳
- سماق ص : ۱۸۳

- صبر ص : ۱۸۳
- نعنع ص : ۱۸۳
- درونج ص : ۱۸۳
- کفر الیهود ص : ۱۸۳
- کزمازک ص : ۱۸۳
- باب ۱۶۰ فی وجع الکبد
- سنبل هندی ص : ۱۸۳
- قرع ص : ۱۸۳
- فستق ص : ۱۸۳
- ساذج هندی ص : ۱۸۳
- حجر ارمنی ص : ۱۸۳
- حضض مکی ص : ۱۸۳
- خردل ص : ۱۸۳
- دهن البندق ص : ۱۸۳
- کرفس ص : ۱۸۳
- جمل ص : ۱۸۳
- لاجورد ص : ۱۸۳
- باب ۱۶۱ فی ورم الکبد
- عنب الثعلب ص : ۱۸۴
- روغن بادام ص : ۱۸۴
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۴
- نعنع ص : ۱۸۴
- مصطکی ص : ۱۸۴
- فوه الصیغ ص : ۱۸۴
- حضض ص : ۱۸۴
- سنبل هندی ص : ۱۸۴
- باب ۱۶۲ فی صلابة الکبد
- غافث ص : ۱۸۴
- جوزبوا ص : ۱۸۴
- افستین ص : ۱۸۴
- غار ص : ۱۸۴
- عنب الثعلب ص : ۱۸۴
- بابونج ص : ۱۸۴

- باب ۱۶۳ فی سدد الکبد
 فرنجمشک ص : ۱۸۴
 رازیانج ص : ۱۸۴
 جنطیانا ص : ۱۸۴
 قسط هندی ص : ۱۸۴
 نانخواه ص : ۱۸۴
 لوزمر ص : ۱۸۴
 زراوند مدحرج ص : ۱۸۴
 جرجیر ص : ۱۸۴
 عود البلسان ص : ۱۸۴
 وج کهربا ص : ۱۸۴
 شیطرج ص : ۱۸۴
 بزر هندبا بستانی ص : ۱۸۴
 بادنجان ص : ۱۸۴
 باقلا ص : ۱۸۴
 باب فی الیرقان الاصفر کشوت ص : ۱۸۴
 کهربا ص : ۱۸۴
 عنب الثعلب ص : ۱۸۴
 بقله یمانیه ص : ۱۸۴
 کبریت ص : ۱۸۴
 فجل ص : ۱۸۴
 نار دین ص : ۱۸۴
 قرع ص : ۱۸۴
 هلیج اصفر ص : ۱۸۴
 باب ۱۶۴ فی سو القنیه
 حندقوی ص : ۱۸۵
 تین ص : ۱۸۵
 کرویا ص : ۱۸۵
 حمص احمر ص : ۱۸۵
 باب فی استسقاء طبلی حندقوی ص : ۱۸۵
 حلتیت ص : ۱۸۵
 دارچینی ص : ۱۸۵
 اسارون ص : ۱۸۵

- خل ص : ۱۸۵
- زنجبیل ص : ۱۸۵
- باب ۱۶۵ فی الاستسقاء الزقی
- لبن اللقاح قصب الذریره بذر کرفس ص : ۱۸۵
- مر ص : ۱۸۵
- سنبل رومی ص : ۱۸۵
- حنظل ص : ۱۸۵
- غافث ص : ۱۸۵
- صدف ص : ۱۸۵
- بورق ص : ۱۸۵
- فجل ص : ۱۸۵
- توبال النحاس ص : ۱۸۵
- ملح ص : ۱۸۵
- باب ۱۶۶ فی استسقاء لحمی
- قنفذ البری ص : ۱۸۵
- تین ص : ۱۸۵
- کمون ص : ۱۸۵
- حصاء البقر ص : ۱۸۵
- سنبل هندی ص : ۱۸۵
- اسارون ص : ۱۸۵
- دم المعز ص : ۱۸۵
- جلنار ص : ۱۸۵
- باب ۱۶۷ فی خروج السره
- عفص ص : ۱۸۵
- مصطکی ص : ۱۸۵
- باب ۱۶۸ فی الطحال
- کبر ص : ۱۸۶
- کرفس ص : ۱۸۶
- فوه الصبغ ص : ۱۸۶
- راوند ص : ۱۸۶
- غاریقون ص : ۱۸۶
- رازیانج ص : ۱۸۶
- اسارون ص : ۱۸۶

- فستق ص : ۱۸۶
- غارلوز ص : ۱۸۶
- تین ص : ۱۸۶
- تودری ص : ۱۸۶
- سکنجین بزوری ص : ۱۸۶
- باب ۱۶۹ فی وجع الطحال
- سنجار ص : ۱۸۶
- دهن اللوز ص : ۱۸۶
- دلدل ص : ۱۸۶
- ثوم ص : ۱۸۶
- وج ص : ۱۸۶
- خبث الحديد ص : ۱۸۶
- باب - ۱۷۰ فی ورم الطحال
- جعده ص : ۱۸۶
- مر ص : ۱۸۶
- زراوند مدحرج ص : ۱۸۶
- مرجان ص : ۱۸۶
- کرنب ص : ۱۸۶
- وج ص : ۱۸۶
- کرم ص : ۱۸۶
- عنب الثعلب ص : ۱۸۶
- باب ۱۷۱ صلابه الطحال
- قنطوریون ص : ۱۸۶
- مازریون ص : ۱۸۶
- سندروس ص : ۱۸۶
- وج ص : ۱۸۶
- اسارون ص : ۱۸۶
- حلتیت ص : ۱۸۶
- اشنه ص : ۱۸۶
- باب ۱۷۲ فی وجع الجنب البارد
- سنبل هندی ص : ۱۸۶
- باب - ۱۷۳ فی المغص
- نانخواه ص : ۱۸۷

مصطکی ص : ۱۸۷

اترج ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۴ فی السحج

کهربائی مسحوق ص : ۱۸۷

عفص ص : ۱۸۷

بیضه نیم برشت ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۵ فی اسهال الصفراوی

شاهسفرم ص : ۱۸۷

طین ارمنی ص : ۱۸۷

سویق الشعیر ص : ۱۸۷

خشخاش ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۶ فی اسهال الکبد

حی العالم ص : ۱۸۷

خس ص : ۱۸۷

انفحه الفرس ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۷ فی اسهال المزمن

مقل مکی ص : ۱۸۷

حضض مکی ص : ۱۸۷

حدید ص : ۱۸۷

توت شامی ص : ۱۸۷

کهربا ص : ۱۸۷

اقماع بادنجان ص : ۱۸۷

نشا ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۸ فی قروح الامعا

باقلا ص : ۱۸۷

جلنار ص : ۱۸۷

بقلة الحمقا ص : ۱۸۷

فیروزج ص : ۱۸۷

نیلوفر ص : ۱۸۷

مصطکی ص : ۱۸۷

خبث الحدید ص : ۱۸۷

خل ص : ۱۸۷

باب - ۱۷۹ فی ادویة القابضه

- انبرباریس ص : ۱۸۸
- دارشیشعان ص : ۱۸۸
- شاهسفرم ص : ۱۸۸
- خشخاش ص : ۱۸۸
- باب - ۱۸۰ در قولنج
- قنطوریون ص : ۱۸۸
- ناردین ص : ۱۸۸
- ماء شعیر ص : ۱۸۸
- پارچه ناف ولد ص : ۱۸۸
- هلیون ص : ۱۸۸
- حنظل ص : ۱۸۸
- تین ص : ۱۸۸
- راوند طویل ص : ۱۸۸
- خرء الدیك ص : ۱۸۸
- ریوند ص : ۱۸۸
- زنجبیل ص : ۱۸۸
- باب - ۱۸۱ فی الیدان و الحیات
- مشمش ص : ۱۸۸
- رمان ص : ۱۸۸
- کاشم ص : ۱۸۸
- قنبیل ص : ۱۸۸
- فوتنج ص : ۱۸۸
- تریاق فاروق ص : ۱۸۸
- قسط و مر ص : ۱۸۸
- برنج کابلی ص : ۱۸۸
- قیسوم ص : ۱۸۸
- نفظ ص : ۱۸۸
- باب - ۱۸۲ فی وجع الکلی
- قردمانا ص : ۱۸۹
- قسط ص : ۱۸۹
- بقلة الحمقا ص : ۱۸۹
- غاریقون ص : ۱۸۹
- نشاء الحنطه ص : ۱۸۹

- شاهسفرم ص : ۱۸۹
- لاجورد ص : ۱۸۹
- باب - ۱۸۳ فی قروح الکلی
- خطمی ص : ۱۸۹
- کاکنج ص : ۱۸۹
- دهن الورد ص : ۱۸۹
- انجبار رب ص : ۱۸۹
- بهمنین ص : ۱۸۹
- باب - ۱۸۴ فی الرمل و الحصى
- غاریقون ص : ۱۸۹
- دهن لوز حلو ص : ۱۸۹
- قلت ص : ۱۸۹
- ثوم ص : ۱۸۹
- فوه الصبغ ص : ۱۸۹
- بیضه ص : ۱۸۹
- باب - ۱۸۵ فی ورم الکلی
- زوفائی رطب ص : ۱۸۹
- نشا ص : ۱۸۹
- بزر کتان ص : ۱۸۹
- باب - ۱۸۶ فی وجع المثانه
- خبازی ص : ۱۸۹
- دهن الورد ص : ۱۸۹
- لوز حلو ص : ۱۸۹
- لاجورد ص : ۱۸۹
- شیترج ص : ۱۸۹
- سنبل رومی ص : ۱۸۹
- کزبره ص : ۱۸۹
- بقلته الحمقا ص : ۱۸۹
- باب - ۱۸۷ فی حصاء المثانه
- لبن النساء ص : ۱۹۰
- بطیخ ص : ۱۹۰
- حمام ص : ۱۹۰
- فجل ص : ۱۹۰

- وج ص : ۱۹۰
- سرطان نهری ص : ۱۹۰
- عقرب ص : ۱۹۰
- مقل ازرق ص : ۱۹۰
- حجر یهود ص : ۱۹۰
- اسقولوقندریون ص : ۱۹۰
- شونیز ص : ۱۹۰
- افستین ص : ۱۹۰
- باب - ۱۸۸ فی حرقة البول
- کزبره خضرا ص : ۱۹۰
- خس ص : ۱۹۰
- هندبا ص : ۱۹۰
- بقله الحمقا ص : ۱۹۰
- بزرقطونا ص : ۱۹۰
- باب - ۱۸۹ فی سلسل البول و تقطیر و ادرار آن
- ناردین ص : ۱۹۰
- بطیخ ص : ۱۹۰
- قسط بهمنین ص : ۱۹۰
- خسک ص : ۱۹۰
- باب - ۱۹۰ فی عسر بول خطمی
- بیخ ص : ۱۹۰
- شکر ص : ۱۹۰
- بسد ص : ۱۹۰
- حجر یهود ص : ۱۹۰
- کهریا ص : ۱۹۰
- لوز مر ص : ۱۹۰
- خردل ص : ۱۹۰
- بابونج ص : ۱۹۰
- مقل ازرق ص : ۱۹۰
- شقایق ص : ۱۹۱
- فلفل اسود ص : ۱۹۱
- بزر القرع ص : ۱۹۱
- لوز حلو ص : ۱۹۱

قفر اليهود ص : ۱۹۱

زرنباد ص : ۱۹۱

باب - ۱۹۱ فی بول الدم و جموده فی المثانه

انجبار ص : ۱۹۱

کاکنج ص : ۱۹۱

جلنار ص : ۱۹۱

شب ص : ۱۹۱

اظفار الطیب ص : ۱۹۱

باب - ۱۹۲ فی ورم المقعد

خیری ص : ۱۹۱

رصاص ص : ۱۹۱

مصطکی ص : ۱۹۱

دهن الحلبه ص : ۱۹۱

باب - ۱۹۳ فی قروح المقعد

صبر ص : ۱۹۱

سذاب ص : ۱۹۱

رمان حامض ص : ۱۹۱

خولان ص : ۱۹۱

باب - ۱۹۴ فی البواسیر

شاهسفرم ص : ۱۹۱

خبث الحديد ص : ۱۹۱

هللیج اصفر ص : ۱۹۱

نارجیل ص : ۱۹۱

سم البقر ص : ۱۹۱

طین ارمنی ص : ۱۹۱

رصاص ص : ۱۹۱

شبت ص : ۱۹۲

صدف ص : ۱۹۲

اترج ص : ۱۹۲

صبر ص : ۱۹۲

لوز مر ص : ۱۹۲

شراب عتیق ص : ۱۹۲

باب - ۱۹۵ فی الجماع و الشهوة

- آذریون ص : ۱۹۲
- بطم ص : ۱۹۲
- جوز الاکل ص : ۱۹۲
- جرجیر ص : ۱۹۲
- حرف ص : ۱۹۲
- دهن السمسم ص : ۱۹۲
- عاققرحا ص : ۱۹۲
- جندیستر ص : ۱۹۲
- انیسون ص : ۱۹۲
- ناردین ص : ۱۹۲
- لبن البقر ص : ۱۹۲
- مرارة الثور ص : ۱۹۲
- خصی العجل ص : ۱۹۲
- بطیخ اصفر ص : ۱۹۲
- بندق ص : ۱۹۲
- خفاش ص : ۱۹۲
- عاققرحا ص : ۱۹۲
- انزروت ص : ۱۹۲
- انفحة الجمل ص : ۱۹۲
- جوز ریته ص : ۱۹۲
- تودری ص : ۱۹۲
- فجل ص : ۱۹۲
- وج ص : ۱۹۲
- روبیان ص : ۱۹۲
- لبن النعاج ص : ۱۹۲
- قسط هندی ص : ۱۹۲
- موز ص : ۱۹۳
- سفنقور ص : ۱۹۳
- شقایق اربما ص : ۱۹۳
- سمک صیدا ص : ۱۹۳
- لؤلؤ ص : ۱۹۳
- دراج ص : ۱۹۳
- تمساح ص : ۱۹۳

- سلحفات ص : ۱۹۳
- حرف ص : ۱۹۳
- باب - ۱۹۶ فی قلت منی
- کراث ص : ۱۹۳
- سورنجان ص : ۱۹۳
- شقاقل رومی ص : ۱۹۳
- سمک طری ص : ۱۹۳
- لبن البقر الحلیب ص : ۱۹۳
- فرخ الحمام ص : ۱۹۳
- باب - ۱۹۷ فی الادویة المغلظة
- پیه ورل ص : ۱۹۳
- انجره ص : ۱۹۳
- باب - ۱۹۸ فی الکسلان بعد الجماع
- ایرسا ص : ۱۹۳
- دواء المسک ص : ۱۹۳
- مفرح یاقوتی ص : ۱۹۳
- باب - ۱۹۹ فی قروح الانثین
- صبر ص : ۱۹۳
- شب یمانی ص : ۱۹۳
- لبن النساء ص : ۱۹۳
- بول انسان ص : ۱۹۳
- طین ارمنی اسفیداج ص : ۱۹۳
- افیون ص : ۱۹۳
- آس ص : ۱۹۳
- باب - ۲۰۰ فی الفتق
- خراطین ص : ۱۹۴
- وج ص : ۱۹۴
- باقلا ص : ۱۹۴
- عنبر خام ص : ۱۹۴
- بزرقطونا ص : ۱۹۴
- باب - ۲۰۱ فی القبلة و الادرة
- بزرقطونا ص : ۱۹۴
- طحلب ص : ۱۹۴

- فیروزج ص : ۱۹۴
- باب - ۲۰۲ فی وجع الرحم
حلبه ص : ۱۹۴
- لاذن ص : ۱۹۴
- دارچینی ص : ۱۹۴
- شبت ص : ۱۹۴
- اللوز الحلو ص : ۱۹۴
- باب - ۲۰۳ فی ورم الرحم
سنبل هندی ص : ۱۹۴
- هوفاریقون ص : ۱۹۴
- زرنباد ص : ۱۹۴
- لوز المر ص : ۱۹۴
- سنبل رومی ص : ۱۹۴
- زعفران ص : ۱۹۴
- شبت ص : ۱۹۴
- صبر ص : ۱۹۴
- سلیخه ص : ۱۹۴
- ایل ص : ۱۹۴
- باب - ۲۰۴ اختناق الرحم
خردل ص : ۱۹۴
- قفر یهود ص : ۱۹۴
- سکینج ص : ۱۹۴
- سنبل هندی ص : ۱۹۴
- کهریا ص : ۱۹۴
- جندیستر ص : ۱۹۴
- جاوشیر ص : ۱۹۴
- باب - ۲۰۵ فی قروح الرحم
نسرین ص : ۱۹۵
- صبر ص : ۱۹۵
- لبن حلیب ص : ۱۹۵
- مخ ساق البقر ص : ۱۹۵
- سنبل رومی ص : ۱۹۵
- زراوند مدحرج ص : ۱۹۵

- قنطوریون ص : ۱۹۵
- لبن فرس ص : ۱۹۵
- فلفل ایض ص : ۱۹۵
- خروج ص : ۱۹۵
- قصب الزریره ص : ۱۹۵
- تریاق فاروق ص : ۱۹۵
- درونج ص : ۱۹۵
- فجل ص : ۱۹۵
- زنجبیل ص : ۱۹۵
- مر ص : ۱۹۵
- ریتته ص : ۱۹۵
- حرف ص : ۱۹۵
- شراب کهنه ص : ۱۹۵
- جندیستر ص : ۱۹۵
- باب - ۲۰۶ فی الرطوبة السائلة من الرحم
- سنبل هندی ص : ۱۹۵
- زیتون ص : ۱۹۵
- قرن ایل ص : ۱۹۵
- عفص ص : ۱۹۵
- جلنار ص : ۱۹۵
- جندیستر ص : ۱۹۵
- شبت ص : ۱۹۵
- حنظل ص : ۱۹۵
- باب - ۲۰۷ فی صلابة الرحم
- خبازی ص : ۱۹۵
- قصب الزریره ص : ۱۹۵
- باب - ۲۰۸ فی الادویة المضیقة للرحم
- عفص سبز ص : ۱۹۶
- سعد ص : ۱۹۶
- دم الاخوین ص : ۱۹۶
- مرارة الثور ص : ۱۹۶
- شحم رمان الحامض ص : ۱۹۶
- بادنجان ص : ۱۹۶

- لبن الفرس ص : ۱۹۶
- باب - ۲۰۹ فی الادویة المعینة علی الحبل
بلسان ص : ۱۹۶
- لبن البلسان ص : ۱۹۶
- زرق البازی ص : ۱۹۶
- کلب ص : ۱۹۶
- حجر الدم ص : ۱۹۶
- عاج ص : ۱۹۶
- زبل الثعلب ص : ۱۹۶
- مر ص : ۱۹۶
- باب - ۲۱۰ فی ادویة المانعۀ من الحبل
نعناع ص : ۱۹۶
- زنجار ص : ۱۹۶
- خبث الحديد ص : ۱۹۶
- حلتیت ص : ۱۹۷
- فوفل ص : ۱۹۷
- قلب ارنب ص : ۱۹۷
- دم الذئب ص : ۱۹۷
- میعه سائله ص : ۱۹۷
- بول الکبش ص : ۱۹۷
- باب - ۲۱۱ فی الادویة المانعۀ من سقوط الجنین
کهربا ص : ۱۹۷
- عقرب ص : ۱۹۷
- مرجان ص : ۱۹۷
- زبد البحر ص : ۱۹۷
- باب - ۲۱۲ فی المسهلۀ للولاده
صعتر ص : ۱۹۷
- حجر المقناطیس ص : ۱۹۷
- کزبره خضرا ص : ۱۹۷
- زبد البحر ص : ۱۹۷
- زبل البقر ص : ۱۹۷
- زمرد ص : ۱۹۷
- بوزیدان ص : ۱۹۷

- صمغ عربی ص : ۱۹۷
- شعر الانسان ص : ۱۹۷
- تریاق فاروق ص : ۱۹۷
- زبرجد ص : ۱۹۷
- ساذج هندی ص : ۱۹۷
- حنظل ص : ۱۹۷
- بعر الغنم ص : ۱۹۷
- دست طفل ص : ۱۹۷
- باب - ۲۱۳ فی اخراج الجنین الميت
مشکطرامشیع ص : ۱۹۷
- مازیون ص : ۱۹۷
- جندیستر ص : ۱۹۷
- دارچینی و مر ص : ۱۹۷
- مراره الثور ص : ۱۹۷
- باب - ۲۱۴ فی اوجاع المفاصل الباردة
خروج ص : ۱۹۸
- مقل یهود ص : ۱۹۸
- بوزیدان ص : ۱۹۸
- صبر ص : ۱۹۸
- اسارون ص : ۱۹۸
- رماد الحدادین ص : ۱۹۸
- بول البقر ص : ۱۹۸
- ملح و مر ص : ۱۹۸
- باب - ۲۱۵ فی النقرس الحار
حی العالم ص : ۱۹۸
- شعر صبی چهل روزه ص : ۱۹۸
- طحلب ص : ۱۹۸
- عنب الثعلب و صندل سفید ص : ۱۹۸
- صندل ابیض ص : ۱۹۸
- عدس ص : ۱۹۸
- بزرقطونا ص : ۱۹۸
- هندبا ص : ۱۹۸
- قرع ص : ۱۹۸

- حجر المقنطیس ص : ۱۹۸
- باب - ۲۱۶ فی النقرس البارد
- شلجم ص : ۱۹۸
- لبن التین ص : ۱۹۸
- ماهودانه ص : ۱۹۸
- ملح الطعام ص : ۱۹۸
- سورنجان ص : ۱۹۸
- دارفلفل ص : ۱۹۸
- زنجبیل ص : ۱۹۸
- حمص منقوعه ص : ۱۹۸
- لحم الارنب ص : ۱۹۸
- وج ص : ۱۹۸
- خذف تنور ص : ۱۹۸
- زراوند طویل ص : ۱۹۸
- خروج ص : ۱۹۸
- خردل ص : ۱۹۸
- دجاجه ص : ۱۹۸
- بول انسان ص : ۱۹۸
- جندیستر ص : ۱۹۸
- زنجار ص : ۱۹۸
- باب - ۲۱۷ فی عرق النساء
- قنطوریون دقیق ص : ۱۹۹
- میعه سایله ص : ۱۹۹
- ایرسا ص : ۱۹۹
- بعر الماعز ص : ۱۹۹
- فوه الصبغ ص : ۱۹۹
- ثوم ص : ۱۹۹
- رشاد ص : ۱۹۹
- غاریقون ص : ۱۹۹
- کمافیطوس ص : ۱۹۹
- قسط ص : ۱۹۹
- عود البلسان ص : ۱۹۹
- کبر ص : ۱۹۹

- قثاء الحمار ص : ۱۹۹
- تریاق فاروق ص : ۱۹۹
- انجدان بآرد ص : ۱۹۹
- ایرسا ص : ۱۹۹
- عاققرحا ص : ۱۹۹
- شیطرج ص : ۱۹۹
- کراث شامی ص : ۱۹۹
- حب النیل ص : ۱۹۹
- نانخواه ص : ۱۹۹
- کندش ص : ۱۹۹
- قولنجان ص : ۱۹۹
- یاسمین ص : ۱۹۹
- خفاش ص : ۱۹۹
- باب - ۲۱۸ فی وجع الورك
- اسفناخ ص : ۱۹۹
- سنا ص : ۱۹۹
- ثوم ص : ۱۹۹
- فوه الصبغ ص : ۱۹۹
- خل ص : ۱۹۹
- کمافیطوس ص : ۱۹۹
- زعفران ص : ۱۹۹
- اسارون ص : ۱۹۹
- صعتر ص : ۱۹۹
- راسن ص : ۱۹۹
- تین یابس ص : ۱۹۹
- انزروت ص : ۱۹۹
- زرنباد ص : ۱۹۹
- شیطرج و راسن ص : ۱۹۹
- حنظل ص : ۱۹۹
- سنبل هندی ص : ۱۹۹
- لسان الثور ص : ۱۹۹
- جاوشیر ص : ۲۰۰
- ماء الشعیر ص : ۲۰۰

- محموده ص : ۲۰۰
- فجل ص : ۲۰۰
- راوند ص : ۲۰۰
- مر ص : ۲۰۰
- صدف ص : ۲۰۰
- سورنجان ص : ۲۰۰
- قفر اليهود ص : ۲۰۰
- تشریح الفاظ طب فریدی ص : ۱
- (الف) ص : ۱
- آبار: ص : ۱
- آذان الفار: ص : ۱
- آزاد: ص : ۱
- آس البری: ص : ۱
- ابن عروس: ص : ۱
- اتان: ص : ۱
- اثل: ص : ۱
- اتمد: ص : ۱
- ارنب: ص : ۱
- اسفناخ: ص : ۱
- اسفیداج: ص : ۱
- اسفیداج الرصاص: ص : ۱
- اسفیداج: ص : ۱
- اسقولوقندریون: ص : ۱
- اشنان اخضر: ص : ۱
- اصطمرک: ص : ۱
- اصطمیخون: ص : ۱
- اصفهانى: ص : ۱
- اغبر: ص : ۱
- الیه: ص : ۱
- انبرباریس: ص : ۱
- انجره: ص : ۱
- انجمشک: ص : ۱
- انديبار: ص : ۱

- انفحة الارنب: ص : ۱
- انقرديا: ص : ۱
- اوز: ص : ۱
- اياعابس: ص : ۱
- (ب) ص : ۲
- بادروج: ص : ۲
- بتادريطوس: ص : ۲
- باسليقون: ص : ۲
- بخورمريم: ص : ۲
- بردي: ص : ۲
- برذون: ص : ۲
- برطانيقي: ص : ۲
- برنوف: ص : ۲
- برود حصرم: ص : ۲
- بذر القصيصة: ص : ۲
- بذر القطف: ص : ۲
- بستان افروز: ص : ۲
- بسر: ص : ۲
- پشه: ص : ۲
- بقس و بقسيس: ص : ۲
- بقله يمانيه: ص : ۲
- بلبوس: ص : ۲
- بنهفش: ص : ۲
- پوش: ص : ۲
- بهار: ص : ۲
- بهار صغير: ص : ۲
- بهرامج: ص : ۲
- (ت) ص : ۲
- تاج خروس: ص : ۲
- تبادريطوس: ص : ۲
- ترمس: ص : ۳
- ترنجان: ص : ۳
- تعلق: ص : ۳

- توبال النحاس: ص : ۳
- تیثا: ص : ۳
- تیس: ص : ۳
- تیل: ص : ۳
- (ج) ص : ۳
- جار النهر: ص : ۳
- جاری: ص : ۳
- جاورس: ص : ۳
- جسین: ص : ۳
- جبن: ص : ۳
- جسین: ص : ۳
- جردان: ص : ۳
- جزع: ص : ۳
- جعهده: ص : ۳
- جعهده القنی: ص : ۳
- جلد: ص : ۳
- جمار النخل: ص : ۳
- جورا: ص : ۳
- جوز الرقع: ص : ۳
- جوز رومی: ص : ۳
- جیلی: ص : ۳
- (ح) ص : ۳
- حاشا: ص : ۳
- حالبی: ص : ۳
- حب الکلی: ص : ۳
- حب المتن: ص : ۴
- حب القوقا: ص : ۴
- حباقا: ص : ۴
- حبق: ص : ۴
- حجر البجازو: ص : ۴
- حجر البقر: ص : ۴
- حجر بجادق: ص : ۴
- حجر الجرح: ص : ۴

- حجر الحیه: ص : ۴
- حجر العتیق: ص : ۴
- حجر غاغطیس: ص : ۴
- حجر المها: ص : ۴
- حجر یوف: ص : ۴
- حجر اسیوس: ص : ۴
- حجر الحادی: ص : ۴
- حجر الحدیدی: ص : ۴
- حجر الخمار: ص : ۴
- حجر السنج: ص : ۴
- مجر اللمت: ص : ۴
- حجر منقا: ص : ۴
- حجر بس: ص : ۴
- حجر مریم: ص : ۴
- حجر مشطب: ص : ۴
- حجر مشفق: ص : ۴
- حجل: ص : ۴
- حرف: ص : ۴
- حرمل: ص : ۴
- حرشف: ص : ۴
- حشیشه: ص : ۴
- حصاء البقر: ص : ۴
- حصرم: ص : ۴
- حلزون الصغیر: ص : ۵
- حماما: ص : ۵
- حمام: ص : ۵
- حمحم: ص : ۵
- حماض سوائی: ص : ۵
- حماض مائی: ص : ۵
- حماض: ص : ۵
- حمار النحل: ص : ۵
- حمت: ص : ۵
- حندقوقی: ص : ۵

- حنیسی: ص : ۵
- حوقو: ص : ۵
- حی العالم: ص : ۵
- (خ) ص : ۵
- خترق: ص : ۵
- خرء الدیك: ص : ۵
- خرء السنور: ص : ۵
- خرزه البقر: ص : ۵
- خرنوب: ص : ۵
- خروع: ص : ۵
- خروف: ص : ۵
- خس: ص : ۵
- خطاف: ص : ۵
- خطیته: ص : ۵
- خلاف: ص : ۵
- خلد: ص : ۵
- خماهان: ص : ۵
- خندروس: ص : ۵
- خنفسا: ص : ۵
- ختی: ص : ۶
- خنیس: ص : ۶
- خوخ: ص : ۶
- خوص النخل: ص : ۶
- خولان: ص : ۶
- خیری اصغر: ص : ۶
- (د) ص : ۶
- داخلیون: ص : ۶
- دبق: ص : ۶
- دخن: ص : ۶
- درونج: ص : ۶
- دفلی: ص : ۶
- دقاق کندر: ص : ۶
- دلب: ص : ۶

- دلفین: ص : ۶
- دود الجراد: ص : ۶
- دوقو: ص : ۶
- دهنج: ص : ۶
- دهن الاجر: ص : ۶
- (ر) ص : ۶
- رامک: ص : ۶
- رجل الحمامه: ص : ۶
- رجله: ص : ۶
- رخمه: ص : ۶
- رطبه: ص : ۶
- رعاد: ص : ۶
- رعی الحمام: ص : ۶
- رکب الفرس: ص : ۶
- روسفتج: ص : ۷
- روی: ص : ۷
- ریباس: ص : ۷
- (ز) ص : ۷
- زیاد: ص : ۷
- زعرور: ص : ۷
- زهرة الملح: ص : ۷
- زوفای خشک: ص : ۷
- زوفای رطب: ص : ۷
- زوفرا: ص : ۷
- (س) ص : ۷
- ساج: ص : ۷
- ساسالیوس: ص : ۷
- سبج: ص : ۷
- سبوط: ص : ۷
- سبویرج: ص : ۷
- سجرنیا: ص : ۷
- سدر: ص : ۷
- سرخس: ص : ۷

- سرمق: ص : ۷
- سكر العشر: ص : ۷
- سلت: ص : ۷
- سلحفات: ص : ۷
- سلق: ص : ۷
- سلم: ص : ۷
- سلمه: ص : ۷
- سلوی: ص : ۷
- سمانی: ص : ۸
- سمسم: ص : ۸
- سمک رضراض: ص : ۸
- سمن العتیق: ص : ۸
- سمید: ص : ۸
- سنبادج: ص : ۸
- سنبوسک: ص : ۸
- سندروس: ص : ۸
- سنج: ص : ۸
- سنجار: ص : ۸
- سنگ یوف: ص : ۸
- سهجنه: ص : ۸
- سهمانج: ص : ۸
- سیسالیوس: ص : ۸
- سیسالیون: ص : ۸
- (ش) ص : ۸
- شابانک: ص : ۸
- شاهسفرم: ص : ۸
- شبوط: ص : ۸
- شجره البق: ص : ۸
- شجره النبق: ص : ۸
- شجره مریم: ص : ۸
- شحم الاوز: ص : ۸
- شحم القاوند: ص : ۸
- شفانیز: ص : ۸

- شفانه: ص : ۸
- شفینن: ص : ۸
- شمام: ص : ۸
- شمس: ص : ۸
- شبلید و شنبلیت: ص : ۹
- شوکه مصریه: ص : ۹
- شونیز: ص : ۹
- شهدانج: ص : ۹
- شیاف الآبار: ص : ۹
- شیاف ویزج: ص : ۹
- شیان: ص : ۹
- شیح: ص : ۹
- شیح جبلی: ص : ۹
- شیرج: ص : ۹
- شیلیم: ص : ۹
- شئون: ص : ۹
- (ص) ص : ۹
- صداء الحديد: ص : ۹
- صدف القرفر: ص : ۹
- صرصر: ص : ۹
- صفصاف: ص : ۹
- صقر: ص : ۹
- صمغ البلاط: ص : ۹
- صمغ السداب: ص : ۹
- صمغ العتیق: ص : ۹
- صمک رضراض: ص : ۹
- صندل قاصری: ص : ۹
- (ض) ص : ۹
- ضبع: ص : ۹
- ضرو: ص : ۹
- ضیب: ص : ۹
- (ط) ص : ۱۰
- طالیسفر: ص : ۱۰

- طالیقون: ص : ۱۰
- طبرزد: ص : ۱۰
- طراثیث: ص : ۱۰
- طرخشقوق: ص : ۱۰
- طرفا: ص : ۱۰
- طفال: ص : ۱۰
- طلح: ص : ۱۰
- طلع: ص : ۱۰
- طلق: ص : ۱۰
- طلیس و طلینس: ص : ۱۰
- طیهوج: ص : ۱۰
- (ظ) ص : ۱۰
- ظیان: ص : ۱۰
- ظرو: ص : ۱۰
- (ع) ص : ۱۰
- عاعاطیس: ص : ۱۰
- عیثران: ص : ۱۰
- عیثر: ص : ۱۰
- عبهر: ص : ۱۰
- عذب: ص : ۱۰
- عروق صفر: ص : ۱۰
- عروطنیشا: ص : ۱۰
- عزیز: ص : ۱۰
- عشر: ص : ۱۰
- عصی الراعی: ص : ۱۰
- عفص: ص : ۱۰
- عقعق: ص : ۱۰
- عکر الزيت: ص : ۱۰
- علک البطم: ص : ۱۱
- علیق: ص : ۱۱
- عنصل: ص : ۱۱
- عود الاراک: ص : ۱۱
- عود القرچ: ص : ۱۱

- عوسج: ص : ۱۱
- عين الحجل: ص : ۱۱
- عين الكرنب: ص : ۱۱
- (غ) ص : ۱۱
- غار: ص : ۱۱
- غاغاطيس: ص : ۱۱
- غاليه: ص : ۱۱
- غبار الرحي: ص : ۱۱
- غبيره: ص : ۱۱
- غرب: ص : ۱۱
- غرى: ص : ۱۱
- غرى السمك: ص : ۱۱
- (ف) ص : ۱۱
- فاشرا: ص : ۱۱
- فاوانيا: ص : ۱۱
- فراسيون: ص : ۱۱
- فشاغ: ص : ۱۱
- فصفصه: ص : ۱۱
- فطر: ص : ۱۱
- فطراساليون: ص : ۱۱
- فقاح: ص : ۱۱
- فلفل الماء: ص : ۱۱
- فلنجه: ص : ۱۲
- فلوموس: ص : ۱۲
- فلوناتن: ص : ۱۲
- فلونيا: ص : ۱۲
- فورس: ص : ۱۲
- (ق) ص : ۱۲
- قاتل الذئب: ص : ۱۲
- قثاء الحمار: ص : ۱۲
- قراصيا: ص : ۱۲
- قرح: ص : ۱۲
- قرط: ص : ۱۲

- قرع: ص : ۱۲
- قرومانا: ص : ۱۲
- قسوس: ص : ۱۲
- قشور النحاس: ص : ۱۲
- قصب الفارسی: ص : ۱۲
- قصبیه: ص : ۱۲
- قطران: ص : ۱۲
- قطف: ص : ۱۲
- قعرع ص : ۱۲
- قفر اليهود: ص : ۱۲
- قلقدیس: ص : ۱۲
- قلقطار: ص : ۱۲
- قلقنت: ص : ۱۲
- قلی: ص : ۱۲
- قنا: ص : ۱۲
- قنابر: ص : ۱۲
- قنبره: ص : ۱۲
- قنبیط: ص : ۱۲
- قنبیل: ص : ۱۳
- قندول: ص : ۱۳
- قنطوریون دقیق: ص : ۱۳
- قنفلذ: ص : ۱۳
- قیشور: ص : ۱۳
- قیصوم: ص : ۱۳
- (ک) ص : ۱۳
- کاوی: ص : ۱۳
- کبش: ص : ۱۳
- کتم: ص : ۱۳
- کثر: ص : ۱۳
- کحل اغبر: ص : ۱۳
- کر: ص : ۱۳
- کراث: ص : ۱۳
- کرانی: ص : ۱۳

- کرسنه: ص: ۱۳
- کرفس: ص: ۱۳
- کرکر: ص: ۱۳
- کرکی: ص: ۱۳
- کرم: ص: ۱۳
- کرمه بیضا: ص: ۱۳
- کرمه سودا: ص: ۱۳
- کرنب: ص: ۱۳
- کزبره: ص: ۱۳
- کزبره الثعلب: ص: ۱۳
- کشکینه: ص: ۱۳
- کفری: ص: ۱۳
- کما: ص: ۱۳
- کماء: ص: ۱۳
- کماذریوس: ص: ۱۳
- کماشیر: ص: ۱۳
- (ل) ص: ۱۴
- لیلاب: ص: ۱۴
- لوف: ص: ۱۴
- لوف الجعد: ص: ۱۴
- لوف السبط: ص: ۱۴
- (م) ص: ۱۴
- ماء القیری: ص: ۱۴
- ماعز: ص: ۱۴
- مامیثا: ص: ۱۴
- ماهودانه: ص: ۱۴
- محروث: ص: ۱۴
- مخیز: ص: ۱۴
- مرماحوز: ص: ۱۴
- مسحقونیا: ص: ۱۴
- مسطار: ص: ۱۴
- مشمش: ص: ۱۴
- مغموما: ص: ۱۴

- ملوخیا: ص : ۱۴
- مهر: ص : ۱۴
- (ن) ص : ۱۴
- ناردین: ص : ۱۴
- نبق: ص : ۱۴
- نحاس قبرسی: ص : ۱۴
- نحاس محرق: ص : ۱۴
- ندی: ص : ۱۴
- نرسک: ص : ۱۴
- نطرون: ص : ۱۴
- نعامه: ص : ۱۴
- نعجه: ص : ۱۴
- نقط: ص : ۱۵
- نمام: ص : ۱۵
- نیشوق: ص : ۱۵
- (و) ص : ۱۵
- ودع: ص : ۱۵
- ورد الحمیر: ص : ۱۵
- وردشاد: ص : ۱۵
- ورشان: ص : ۱۵
- وسمه: ص : ۱۵
- وطواط: ص : ۱۵
- وعل: ص : ۱۵
- ویزج: ص : ۱۵
- (ه) ص : ۱۵
- هوفاریقون: ص : ۱۵
- (ی) ص : ۱۵
- بیروج: ص : ۱۵
- یتوع: ص : ۱۵

ارجمند آقای دکتر خواجه پیری که بصورت یکی از انتشارات ویژه موسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل (تیرماه ۱۳۸۳) و شمارگان محدود انتشار یافته است.

- [۲] (۲) - کتاب تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان تالیف مرحوم پروفیسور حکیم نیر واسطی - لاهور ۱۳۵۳ هجری شمسی
- [۳] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۴] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۵] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۶] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۷] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۸] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۹] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۰] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۱] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۲] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۳] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۴] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۵] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۶] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۷] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۸] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۱۹] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۲۰] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۲۱] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۲۲] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- [۲۳] حکیم، فرید الدین، طب فریدی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-۲۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

